

شش کلام در وجوه گوناگون نظم جهانی بهائی

علی نخجوانی

موضوع مطالعه: توابع نظم جهانی بهائی

محتوای این مجموعه:

۲	پیشگفتار
۱۴	۱- صلح اصغر و صلح اعظم
	۲- ولایت امرالله و بیت العدل اعظم با توجه به نصوص کتاب اقدس و فقرات الواح وصایا
۳۰	۳- قانون اساسی بیت العدل اعظم
۴۷	۴- نظم اداری بهائی در مقابل نظام های مذهبی و غیرمذهبی
۶۹	۵- نقش جامعه بهائی آمریکا در ظهور نظم جهانی حضرت بهاءالله
۸۲	۶- تکامل نظم اداری بهائی، روح و شکل آن (امرا و علما)
۹۶	نصوص مبارکه در شش سخنرانی
۱۱۳	مراجع و مآخذ

پیشگفتار

شصت جوان بهائی از ۲۴ کشور اروپایی مدت یک هفته جهت مطالعه و جوه مختلف نظم جهان آرای حضرت بهاءالله در آکوئو (ایتالیا) گرد آمدند. این دوره توسط محفل روحانی ملی ایتالیا، با مشاوره با هیأت مشاورین قاره‌ای اروپا ترتیب یافت.

یادداشت‌هایی که در این مجموعه ملاحظه می‌کنید نوشتاری از شش سخنرانی است که در طی هفته ایراد شد. خواننده بعضی مطالب را مشاهده خواهد کرد که در یک یا چند سخنرانی دارای همپوشانی است. چنین موارد تکرار مکرراتی حذف نشده تا متن سخنرانی‌ها همانطور که در کلاس ایراد شده حفظ شود. سؤالات مطروحه و جواب‌های داده شده طبق مواضع سخنرانی هر روز مرتب شده و در انتهای متن هر یک از شش سخنرانی مشاهده می‌شود.

نکاتی که در این یادداشت‌ها مطرح شده، آنطور که من درک کرده‌ام، اکثراً مبتنی بر آثار امر مبارک است. حضرت ولی امرالله به یاران هشدار داده‌اند که آینده شاهد حملاتی به نظم اداری خواهد بود. امید می‌رود که مضامین بیان شده و استنتاج‌های حاصله در این یادداشت‌ها به شرکت‌کنندگان این دوره کمک کند که از امر مبارک در مقابل حملاتی که در آتیه ایام به آن خواهد شد، دفاع نمایند.

نکات برجسته در شش سخنرانی

روز اول - صلح اصغر و صلح اعظم

- دو جریان تألیف و تحلیل مشخص‌کننده وضعیت فعلی جهان هستند.
 - جریان ائتلاف به توسعه امر مبارک اشاره دارد.
 - جریان اضمحلال عبارت از متلاشی شدن نظم کهن جهانی است که تا به حال وجود داشته است.
 - یک جریان ائتلاف سوم در پی پیشرفت جهان به طور اعمّ به سمت صلح اصغر، مستقلّ از تأثیر مستقیم جامعه بهائی رخ خواهد داد.
- یکی از نتایج جریان تألیف سوم صلح اصغر خواهد بود. ویژگی‌های صلح اصغر عبارتند از:
 - صلح اصغر توسط ملل عالم و بنا به میل خود آنها برقرار خواهد شد.
 - و آن صلحی غیردینی خواهد بود، نه دینی.
 - این صلح شامل حکومتی جهانی خواهد بود که از "مجمع بزرگی" از نفوس خواهد بود که در رأس آن "یک قوه مجریه بین‌المللی" قرار خواهد داشت.
 - متضمّن تصدیق اصولی این اصل خواهد بود که عالم قطعه واحده است.
 - به مساعی مستقیم جامعه بهائی بستگی نخواهد داشت.
- حضرت عبدالبهاء هفت شمع وحدت را مطرح می‌فرمایند، که پنج شمع آن مراحل مقدماتی استقرار صلح اصغر است:
 - وحدت سیاسی (جامعه ملل متفق، سازمان ملل متحد)
 - وحدت آراء (ابتکارات و اقدامات بین‌المللی)
 - وحدت آزادی (سقوط کمونیزم، استعمار و غیره)
 - وحدت وطنی (این دیدگاه که عالم یک سرزمین پدری مشترک است)
 - وحدت لسانمواردی که تا صلح اعظم باید تأسیس شود عبارتند از:
 - وحدت جنسی
 - وحدت ادیان
- حضرت بهاء‌الله از سه اصطلاح (صلح اصغر، صلح اکبر و صلح اعظم) برای اشاره به سطوح مختلف وحدت یافتن عالم استفاده می‌کنند.

- هر زمان که صرفاً به **کاهش تسلیحات**، **صلح در حیطة سیاسى** و غیره اشاره شده، حضرت ولی امرالله در ترجمه به انگلیسى از اصطلاح Lesser Peace استفاده کرده‌اند.
- هر زمان که زمینه مورد بحث وسیع‌تر بوده و شامل اندیشه **اقبال دسته جمعى** بوده، حضرت ولی امرالله از اصطلاح Most Great Peace سود جسته‌اند.
- هر زمان که موضوع مورد بحث به **مرحله فیما بین** دو مورد فوق اشاره داشته، حضرت ولی امرالله آن را Greater Peace یا Great Peace خوانده‌اند.
- ویژگی‌های متمایز و برجسته **صلح اکبر**:
 - دورانی از **تکامل تدریجی** و پیشرفت به سوی مدنیته واقعاً روحانی است.
 - شامل خلق **"آبردولت"** جهانی است که دارای قدرتی الزام‌آور بر فدراسیون جهانی ملل (در مقابل صرفاً نظام مشورتی مانند سازمان ملل متحد) خواهد بود.
 - شکل این آبردولت، غیرمذهبی خواهد بود.
 - سیاست غیرمذهبی جهانی و نظام بهائی به **طور مجزا و به موازات هم** پیش خواهند رفت.
- حضرت ولی امرالله "مراحل سبعة" ای را که امر بهائی قبل از آن که **صلح اعظم** بتواند استقرار یابد، در ملل عالم پشت سر خواهد گذاشت بر می‌شمارند. بعضی از کشورها ممکن است از بعضی مراحل به طور جهشی عبور کنند. تا کنون مرحله چهارم بالاترین مرحله‌ای بوده که امر بهائی توانسته در کشوری به آن برسد.
 - **مجهولیت**. در طی این مرحله امر مبارک در کشور ناشناخته و مجهول است.
 - **مقهوریت**. نمونه‌های روشنی از آن را در ایران مشاهده می‌کنیم.
 - **انفصال**. رهایی از ظلم و ستم ارتجاع مذهبی
 - **استقلال**. موقف رسمی در کشوری به عنوان سازمان مذهبی به رسمیت شناخته شود و از توان لازم برای اجرای مراسم مخصوص خود مانند ازدواج و غیره برخوردار گردد.
 - **رسمیت**. پذیرش رسمی امر بهائی به عنوان دیانت رسمی و دولتی کشور، اگر جمعیت کشور **عمده** بهائی باشند.
 - **حکومت بهائی**. تلفیقی از نظام مدنی و نظم اداری بهائی در کشوری خاص (اگر اکثریت بهائی باشند).
 - **سلطنت جهانی بهائی**. کلیه حکومت‌های بهائی در مراحل ابتدایی صلح اعظم به هم خواهند پیوست.

روز دوم - ولایت امرالله و بیت العدل اعظم با توجّه به

نصوص کتاب اقدس و الواح وصایا

- **اساس مؤسسه ولایت امر و شرایط جانشینی ریاست امرالله ابتدا در کتاب مستطاب اقدس توسط حضرت بهاءالله طرح گردید:**

”قد رجعت الأوقاف المختصة للخيرات الى الله... ليس لأحد أن يتصرف فيها إلا بعد اذن مطلع الوحي و من بعده يرجع الحكم الى الأغصان و من بعدهم الى بيت العدل إن تحقّق أمره في البلاد...“¹
- **وظایف ولی امرالله:**
 - ریاست امرالله
 - تبیین معتبر و موثّق نصوص مبارکه
 - صیانت و ترویج امر مبارک (که ایادی امرالله در این مورد به او کمک می کنند)
- **حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا شرایط انتصاب ولی امر جدید را تعیین فرمودند:**
 - ولی امرالله باید در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید
 - این انتخاب باید به وسیله نه نفر ایادی منتخب تصدیق شود
 - ولی امر آینده علاوه بر آن که باید از اغصان باشد، باید کسی باشد که خداوند مقدر فرموده² یعنی مظهر تقدیس و تنزیه باشد، نه آن که از ناقضین میثاق باشد.
- **حضرت بهاءالله در همان فقره از آیات کتاب اقدس شرایطی را برای زمانی که کسی از اغصان انتصابی وجود نداشته باشد تعیین می فرمایند و ریاست امر مبارک به بیت العدل اعظم واگذار خواهد شد:**

”... من بعده يرجع الحكم الى الأغصان و من بعدهم الى بيت العدل إن تحقّق أمره في البلاد...“³
- **حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا می فرمایند که، ”مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع به بیت عدل عمومی...“ در لوحی خطاب به یکی از حضرات افنان مقیم ایران، حضرت عبدالبهاء هدایت می فرمایند که اگر هیکل مبارک در زمانی صعود بفرمایند که حضرت شوقی افندی صغیرتر از آن باشند که بتوانند بر مسند ولایت جالس شوند، بیت العدل اعظم باید انتخاب شود. این هدایت مقدمات کار برای جانشینی را در صورتی که ولی امر منصوص وجود نداشته باشد، تعیین نمود.**

¹ کتاب اقدس، بند ۴۲

² بیان حضرت عبدالبهاء در صفحه ۱۹ گوهر یکتا

³ کتاب اقدس، بند ۴۲

- جانشینی ریاست امرالله به وضوح در میثاق بی‌مثیل مکتوب امر بهائی، که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء طرح فرموده‌اند، مصرّح است.
- وظائف بیت‌العدل اعظم عبارتند از:
 - ریاست امرالله
 - وضع احکام در مواضعی که بالصرّاحه در کتاب اقدس نازل نشده، و تعیین زمان کاربرد و اجرای کلیه احکام منزله
 - توضیح و تشریح مسائل مبهمه در آثار مبارکه (نه تبیین)
 - صیانت، ترویج و اداره
 - تضمین تمامیت، انعطاف‌پذیری و وحدت امر مبارک
- مصونیت از خطا. حضرت عبدالبهاء بالصرّاحه دربارهٔ بیت‌العدل در الواح مبارکه وصایا می‌فرماید:

”مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع به بیت‌عدل عمومی و بیت‌عدل آنچه بالإنفاق و یا به اکثریت آراء تحقّق یابد، همان حق و مرادالله است. من تجاوز عنه فهو ممن أحبّ الشقاق و أظهر النفاق و أعرض عن ربّ الميثاق.“^۴
- حضرت ولی امرالله دو مؤسسه ولایت امر و بیت‌العدل اعظم را به ارکان بنای نظم اداری تشبیه می‌فرمایند و روشن می‌سازند که یکی بدون دیگری نمی‌تواند به وظایف خود عمل نماید. ولایت سی و شش ساله حضرت شوقی افندی اکنون هدایت ابدی را به شکل تبیینات موثّق و منصوص تأمین می‌کند.
- چرا حضرت ولی امرالله وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشتند. این تصمیمی آگاهانه بود که حضرت شوقی افندی اتخاذ فرمودند نه آن که واقعه‌ای تصادفی بوده باشد. نکته اصلی مورد توجه حضرت ولی امرالله در وهله اولی صیانت امرالله و توسعه و پیشرفت آتی آن بود. بیت‌العدل اعظم بعدها نوشتند، ”در نفس سکوت ایشان حکمتی است و آیتی دالّ بر هدایت مصون از خطای آن حضرت.“^۵

روز سوم - قانون اساسی^۶ بیت‌العدل اعظم

- کلیه حقوق بیت‌العدل اعظم نسبت به قدرت، اقتدار و اختیار، و مسئولیت که در این سند مطرح شده به طور جامع در آثار حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مورد فحص و تحقیق قرار گرفته است. محتوای قانون اساسی^۷ بدون استثناء مبتنی بر این آثار مبارکه است.

^۴ الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۷۷

^۵ ترجمه - پیام ۲۷ مه ۱۹۶۶ با عنوان ولایت امر و بیت‌العدل اعظم

^۶ Constitution

^۷ Declaration of Trust

- قانون اساسی به نکات زیر می‌پردازد:
 - مرجعیت حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی در این عصر
 - وظیفه حیاتی میثاق در هدایت قوای ظهور حضرت بهاءالله
 - مقام بیت‌العدل اعظم به عنوان یکی از دو جانشین حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، در ظلّ همان میثاق
 - احکام و اصول اصل و بنیاد امر بهائی و هدف بنیادی آن است. این "برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است."^۸
 - حیطة مسئولیت بیت‌العدل اعظم عبارت از اتخاذ تصمیم در مورد "هر مسئله غیرمنصوصه" در کتاب اقدس و "مرجع کل" است.
 - اسّ اساس بیت‌العدل اعظم "آیات باهرات حضرت بهاءالله"^۹ و "تبینات و توضیحات"^{۱۰} حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله است.
 - تحدید اختیارات تبیین آثار مبارکه بهائی صرفاً به حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله.
 - تا ظهور مظهر ظهور جدید در هزار سال بعد، مرجعیت این متون مقدسه قطعی و مسلم است.
 - باصعود حضرت ولی امرالله، اکنون بیت‌العدل اعظم ریاست امرالله و معهد اعلای آن است.
- حضرت ولی امرالله توصیفی مهم از ماهیت بیت‌العدل اعظم بیان می‌فرمایند:
 - اعضاء بیت‌العدل در مقابل کسانی که آنها را انتخاب می‌کنند و نمایندگی شان را به عهده دارند، مسئول نیستند. آنها باید "در حال توجه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند."^{۱۱}
 - اعضاء بیت‌العدل، برای موازنه برقرار کردن با نکته اول، موظف هستند "به اوضاع و احوال جاریه هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل کنند."^{۱۲}
 - بیت‌العدل اعظم مهبط هدایت الهیه است، نه منتخبین آن.
- در آینده، وظائف تقنینی، اجرایی و قضایی بیت‌العدل اعظم به سه بازوی متمایز تفکیک خواهد شد.

^۸ لوح مقصود، ص ۱۲ / دریای دانش، ص ۲۰

^۹ مقدمه کتاب اقدس، ص ۱۱

^{۱۰} همان مأخذ

^{۱۱} دور بهائی، ص ۹۲

^{۱۲} همان

روز چهارم - نظم اداری بهائی در مقابل سایر نظام‌های مذهبی و غیرمذهبی

امر بهائی چه چیز جدیدی دارد؟ چه امری می‌تواند نظم اداری‌اش را از این که در مقابل همان مفاسدی که سازمان‌های نظامی را در گذشته به فساد کشیده، به زانو در آید، حفظ نماید.

• نظم اداری بهائی بی‌مثیل و بدیع است. برخلاف سازمان‌های دینی گذشته، این نظم به وسیلهٔ میثاقی مکتوب از تفرق و تشتت صیانت می‌شود. هیچ‌یک از مظاهر ظهور گذشته چنین هدیای مکتوب صریحی در مورد جانشینی ریاست امرالله و نظم اداری از خود به جای نگذاشته است. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "در هیچ‌یک از کتب و صحف مقدسه و ادوار ماضیه ... هیچ‌گونه حکم محکم و دستور قاطع مبرمی^{۱۳} که بتواند با این اساس عظیم برابری نماید موجود نیست."^{۱۴}

• سه نوع اصلی سازمان سیاسی - دموکراسی، مطلقه و اشرافی - همه در عملکرد نظم اداری وجود دارند. وجوه مثبت و مطلوب یک نظام وجوه نامطلوب دیگران را جبران می‌کند. اشکال گوناگون سیاسی غالباً به عنوان اصول عملی، به جای مواضع عملی قدرت ادغام می‌شوند (فی‌المثل، هیچ موضع استبدادی پایی وجود ندارد، اما مرجعیت مطلقهٔ نصوص مبارکه وجود دارد).

• نظم اداری بهائی از لحاظ ماهیت، تکاملی است، و هر زمان که ایجاب کند تغییر خواهد کرد و توسعه خواهد یافت. فی‌المثل:

حضرت ولی امرالله خاطر نشان می‌فرمایند که نحوهٔ عملکرد نظم اداری، آن را "مشابهت به ترتیبات دیمقراطی"^{۱۵} داده است. اما با ولی امری در قید حیات در رأس امرالله، و قوای مطلقه‌ای که مورد استفاده قرار می‌دهد، این امکان وجود دارد که امرالله به شیوه‌های استبدادی گرایش یابد. حضرت عبدالبهاء ممکن است با توجه به این نکته، دو مرحله از توسعهٔ نظم اداری بعد از خود را پیش‌بینی فرموده باشند:

- مرحلهٔ موقت، با ولی امرالله به عنوان ریاست در قید حیات امرالله، که خصیصهٔ بارز آن استبدادی است؛

- مرحلهٔ متعاقب آن، با بیت‌العدل اعظم به عنوان عالی‌ترین مرجع آن، که خصیصهٔ بارز آن دموکراسی است.

• وجوه حکومت دموکراتیک نظم اداری بهائی:

- نظام انتخابات بهائی که تعیین‌کنندهٔ عضویت هیأت‌های اداری محلی، ملی و بین‌المللی است

- مشورت بهائی که دارای ویژگی‌ها بحث پارلمانی است.

^{۱۳} توضیح مترجم: در متن انگلیسی "دستور قاطع مبرم مکتوبی که بتواند... آمده است.

^{۱۴} قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۶۶۲

^{۱۵} دور بهائی، ص ۹۴

- میزان آزادی عمل تأمین شده برای شوراهای انتخابی در سطوح محلی و ملی
- تفاوت‌ها: در نظام بهائی نفوس منتخب در مقابل منتخبین خود مسئول نیستند، اما باید به حکم وجدان خود عمل کنند. فعالیت‌های حزبی و فعالیت‌های انتخاباتی برای در اختیار گرفتن مقام و منصب نیز ممنوع است.
- وجوه حکومت اشرافی در نظم اداری بهائی:
- عصبه انتصابی نظم اداری، شامل مؤسسه مشاورین در سطح بین‌المللی و قاره‌ای، و اعضاء هیأت معاونت و مساعدین آنها
- تفاوت‌ها: مشاورین و اعضاء هیأت‌های معاونت برای تمام عمر منصوب نمی‌شوند و دوران آنها معین و ثابت است. آنها دارای اختیارات تصمیم‌گیری نیستند، زیرا این قدرت به عصبه انتخابی اعطاء شده است. هیچ مقام و موقفی که در نظم اداری موجود باشد مبتنی بر حقوق طبیعی و مسلم که با ولادت تعلق گیرد نیست و هیچ امتیاز موروثی به کسی تعلق نمی‌گیرد.
- وجوه حکومت استبدادی در نظم اداری بهائی:
- مرجعیت مطلق و الزام‌آوری که به آثار مبارکه حضرت بهاءالله داده شده و نیز مرجعیتی تام و تمامی که آثار مبارکه دو مبین آیات ایشان، یعنی حضرت عبداله‌اء و حضرت شوقی افندی دارند.
- تفاوت‌ها: انعطاف‌پذیری با توجه به این نکته تضمین شده که زمینه نامحدود تقنینی برای اجرای احکام منزلت توسط حضرت بهاءالله و تکمیل موارد فرعی آن وجود دارد. این مسئولیت به هیئتی انتخابی، یعنی بیت‌العدل اعظم احاله شده است.

روز پنجم - نقش جامعه بهائی آمریکا در ظهور نظم جهانی حضرت بهاءالله

- تعاریف جغرافیایی مورد استفاده در آثار مبارکه. غرب: اروپا و آمریکای شمالی؛ آمریکاهای: قارات آمریکا؛ نیم‌کره غربی: قارات آمریکای شمالی و جنوبی و منطقه کارائیب؛ آمریکای شمالی: ایالات متحده و کانادا؛ آمریکا: ایالات متحده.
- حضرت بهاءالله "ملوک آمریکا و رؤساء الجمهور فیها"^{۱۶} را به طور اخص در کتاب اقدس مخاطب قرار داده و می‌فرمایند، "اجبروا الکسیر بأیادی العدل و کسروا الصّحیح الظّالم بسیاط اوامر ربکم الامر الحکیم."^{۱۷} ایشان سه وظیفه برای غرب تعیین می‌فرمایند:
- حمایت از مظلومین

^{۱۶} کتاب اقدس، بند ۸۸

^{۱۷} همان

- مخالفت با ظالمین
- دفاع از امرالله
- سرنوشت جامعهٔ بهائی آمریکا
- الواح فرامین تبلیغی **اولویت روحانی** بی‌مثیلی به جامعهٔ بهائی آمریکای شمالی بخشید. این در مقابل **مفاسد واضح و آشکار** جامعهٔ محیط بر آن است. (همین اصل تقابل بر ظهور امر مبارک در سدهٔ نوزدهم در ایران نیز حاکم بود.) حضرت شوقی افندی مفاسد جامعهٔ غربی را به طور کلی اینگونه تعیین می‌فرمایند:
- استغراق در بحر **مادی‌گرایی**
- طعمهٔ یکی از مهلک‌ترین و دیرین‌ترین اشکال **تعصّب نژادی** است.
- قربانی **فساد سیاسی، بی‌قانونی و بی‌بند و باری** از لحاظ معیارهای اخلاقی است.
- نظر اجمالی تاریخی از دوران ولایت حضرت شوقی افندی، و سه عهد اوّل عصر تکوین امرالله (۱۹۶۳-۱۹۲۱) نشان می‌دهد که چگونه نقشه‌ها برای توسعهٔ نظم اداری در آمریکا به **نقشه‌ای برای توسعه** در جوامع دیگر تبدیل شد. ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۷: حضرت ولی امرالله نظم اداری را، با تمرکز بر آمریکای شمالی تحکیم فرمودند. ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۴: اولین نقشهٔ هفت‌سالهٔ جامعهٔ آمریکای شمالی. ۱۹۴۵-۱۹۴۴ سایر نقشه‌های تبلیغی در اطراف و اکناف عالم، از جمله نقشهٔ دوم هفت‌ساله در آمریکا، تدوین می‌شود. ۱۹۵۳: جهاد ده‌ساله که بخش عمدهٔ اهداف آن نصیب جامعهٔ آمریکای شمالی می‌شود.
- سرنوشت ملت آمریکا به طور اعم
- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: **"امید است ملت امریک اولین ملت و جمعیتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید؛ پرچم صلح اعظم را برافرازد."**^{۱۸}
- **اصل فدرالیسم** در جمهوری‌های آمریکایی برای جهان به کار گرفته شد. حضرت عبدالبهاء به یکی از مقامات دولتی آمریکا، که سؤال کرد چگونه می‌تواند بهتر به وطنش خدمت کند، اینگونه جواب دادند، "هنگامی به نحو احسن موفق به ابراز خدمت نسبت به کشور مألوف خواهید گردید و در این میدان گوی سبقت از همگنان خواهید ربود که به عنوان عضوی از جامعهٔ عالم و فردی از خاندان بزرگ بنی‌آدم سعی بلیغ مبذول و همّت موفور معمول دارید تا اصل وحدت و اتفاق که بنیان

¹⁸ ظهور عدل الهی، ص ۱۷۳ (توضیح مترجم: در متن فارسی جملهٔ "و رایت مجبت و وداد در قطب امکان مرتفع سازد" اضافه شده که در اصل انگلیسی وجود ندارد.. ضمناً ترجمه‌هایی متفاوت از این بخش از خطابه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء (که اصل فارسی آن در دسترس نیست) در صفحه ۵۰۳ قرن بدیع، طبع کانادا؛ حصن حصین شریعت‌الله ص ۴۳ وجود دارد.)

- حکومت مؤتلف شما را تشکیل می‌دهد به همان قرار در بین ملل و نحل عالم استقرار یابد و از ممالک و بلدان موجود اتحادیه بزرگ جهانی تشکیل شود.^{۱۹} این بیان دو نکته را نشان می‌دهد:
- ساختار فدرالیسم، آنگونه که در ایالات متحده درک و عمل شده، با خودمختاری اعطایی به ایالات آن کشور، بنا بر آورد حضرت عبدالبهاء، سیستم سازمانی قابل قبول برای جهان می‌باشد.
 - بهترین راه برای ترویج مصالح جزء آن است که آن جزء مصالح کل را حفظ کند.
- حضرت شوقی افندی در شرح و بسط تأثیر رفاه جزء بر رفاه کل می‌فرمایند، "دنیای حاضر یوماً فیوماً فشرده تر شده و مردم آن علی‌الظاهر نسبت به یکدیگر نزدیکتر و بیش از پیش در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند. خطه امریک خواه ناخواه با وضع جدید مواجه و خود را ملزم و موظف می‌شمارد که وارد میدان و دست به گریبان گردد. این تماس و مجاورت که بدین نحو تحقق یافته وی را بر آن می‌دارد که صرف نظر از عواطف انسان‌دوستی و وظایف و مسئولیت‌های جدیدی به منظور حفظ امنیت ملی خویش بر عهده گیرد."^{۲۰}
 - شرایط سرنوشت. حضرت ولی امرالله به ما اطمینان می‌دهند که امریکا "صدای خود را در مجامع عظیمه عالم و محافل متشکله امم مرتفع و حجر زاویه صلح عمومی و مؤید جهانی را به دست خویش برقرار سازد و اتحاد و اتفاق بشر و بلوغ و آمادگی آن را در ارتفاع خیمه وحدت انسان و تأسیس مدیته لاشرقیه و لاغربیه در قطب امکان ... چنان که در کتب و زیر قیمة الهیه بشارت داده شده جهد موفور وسیعی مشکور مبذول دارد."^{۲۱} و بعد از بر شمردن شرایط فوق می‌افزایند، "در آن هنگام و فقط در آن هنگام است که ملت امریک ... قادر خواهد بود مقام رفیعی را که ید قدرت سبحانی برای آن مقدر فرموده ... به عرصه شهود رساند."^{۲۲}

روز ششم - تکامل نظم اداری بهائی - روح و شکل آن (امراء و علماء)

- عصر رسولی (۱۹۲۱-۱۸۴۴). در طی دوران رسالت حضرت باب و حضرت بهاءالله و قیادت حضرت عبدالبهاء، نظم جنینی اداری عناصر زیر را در بر می‌گرفت:
 - تأسیس اولین محافل روحانی

¹⁹ ظهور عدل الهی، ص ۱۷۸ (توضیح مترجم: ترجمه‌های متفاوتی از آن در صفحه ۵۱ نظم بدیع جهانی، ص ۳۰۴ بهاءالله و عصر جدید موجود است).

²⁰ ظهور عدل الهی، ص ۱۷۸

²¹ ظهور عدل الهی، ص ۱۸۶

²² همان، صفحات ۱۸۷-۱۸۶

- مؤسسه ایادی امرالله
- صندوق بهائی
- اتحاد معبد بهائی در ایالات متحده و خرید ملک که وقف امر مبارک و تشکیلات آتی آن شد.
- تأسیس مراکز انتشار برای طبع کتب امری
- ساختمان مرقد حضرت باب
- مؤسسه مسافرخانه‌ها برای مبلغین سیار و زائرین
- عصر تکوین (از ۱۹۲۱ تا کنون). تحت هدایت حضرت ولی امرالله، مؤسسات نوپای امر مبارک، برای حصول آمادگی جهت تأسیس بیت‌العدل اعظم، پرورش و توسعه یافتند. حضرت ولی امرالله دو هدف فوق‌العاده مبرم داشتند:
 - تقویت ساختار اداری امرالله، با تأسیس محافل محلی که "شالوده" اش و محافل روحانی ملی، که ارکان بنای نظم اداری است که به ایجاد "قبه"، یعنی بیت‌العدل اعظم منتهی می‌گردد.
 - استفاده از این مؤسسات اداری برای ترویج امر تبلیغ امرالله به شیوه‌ای متحد و سیستماتیک با استفاده از الواح فرامین تبلیغی.
- نظم جنینی جهانی. حضرت ولی امرالله در شانزده سال اول ولایت، اصطلاح اداره بهائی^{۲۳} را رایج ساختند. بعد از آن، ایشان آن را نظم اداری^{۲۴} نامیدند. بعدها این به نظم جهانی بهائی تبدیل خواهد شد. هدف اصلی امر مبارک صلح اعظم و ولادت مدنیت بهائی است. نظم اداری تنها مرحله مقدماتی در این فرایند است. حضرت ولی امرالله نظم اداری را به عنوان مرحله جنینی نظم جهانی توصیف می‌فرمایند. علائم ناهماهنگی و عدم کمال برای این مرحله از توسعه امری طبیعی است.
- روح تشکیلات. حضرت ولی امرالله وظائف روحانی نمایندگان منتخب را اینگونه مطرح می‌فرمایند:
 - آنها نباید امر یا تحکم کنند بلکه باید مشورت نمایند. (نظامات بهائی، ص ۵۳)
 - آنها نباید هرگز تصوّر نمایند که بمنزله زینت و زیور هیکل امرالله هستند. (همان)
 - آنها باید با کمال خضوع به وظائف خود قیام کرده با فکری آزاد از هر گونه تقید و از روی نهایت انصاف و وظیفه‌شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تام ... همت نمایند. (همان)
 - آنها باید مورد حمایت واقعی موکلین خود واقع شوند. (همان)
 - آنها باید از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط‌طلبی بیزار شوند. (همان)

- آنها باید در مشاورات خود هر گونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند. (همان، ص ۵۴-۵۳)
- آنها باید با کمال تدبّر و حکمت اجتناب را محرم اسرار خود قرار دهند. (همان، ص ۵۴)
- چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص نیت و حسن طویت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجّه و تبتّل نمایند. (همان)
- **امرا و علماء.** حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند، "طوبی للامراء و العلماء فی البهاء."^{۲۵}
- حضرت ولی امرالله توضیح می فرمایند که مقصود از علماء ایادی امرالله، مشاورین، اعضاء هیأت معاونت و مساعدین آنها هستند، در حالی که امراء عبارت از بیوت عدل محلّی، ملّی و بین المللی هستند.^{۲۶}
- بیت العدل اعظم می فرمایند، "عملکرد صحیح جامعه بشری مستلزم حفظ مراتب و طبقات است."^{۲۷}
- در امر مبارک در مقابل انعطاف ناپذیری اهل علم و سوءاستفاده طبقة روحانیت عامل حفاظتی وجود دارد. حضرت ولی امرالله می فرمایند، "قلم اعلی به آراء و نظرات مقاوم و انعطاف ناپذیر و تحکّم آمیز علماء و دانشمندان خاتمه داده است ... و مقدر فرموده که کلیّه مواضیع به مراکز منصوص و محافل مخصوص ارجاع گردد."^{۲۸}
- بین انتصاب به مقامی و تلاش برای منصوب شدن تفاوت وجود دارد. حضرت بهاء الله می فرمایند، "برتری و بهتری که به میان آمد، عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت."^{۲۹}
- بیت العدل اعظم می فرمایند، "مقام حقیقی روحانی هر نفسی فقط برای خداوند معلوم است. این با مراتب و موافقی که رجال و نساء در بخش های گوناگون جامعه در اختیار می گیرند تفاوت تامّ دارد."^{۳۰}

²⁵ این بیان در کتاب عهدی نازل شده است. ادعیه حضرت محبوب، طبع جدید، ص ۳۹۷

²⁶ به یادداشت ۱۸۳ در منضمات کتاب اقدس مراجعه شود - م

²⁷ ترجمه - پیام ۲۷ مارس ۱۹۷۸ معهد اعلی خطاب به کلیه محافل روحانی ملّی

²⁸ ترجمه - منقول در مکتوب ۱۴ مارس ۱۹۹۶ از طرف معهد اعلی به یکی از اجنباء

²⁹ لوح اتحاد، ادعیه محبوب، طبع قاهره، ص ۳۹۶ / طبع جدید، ص ۳۷۸

³⁰ ترجمه - مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۷۸ از طرف معهد اعلی به کلیه محافل روحانی ملّی

فصل یک

۱- صلح اصغر و صلح اعظم

برای آن که این موضوع در زمینه صحیح خود قرار گیرد برخورداری از درکی کلی نسبت به دو فرایندی که مکرراً در آثار حضرت ولی امرالله به آن اشاره شده، یعنی دو فرایند تألیف و تحلیل، سازندگی و فروپاشی، آنگونه که امروزه به منصفه ظهور می‌رسند، مفید خواهد بود.

فکر می‌کنم نگاهی به تمثیل خداوند باغ که حضرت مسیح بیان می‌فرمایند، می‌تواند ما را یاری رساند: "شخصی تاکستانی غرس کرد و به باغبانانش سپرده مدت مدیدی سفر کرد و در موسم، غلامی نزد باغبانان فرستاد تا از میوه باغ بدو سپارند. اما باغبانان او را زده تهی دست بازگردانیدند. پس غلامی دیگر روانه نموده، او را نیز تازیانه زده و بی حرمت کرده تهی دست بازگردانیدند. و باز سیمی فرستاده، او را نیز مجروح ساخته بیرون افکندند. آنگاه صاحب باغ گفت، چکنم؟ پسر حبیب خود را می‌فرستم، شاید چون او را بیند، احترام خواهند نمود. اما چون باغبانان او را دیدند، با خود تفکرکنان گفتند، این وارث می‌باشد؛ بیاید او را بکشیم تا میراث از آن ما گردد. در حال، او را از باغ بیرون افکنده کشتند. پس صاحب باغ بدیشان چه خواهد کرد؟ او خواهد آمد و باغبانان را هلاک کرده، باغ را به دیگران خواهد سپرد." (انجیل لوقا، باب ۲۰، آیات ۱۶-۹)

چند نکته در این باب ذکر می‌شود:

(۱) بنا به بیان حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای، صاحب باغ اشاره به حضرت بهاءالله است.^{۳۱} (۲) بدیهی است که "پسر" اشاره به حضرت مسیح است و تمثیل مزبور نشان می‌دهد که حضرت مسیح شهادت خود را پیش‌بینی فرموده بودند. (۳) غلامانی که صاحب باغ اعزام می‌کند، پیامبران الهی هستند. ما ملاحظه می‌کنیم که نه تنها توالی ظهورات وجود دارد بلکه در اختیاراتی که به کار می‌برند، درجاتی وجود دارد که به مرور افزایش می‌یابد. (۴) پدر، متصرفین را که بدیهی است رهبران مذهبی و غیرمذهبی هستند، اخراج می‌کند و باغ را به "دیگران" می‌سپارد.

این آخرین نکته ما را به موضوع مورد بحثمان، می‌رساند که ظهور حضرت بهاءالله تلاشی و فروپاشی نظم کهن و تأسیس نظامی جدید برای اداره باغ را با خود می‌آورد. به عبارت دیگر، در اینجا دو فرایند سازندگی و فروپاشی را مشاهده می‌کنیم. این دو فرایند در عهد جدید نیز پیش‌بینی شده است. در مکاشفات

³¹ مترجم: به کتاب قرن بدیع، صفحه ۲۱۰ مراجعه شود. می‌فرمایند، "حضرت مسیح این ظهور اعظم را ... صاحب الکرّم ... خوانده." در صفحه ۳۹۱ نیز عبارت «مالک البریه» صاحب الکرّم» ملاحظه می‌شود. در متن انگلیسی انجیل نیز لغت vineyard ذکر شده که در آثار حضرت ولی امرالله در ترجمه کرمل Vineyard of God (صفحات ۱۹۴ و ۲۷۷) به کار برده شده است.

یوحنا لاهوتی می‌خوانیم، "و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید؛ چون که آسمانِ اوّل و زمین اوّل در گذشت." (باب ۲۱، آیه ۱)

در آثار مبارکه نفس حضرت بهاءالله نیز این مضمون مشاهده می‌شود. فی‌المثل ایشان از طرفی می‌فرمایند، "هنگام فنای عالم و اهل آن رسید." ^{۳۲} یا، "از دو طایفه عزّت برداشته شد، امراء و علماء" ^{۳۳} در عین حال هیکل مبارک می‌فرمایند، "حال، ارض حامله مشهود. زود است که اثمار منیع و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود." ^{۳۴} ایشان سپس دو فرایند را در جمله‌ای واحد به یکدیگر پیوند می‌دهند و می‌فرمایند، "زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد." ^{۳۵}

مشاهده می‌کنیم که حضرت عبدالبهاء نیز در آثار مبارکه خود به این دو جریان اشاره می‌فرمایند، این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد، بلکه روز به روز سخت‌تر شود و بدتر گردد. ^{۳۶} و جبران آن در این بیان مبارک مندرج است که، "عالم انسانی منقلب شود و فیوضات رحمانی رخ بگشاید." ^{۳۷}

حضرت ولی امرالله در بیانات زیر دو جریان مزبور را اینگونه توصیف می‌فرمایند، "جریانی مرگب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است، در حالی که هر یک از این دو نیرو با شتابی فزاینده مسیری مخالف با مسیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی کننده. آن یک، در مسیر مداومش تدریجاً سبب ظهور نظامی گردد که نمونه‌ای اعلی برای اداره کردن جهانی است که مسیر و مقصد دنیای آشفته امروز ما است و این یک، در مسیر تجزی بخش و مخربش با شدتی روزافزون، هر سدّ و مانعی را در راه وصول بشر به هدف مقدر در هم می‌شکند. آن سیر سازنده با آئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعه نظم بدیع جهان‌آرایی است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد؛ و بالعکس، این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است وابسته به مدتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالنتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است." ^{۳۸}

³² ظهور عدل الهی، ص ۱۶۶ / قد ظهر یوم المیعاد، ص ۳

³³ قد ظهر یوم المیعاد، ص ۳۹ و ۱۳۵ / قرن بدیع، ص ۴۶۰ (در اینجا عبارت "عزّت از دو طایفه اخذ شد، ملوک و علماء" آمده است. هیچکدام اشاره نکرده‌اند که این بیان ترجمه است یا اصل، اما با هم اندکی تفاوت دارند.)

³⁴ قرن بدیع، ص ۴۳۳ / قد ظهر یوم المیعاد، ص ۸ / نظم جهانی بهائی، ص ۱۱۰

³⁵ منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۳ / قرن بدیع، ص ۴۳۳ (توضیح مترجم: مترجم قرن بدیع اشتباهاً بیان دیگری را آورده که شبیه بیان مزبور است: "سوف نظوی الدتیا و ما فیها و نسط بساطاً آخر.") بهاءالله و عصر جدید، ص ۱۵۶ / قد ظهر یوم المیعاد، ص ۳۴ و ۲۲۷ (مترجم این توفیق نیز مرتکب همان

اشتباه مترجم قرن بدیع شده است.) / نظم جهانی بهائی، ص ۹۸

³⁶ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۶۸-۶۹ / حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۵ / ظهور عدل الهی، ص ۱۸۱

³⁷ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۷۲

³⁸ نظم جهانی حضرت بهاءالله، ص ۱۱

ایجاد تصویری ذهنی از این دو جریان در اذهان خود، که بدیهی است نقطه آغاز آنها سال ۱۸۴۴ است، ممکن است مفید باشد. در بدایت، دو جریان مشاهده می‌شوند که به صورت دو خط موازی، یکی بر بالای دیگری، در حال حرکت هستند. خط بالاتر، که امر مبارک است، بر خط پایین تأثیر می‌گذارد، که آن نیز به نوبه خود، غالباً، آگاهانه یا ناآگاهانه، عکس‌العمل متقابل نشان می‌دهد. با پیشرفت این حرکت و تشدید تعامل، مشاهده می‌کنیم که دو خط از یکدیگر فاصله می‌گیرند: حرکت امر مبارک به طرف بالا اوج می‌گیرد و دنیا سیر سقوط و هبوط در پیش می‌گیرد. در این رابطه این بیانات پیشگویانه حضرت ولی امرالله از اهمیت بسیار برخوردار است: "هر قدر عالم انسانی در غمرات یأس و انحطاط و نفاق و استیصال بیشتر فرو رود، بانیان دلیر نظم جهان آرای حضرت بهاءالله باید بیشتر در مدارج عالیة شجاعت و علو همت صعود نمایند و خود را از تأثیر پذیری، تردید، سبات و ترس محفوظ داشته، بر مشکلات آینده فائق آیند و در سبیل خدمت قدم فراتر نهند و یقین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است، مقارن باشد."^{۳۹} تعامل متوقف نشده است. ما در این برهه از تاریخ به چشم خود شاهد آن می‌باشیم.

توابع حضرت ولی امرالله به پدیده جدیدی اشاره دارند. آنها نشان می‌دهند که تقریباً به نحوی نامحسوس، خط سومی بین دو خطی که هم‌اکنون توصیف کردم به حرکت در آمده و به نحوی منظم و مداوم در حال پیشرفت است. این خط جدید، خطی مثبت است و به عنوان تأثیر غیرمستقیم امر الهی بر اذهان و قلوب آدمیان به وجود آمده است. این خط جدید مبین قوایی است که با روح عصر انطباق و سازگاری دارند، در حالی که مبلّغین و مدافعین آن از منشأ این جریان سازنده بی‌خبرند.

حضرت ولی امرالله به وضوح این اندیشه را توضیح می‌فرمایند، اصل وحدت عالم انسانی ... آثار اولیة [آن را] ... می‌توان در مساعی معقول و سنجیده و شروع مجهوداتی مشاهده کرد که پیروان رسمی امر حضرت بهاءالله ... بمنظور تأسیس ملکوت الهی بر بسط زمین مبدول می‌دارند و تجلیات غیرمستقیمش را نیز می‌توان در ترویج تدریجی روح اخوت و اتحادی که خود به خود از میان آشفته‌گی جامعه از هم گسیخته کنونی برخاسته، ملاحظه نمود.^{۴۰}

حضرت ولی امرالله در تشکیل "جامعه ملل متفق" بعد از جنگ جهانی اول، حاصل غیرمستقیم خوشایند این رشد مثبت را مشاهده فرمودند. هیکل مبارک مرقوم فرمودند، آیا نمی‌توان گفت که در این زمان که سایه‌ها پهن تر می‌شوند، هر از چندی که برق امید بر افق عالم می‌درخشد، بشارت می‌دهد که ظلمت دیجوری

³⁹ حصن حصین شریعت‌الله، ص ۷۵

⁴⁰ نظم جهانی بهائی، ص ۶۱

که بشر را فرا گرفته به نور تبدیل خواهد شد؟ آیا غلط است اگر بگوییم که در این جهان بی‌ایمان که به افکار مغشوش آلوده است و به شرّ تسلیحات روزافزون دچار و به رقابت‌های خطرناک و کینه و عداوت گرفتار است، می‌توان قوایی را مشاهده نمود که آهسته آهسته به پیش می‌رود و با روح عصر هم‌آهنگی دارد؟ بعد از جنگ بین‌الملل اول در بحبوحه شدت یافتن روزافزون فریادهای گوش‌خراش ناسیونالیزم، گرچه جامعه ملل مرحله جنینی را طی می‌کند و ابرهای طوفان‌زائی که آن را در بر گرفته هر لحظه ممکن است سازمان مزبور را از توانائی و کارائی ساقط و دستگاهش را مختلف سازد، ولیکن جامعه ملل جهت درستی را در پیش گرفته و به مقصد صحیحی توجّه دارد ... عقد یک معاهده عمومی مربوط به امنیت جهانی مقصد مرکزی کوشش‌هایی بوده است که از بدو تأسیس جامعه ملل مبدول گشته ... اولین بار در تاریخ بشر بود که نظام امنیت جمعی که حضرت بهاءالله پیش‌بینی و حضرت عبدالبهاء به صورت قاطعی اعلام فرموده، به مرحله بحث و آزمایش در آمده بود.^{۴۱}

حضرت ولی امرالله در همین مورد مرقوم و شرایط جهانی را اینگونه توصیف می‌فرمایند که از اثر پیشرفت بسیار سریع علوم مادّی و از توسعه عمومی صناعت و تجارت به هیکل زنده واحد پیچیده‌ای تبدیل گشته ...^{۴۲} است. ایشان خاطر نشان می‌فرمایند که "حضرت بهاءالله به قوه آسمانی در "جهان" روحی جدید دمید ... عده بیشتری از خردمندان جهان نه تنها آن وحدت را ممکن‌الحصول می‌شمارند، بلکه آن را لازم و نتیجه عوامل و قوایی می‌بینند که امروز در جهان به کار افتاده است."^{۴۳}

همانطور که می‌دانید بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه ملل جای خود را به سازمان ملل متحد داد. این سازمان، از زمان تأسیسش در بیش از نیم قرن پیش، از لحاظ روح، قضاوت منصفانه و کارایی، تکامل یافته است. تردیدی نیست که این فرایند میانه، که با تولد امر مبارک به وجود آمد، نهایتاً به صلح اصغر منجر خواهد شد.

حضرت ولی امرالله در ارتباط با صلح اصغر این تعریف را عنایت می‌فرمایند، "[سلسله وقایع تدریجی...] که به فرموده حضرت بهاءالله باید ابتدا به استقرار صلح اصغر منجر شود، همان صلحی که ملل ارض بی‌خبر از ظهور او مبادی نازل‌اش را ندانسته اجرا می‌کنند، خودشان آن را مستقر خواهند ساخت."^{۴۴} حضرت ولی امرالله وقتی که مراحل تدریجی در این فرایند را پیش‌بینی می‌کنند، بیان خود را بیشتر شرح و بسط می‌دهند. ایشان مراحل مزبور را اینگونه مطرح می‌فرمایند، "... وحدت سیاسی شرق و غرب و تأسیس حکومت جهانی و استقرار

⁴¹ نظم جهانی بهائی، صفحات ۱۴۶-۱۴۴

⁴² نظم جهانی بهائی، ص ۶۷

⁴³ نظم جهانی بهائی، ص ۶۷

⁴⁴ قد ظهر یوم المیعاد، ص ۲۴۱

صلح اصغر که ... اشعیای نبی بدان اخبار نموده...^{۴۵} هیکل مبارک می‌افزایند که این مرحله متضمن تجدید بنیان نوع بشر است و در نتیجه اعتراف عموم به وحدت و جامعیت نوع انسانی حاصل می‌شود...^{۴۶}

کلام حضرت بهاء‌الله در مورد صلح اصغر، که حضرت ولی امرالله در آثار خود نقل فرموده‌اند، خطاب به سلاطین و امرای ارض اینگونه عزّ نزول یافته است، لَمَّا نَبَذْتُمُ الصَّلْحَ الْأَكْبَرَ عَنْ وِرَائِكُمْ تَمَسَّكُوا بِهَذَا الصَّلْحِ الْأَصْغَرِ لَعَلَّ بِهِ تَصْلَحُ أُمُورُكُمْ وَالَّذِينَ فِي ظِلِّكُمْ عَلَى قَدَرٍ ... أَنْ أَصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ إِذَا لَا تَحْتَا جَوْنَ بَكْثَرَةِ الْعَسَاكِرِ وَ مَهْمَاتِهِمْ الْأَعْلَى قَدَرٍ تَحْفَظُونَ بِه مَمَالِكِكُمْ وَ بِلَدَائِكُمْ ... أَنْ أَتَّحِدُوا يَا مَعْشَرَ الْمُلُوكِ بِه تَسْكُنُ أُرْيَاحُ الْإِخْتِلَافِ بَيْنَكُمْ وَ تَسْتَرِيحُ الرِّعْيَةُ وَ مَنْ حَوْلَكُمْ ... إِنْ قَامَ أَحَدٌ مِنْكُمْ عَلَى الْأَخْرِ قَوْمُوا عَلَيْهِ إِنْ هَذَا إِلَّا عَدْلٌ مَبِينٌ...^{۴۷} و در لوح دیگری می‌فرمایند، لَابَدَّ بَرِائِنِ اسْتِ مَجْمَعِ بَزْرُغِي فِي اَرْضِ بَرِيَا شُودِ وَ مَلُوكِ وَ سَلَاطِينِ فِي اَنْ مَجْمَعِ مَفَاوِضِهِ فِي صَلْحِ اَكْبَرِ نَمَائِنِدُ ... اِكْرَ مَلِكِي بِرِ مَلِكِي بِرِ خِيْزِدُ، جَمِيعٌ مَّتَّفَقًا بِرِ مَنَعِ قِيَامِ نَمَائِنِدُ.^{۴۸}

حال، باید توجه خود را به صلح اعظم و ویژگی‌های آن معطوف داریم. حضرت ولی امرالله تعریف زیر را عنایت می‌فرمایند، اَمَّا صَلْحِ اعْظَمِ، به نحوی که حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد، یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل در هم ادغام شده باشند و چنین صلحی بر هیچ اساسی مرتفع نگردد و هیچ دستگاهی آن را حفظ نتواند مگر آن که بر پایه احکام و قوانین الهی استوار باشد و آن احکام و تعالیم در نظم جهانی بدیعی که به نام مقدّس حضرت بهاء‌الله منسوب است، مذکور و مکتوب.^{۴۹} هیکل مبارک بیانات ذیل را که حضرت بهاء‌الله خطاب به ملکه ویکتوریا نازل فرموده‌اند، درباره صلح اعظم می‌دانند نه صلح اصغر، "وَالَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ الدَّرِيَاقِ الْأَعْظَمِ وَالسَّبَبِ الْأَتَمِّ لَصَحَّتِهِ هُوَ اتِّحَادُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ عَلَى امْرِ وَاحِدٍ وَ شَرِيعَةٍ وَاحِدَةٍ؛ هَذَا لَا يُمْكِنُ اِبْدَاءً إِلَّا بِطَيْبِ حَازِقٍ كَامِلٍ مُؤَيَّدٍ لِعَمْرِي هَذَا لِهَوِّ الْحَقِّ وَ مَا بَعْدَهُ إِلَّا الضَّلَالِ الْمَبِينِ..."^{۵۰} حضرت بهاء‌الله در لوح دیگری به اتحاد کل نوع بشر اشاره می‌فرمایند، اَلْيَوْمَ لَا يَتَّقِي اَنْ كَلَّ بِه اِسْمِ اعْظَمِ مَتَشَبَّثٌ شُونِدُ، نَيْسَتْ مَهْرَبٌ وَ مَفْرَى جَزَاوِ، وَ نَاسٌ رَا مَتَّحِدٌ نَمَائِنِدُ.^{۵۱}

در متون آثار به زبان اصلی، کلماتی که به کار رفته، "صلح اصغر" و "صلح اعظم" است. در متون اصلی آثار مبارکه مشاهده می‌کنیم که اصطلاح سومی مکرراً مورد استفاده قرار گرفته و آن "صلح اکبر" است. این

⁴⁵ حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۰

⁴⁶ قد ظهر يوم الميعاد، ص ۲۴۱

⁴⁷ کتاب مبین (آثار قلم اعلى ج ۱)، ص ۶۴ (لوح ملکه انگلیس)

⁴⁸ لوح مقصود، ص ۸ / دریای دانش، ص ۱۶

⁴⁹ نظم بدیع جهانی، ص ۱۰۰

⁵⁰ لوح ملکه، کتاب مبین، ص ۶۲

⁵¹ مجموعه اقتدارات، ص ۲۹۴

واژه به صورت‌های مختلف ترجمه شده؛ گاهی به Lesser Peace و در مواقعی به the Greater Peace و گاهی the Great Peace و حتی گاهی اوقات به the Most Great Peace ترجمه شده است. این نکته جالب است که حضرت ولی محبوب امرالله در مقام خویش به عنوان مبین آیات، گاهی اوقات "صلح اکبر" را به Lesser Peace و گاهی به Most Great Peace ترجمه فرموده‌اند که به متن موضوع بستگی داشته است. وقتی که این موارد با دقت خوانده شود، کاملاً مشهود می‌گردد که هر زمان که صرفاً به کاهش تسلیحات، لزوم مشاوره در میان ملل یا اصل امنیت جمعی اشاره شده، حضرت ولی امرالله همیشه اصطلاح Lesser Peace را به کار برده‌اند. اما، وقتی که متن مورد نظر از وحدت سیاسی فراتر رفته و به وحدت با توجه به جمیع وجوه آن، از جمله وحدت نژاد و دین، مربوط بوده، در ترجمه عبارت Most Great Peace استفاده شده است.

خواننده دقیق به آسانی می‌تواند نتیجه‌گیری کند که "صلح اکبر" مرحله‌ای بین دو "صلح اصغر" و "صلح اعظم" است. نظر حقیر بر این است که سه مرحله را می‌توان در سه اصطلاحی که هیکل مبارک استفاده کرده‌اند به صورت زیر خلاصه کرد: صلح اصغر به صورت "وحدت سیاسی"؛ مرحله‌ی میانی به صورت "بیداری حسن روحانیت جمهور"^{۵۲}؛ و صلح اعظم به صورت "امتزاج نهائی تمام اجناس و مذاهب و طبقات و ملل."^{۵۳} در این مقطع کافی است که بگوییم برای من روشن است که حکومت جهانی^{۵۴} با تمام مؤسسات ملازم آن، که در توفیق "هدف نظم بدیع جهانی" توسط حضرت ولی امرالله توصیف شده، اشاره‌ای به همین مرحله میانی، یعنی "صلح اکبر" است. در حالی که ویژگی‌های اتحادیه جهانی بهائی^{۵۵} که در توفیق "تولد مدنیّت جهانی" با دقت و موشکافی، و به نحوی تکان‌دهنده و مؤثر توسط حضرت ولی امرالله توصیف شده، اشاراتی واضح به "صلح اعظم" می‌باشد.

جالب است که در این رابطه توجه داشته باشیم که در توصیف هیکل مبارک از حکومت جهانی، اولین هیأت جهانی که بدان اشاره دارند "قوة مجریة بین‌المللی"^{۵۶} است، در حالی که در توصیف روشنگری که از صلح اعظم دارند، "هیئت مجریة" جهانی در مرحله دوم بعد از "هیئت مقننه" قرار می‌گیرد.^{۵۷} می‌توانیم فرض بگیریم که دلیل آن کاملاً می‌تواند چنین باشد که در طی مرحله میانی، یعنی "صلح اکبر"، یقیناً، روح صلح اساساً بهائی است، اما شکل ظاهری آن باید مدتی همچنان ساختار بیرونی و ظاهری دنیای کهن باشد.

⁵² قد ظهر يوم الميعاد، ص ۲۴۱

⁵³ قد ظهر يوم الميعاد، ص ۲۴۱

⁵⁴ مترجم: حکومت جهانی ترجمه‌ای است که جناب فتح اعظم در توفیق هدف نظم بدیع جهانی (نظم جهانی بهائی، ص ۵۶) برای World Super-State آورده‌اند.

⁵⁵ توضیح مترجم: این عبارت ترجمه Bahá'í World Commonwealth است که از صفحه ۲۳۳ منضمات کتاب اقدس (توضیح ۱۸۹) گرفته شد.

⁵⁶ نظم جهانی بهائی، ص ۵۶ (International Executive)

⁵⁷ نظم جهانی بهائی، ص ۱۶۵

همانطور که می‌دانید، در جهان امروز شاخهٔ اجرائی حکومت، معمولاً، و حتی بدون استثناء، واحد مستقل اصلی است که مظهر ریاست کشور می‌باشد. در مفهوم امری نظم جهانی، آنگونه که من استنباط می‌کنم، سلسله مراتب متفاوت است. ریاست، نه با هیئت اجرائی، بلکه به شاخهٔ قانونگذاری اعطاء شده است. به نظر می‌رسد به این علت است که توصیف اتحادیهٔ آتی جهانی بهائی توسط حضرت ولی امرالله، واحد مستقلی که در اولویت قرار دارد، "هیئت مقننهٔ جهانی" است.

وقتی که آثار حضرت عبدالبهاء در این خصوص را مورد بررسی قرار می‌دهیم، الگوی مشابهی را می‌یابیم. یک مثال نمونه از آثار ایشان در این خصوص، لوح "هفت شمع" است. این لوح مبارک در سال ۱۹۰۶ نازل شد. این تاریخ مهم است زیرا حضرت عبدالبهاء در این لوح، در رابطه با یکی از شمع‌ها، یعنی "وحدت وطنی" به "این قرن" اشاره می‌فرمایند^{۵۸} و معلوم است که اشارهٔ ایشان به قرن بیستم است.

هفت شمعی که حضرت عبدالبهاء بیان فرموده‌اند، عبارتند از: (۱) وحدت در حیطهٔ سیاست؛ (۲) وحدت آراء در امور عظیمهٔ جهانی؛ (۳) وحدت آزادی؛ (۴) وحدت دینی؛ (۵) وحدت وطنی؛ (۶) وحدت نژادی^{۵۹}؛ (۷) وحدت لسان. پنج مورد از هفت شمع، بدون هیچ تردیدی، مراحل مقدماتی در رسیدن به صلح اصغر است، در حالی که مورد چهارم و ششم، یعنی وحدت دینی و وحدت نژادی، به آشکال وحدتی که تنها زمانی که بیداری حس روحانیت جمهور حاصل گشته باشد، اشاره دارد.

فی‌المثل، شمع اول، که "وحدت سیاسی" است، با تأسیس سازمان ملل متحد یقیناً تحقق یافته است. مورد سوم که "وحدت آزادی" باشد، مطمئناً اشارهٔ واضحی به نزدیک شدن خاتمهٔ دوران استعمار است، زیرا در نیمهٔ اول قرن نیز هنوز وجود داشت. مورد پنجم، یعنی "وحدت وطنی" مبین روح آگاهی جهانی است که در تصدیق این نکته بیان شده که جمیع ملل عالم، به کلام حضرت عبدالبهاء در این شمع، "عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند"^{۶۰} - آگاهی و وقوفی که در طی سدهٔ بیستم به طور کامل تحقق یافت. دو شمع باقیمانده، یعنی شمع دوم و هفتم، "وحدت آراء در امور عظیمه" و "وحدت لسان" برای همه واضح و بدیهی است و ابداً نیازی به شرح و بسط در این بحث ندارد.

ما بهائیان هنوز معضلات بسیاری در پیش روی داریم تا کار تحکیم را از طریق مؤسسات آموزشی و حلقه‌های مطالعه سیستماتیک نماییم و از طریق اعلام گسترده‌تر امر، فعالیت فشرده‌تر تبلیغی و تمسک بیشتر، اعم از فردی و جمعی، به حیات بهائی، امر تبلیغ را توسعه دهیم. همچنین باید درهای خانه‌ها و جامعه را به روی متحرّیان، محبین، و دوستان جدید امر مبارک بگشاییم. چنین فعالیت‌هایی مسلماً امواج نفوذ روحانی ایجاد کنند

⁵⁸ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۸

⁵⁹ در لوح مبارک تحت عنوان "وحدت جنس" مطرح شده است.

⁶⁰ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۸

که فرایندهای سازنده ائتلاف را که رهبران اندیشه خیرخواه و انسان‌های خوش‌نیت در همه جا، در طریق یافتن راه‌حلی برای مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، به دنبال آن هستند، سرعت می‌بخشد. این مسائل هر از گاهی آنها را از پیشروی به سوی هدفی که جمال مبارک برای آنها تعیین فرمودند، باز می‌دارد. جمال مبارک در الواحی که حداقل شرایط لازم برای صلح اصغر را تعیین فرمودند، هدف مزبور را روشن ساختند.

در جمع‌بندی آنچه که گفته‌ام، و برای معطوف کردن افکارمان به سوی آینده، شاید بتوانیم سناریوی زیر را مطرح سازیم: جهان، بافت اجتماعی آن، هیئت و ترکیب سیاسی آن، ساختار اقتصادی آن، و معیارهای اخلاقی‌اش همچنان رو به وخامت خواهد رفت و مدنیت فعلی را به پایین‌ترین حدّ زوال و انحطاط خود خواهد رساند. در حالی که ما بهائیان، از طرفی همچنان به توسعه دامنه امر مبارک، تحکیم بنیان و شالوده آن، انتشار نورش در سراسر کره ارض، و اعلام پیام حیات‌بخش آن به توده‌های مردم ادامه می‌دهیم، و در حالی که، از طرف دیگر، قوای هماهنگ‌کننده‌ای که روح پیام حضرت بهاءالله آنها را به فعالیت واداشته و تحت حمایت خود گرفته به توسعه و رشد ادامه می‌دهند تا ریشه را در خاک آگاهی انسانی فرو ببرند و نهایتاً عالم انسانی را به سوی رفاه و سعادت عمومی ناشی از صلح اصغر هدایت نمایند، ما می‌توانیم کاملاً مجسم نماییم که، دیر یا زود، دو خطّ سازنده و موازی، یعنی امر الهی و همتای سازنده دنیوی‌اش، به جریانی واحد، از لحاظ طبیعی متحد تبدیل خواهند شد که قوه الهی آنها را به پیش می‌راند و به صلح اعظم منجر خواهد شد و راه را برای تأسیس سلطنت الهیه بر وجه ارض در عصر ذهبی امر مقدّس الهی آماده خواهد ساخت. برای آن که شاید با وضوح بیشتر مراحل متفاوت وصول به صلح عمومی را، که با سیر تدریجی مذکور در صفاتی که واژه "صلح" را توصیف نموده، یعنی اصغر، اکبر و اعظم، کاملاً تعریف شده است، پی ببریم، ممکن است مفید باشد که به مراحل که حضرت ولی امرالله در مورد توسعه امر مبارک در سطح ملّی، زمانی که در کشورهای مختلف عالم به ظهور و بروز می‌رسد، بیان می‌فرمایند، توجّه نماییم.

همانطور که می‌دانید حضرت ولی امرالله رئوس کلی هفت مرحله پیشروی امر مبارک در هر کشور را بیان فرموده‌اند. من اوّل چهار مرحله اوّل را ذکر می‌کنم. همانطور که می‌دانید آنها عبارتند از مجهولیت، مقهوریت، انفصال و استقلال. مرحله یک، که مجهولیت است، بدیهی است که در سراسر عالم به اتمی رسیده و بیت‌العدل اعظم هم به آن شهادت داده‌اند. جامعه بهائی ایران، و نیز تعدادی از کشورهای اسلامی شرق، در مرحله دوم هستند، که مقهوریت و مظلومیت باشد. مرحله سوم، یعنی انفصال، زمانی است که مقامات مذهبی کشور، همانطور که در مصر اتفاق افتاد، رسماً اعلام کنند که چون امر بهائی دارای احکام و اصولی متفاوت با مجموعه قوانین شرعی اسلام می‌باشد، می‌توان آن را به عنوان موجودیتی مستقل، و نه به عنوان شاخه‌ای از دیانت اسلام، تلقی کرد؛ مرحله چهارم، یعنی استقلال، موقعی است که دولت حاکم، امر مبارک را منطبق با

نظام حقوقی خود تشخیص دهد. این زمانی است که به جامعه بهائی مقام و موقفی اعطاء شود که به عنوان یک سازمان مذهبی بتواند مراسم و مناسک مشخص خود را که مربوط به حوال شخصیه است، مانند ازدواج، رسماً انجام دهد. تا اینجا، این عالی‌ترین فرم شناسایی در هر کشور فرضی بوده است، که مبین برخورداری از موقفی برابر با آن چیزی است که سایر جوامع مذهبی شناخته شده از آن برخوردارند. هر یک از این مراحل چهارگانه را کاملاً ممکن است در کشوری دور زد و مسلماً با توجه به شرایط حاکم بر هر کشوری دور زده شده است.

و اما سه مورد باقیمانده؛ مورد پنجم عبارت از رسمیت آئین الهی است که به عنوان دیانت رسمی کشوری پذیرفته شود.⁶¹ مرحله ششم موقعی است که تلفیق و ادغامی بین نظام مدنی دولت حاکم و تشکیلات ملی نظم اداری بهائی حاصل می‌شود. مرحله ششم را حضرت ولی امرالله به عنوان ظهور "حکومت بهائی" توصیف فرموده‌اند.⁶² مرحله هفتم موقعی است که "حکومت بهائی" کشور مورد نظر با سایر حکومت‌های بهائی دست اتحاد می‌دهد تا اولین اتحادیه بهائی آینده را تشکیل دهند - اتحادیه‌ای که مبین مراحل آغازین صلح اعظم خواهد بود و منطبق با احکام و اصول اعلام شده توسط حضرت بهاءالله عمل خواهد کرد. همانطور که به خوبی می‌توانید درک کنید، بهائیان در هیچ کشوری از این مراحل چهارگانه عبور نکرده‌اند. این بدان معنی است که کلیه جوامع ملی بهائی به گندی و گاهی اوقات با تحمل درد و رنج در حال توسعه و عبور از این مراحل اولیه هستند.

حرکت از مرحله چهارم به مرحله پنجم مستلزم اعلام و هدایت بیت‌العدل اعظم در میقات مقتضی، زمانی که شرایط اجازه دهد، می‌باشد. به این علت است که حضرت بهاءالله فرموده‌اند: *امور سیاسیه کل راجع است به بیت‌العدل*.⁶³ ما در کمال اطمینان می‌توانیم استنتاج کنیم که، در سطح ملی، مرحله ششم، یعنی، وقتی که امر مبارک به عنوان "دیانت رسمی کشور" شناخته شود، و مرحله هفتم، یعنی وقتی که "حکومت بهائی" به ظهور برسد، در سطح بین‌المللی منطبق با صلح اکبر خواهد بود، که مرحله بعدی، یعنی صلح اعظم، به دنبال آن برقرار خواهد گردید. ما بهائیان اعتقاد راسخ داریم که دو مرحله، و یقیناً سه مرحله آخر، تماماً بخشی از نقشه عظیم جامع و فراگیر الهی هستند.

⁶¹ به ظهور عدل الهی، ص ۳۲ مراجعه شود. (توضیح مترجم: در متن انگلیسی عبارت State Religion ذکر شده اما در فارسی فقط به "رسمیت" اکتفا شده است. مقصود، دیانت رسمی دولتی کشور است.)

⁶² ظهور عدل الهی، ص ۳۲. (توضیح مترجم: در متن فارسی "تأسیس سلطنت الهیه" ترجمه شده است.)

⁶³ اشراق هشتم از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۹

سؤالات مربوط به این سخنرانی

س - حضرت ولی امرالله فرموده‌اند که سالهایی که در پیش است آستن وقایعی با عظمتی غیرقابل تصور و امتحاناتی به مراتب شدیدتر از آن است که در گذشته به وقوع پیوسته است.⁶⁴ آیا اکنون ما در "آن سالهایی که در پیش است" قرار داریم؟ آیا باید هراسان باشیم؟

ج - واژه "آستن" به جریان دلالت دارد. تردیدی ندارم که ما در آن دوران به اصطلاح "سالهایی که در پیش است" قرار داریم، اما چرا باید هراسان باشیم؟ ما باید به جمال مبارک اعتماد داشته باشیم، به ایشان توکل کنیم، از حیات بهائی برخوردار باشیم، و در کمال اطمینان با آینده مواجه گردیم. ایمان به تنهایی کافی نیست، باید به آن حضرت اعتماد کنیم. اگر تردیدی داریم باید قیام کنیم و حقیقت تأییدات لاریبیه آن حضرت را به خودمان ثابت کنیم. حضرت ولی امرالله در یکی از توایع خود خطاب به احبای آمریکایی می‌فرماید، "وقت را نتوان به هدر داد ... میدان مهیا است. وعود الهیه قطعی و غیرمکذوب است. نقشه الهی به اجرا در آمده ... قوای سماوی و ارضی به نحوی مرموز در اجرای آن ساعی و جاهد ... هر شگاک مرددی خود قیام کند و صحت و سقم این کلام را خود تحرری کند."⁶⁵

س - مقصود از "عدل اعظم" چیست؟⁶⁶

ج - فکر می‌کنم اشاره‌ای به مؤسسات بیوت عدل در سه سطح جهانی، ملی و محلی باشد.

س - آیا دخول افواج مقبلین برای صلح اصغر اهمیت دارد؟

ج - من به این طریق به آن نگاه نمی‌کنم. دخول افواج مقبلین یک جریان داخلی در توسعه امر تبلیغ است. بیت‌العدل اعظم مایلند که ما، از طریق مؤسسات آموزشی، حلقه‌های مطالعه، جلسات دعا و کلاس‌های اطفال، خود را آماده سازیم که درها را به روی افواج مقبلین بگشاییم که داخل شوند و به اندازه کافی و به طور منظم و

⁶⁴ توضیح مترجم: اشاره به بیان حضرت ولی امرالله در ظهور عدل الهی است که می‌فرمایند، "... جهان بشریت آستن حوادث عظیمه و بلاای عقیقه سقیمه‌ای است که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلابات و وقایع هائله‌ای است که صفحات تاریخ نظیر آن را درج ننموده است." (ص ۱۵۰)

⁶⁵ ترجمه - توفیق ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ مندرج در صفحه ۱۷ *Messages to America*

⁶⁶ توضیح مترجم: این اصطلاح را حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای به کار برده‌اند که در ترجمه فارسی آن (قرن بدیع، ص ۲۰۶) به این صورت آمده است، "این مظهر کلی الهی ... رافع بنیان صلح اعظم، منشأ عدل اتم اقوم..." و در همان کتاب (ص ۶۷۰) در خصوص بیوت عدل آینده می‌فرمایند، "محافل مذکوره ... در جمیع احوال به "عدل اعظم"، یگانه اساس "صلح اعظم" که کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه در بین بریه است ناظر می‌باشند." در ظهور عدل الهی (ص ۵۸) بیانی از حضرت بهاءالله نقل شده است که، "این ظلم‌های وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید." در توفیق قد ظهر یوم‌المیعاد (ص ۸)، بعد از نقل بیان اخیر حضرت بهاءالله، توضیح می‌فرمایند، "این عدل اعظم البته همان عدلی است که تنها بر آن، بنیاد صلح اعظم باید بالاخره مستقر گردد و بنوبه خود صلح اعظم آن مدنیت جهانی را ظاهر خواهد کرد که همواره با اسم اعظم همراه و ملازم خواهد بود."

مدون در امر مبارک عمیق شوند. آثار مبارکه حضرت ولی امرالله اشاره دارد به این که این مرحله دخول افواج مقبلین ثابت خواهد کرد که مقدمه‌ای بر اقبال دسته‌جمعی نفوس خواهد بود.⁶⁷

اما، صلح اصغر نتیجه مساعی رهبران در عالم سیاسی است که نهایتاً برای استقرار آنچه که می‌توان آن را صلح سیاسی غیرمذهبی در میان ملل خواند، متحد خواهند شد.

س - آیا می‌دانیم که صلح اصغر چه زمانی تحقق خواهد یافت؟ چرا فکر می‌کردیم که تا سال ۲۰۰۰ صلح اصغر واقع خواهد گردید؟

ج - وقتی که از حضرت ولی امرالله سؤال شد که صلح اصغر دقیقاً چه زمانی تأسیس خواهد شد، ایشان در جواب فرمودند که ما از زمان دقیق آن خبر نداریم.⁶⁸ حدس‌ها و پیش‌بینی‌ها در مورد سال ۲۰۰۰ از شمع پنجم وحدت که "وحدت وطنی" است نشأت می‌گرفت و همانطور که به خاطر می‌آورد حضرت عبدالبهاء در لوح مزبور می‌فرمایند، "در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز بنهایت قوت ظاهر شود."⁶⁹ از آنجا که این لوح مبارک در سال ۱۹۰۶ از قلم مبارک صادر شد، بدیهی است که مقصود از این قرن، قرن بیستم، است، بخصوص چون مخاطب لوح مزبور یکی از احبای جزایر بریتانیا بود. نکته‌ای که از چشم پنهان ماند این بود که مرحله "وحدت وطنی" را نفس حضرت عبدالبهاء در همان لوح توضیح داده‌اند، و آن زمانی است که "جمع ملل عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند." این اشاره‌ای به بیداری و آگاهی اقوام و ملل عالم است که جهان واقعاً جهان واحد است، و کره ارض وطن نوع بشر. این آگاهی البته قدم مهمی است به سوی صلح اصغر، ولی خود صلح اصغر نیست.

س - رابطه بین هفت مرحله تکامل امر مبارک و هفت شمع وحدت چیست؟

⁶⁷ توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به بیان حضرت ولی امرالله در توفیق ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۴) است که می‌فرمایند، "این تقویت ... از فرا رسیدن روزی خبر می‌دهد ... که ... فوج فوج نفوسی از ملل و اجناس مختلفه واد امر مبارک گردند، روزی که اگر خوب ملاحظه شود مقدمه زمانی است که مدتها انتظار آن می‌رفته و اقبال دسته‌جمعی نفوسی از همین ملل و اجناس در نتیجه مستقیم یک سلسله وقایع عظیمه و محتملاً حوادث مصیبت‌بار که حال به زحمت می‌توان آن را تشخیص داد ناگهان مقدرات امر را دیگرگون کرده نظم عالم را مضطرب ساخته و بنیه عددی و قدرت مادی و روحانی امر حضرت بهاءالله را هزار برابر خواهد کرد."

⁶⁸ توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله در جوابی به یکی از احبای می‌فرمایند، "در آثار مبارکه هیچ بیانی دال بر این که صلح اصغر تا ۱۹۵۷ یا ۱۹۶۳ تأسیس خواهد شد، وجود ندارد." (ترجمه - Directives from the Guardian، ص ۶۹، شماره ۱۸۴) در پیام رضوان ۱۹۸۹ معهد اعلی آمده است، "گرچه از کم و کیف شرایط و احوالی که موجب تأسیس صلح اصغر خواهد شد بی‌خبریم، حتی زمان دقیق وقوع آن در نقشه اعظم الهی مستور است، ولیکن این تحولات برای هر ناظری که به منشأ الهی این وقایع آگاه است، یقیناً امیدبخش و دلگرم کننده است."

⁶⁹ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۸

ج - اینها دو جریان هستند. یکی از آنها به توسعه داخلی امر مبارک در محیطی اشاره دارد که آن را احاطه کرده است، و دیگری توصیف وجوه گوناگون صلح عمومی است که در آثار مبارک پیش‌بینی شده است.

س - وقتی که امر مبارک دیانت رسمی و تثبیت شده کشوری شود، آیا تحرّی حقیقت همچنان باید برقرار باشد؟
ج - اصل تحرّی حقیقت اصلی گسترده و دامنه‌دار است که بر تمام دور بهائی سایه می‌افکند. حضرت باب به ما می‌فرماید که روش خداوند برای انتشار دیانتش در هیچ زمانی از طریق جبر و قوه قهریه مدّ نظر نبوده است.^{۷۰}

س - معنای بیان حضرت ولی امرالله در توفیق "تولد..."^{۷۱} چیست که می‌فرمایند، "ظهور حضرت بهاءالله را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کره زمین دانست."^{۷۲}
ج - حضرت ولی امرالله جریان فدرالیسم جهانی را به مراحل تشبیه می‌فرمایند که به جامعه متحد ایالات فدرال جمهوری آمریکا منجر شد. هیکل مبارک در توصیف جریان اخیر، نظام فدرال را که در ایالات متحده ایجاد شد به عنوان واقعه‌ای که بلوغ مردم آمریکا را اعلام می‌دارد، توصیف فرمودند. ایشان در ادامه می‌فرمایند، "در محدوده مرزهای این کشور، تشکیل چنان حکومتی بمنزله نقطه اوج در سلسله مراتب حکومت بشری بوده است، زیرا سبب شد که عناصر مخالف و پراکنده یک جامعه منقسم را در نظامی مرتبط و متشکل با هم تلفیق دهد و امتزاج بخشد. هرچند که چنین موجودیت و چنین نظامی ممکن است مستمراً بر قدرت متشکله و اتحاد حاصله‌اش بیفزاید و تمدن نوزادش را رشد و نموی بیشتر بخشد، ولیکن این تغییرات در ماهیت آن نظام خللی نمی‌اندازد، زیرا باید متوجه بود که اصولاً ترتیب مبنایی که برای تحقّق چنان نظامی لازم بوده است در اساس بنیان نهاده شده و قوه محرکه‌ای که برای استمرار و تعیین مسیرش ضرورت داشته به راه افتاده است. زیرا برای ملت آمریکا بالاتر از وحدتی که آن ملت در محدوده جغرافیایی خویش به دست آورده است تصوّر نتوان کرد، فقط می‌توان گفت که ملت آمریکا هنوز به اوج سرنوشت خویش نرسیده است، سرنوشتی که به موجب آن باید عنصر سازنده واحد بزرگتری باشد که جمیع نوع انسان را در برگیرد. اما اگر آمریکا را به عنوان یک واحد مجزاً در نظر بگیریم، در می‌یابیم که در سیر ائتلاف و امتزاج حیات اجتماعی انسان، حکومت فدرال آمریکا به عالی‌ترین و آخرین درجه تحقّق وحدت ملّی رسیده است"^{۷۳}

⁷⁰ منتخب آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۵۲ ("سبیل هدایت از روی حبّ و رأفت بوده نه شدت و سطوت، هذا سته الله من قبل و من بعد.")

⁷¹ توضیح مترجم: مقصود توفیق مبارک "تولد مدنیت جهانی" است که در مجموعه نظم جهانی بهائی ص ۹۵ به بعد مندرج است.

⁷² توضیح مترجم: کل بیان اینگونه است، "نباید آن را فقط دینی دیگر در سلسله ادیان شمرد که یکی بعد از دیگری ظاهر می‌شوند و نباید حتی بمنزله اوج و ذروه ادوار نبوت انگاشت، بلکه آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کره زمین دانست." (ص ۱۰۱)

⁷³ نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۴

همان که در محدوده جغرافیایی یک کشور رخ داده، در محدوده جغرافیایی کره ارض رخ خواهد داد. به این صورت است که این بیان حضرت ولی امرالله را در اشاره به ظهور جامعه جهانی باید درک کرد که می‌فرمایند، آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کره زمین دانست. پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیت و فرهنگ جهانی ... هر چند از لحاظ اجتماعی بالاترین حد پیشرفت در سازمان یافتن جامعه بشری محسوب می‌شود، اما یقیناً ترقی بشر از لحاظ انفرادی بر اثر تحقق آن جامعه جهانی متوقف نخواهد شد و الی غیرالنهاییه به پیشرفت و تقدّم ادامه خواهد داد." (ص ۱۰۱)

س - حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "إن قام أحدٌ منكم على الآخر، قوموا عليه. إن هذا إلا عدلٌ مبينٌ..."^{۷۴} آیا چنین حقّ انتخابی در زمان تأسیس صلح اعظم وجود دارد؟

ج - اگر ما بیانات مقدّم بر این جمله را در اصل بیان بخوانیم، روشن می‌شود که این هدایت مربوط به اصل امنیت جمعی است که در زمینه صلح اصغر نوشته شده است.^{۷۵} بسیار غیرمحمّل به نظر می‌رسد که چنین وضعیتی در زمان صلح اعظم رخ دهد. امّا، اگر واقع شود، هدایت حضرت بهاءالله یقیناً بلافاصله تنفیذ و اجرا خواهد شد.

س - خطّ فروپاشی و اضمحلال به کجا منتهی می‌گردد و آیا نهایتاً ناپدید خواهد شد؟

ج - من درباره دو خط مقابل هم که از یکدیگر فاصله می‌گیرند، یعنی ائتلاف و اضمحلال، یا سازندگی و فروپاشی، صحبت کردم. خطّ اوّل نمایانگر رشد و تحکیم امر مبارک و خطّ دوم میّین و خامت و انحطاط جامعه بشری است. آنچه که باید به خاطر بسپاریم این است که بنا به بیان حضرت بهاءالله ما به مرحله بلوغ عالم انسانی نزدیک می‌شویم. این بلوغ را حضرت ولی امرالله اینگونه توصیف می‌فرمایند، اگر بیانات حضرت بهاءالله را بدرستی ادراک کنیم چنین درمی‌یابیم که همان تغییرات نهانی و توصیف ناپذیر و جامع‌التأثیری که با دوره بلوغ جسمانی یک فرد همراه و مثلاً برای رسیدن میوه درخت لازم است، برای تکامل نظام جامعه انسانی نیز ضرورت می‌یابد و ... باید مرحله مشابهی در بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان پدیدار شود ... اگر بدرستی عظمت دعوی رسالت حضرت بهاءالله را دریابیم، یقین خواهیم کرد که پدید آمدن چنین مرحله بلوغی در نظام حاکمه بشری با ظهور آئین بهائی پیوستگی خواهد داشت.^{۷۶}

⁷⁴ لوح ملکه ویکتوریا، کتاب مبین، ص ۶۴

⁷⁵ توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله در توفیق هدف نظم بدیع جهانی (نظم جهانی بهائی، ص ۵۵) بعد از نقل بیان مبارک فوق، به تشریح آن پرداخته‌اند.

⁷⁶ نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۲

"در این مقال مثالی می‌زنیم: پیش از آن که ایالات متحده آمریکا ایجاد شود، چه بسیار بودند مردمی در آن کشور که با اطمینان اظهار عقیده می‌کردند که برای تشکیل یک کشور فدرال در آمریکا موانع بقدری زیاد است که ممکن نیست جمیع آنها را برطرف ساخت ... هیچ چیز بجز آتش دامنگیر و سرکش جنگ داخلی که نزدیک بود جمهوری بزرگ آمریکای شمالی را بکلی نابود سازد، نمی‌توانست کشورهای موجود آن زمان آمریکا را در لهیب خویش چنان ذوب کند و به هم جوش دهد که نه تنها به واحدهای مستقل در یک اتحادیه تبدیل شوند، بلکه با وجود اختلافات نژادیشان به صورت یک ملت در ظلّ یک وطن در آیند... هیچ چیز بجز آتش سوزان امتحان و بلیات نمی‌تواند عوامل متضادّ و متخاصمی را که اجزاء مرگبه تمدن امروزه ماست چنان در هم ذوب نماید و به هم جوش دهد که همه آنها را اجزاء مرگبه یک اتحادیه جهانی آینده گرداند."^{۷۷}

همانطور که در بیانات فوق ملاحظه می‌کنیم مصائب و آلام عمومی جهانی از شروط و مقتضیات بیداری و آگاهی روحانی جهانی است. به بیانات حضرت ولی امرالله که نقل گردید، فکر می‌کنم باید این بیان خطیر و مهمّ هیکل مبارک را بیفزایم که می‌فرمایند، "باید سیر تجزّی و تلاشی جاری گردد و نفوذ فاسدکننده‌اش هر روز عمیق‌تر شود و در ارکان این عصر متزلزل رسوخ نماید و هنوز مصائب دردناک بیشتری لازم است تا کشورهای متخاصم و اصول و عقاید متناقض و طبقات و نژادهای مختلف را در کوره بلیات عمومی ذوب نماید ... بلیاتی که تصوّرش را نتوان کرد؛ بحران‌هایی که به خوابش نتوان دید؛ انقلابات، جنگ، قحط و غلا و آفات، همه شاید دست به دست هم دهند تا در دل و جان بشر غافل حقایق و اصولی را حکّ نمایند که همواره از شناسایی و پیرویش سر می‌پیچیده است."^{۷۸}

طبق لوحی که از قلم حضرت عبدالبهاء عزّ صدور یافته، خطّ فروپاشی و اضمحلال که جهان را به سوی الحاد و بی‌دینی سوق می‌دهد به چنان نقطه حسیّی خواهد رسید که به هرج و مرج و آشفتگی عمومی منجر خواهد گردید - چنان هرج و مرجی که جهان مایل به تحمّل آن نخواهد بود. این مرحله به آنجا منجر خواهد شد که جهان به دیانت روی آورد و اهمّیت اقبال به خداوند را دریابد.^{۷۹} آن زمانی خواهد بود که جوانان بهائی امروز از فرصت بی‌نظیر اعلام امر مبارک و تبلیغ دین مبین حضرت بهاءالله برخوردار خواهند شد، زیرا استعداد و پذیرشی به مراتب بیشتر نسبت به پیام مبارک در قلوب انسانها در همه جا ایجاد خواهد شد.^{۸۰} به نظر من کاملاً

⁷⁷ نظم جهانی بهائی، صص ۶۲ و ۶۴ (توضیح مترجم: عبارت انتهای آن در متن فارسی حذف شده است: "این حقیقتی است که وقایع آینده به نحوی دائم‌التزاید واضح و آشکار خواهد ساخت.")

⁷⁸ نظم جهانی بهائی، صص ۱۴۹-۱۴۸

⁷⁹ توضیح مترجم: اشاره به بیان حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا اسحق خان حقیقی است که می‌فرمایند، "روز بروز هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است. عاقبت به درجه‌ای رسد که بنیه انسانی را تحمّل نماند؛ آن وقت انتباه رخ دهد." (امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۹)

⁸⁰ توضیح مترجم: شاید اشاره جناب نخجوانی به پیام ۲۳ ژوئن ۱۹۸۳ معهد اعلی باشد که می‌فرمایند، "این نسل از جوانان بهائی از امتیازی بی‌مثیل برخوردارند. شما در زمانی خواهید زیست که قوای تاریخ به سوی اعلی مدارج حرکت خواهند کرد که عالم انسانی شاهد تأسیس صلح اصغر خواهد بود"

امکانپذیر است که مرحله اقبال دسته‌جمعی که در آثار مبارکه حضرت ولی امرالله پیش‌بینی شده در چنین زمانی رخ دهد که به افزایش ناگهانی "هزار برابر" در بنیة عددی و قدرت مادی و روحانی امر حضرت بهاءالله^{۸۱} منجر خواهد شد.

س - چه زمانی جامعه بهائی، در کشوری، از مرحله "رسمیت" به مرحله "تأسیس سلطنت الهیه" خواهد رسید؟
ج - حضرت ولی امرالله به "اکثریت" جمعیت کشور اشاره می‌فرمایند.^{۸۲} ایشان تعریفی از اکثریت ارائه نمی‌دهند که چه میزانی از جمعیت باید باشد. از آنجا که این موضوع به "دولت" مربوط می‌شود وقتی چنین وضعیتی به وجود آید، باید موضوع به بیت‌العدل اعظم احاله گردد.

س - وقتی که در کشوری "دولت بهائی" استقرار یابد، آیا غیربہائیان دارای حق رأی خواهند بود، و / یا در اداره کشور مقام و منصبی را در اختیار خواهند داشت؟

ج - تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که در آثار مبارکه به این موضوع پرداخته نشده است و بنابراین، بنا به بیان حضرت بهاءالله که قبلاً به آن اشاره شد، "امور سیاسیہ کلّ راجع است به بیت‌عدل،"^{۸۳} باید به بیت‌العدل اعظم ارجاع گردد.

س - علاوه بر سازمان ملل متحد، که شما اشاره کردید، نظر شما نسبت به سازمان‌هایی مانند اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول چیست؟

ج - کلیه این مظاهر آگاهی نوع بشر نسبت به وحدت و هم‌بستگی عمومی خود، آنطور که حضرت عبدالبهاء در دومین شمع وحدت پیش‌بینی فرموده‌اند، عبارت از حرکت مداوم عالم انسانی به سوی "وحدت آراء در امور عظیمه"^{۸۴} است. مثال‌هایی که شما ذکر می‌کنید معدودی از نمونه‌های بسیاری هستند که سعی می‌کنند طرح‌هایی را به وجود آورند، رفاه جمیع طبقات، نژادها و ملل را که جامعه جهانی را تشکیل می‌دهند، ترویج دهند. فی‌المثل، سازمان بهداشت جهانی، یونسکو، یونیسف، صلیب سرخ، و نهادهای گوناگونی که امروزه در حمایت از محیط زیست، در تحقیق در اقیانوس‌ها، در بررسی منظومه شمسی، در ترویج ارزشهای مثبت جهانی

و در آن زمان امر مبارک در بازسازی جامعه بشری نقشی هر چه چشمگیرتر و برجسته‌تر ایفا خواهد کرد. در سالهایی که در پیش است از شما دعوت خواهد شد که، در مواجهه با شرایط و تحولاتی که، هنوز، به زحمت می‌توان تصورشان را نمود، زمام امور امرالله را در دست بگیرید. (ترجمه - *A Wider Horizon - Selected Letters 1983-1992*، ص ۱۵۴)

⁸¹ حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۴

⁸² نظم جهانی بهائی، ص ۱۱ (توضیح مترجم: ظاهراً اشاره جناب نخجوانی به این بیان مبارک است، "... زیرا در آن زمان آئین بهائی را فقط به عنوان یک نظام دینی نمی‌شناسند بلکه به صورت دین رسمی یک کشور مستقل در خواهد آمد و چون دین بهائی در جمهور خلافت شرق و غرب نفوذ نماید و حقایقش به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان در آید، آن وقت بیت‌العدل اعظم به ذروة قدرت و سلطه خود خواهد رسید...")

⁸³ اشراق هشتم از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۹

⁸⁴ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۸

شدن، از الة بی سوادى و غيره فعاليت دارند. چنین امور عظیمه جهانی در گذشته وجود نداشت، اما این آرمانها برای اولین بار، در سطحی جهانی، از اوایل قرن بیستم، صادقانه، مشتاقانه و با موفقیت دنبال می شود. به این علت است که حضرت عبدالبهاء این قرن را "قرن انوار" نامیده اند.⁸⁵

مضافاً، ملاحظه می کنیم که حضرت بهاء الله رؤسا و امراء کل نیم کره غربی را به عنوان رهبران یک واحد جغرافیایی مخاطب قرار می دهند، از آنها می خواهند و در واقع رسالتی خاص به آنها می دهند. آیا این تلویحاً به وحدت و یکپارچگی اجزاء متشکله این واحد دلالت ندارد؟ مساعی بسیاری قبلاً برای حصول این هدف مبذول شده، گو این که با موانع و شکستها مواجه شده است. حضرت ولی امرالله نیز، در تبعیت از هدایت حضرت بهاء الله، به نیم کره شرقی به عنوان همتای نیم کره غربی اشاره می کنند،⁸⁶ و به طور اخص آینده اتحاد سیاسی دو نیم کره را به عنوان مرحله ای به سوی تأسیس صلح جهانی ذکر می فرمایند. حضرت ولی امرالله مراحل تکامل اجتماعی عالم انسانی به سوی بلوغش را، در بیانات الهام بخشی که ذکر خواهم نمود، برای ما بیان می فرمایند، "دیگر عصر¹⁷ شیرخوارگی و کودکی بشر به سر رسیده و عالم انسانی، حال، به هیجان و التهابی دچار است که با سخت ترین دوره تکاملش، یعنی دوره بلوغش ملازمت دارد؛ دوره ای که غرور جوانی و سرکشی اش به حد اعلی رسیده، به تدریج فروکش می کند و آرامش و معقولیت و متانت که مخصوص دوره بلوغ است، به جایش می نشیند؛ سپس نوع بشر به مرحله رشد و کمال می رسد و قادر می شود به قوا و قابلیت های فائز شود که ترقیات نهائی اش وابسته به آن است.

اتحاد اهل عالم درخشان ترین مرحله ای است که، حال، جامعه انسان رو به آن روان است. اتحاد خانواده، اتحاد دولت شهر و اتحاد ملی مراحل است که بشر آن را پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است. دوره ملت سازی سپری گردیده و هرج و مرجی که از ایجاد دولت های ملی مختلف ناشی شده، به اعلی درجه خود نزدیک می شود. لهذا، جهانی که به بلوغ

⁸⁵ توضیح مترجم: حضرت عبدالبهاء اصطلاح "قرن انوار" را هم به معنی دور بهائی به کار برده اند ("... این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم. زیرا این قرن انوار عالم دیگر و قوتی دیگر و نورانیتی دیگر دارد...". مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۸) و هم به معنی قرن بیستم. (در خطابه ۱۳ مه ۱۹۱۲ می فرمایند، "این قرن شمس قرون ماضیه شود، اشراقاتش الی الأبد دوام یابد، تا در آتیه قرن بیستم را تمجید و تحسین کنند و بگویند قرن بیستم قرن انوار بود، قرن بیستم قرن حیات بود، قرن بیستم قرن صلح عمومی بود، قرن بیستم قرن فیوضات الهیه بود، قرن بیستم آثارش را الی الأبد باقی و برقرار گذاشت." ترجمه)

⁸⁶ حصن حصین شریعت الله، ص ۴۰ (توضیح مترجم: در اصل انگلیسی "اتحاد سیاسی نیم کره شرقی و غربی... است، اما در فارسی "وحدت سیاسی شرق و

غرب... ترجمه شده است.)

⁸⁷ توضیح مترجم: در متن انگلیسی "عصر طولانی" آمده است.

می‌رسد، باید خود را از شرّ این بت برهاند و وحدت و یگانگی جمیع روابط انسانی را قبول کند و یکباره دستگاهی را به راه اندازد که این اصل اصیل وحدت را در آن تجسم بخشد.^{۸۸}

فصل دو

۲- ولایت امر و بیت‌العدل اعظم در ظلّ نصوص کتاب اقدس

و بیانات حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا

حضرت ولی امرالله کتاب مستطاب اقدس و الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء را به عنوان گنجینه گرانبھائی ... که عناصر بی نظیر مدنیت الهیه را که تأسیس مقصد اصلی دیانت بهائی است^{۸۹}، و به عنوان گنجینه عناصر مرکبه^{۹۰} آن "حکومت و اقتداری که در آثار بهائی موعود است"^{۹۱} تعیین فرموده‌اند. مضافاً ایشان کتاب مستطاب اقدس را به عنوان "منشور مدنیت جهانی"^{۹۱} توصیف می‌فرمایند و الواح وصایا را نیز دقیقاً با همین عنوان یاد می‌کنند.^{۹۲}

باید آگاه باشیم که وقتی احبای ایران برای اولین بار کتاب اقدس را زیارت کردند، آن را، اگرچه با احترام بسیار، ام‌الکتاب یا کتاب احکام حضرت بهاءالله تلقی کردند، درست همانطور که قرآن کریم ام‌الکتاب جهان اسلام بود، اما، بعضی از آیات کتاب مستطاب اقدس درک نشد، یا، متأسفانه، حتی اشتباه فهمیده شد. فی‌المثل، فقره معروف در کتاب اقدس که ظهور نظم بدیع جهانی را اعلام می‌دارد به این معنی برداشت شد که نظم آیات کتاب اقدس از الگوی بی‌مثلی تبعیت می‌کند که با نظم آیات بیان یا کتب مقدسه ادوار سالفه متفاوت است.

همانطور که می‌دانید، در بیان فارسی نیز آیه‌ای وجود دارد که به نظم حضرت بهاءالله اشاره دارد. این آیه قرینه در کتاب بیان که خبر از نظم حضرت بهاءالله می‌داد نیز مانند همان آیات درک شد، یعنی این که محتوای ام‌الکتاب حضرت بهاءالله، بر خلاف بیان، به فصول و آیات تقسیم نخواهد شد، بلکه نظم و ترتیب بی‌نظیری مخصوص خود دارد. در سال ۱۹۳۴، یعنی حدود ۱۳ سال بعد از تأسیس مؤسسه ولایت امرالله، حضرت شوقی افندی این آیه مهم و کلیدی ام‌الکتاب حضرت بهاءالله را ترجمه کردند. برای اولین بار برای

^{۸۸} نظم جهانی بهائی، صص ۱۶۴-۱۶۳

^{۸۹} نظم جهانی بهائی، ص ۸

^{۹۰} نظم جهانی بهائی، ص ۲۱

^{۹۱} قرن بدیع، ص ۴۲۷ (توضیح مترجم: در متن انگلیسی (ص ۲۱۴) "منشور مدنیت جهانی آینده" آمده است.

^{۹۲} قرن بدیع، ص ۶۶۵ (الواح مقدسه وصایا کاشف کیفیت تأسیس نظم بدیع و منشور مدنیت آیه جهانی که از بعضی جهات و اصول متمم کتاب مستطاب

اقدس محسوب...)

احبای شرق و غرب معلوم شد که نظم مذکور هیچ ارتباطی با سبک و ترتیب کتاب اقدس ندارد، بلکه بیان این نکته بود که ظهور حضرت بهاءالله موجد نظم بدیع جهانی برای اداره امور جهان و تأسیس ملکوت موعود الهی بر وجه ارض است.

و اما در مورد الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء، احبای شرق و نیز غرب آن را سندی تلقی کردند که حضرت عبدالبهاء در آن، میثاق حضرت بهاءالله را ادامه دادند تا سلسله جانشینی بعد از صعود هیکل مبارک را تحت پوشش قرار دهد. احبای عالم، به حضرت شوقی افندی به عنوان جانشین حضرت عبدالبهاء نگاه می کردند. یعنی ایشان از آن پس مبین کلام الهی و مرکز امرالله بودند که جمیع باید به ایشان توجه می کردند. البته کل این موارد درست بود، اما این صرفاً برداشتی ساده انگارانه و در پایین ترین حد خود نسبت به سندی بود که بعداً حضرت ولی امرالله به عنوان "منشور مدتیت آتیه جهانی" توصیف فرمودند.

حضرت ولی امرالله تدریجاً پرده از این سر برداشتند. فی المثل در سال ۱۹۲۳، یعنی زمانی که به زحمت دو سال از صعود حضرت عبدالبهاء گذشته بود، هیکل مبارک درباره محتوای الواح مبارکه وصایا می فرمایند، "جمیع جوانب آن را مملو از اسرار یافتیم" و شرایط مذکور در آن "هر قلبی را نگران ساخته و هر فکری را به حرکت می آورد." ۹۳ هیکل مبارک در همان سال در تویعی خطاب به احبای ایران مرقوم فرمودند، "در مستقبل ایام بیت عدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدسه الهیه و حکم و معانی کلّیه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاءالله ودیعه گذاشته به تدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید." ۹۴

یک سال بعد مرقوم فرمودند، "مولای محبوب ما در الواح مبارکه وصایای خود از ما خواسته اند که نه تنها آن [نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله] را بدون هیچ قید و شرطی اختیار کنیم، بلکه مزایای آن را برای جمیع اهل عالم مشهود و معلوم سازیم مساعی ما برای تخمین ارزش کامل و درک اهمیت دقیق آن در مدتی چنین کوتاه که از زمان ایجاد آن می گذرد، اقدامی بسیار زود هنگام و جسورانه خواهد بود. برای برخورداری از درکی واضح تر و کامل تر از شرایط و دلالات آن، باید به زمان و هدایات بیت العدل اعظم اعتماد کنیم." ۹۵ حدود پنج سال بعد، در سال ۱۹۲۹، هیکل مبارک آن را گنجینه گرانبهایی که عناصر بی نظیر مدتیت الهیه را ... در بر دارد ۹۶ خواندند و این بیان را بدان افزودند، "ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم، یعنی الواح وصایا، بسیار نزدیکیم و از ادراک کامل مضامینش و از اطلاع بر اسرار مکنونه اش عاجز و ناتوان. فقط نسل های آینده

⁹³ نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۱۱۵ گوهر یکتا. اصل بیان در صفحه ۵۰ *Bahá'í Administration* مندرج است.

⁹⁴ منتخبات توفیعات مبارکه حضرت ولی امرالله، طبع ۱۰۵ بدیع، ۱۳۲۷ شمسی، لجنه ملی نشر آثار امری، ص ۴۹

⁹⁵ ترجمه - توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۶۲ *Bahá'í Administration*

⁹⁶ نظم جهانی بهائی، ص ۸

می‌توانند بر قدر و منزلت این شاهکار الهی که دست قدرت مهندس اعظم عالم برای وحدت و نصرت امر جهانگیرش آفریده است، فی‌الجمله وقوف یابند.^{۹۷}

حضرت ولی امرالله در آنجا توقّف فرمودند، و به ارزیابی و تمجید اسرار لانهایی مندمج در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء ادامه دادند. حدود یک سال بعد، در ۲۵ مارس ۱۹۳۰ در بیانات خود درباره اسرار و رموز مکنونه الواح مبارکه وصایا، در مکتوبی که از طرف ایشان نوشته شد، به نقطه اوج این بررسی رسیدند، "محتوای الواح مبارکه وصایای حضرت مولی‌الوری اعظم از آن است که نسل حاضر بتواند آن را درک کند. حداقل یک قرن مدّقه و تفکر واقعی لازم است تا کنز حکم مکنون در آن را بتوان به منصفه شهود رساند."^{۹۸}

احباء متحیرند و می‌پرسند که اسرار آن کجا می‌تواند باشد. آیا ممکن است که اینها به درک محدودشان از مقام حضرت ولی امرالله مربوط باشد؟ آیا این اسرار و رموز در ارتباط با وظائف بیت‌العدل اعظم است؟ چرا باید مدتی اینقدر طولانی بگذرد تا بهائیان درک کنند آنچه که در مقابل روی آنها قرار گرفته سندی ساده و قابل فهم درباره نظم اداری آتیه امر مبارک است؟ حالا به این سؤالات می‌پردازم.

فی‌المثل حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که شرایط مذکور در دو منشور مزبور، یعنی کتاب مستطاب اقدس و الواح مبارکه وصایا نه با یکدیگر مغایرت دارند و نه متناقضند و در واقع "مکمل و مؤید یکدیگرند و دو جزء لایتجزی از یک واحد به شمار می‌روند."^{۹۹} اما، یک تناقض اساسی ظاهری بین این دو سند وجود دارد، زیرا کتاب اقدس زمانی را پیش‌بینی می‌کند که هیچ یک از اغصان وجود نداشته باشند، به این معنی که ولّاء امر آینده وجود نخواهند داشت، در حالی که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء شرایط سلسله ولّاء امرالله را تعیین می‌کند.

آیه‌ای که در کتاب اقدس به اغصان اشاره دارد این است، "قد رجعت الأوقاف المختصّة للخیرات الی الله... لیس لأحد أن يتصرّف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الأغصان و من بعدهم الی بیت‌العدل إن تحقّق أمره فی البلاد... والّا ترجع الی اهل البهائ الدین لا یتکلمون الا بعد اذنه و لا یحکمون الا بما حکم‌الله فی هذا اللوح."^{۱۰۰} در توضیح این آیه در یادداشت‌های ۶۶ و ۶۷ کتاب اقدس اینگونه آمده است، "یادداشت ۶۶ - اغصان (جمع غصن) به معنی شاخه‌ها است. جمال اقدس ابهی سلاله ذکور خود را به این کلمه ملقب فرمودند. اصطلاح اغصان هم در مورد حق تصرّف در اوقاف و هم در مورد تعیین وصی بعد از صعود

⁹⁷ همان، ص ۱۳

⁹⁸ ترجمه - Universal House of Justice Messages 1963-1981، ص ۱۶۱ (انوار هدایت، فقره ۵۹۸)

⁹⁹ نظم جهانی بهائی، ص ۸

¹⁰⁰ بند ۴۲

جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء مصداق می‌یابد. جمال مبارک در کتاب عهدی پسر ارشد خویش، غصن اعظم حضرت عبدالبهاء را مرکز عهد و میثاق معین و به زعامت و قیادت امرالله منصوب فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح مبارکه وصایا حفید ارشد خویش، حضرت شوقی افندی، را به ولایت و مرجعیت امر بهائی تعیین نموده‌اند. لهذا جانشینی اغصان منتخبه و بالنتیجه مؤسسه ولایت امرالله و نیز امکان انقطاع در نسل اغصان در ضمن این بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس پیش‌بینی شده است. صعود حضرت ولی امرالله در سنه ۱۹۵۷ عیناً همان وضعی را به وجود آورد که در این فقره از کتاب مستطاب اقدس به آن اشاره گردیده، یعنی قبل از تشکیل بیت‌العدل اعظم سلالة اغصان به انتها رسید.

"یادداشت ۶۷ - جمال اقدس ابهی امکان انقطاع در سلالة اغصان را قبل از تأسیس بیت‌العدل اعظم پیش‌بینی نموده و در صورت وقوع چنین وضعی مقرر فرمودند که «الأوقاف المختصة للخیرات ... ترجع الی اهل البهاء». اصطلاح «اهل بهاء» در آثار مبارکه معانی مختلف دارد. در این مورد در وصف آنان چنین آمده است: «الذین لا یتکلمون الا بعد اذنه و لا یتکلمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح». از سنه ۱۹۵۷، بعد از صعود حضرت ولی امرالله، ایادی امرالله^{۱۰۱} تا هنگام تأسیس بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۶۳، امور امر بهائی را اداره می‌نمودند.

نکته مهم در مورد اغصان مستلزم توضیحاتی است. در آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، بین اغصانی که برای قیادت و زعامت امرالله و تبیین تعالیم و آیات الهی منصوب می‌شوند و بقیه اغصان که در این مقوله جای نمی‌گیرند، وجه تمایزی روشن و واضح قائل شده‌اند. در مورد گروه اخیر که کلیه اغصان را در بر می‌گیرد بیان زیر را که از قلم حضرت بهاءالله در کتاب عهدی نازل شده زیارت می‌کنیم، "محبت اغصان بر کل لازم و لکن ما قدر الله لهم حقاً فی اموال الناس".^{۱۰۲} نهی از ادعا نسبت به بعضی حقوق به اعمال چنین کاری در که در بعضی از فرقه‌های اسلام مجاز بود، مربوط می‌شود که امتیازات ویژه‌ای به اخلاف حضرت محمد اعطاء شده بود که امتیازات مالی برای خود ادعا نمایند.

همانطور که همه واقفید، الواح وصایا به وضوح اعلام می‌دارد، "باید ولی امرالله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد."^{۱۰۳} بعلاوه، الواح وصایا بیان می‌کند که

¹⁰¹ توضیح مترجم: جمال مبارک بنفسه المبارک صفاتی را که در این آیه کتاب اقدس برای آن گروه از اهل بهاء که به صرف اوقاف خواهند پرداخت ذکر فرموده‌اند، در بیانی دیگر عیناً برای ایادی امرالله ذکر کرده‌اند بقوله تعالی: "الذین لا یتجاوزون عما أنزل الله فی الكتاب و لا یتکلمون الا لما أذن لهم فی المآب اشهد أنهم ایادی امره فی الوری... و جالب آن که حتی طرد کردن نفوسی که لایق ورود در ظل امر نیستند نیز (که در الواح وصایا به آن اشاره شده) در همین بیان حضرت بهاءالله به ایادی امرالله واگذار شده است، بقوله تعالی، "هم القائمون لدی بابه و یطردون من لم یکن اهلاً للدخول الی فنامه..." (مائدة آسمانی، ج ۸، ص ۱۳۸)

¹⁰² ادعیه حضرت محبوب، طبع جدید، ص ۳۹۹

¹⁰³ ایام تسعه، ص ۴۶۸

ولی امرالله "رئیس مقدّس" بیت‌العدل اعظم و "عضو اعظم ممتاز لاینعزل"^{۱۰۴} این هیأت است. الواح وصایا تصریح دارد که، ایادی امرالله از نفس جمعیت خویش نه نفر را انتخاب نمایند و همیشه به خدمات مهمّه ولی امرالله مشغول باشند... و این نه نفر یا بالاتفاق یا به اکثریت آراء باید غصن منتخَب را که ولی امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند.^{۱۰۵}

یکی از ویژگی‌های حیرت‌آور الواح وصایا انعطاف‌پذیری آن است. از طرفی تشکیل بیت‌العدلی را که ریاست آن با ولی امرالله است پیش‌بینی نموده، و از طرف دیگر، در همین سند، هیکل مبارک بیت‌العدلی را پیش‌بینی می‌فرمایند که، بدون حضور عنصری ولی امرالله، به همان میزان از هدایت الهیه برخوردار است. از دو فقره از الواح مبارکه وصایا مشهود می‌گردد که بیت‌العدل اعظم با اعضاء منتخَب خود نیز بالاستقلال از هدایت الهیه برخوردار است - هدایتی که منوط و مشروط به حضور ولی امرالله به عنوان رئیس مقدّس این مؤسسه نیست. فقره اول این است: "ولی امرالله و بیت‌عدل عمومی که به انتخاب عمومی تأسیس و تشکیل شود، در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ... است. آنچه قرار دهند من عندالله است. من خالفه و خالفهم فقد خالف الله..."^{۱۰۶}

اشاره دوم در بخش دوم الواح وصایا، که به احتمال قوی در سال ۱۹۰۷ نوشته شده، درج گردیده است. عین کلام مبارک این است، "الآن من در خطری عظیم و امید ساعتی از حیات مفقود و ناچار به تحریر این ورقه پرداختم حفظاً لأمرالله و صیانتاً لدینه و حفظاً لکلمته و صوتاً لتعالیمه."^{۱۰۷}

در زمانی که این قسمت از الواح مبارکه وصایا نوشته می‌شد، حضرت شوقی افندی فقط ده سال داشتند و دورانی بود که بعدها حضرت ولی امرالله اینگونه توصیف فرمودند، "حضرت عبدالبهاء این بیان مبارک را در تاریک‌ترین ایام حیات خویش صادر فرمودند و آن وقتی بود که به امر سلطان عبدالحمید بنا بود به نقطه بد آب و هوای مشکلی در شمال آفریقا تبعید گردند"^{۱۰۸}: "مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع به بیت‌عدل عمومی. بیت‌عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقق یابد، همان حق و مرادالله است. من تجاوز عنهُ فهو ممن أحب الشقاق و أظهر النفاق و أعرّض عن ربّ الميثاق. ولی مراد بیت‌عدل عمومی است که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود، یعنی شرق و غرب احباء که موجودند... آن اعضاء [بیت‌العدل] در محلی اجتماع

¹⁰⁴ همان، ص ۴۷۱

¹⁰⁵ ایام تسعه، ص ۴۶۸

¹⁰⁶ ایام تسعه، ص ۴۶۷

¹⁰⁷ ایام تسعه، ص ۴۷۶

¹⁰⁸ نظم جهانی بهائی، ص ۲۲

کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیرمنصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نصّ است.^{۱۰۹}

همانطور که در پیام ۹ مارس ۱۹۶۵ بیت‌العدل اعظم ذکر شده، در همین زمان بود که حضرت عبدالبهاء خطاب به پسردهایی حضرت اعلی، بانی اصلی مشرق‌الأذکار عشق‌آباد، جناب حاجی میرزا تقی افنان، لوحی صادر فرمودند که در طی آن خطراتی را که جان ایشان را تهدید می‌کرد، توصیف می‌فرمایند، و بعد می‌افزایند که ایشان الواح مبارکه و صایا را مرقوم فرموده‌اند و در آن راهنمایی‌های لازم برای انتخاب بیت‌العدل اعظم ذکر شده است. و لذا، هیکل مبارک در لوح مزبور، مشارالیه را هدایت می‌فرمایند که به ارض اقدس عزیمت نماید تا چنانچه تهدیداتی که علیه هیکل مبارک به عمل می‌آمد جامه واقعیت می‌پوشید و به حیّز عمل در می‌آمد، الواح و صایا را بگشاید و طبق میل حضرت عبدالبهاء عمل کند.

البته این اقدامات احتیاطی که حضرت عبدالبهاء معمول فرمودند هرگز تحقق نیافت. قیام جوانان ترک باعث سقوط امپراطوری عثمانی شد، حضرت عبدالبهاء از سجن‌رهایبی یافتند، و بعد از آن مدّت یک دهه به فعالیت شدیدی مبادرت فرمودند. لذا، آیا ما نمی‌توانیم این فرض را بپذیریم که طبق هدف مرموز و غیر قابل درک الهی، کلیه این وقایع رخ داد تا حضرت عبدالبهاء بتوانند به طریقی طبیعی و واقعی، بیان و شهادت واضح خود را برای آیندگان باقی گذارند که بیت‌العدل اعظم یقیناً می‌تواند بدون حضور عنصری ولی امرالله به عنوان رئیس آن، به طور کامل عمل کند؟

این واقعیت که بیت‌العدل اعظم، فقط با اعضاء منتخب خود، دریافت‌کننده مستقیم و مستقل هدایت الهیه در تمام طول دور بهائی است، در این بیانات حضرت ولی امرالله در توفیق "دور بهائی" مورد تأیید مجدد قرار گرفته است: اعضاء بیت‌العدل اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمه مکمل کتاب اقدس ... باید هموار در حال توجّه و ابتهاج به حکم وجدان خویش رفتار نمایند ... فقط این نفوس مهابط هدایت و الهامات الهیه‌اند نه هیئت منتخبین که رأساً و یا به طور غیرمستقیم ایشان را انتخاب می‌نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است.^{۱۱۰}

با توجّه به آنچه که بعد از صعود حضرت ولی امرالله، که نه وصیت‌نامه‌ای از خود به جای گذاشتند و نه در ایام حیات خویش غصنی از اغصان را به عنوان جانشین خویش منصوب فرمودند (انتصابی که می‌بایست به تأیید نه‌یادی منتخب ساکن ارض اقدس برسد)، رخ داد، برای حضرات ایادی امرالله و کلّ عالم بهائی روشن

¹⁰⁹ ایام تسعه، ص ۴۷۷

¹¹⁰ دور بهائی، ص ۹۲

ساخت که دومین راه ممکن که با شرایط مذکور در الواح وصایا تعیین شده بود، در واقع اجتناب‌ناپذیر بود و نه تنها با خود الواح وصایا بلکه با پیش‌بینی‌های مذکور در کتاب اقدس نیز انطباق تام داشت.

در این لحظه، بررسی اجمالی محتوای الواح وصایای حضرت عبدالبهاء با توجه به پیش‌بینی‌های حضرت بهاء‌الله در کتاب عهدی، برای ما مفید خواهد بود. همانطور که می‌دانید کتاب عهدی به طور کامل در صفحات ۱۳۷-۱۳۴ "مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده" طبع شده است.^{۱۱۱} در این سند، حضرت بهاء‌الله در کمال صراحت حضرت عبدالبهاء، غصن اعظم، را به عنوان جانشین خود منصوب می‌فرماید. اما بعد در ادامه می‌فرمایند، "قد قدر الله مقام الغصن الأكبر [محمدعلی] بعد مقامه ... قد اصطفينا الأكبر بعد الأعظم ..."^{۱۱۲} این بدان معنی است که بعد از حضرت عبدالبهاء، نایب‌داری ایشان، یعنی محمدعلی، مرکز امر خواهد شد، البته به شرط آن که ثابت بر میثاق باشد و بداند که این مقام در ذیل مقام متعالی که مخصوص حضرت مولی‌الوری است، قرار دارد. اما، همانطور که بالاتر دید همه شما می‌دانید، حتی قبل از استقرار رمس مقدس حضرت بهاء‌الله، وقتی که حضرت عبدالبهاء مشغول غسل دادن جسد پدرشان به دست خود بودند، محمدعلی، برادرانش و شوهر خواهرش و نیز اعضاء خانواده بلافصل آنها هم‌پیمان شدند تا با حضرت عبدالبهاء مخالفت نمایند.

اولین اقدام خائنانه آنها که میثاق را نقض می‌کرد، به سرقت بردن دو چمدان حاوی اسناد و اوراق و مهرهای هیکل مبارک بود که حضرت بهاء‌الله به حضرت عبدالبهاء سپرده بودند. متعاقباً محمدعلی با ارسال نامه، به رشته‌ای از حملات علیه حضرت عبدالبهاء دست زد، و این عمل با اعزام نمایندگان چند دنبال شد، تا حق خود به عنوان یکی از کسانی که در وصیت‌نامه حضرت بهاء‌الله نامش ذکر شده، تثبیت نماید، و حضرت عبدالبهاء را، که او ادعا می‌کرد، مدعی مقام مظهر ظهور الهی شده‌اند، بی‌اعتبار سازد. ما باید به خاطر داشته باشیم که محمدعلی، قبلاً در زمان رسالت پدرش مدعی شده بود که "اصبع" خداوند، "لسان اغصان" و "حافظ آیات" است.^{۱۱۳} حضرت بهاء‌الله شخصاً محمد علی را به علت نوشتن این کلمات تنبیه فرمودند و به دست مبارک سیلی به صورتش زدند.^{۱۱۴}

^{۱۱۱} توضیح مترجم: متن این لوح مبارک در ادعیه حضرت محبوب (طبع مصر) صفحات ۴۲۰-۴۱۰، (طبع جدید، صفحات ۴۰۱-۳۹۲)؛ مجموعه الواح

مبارک که طبع مصر، صفحات ۴۰۳-۳۸۹؛ و ایام تسعه، صفحات ۳۵۹-۳۵۵ درج است.

^{۱۱۲} ادعیه حضرت محبوب، طبع قاهره، ص ۴۱۸

^{۱۱۳} قرن بدیع، ص ۴۹۲ (توضیح مترجم: در متن انگلیسی "اصبعی که به مولایش اشاره دارد" آمده که در متن فارسی به "ساجد جمال تفرید" ترجمه شده است. چون جناب نخجوانی فقط به "اصبع" اشاره کرده‌اند، لذا عیناً ترجمه شد.)

^{۱۱۴} قرن بدیع، ص ۴۹۳

حضرت بهاء الله در لوحی خطاب به احبای ایران صریحاً اختصاص هر گونه مقام روحانی به میرزا محمدعلی را منتفی می‌دانند^{۱۱۵} و این بیان قاطع را نازل می‌فرمایند، اگر آنی از ظلّ امر منحرف شود معدوم صرف خواهد بود.^{۱۱۶} حضرت عبدالبهاء بیان مزبور را از لوح حضرت بهاء الله در الواح مبارکه وصایا نقل می‌فرمایند^{۱۱۷} و به ذکر اقدامات خائنانه نابرادری خود می‌پردازند که از آن جمله توطئه برای قتل آن حضرت بود، و به نحوی انکارناپذیر استنتاج می‌فرمایند که محمدعلی نقض میثاق نموده و از این رو برای این که حائز مقام دوم در جانشینی ایشان شود واجد شرایط لازم نیست.

بسیاری از این موارد تخلف و نقض در زمان حیات عنصری حضرت عبدالبهاء برای احبای ایران مکشوف و معلوم گردید. معدودی سؤال می‌کردند که بعد از صعود هیکل مبارک چه اتفاقی خواهد افتاد. گاهی اوقات ایشان می‌فرمودند که بیت‌العدل اعظم تشکیل خواهد شد و گاهی اوقات می‌فرمودند که این "سری است و این که "سیلوح انواره..."^{۱۱۸}

امه‌البهاء روحیه خانم در کتاب گوهر یکتا خاطرات خانم پزشکی از اهالی آلمان موسوم به دکتر ج فالشیر^{۱۱۹}، را که مدتی در حیفا می‌زیست و از اماءالرحمن عائله مبارکه مراقبت می‌کرد، نقل می‌کنند. در این خاطرات که اولین بار به زمان آلمانی انتشار یافت، او می‌گوید که حضرت ورقه مبارکه علیا به او فرمودند که حضرت شوقی افندی مقدر است که بر مسند وصایت حضرت مولی‌الوری جالس شوند. یک روز در ماه اوت ۱۹۱۰، بعد از آن که حضرت شوقی افندی جوان اطاق حضرت مولی‌الوری را ترک کردند، هیکل مبارک خطاب به دکتر فالشیر فرمودند، "آیا از ایلپای مستقبل من خوش آمد؟ ... می‌دانی که چرا خداوند مقدر فرموده است که او بدین مقام و منصب شدید وصایت من منصوب گردد؟ ... حضرت بهاء الله، ... جمال قدم ... مرا متذکر داشته امر فرمودند که ... بایستی در بین ابناء حتی احفاد خود بنگرم و کسی را که خداوند مقدر فرموده به وصایت انتخاب کنم. پسران من همه در طفولیت به جهان بالا شتافتند و در بین نواده‌های^{۱۲۰} من فقط این طفلک شوقی افندی است که در اعماق چشمان نافذش این سر الهی ملحوظ می‌گردد."^{۱۲۱}

^{۱۱۵} توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به لوح مبارک مندرج در جلد چهارم مانده آسمانی ردیف ن، باب اول است که می‌فرمایند، "أنا انطقنا النبیل قبل علی ... ليشهدن الناس قدرتی و سلطنتی ثم عظمتی و کبریائی ولكن احبائی الجهلاء اتخذوه شریکاً لتفسی و فسدوا فی البلاد و كانوا من المفسدین. ملاحظه نما که چقدر ناس جاهلند؛ نفوسی که تلقاء حضورند معذک رفته‌اند و چنین سخنها انتشار داده‌اند. قل انه عبد من عبادی قد خلقناه بقدرتی وانطقناه لثناء نفسی بین العالمین ... ان ربک ما اتخذ لنفسه شریکاً و لا شیبهاً و لا وزیراً و لا نظیراً و لا ندأً و لا ضدأً و لا مثلاً..."

^{۱۱۶} مأخذ فوق

^{۱۱۷} ایام تسعه، ص ۴۶۰

^{۱۱۸} دور بهائی، ص ۸۶ و ۸۷

^{۱۱۹} Dr. J. Falscheer توضیح مترجم: این نام در متن فارسی گوهر یکتا حذف شده است.

^{۱۲۰} توضیح مترجم: در متن انگلیسی به جای "نواده‌ها" عبارت "در میان اخلاف و منسوبین من" مشاهده می‌شود.

^{۱۲۱} گوهر یکتا، صص ۱۹-۱۸

نمی‌توانم، در این مقطع، از بیان این نکته خودداری کنم که در میان بعضی از احبّای اوّلیه در ایران این اعتقاد شخصی جریان داشت که چون محمدعلی نقض میثاق نموده بود، حضرت عبدالبهاء یکی از احفاد خود را به وصایت خویش منصوب خواهند فرمود. این به علّت خاطرات دکتر فالشیر نبود، چه که در آن ایام بدیهی است که متن فارسی آنها وجود نداشت، بلکه آنها بر مبنای محتوای لوح مبارک ملاح‌القدس^{۱۲۲} به فرضیاتی رسیده بودند. در این لوح مبارک، سه شخصیت به نحوی برجسته ظاهر می‌شوند: (۱) ملاح‌القدس، یعنی نفس مبارک حضرت بهاء‌الله؛ (۲) حوریه‌الرّوح "اشرقت انوار جبینها من الارض الى السماء"^{۱۲۳}، یعنی حضرت عبدالبهاء؛ (۳) یکی از خدمه حوریه‌الرّوح که با این عبارت توصیف شده است: "حوریه‌القرب ... حرّکت فی الهوا اذا عطرت کلّ الاشياء فی اراضی القدس و السناء"^{۱۲۴}، یعنی حضرت ولی امرالله. این حدس‌ها زمانی اهمیت بیشتری یافت که حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک مرقوم فرمودند، لوح ملاح‌القدس را بخوانید تا به حقیقت پی برید و ملاحظه نمائید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش بتمامه خبر دادند.^{۱۲۵}

حال، باید توجه خود را به حکم وصایت معطوف داریم که نه تنها در مورد حضرت شوقی افندی، به عنوان ولیّ امرالله، بلکه در مورد نظم اداری نیز، که حضرت ولی امرالله غالباً به عنوان "ولید میثاق"^{۱۲۶} به آن اشاره می‌فرمایند، به کار برده شده است. اما باید به خاطر داشته باشیم که حضرت ولی امرالله در یک مورد الواح وصایا را نیز "ولید میثاق" خوانده‌اند - الواح وصایای مبارکه را می‌توان به منزله ولیدی دانست که طبعاً از اقتران معنوی آن نافخ قوه مؤلده مشیت الهیه با واسطه ظهور و حامل برگزیده آن قوه به نوجود آمده.^{۱۲۷} ما نباید از این واقعیت مضطرب گردیم که اصطلاح "ولید میثاق" برای توصیف منشور نظم اداری و نیز خود نظم مزبور استفاده شده است. یکی از آنها، استقرار وجود و جوهر آثار مبارکه و دیگری ظهور آن واقعیت است که همگان آن را مشاهده نمایند.

در این رابطه ما باید در نظر داشته باشیم که میثاق بهائی چیزی نیست که با قیادت و زعامت حضرت عبدالبهاء شروع شده و پایان گرفته باشد. اگرچه حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق بودند و همیشه خواهند بود، اما عهد و میثاق بهائی خصیصه‌ای اساسی است که تا پایان دور بهائی از امر حضرت بهاء‌الله قابل تفکیک نیست.

¹²² در آثار قلم اعلی، ج ۵، ص ۱۱۸۱-۱۷۶ قسمت عربی و ص ۱۸۵-۱۸۱ قسمت فارسی آن مندرج است.

¹²³ ص ۱۷۸ (آثار قلم اعلی ج ۵)

¹²⁴ ص ۱۷۹ و ۱۸۰

¹²⁵ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۰۴ (فقره ۲۳۳) (توضیح مترجم: جمال مبارک نیز به این نکته اشاره فرموده‌اند، بقوله تعالی: "بر هر یک از احبّاء لازم لوح ملاح‌القدس را که قبل از مهاجرت از عراق مرقوم شده بخوانند و در او تفکر نمایند تا ما ظاهر و ما بظهر من بعد را از ما رقم من قبل ادراک کنند. طوبی للعارفين. جمیع بلائی وارد در آن لوح از قبل ثبت شده، آن اقربوا و تفکروا." - اسرارالآثار خصوصی، ج ۴، ص ۴۸۹)

¹²⁶ قرن بدیع، ص ۴۸۱

¹²⁷ دور بهائی، ص ۷۴

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه به رسالت و قیادت خود به عنوان "صبح" میثاق بهائی یاد می کنند. این تلویحاً به ظهور و بروز میثاق به طور تام و تمام اشاره دارد، که در طول یوم دور حضرت بهاءالله واقع خواهد شد. حضرت ولی امرالله این نکته مهم را توضیح داده اند: "و اما در مورد معنا و مفهوم عهد و میثاق بهائی؛ حضرت ولی امرالله وجود دو نوع عهد و میثاق را، که در آثار مقدسه امر مبارک به هر دو اشاره شده، ملاحظه می فرمایند. اول، عهدی است که هر یک از مظاهر الهیه با عالم انسانی، یا به عبارت دقیق تر، با امت خود منعقد می سازد که به مظهر ظهور آتی که عبارت از رجعت حقیقت او است اقبال نمایند و از او تبعیت نمایند. نوع ثانی عهد و میثاق، همان است که حضرت بهاءالله از امت خود گرفتند که مطیع و منقاد حضرت مولی الوری گردند. این صرفاً به منزله استقرار و تقویت وصایت سلسله انواری است که بعد از هر مظهر ظهور ظاهر می شوند. عهد و میثاق حضرت عبدالبهاء با آحاد احباء که باید بعد از صعود هیکل اطهر مطیع و منقاد امور اداری بعد از ایشان گردند، در همین مقوله قرار می گیرد..."^{۱۲۸}

از بیان فوق واضح است که وصایت حضرت مولی الوری در ظل میثاق بهائی عبارت از نظم اداری بعد از آن حضرت است. با توجه به این موضوع است که ما باید اصطلاح مورد استفاده حضرت ولی امرالله در توصیف ولایت امر و بیت العدل اعظم به عنوان "دو مؤسسه توأمان ... به عنوان جانشینان خویش معین فرموده اند"^{۱۲۹}، را درک کنیم. باید به خاطر داشته باشیم که اصطلاح "نظم اداری"^{۱۳۰} را حضرت ولی امرالله اولین بار در "دور بهائی" استفاده فرموده، که در فوریه ۱۹۳۴ به رشته تحریر در آمد. هیکل مبارک در سیزده سال اول دوران ولایت خود، یعنی از ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۴، نظمی را که حضرت بهاءالله برای اداره امور امر مبارک خود در طراحی کردند، "امور اداری بهائی"^{۱۳۱} می خواندند. لہذا، در فقره ای که از حضرت ولی امرالله در مورد میثاق بهائی نقل کردم، ما باید به وضوح استنباط نماییم که مقصود هیکل مبارک از "امور اداری بعد از ایشان"، همان نظم اداری است، زیرا تاریخ مکتوب مزبور ۱۹۳۲ است.^{۱۳۲}

حضرت ولی امرالله در توفیق "دور بهائی" خاطر نشان می فرمایند که نظم اداری دارای دو رکن است: ولایت امرالله و بیت العدل اعظم. از راه های درک معنای "ارکان" این است که دو ستون وجود دارد و یک ساختمان بر این پایه قرار گرفته است. از این رو، اگر یکی از آنها برداشته شود، ساختمان از تعادل خارج شده سقوط خواهد کرد. اما، وقتی آثار حضرت ولی امرالله به دقت و جدیت خوانده شود، مشاهده می گردد که

¹²⁸ ترجمه - مکتوب ۱۲۱ اکتبر ۱۹۲۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت، شماره ۵۹۳

¹²⁹ نظم جهانی بهائی، ص ۲۵ (توضیح مترجم: اصل بیان حضرت ولی امرالله "جانشینان منتخب" است که به مقتضای ترجمه به صورت عبارت فوق در آمده

است.)

¹³⁰ Administrative Order

¹³¹ Bahá'í Administration

¹³² توضیح مترجم: تاریخ مکتوب مزبور ۲۱ اکتبر ۱۹۲۱ است.

مقصود هیکل مبارک از "ارکان" عبارت از تشکیلاتی است که ثبات و پایداری ساختمان مزبور را تقویت کردند.

فی‌المثل، هیکل مبارک در "دور بهائی" به این مؤسّسات توأمان به عنوان آنچه که سُلطهٔ نظم اداری "مستظهر بدان است"،^{۱۳۳} اشاره می‌فرمایند. "مستظهر" به معنای برخورداری ساختمان از حمایت و قوت است. استعاره‌های دیگری نیز در مورد این مؤسّسات مورد استفادهٔ هیکل مبارک قرار گرفته است. فی‌المثل، آن حضرت در یکی از پیام‌های خود ولایت امرالله را به عنوان "حجر زاویهٔ نظم بدیع"^{۱۳۴} خواندند. ارتباط حجر زاویه با ساختمان با ارتباط رکن و ستون، یا آنچه که ساختمان به آن مستظهر باشد، تفاوت دارد. حجر زاویهٔ یک بنا عبارت از شالوده و حجر حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است و آن عبارت از اولین قطعه سنگی است که برای برپا داشتن ساختمان به کار برده می‌شود.

و اما در مورد بیت‌العدل اعظم، استعاره‌های "رکن" و آنچه که به آن "مستظهر" می‌باشد، به همان نسبت به کار رفته، اما، هیکل مبارک، با استفاده از همان مفهوم بنا، بیت‌العدل اعظم را به عنوان "اعلی ذروهٔ نظم اداری امرالله"^{۱۳۵} خوانده‌اند. ایشان همچنین به آن به عنوان "تاج و تاج و هاج و اکلیل جلیل" مؤسّسات اداری امرالله^{۱۳۶}، "اعلی مقام ممالک متّحدهٔ بهائی"^{۱۳۷}، "آخرین ملجأ و پناه تملّتی رو به زوال"^{۱۳۸} اشاره می‌فرمایند. اگرچه همهٔ ما معمار نیستیم، به سهولت می‌توانیم دریابیم که اولین واحد در ساخت یک بنا عبارت از حجر زاویهٔ آن، و آخرین واحد عبارت از رأس یا "اعلی ذروهٔ" آن است. در این رابطه جالب است به خاطر بیاوریم که حضرت ولی امرالله در یکی از مکاتیب خود خطاب به احبّای شرق، به ولایت امر به عنوان "رکن اول" و بیت‌العدل اعظم به عنوان "رکن ثانی" اشاره می‌فرمایند.^{۱۳۹} این می‌تواند به معنای "اول" در رتبه یا "اول" در زمان باشد. از لحاظ زمان، همانطور که همه می‌دانیم، این حالت دقیقاً اتفاق افتاد. وقتی که یک وصی، یعنی ولی امر، به ارادهٔ الهی از صحنه کنار رفت، طبیعتاً و مسلماً انتظار می‌رفت که وصی دیگر، یعنی بیت‌العدل اعظم، ریاست و قیادت امرالله را به عهده بگیرد.

¹³³ دور بهائی، ص ۹۹

¹³⁴ ترجمه - تلگرام ۳۰ مارس ۱۹۳۷ خطاب به آمریکا و کانادا، مندرج در صفحه ۸ *Messages to America* (نقل ترجمه از صفحه ۲۲۶ گوهر یکتا -

توضیح مترجم: در متن انگلیسی "نظم اداری" است، نه "نظم بدیع".)

¹³⁵ قرن بدیع، ص ۶۷۳

¹³⁶ ظهور عدل الهی، ص ۶۰

¹³⁷ نظم جهانی بهائی، ص ۱۱

¹³⁸ توفیق آمریکا و صلح اعظم؛ نقل ترجمه از صفحه ۶۳ "منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله به همراه پیام رضوان ۲۰۰۳"

¹³⁹ توضیح مترجم: اشارهٔ جناب نخجوانی به توفیق مبارک ۱۰۵ بدیع خطاب به "احبّای الهی و اماءالرّحمن، برادران و خواهران روحانی در اقطار و ممالک شرقیه" (طبع ۱۰۵ بدیع، لجنهٔ ملی نشر آثار امری، طهران) است که در صفحه ۲۱ آن چنین مندرج است، "این نظم بدیع ... بر دو رکن رکن استوار؛ رکن اول و اعظم، رکن ولایت الهیه که مصدر تبیین است و رکن ثانی بیت‌العدل اعظم الهی که مرجع تشریح است."

وقتی که ما دو مؤسسه ولایت امر و بیت‌العدل اعظم را مورد بحث قرار می‌دهیم، این آمادگی را می‌یابیم که دو بند از "دور بهائی" ما را متحیر و مبهوت سازد. این دو بند خصیصه‌های اساسی این دو وصی بنیان امر مبارک را مورد تأکید قرار می‌دهند. یک بند با این کلام شروع می‌شود، "هرگاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاءالله منتزع شود، اساس این نظم متزلزل ... می‌گردد،" و بند دیگر با این کلمات شروع می‌شود، "چنانچه بیت‌العدل اعظم که اساساً اهمیتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد نظم بدیع حضرت بهاءالله از جریان باز ماند." ^{۱۴۰} این دو بند، با توجه به واقعیت آنچه که بعد از صعود حضرت ولی امرالله رخ داد، که ابداً وصیت‌نامه‌ای مرقوم نفرمودند و احدی را منصوب نکردند که بر مسند ولایت جالس شود، بدیهی است که به این معنی بود که اساس نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله بدون ولی امر به تزلزل منتج می‌گردید، همانطور که اگر فاقد بیت‌العدل اعظم بود که به وضع قوانین غیر منصوصه پردازد، نظم بدیع از جریان باز می‌ماند. اما چون ما مدت ۳۶ سال دارای نظم بودیم که مؤسسه ولایت امر به طور کامل و فشرده و متمرکز کار می‌کرد، و اکنون بیت‌العدل اعظم را داریم که فعالیت می‌کند، نه اساس ساختار نظم جهانی متزلزل می‌گردد و نه این نظم بدیع از جریان باز می‌ماند.

ممکن است یک نکته دیگر در بعضی از اذهان همچنان وجود داشته باشد، فکری که ذهن را به خود مشغول بدارد و آن این که چرا حضرت شوقی افندی هیچ وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشتند. آیا این رویدادی اتفاقی یا اقدامی آگاهانه از سوی ایشان بود؟ در کتاب "ارمغانی به حضرت امة‌البهاء روحیه‌خانم" اثر ویولت ^{۱۴۱} می‌خوانیم که حضرت ولی امرالله اواخر ایام حیات عنصری، و موقعی که صعود خویش را مد نظر داشتند، در مورد سفرهایی که ایشان می‌بایست بعد از صعود هیکل مبارک انجام دهند، امة‌البهاء را راهنمایی می‌فرمودند. ^{۱۴۲} گزارش شده که در آخرین روزهای زندگی خود در لندن، به امة‌البهاء فرموده‌اند که میل ندارند دیگر به حیفاً مراجعت کنند و ایشان باید تنها بروند. ^{۱۴۳}

اگر کسی نگران شرایط همسرش بعد از خودش باشد، و به او راهنمایی کند که چه باید انجام بدهد، آیا، به عنوان ولی امر، به عنوان صیانت‌کننده اصلی و مسئول قیادت و زعامت امرالله، درباره سعاد و سرنوشت آتی امر مبارکی که حضرت عبدالبهاء از او دعوت کرده بودند به صیانت و ترویجش پردازد، نمی‌اندیشید؟ تنها استنتاج منطقی این است که ایشان می‌دانستند که بزودی صعود خواهند کرد، کاملاً آگاه بودند که "غصن"

¹⁴⁰ دور بهائی، صص ۸۲ و ۸۳

¹⁴¹ توضیح مترجم: مقصود کتاب *A Tribute to Amatu'l-Baha* اثر خانم ویولت نخجوانی است که توسط خانم شفیقه فتح اعظم تحت عنوان فوق

به فارسی ترجمه شده است.

¹⁴² صفحه ۸۰ کتاب فوق

¹⁴³ صفحه ۷۱ کتاب فوق

دیگری را برای جانشینی خود به عنوان ولیّ امر منصوب نفرموده‌اند، و این که ترجیح می‌دادند که هیچ وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذارند. بیت‌العدل اعظم، در انعکاس این محذور و معضل آشکار، چنین فرمودند، "به این واقعیت که حضرت شوقی افندی وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشتند، نمی‌توان به عنوان برهانی دالّ بر تخطّی ایشان از امر حضرت بهاء‌الله استناد نمود - بلکه باید تصدیق نمود که در نفس سکوت ایشان حکمتی مستور و نشانه‌ای دالّ بر هدایت مصون از خطای آن حضرت موجود." ۱۴۴

من جان کلام در مکالمات خصوصی را که در نوامبر ۱۹۵۷ با بسیاری از دوستان داشتم به خاطر می‌آورم. در آن زمان مشخص شده بود که حضرت ولی امرالله به نحوی غیرمنتظره صعود فرموده و احدی را به عنوان ولیّ امر بعدی به وصایت خویش منصوب نفرموده و وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشته بودند. آنچه ما استنتاج کردیم این بود که الواح مبارکه و صایای حضرت عبدالبهاء و نیز آثار حضرت ولیّ امرالله را مجدداً با دقت تمام بخوانیم تا با وضوح بیشتر به مفاهیم ضمنی، دلالات و رموز این اسنادی که به الهام الهی مرقوم شده بود پی ببریم.

برخی از بینش‌های شخصی خودم در مورد آنچه که بعضی‌ها ممکن است به عنوان مخمسه‌ای در سرنوشت آتی امر مبارک تلقی نمایند، با شما در میان می‌گذارم. حضرت ولی امرالله غالباً به حضرات ایادی امرالله و زائرینی که به دیدار ایشان توفیق می‌یافتند می‌فرمودند که "دور بهائی" مانند وصیت‌نامه ایشان است. ۱۴۵ حضرت امه‌البهاء در "گوهر یکتا" از حضرت ولی امرالله نقل قول می‌کنند که اشاره فرموده‌اند که "آنچه باید بگویم در این نامه گفته‌ام." ۱۴۶ جدا از ملاحظه این نکته، ما باید توجه داشته باشیم که حضرت ولی امرالله در اشاره به الواح مبارکه و صایا، در "دور بهائی" مرقوم فرموده بودند، "الواح وصایا حلقة ارتباط ابدی و لاینفصمی است که سرالله الأعظم، حضرت عبدالبهاء، جهت ارتباط اعصار ثلاثه امر بهائی به وجود آورده است." ۱۴۷ حضرت ولی امرالله در همان سند، با قاطعیت اظهار می‌دارند، "محوری که مؤسّساتش حول آن طائف، مضامین محکمه الواح وصایای حضرت عبدالبهاء است." ۱۴۸

144 ترجمه - پیام ۲۷ مه ۱۹۶۶ با عنوان ولایت امر و بیت‌العدل اعظم مندرج در صفحه ۳۵۳ جلد اول *Compilation of Compilations*

145 توضیح مترجم: در صفحات ۲۱۴-۲۱۵ کتاب "به یاد محبوب" تألیف ایادی امرالله جناب ذکرائه خادم آمده است، "اهمیت این رساله به درجه‌ای است که مولای بی‌همتا به بعضی از زائرین از جمله این عبد فرمودند که این رساله در حقیقت وصیت مبارک است و بیان مبارک به این عبد شرمسار آن بود که فرمودند، «من رساله‌ای نوشته‌ام به اسم *Dispensation of Baha'u'llah*؛ یک نسخه از آن را به شما می‌دهم و این در حقیقت وصیت من است که در آتیه اختلافی حاصل نشود.» (نقل از ابتدای توفیق دور بهائی، ص ۱)

146 گوهر یکتا، ص ۲۵۷

147 دور بهائی، ص ۷۳

148 دور بهائی، ص ۹۹

بنابراین، باید در نظر داشته باشیم که ما بهائیان فقط سی و شش سال تحت شرایط و پیش‌بینی‌های الواح مبارکه و صایا نزیستیم بلکه جامعه جهانی بهائی هم‌اکنون و در آتیه ایام، در پایان دور بهائی، همچنان تحت شرایط و پیش‌بینی‌های الواح و صایا خواهیم بود، زیرا این سند دو عصر تکوین و ذهبی را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

یک زمینه دیگر وجود دارد که نیاز به توضیح دارد، زیرا متأسفانه، اشتباه کوچکی در مورد حیطه‌های عصمت ولی امر و بیت‌العدل اعظم در اذهان بعضی از یاران ایجاد شده است. الواح و صایای حضرت عبدالبهاء و "دور بهائی" حضرت ولی امرالله حیطه‌های مسئولیت این دو مؤسسه را تعریف کرده‌اند، یعنی "تیین" منحصراً مخصوص ولی امرالله، و "تشریح" منحصراً احاله شده به بیت‌العدل اعظم است. اما، در الواح و صایا یا "دور بهائی" هیچ نکته‌ای وجود ندارد که عصمت آنها در این دو حیطه مسئولیت صریح و مشخص، آنها را محدود نماید. توقیع "دور بهائی" در اشاره به مؤسسات توأمان ولایت امر و بیت‌العدل اعظم، به ما اطمینان می‌دهد که، "هیچ یک از این دو نمی‌تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود."^{۱۴۹} الواح مبارکه و صایای حضرت عبدالبهاء در اشاره به این دو مؤسسه قاطعانه اظهار می‌دارد، "آنچه قرار دهند من عندالله است."^{۱۵۰} این نه تنها جامع‌الجهات، بلکه بسیار گسترده و جامع است.

طبق شرایط مذکور در الواح مبارکه و صایا، بیت‌العدل اعظم، علاوه بر تشریح، "مرجع کل امور" است.^{۱۵۱} مضافاً "جمیع مسائل مشکله،"^{۱۵۲} "آنچه اختلاف واقع و یا مسائل مبهمه"^{۱۵۳} "در این مجلس حلّ گردد"^{۱۵۴} حضرت ولی امرالله، در توقیع "دور بهائی" مسئولیت دیگر بیت‌العدل اعظم را به آن می‌افزایند و آن "تنفید" احکام شرعی نازله از قلم حضرت بهاءالله^{۱۵۵}، "تمشیت امور اداری امرالله"^{۱۵۶} و "تضمین اصالت و جامعیت تعالیمش" و حفظ "وحدت پیروان آئینش"^{۱۵۷} است.

در واقع، همانطور که قبلاً از یکی از مکاتیب اولیه حضرت ولی امرالله نقل قول کردم، ایشان این دیدگاه باعظمت و مؤثر را در مورد کار بیت‌العدل اعظم به ما عنایت می‌فرمایند، "برای برخورداری از درکی

¹⁴⁹ دور بهائی، ص ۸۵

¹⁵⁰ ایام تسعه، ص ۴۶۷

¹⁵¹ ایام تسعه، ص ۴۷۱

¹⁵² ایام تسعه، ص ۴۷۱

¹⁵³ ایام تسعه، ص ۴۷۷

¹⁵⁴ ایام تسعه، ص ۴۷۱

¹⁵⁵ دور بهائی، ص ۷۵

¹⁵⁶ دور بهائی، ص ۹۲

¹⁵⁷ دور بهائی، ص ۸۱

واضح تر و کامل تر از شرایط و دلالات آن [الواح مبارکه و صایا]، باید به زمان و هدایات بیت العدل اعظم اعتماد کنیم.^{۱۵۸}

همانطور که می‌دانید، قانون اساسی و نظامنامهٔ محفل ملی را محفل روحانی ملی ایالات متحده، با هدایت مستقیم حضرت ولی امرالله، تهیه و تنظیم نموده است.^{۱۵۹} بعلاوه، ایشان اراده فرمودند که عبارات این اساسنامهٔ ملی توسط جمیع محافل روحانی ملی اقتباس گردد. از آنجا که این سند شامل عباراتی است که با مواضع قانونی مربوط به مجامع ثبت شدهٔ رسمی در هر کشور سر و کار دارد، حضرت ولی امرالله اظهار داشتند که چنین شرایط ثانویه‌ای را، هر محفل روحانی ملی، می‌تواند تغییر دهد تا با مقتضیات قانون جاری هر کشور انطباق پیدا کند. اما چون این سند شامل اصول و مفاهیم اساسی بهائی بود، این شرایط اساسی می‌بایست در سراسر عالم بهائی به طور یکسان اقتباس گردد. در این زمینه، خیلی حائز اهمیت است که ماده ۹ اساسنامهٔ محفل ملی چنین می‌گوید، "در مواردی که در این نظامنامه حق قضاوت انحصاری نهائی و اختیارات عالیة اجرائی در کلیة مسائل مربوطه به اقدامات و امور دیانت بهائی در ..."^{۱۶۰} به محفل روحانی ملی تفویض شده است، این نکته مسلم است که تصمیمات یا اقدامات محفل روحانی ملی راجع به مسائل مزبوره در جمیع مراحل ممکن است مورد تجدید نظر و تصویب مالی حضرت ولی امرالله یا بیت العدل عمومی قرار گیرد.^{۱۶۱}

من به این دلیل این عبارت خاص را، که جمله‌بندی آن به دقت تنظیم گردید و مورد تصویب حضرت ولی امرالله واقع شده، در اینجا نقل می‌کنم که توجه شما را به کلمه "یا" در سطر آخر جلب کنم. اگر کلمه مزبور به جای "یا" کلمه "و" بود، می‌توانید وظیفه شاقی را که کلیة محافل ملی ثبت شده در ارتباط با ترمیم جمله‌بندی این عبارت با دولتهای متبوعه خود داشتند، مجسم نمایید.

یک مرتبه دیگر تکرار می‌کنم که انحصار منضم به حیطه‌های مسئولیت خاص و مشخص هر یک از مؤسسات توأمان ولایت امرالله و بیت العدل اعظم، یک موضوع است، و حد عصمت اعطائی به فعالیت‌های مربوطه آنها برای ترویج و صیانت امرالله، یک موضوع دیگر.^{۱۶۲} متأسفانه، این دو مفهوم مجزاً در بعضی از اذهان جدا نگاه داشته نشده است و از این رو بعضی تفکرات اشتباه از آن ناشی شده است. یک لحظه تفکر در این باب، سوء تعبیرات و اشتباهات را زائل خواهد ساخت.

¹⁵⁸ ترجمه - توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۶۲ *Bahá'í Administration*

¹⁵⁹ توضیح مترجم: متن این قانون اساسی در کتاب عالم بهائی، ج ۱۲، صفحات ۳۹۳ الی ۴۰۰ به زبان انگلیسی و ۴۰۱ الی ۴۰۶ به زبان فارسی درج است.

¹⁶⁰ در اینجا نام کشور مورد نظر گذاشته می‌شود.

¹⁶¹ عالم بهائی، ج ۱۲، ص ۴۰۶

¹⁶² به صفحه ۲۵ نظم جهانی بهائی مراجعه کنید.

سؤالات مربوط به این سخنرانی

س - لطفاً بفرماید که الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء در چه زمان و تحت چه شرایطی نوشته شد؟
ج - الواح مبارکه وصایای حضرت مولی‌الوری در سه قسمت است. روی خود این سند هیچ تاریخی ذکر نشده است. اما، از محتوای آن ما می‌توانیم استنباط نماییم که بخش اول باید در طی دورانی نوشته شده باشد که اولین هیأت تفتیشیه به ارض اقدس رسید، یعنی حدود سال ۱۹۰۱ میلادی. بخش دوم باید به وضوح در سال ۱۹۰۷ نوشته شده باشد که دومین هیأت تفتیشیه اعزام شد، زیرا حضرت عبدالبهاء در این بخش می‌فرماید که "در خطر عظیم" هستند. ما تا کنون هیچ سر نخ‌ی نداریم که تاریخ احتمالی تحریر قسمت سوم را برای ما روشن سازد.

س - آیا اولین جلسه حضرات ایادی امرالله و انتصاب نه ایادی مقیم ارض اقدس در جهت تحقق شرایط مذکور در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بود؟
ج - در نظر من اینگونه نبوده است، زیرا نه نفر مزبور با توجه به نفوسی که می‌توانستند در ارض اقدس باشند یا به آنجا نقل مکان کنند، تعیین شدند، نه در نتیجه یک جریان انتخاباتی. بعلاوه، مقصود از نه نفر ایادی انتخابی امرالله، که در الواح مبارکه وصایا پیش‌بینی شده، مساعدت به حضرت شوقی افندی در امور ایشان در دوران حیات عنصری هیکل مبارک بود.

س - وحدت امر مبارک در دوران حدود شش ساله بین صعود حضرت ولی امرالله و تشکیل بیت‌العدل اعظم چگونه حفظ و صیانت شد؟
ج - حضرات ایادی در پیام‌های خود به عالم بهائی این نکته را کاملاً روشن ساختند که چون کل عالم بهائی به اجرای اهداف نقشه دهساله مشغول است، لذا تمام مساعی تحت هدایت مصون از خطای اهداف تعیین شده توسط هیکل مبارک برای جهاد روحانی مزبور مصروف خواهد شد. بعد از اتمام جهاد روحانی، چاره‌ای جز تشکیل بیت‌العدل اعظم وجود ندارد، تا آن که یک بار دیگر بهائیان عالم تحت هدایت الهیه به فعالیت پردازند. لذا، واضح است که وحدت امرالله فقط به وسیله قوه میثاق محفوظ ماند.

س - اگر دو جامه‌دان مسروقه توسط ناقضین میثاق یافت شود، در صورت دستکاری احتمالی نصوص مبارکه توسط آنها، چه وضعیتی پیش خواهد آمد؟
ج - البته، اگر محتوای جامه‌دانها یافت شود، تصمیم لازم توسط بیت‌العدل اعظم اتخاذ خواهد شد. روحیه خانم غالباً می‌گفتند که حضرت ولی امرالله بیش از یک مرتبه فرمودند که هیچ اطمینانی وجود ندارد که متن اسناد مزبور توسط ناقضین میثاق مغشوش نشده باشد.

س - شورای بین‌المللی بهائی بعد از صعود حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۷ چه شد؟
 ج - شورای بین‌المللی بهائی تحت اشراف حرّاس امرالله، یعنی حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس، تا سال ۱۹۶۱ همچنان موجود بود. در این سال انتخاباتی با استفاده از پست صورت گرفت که اعضاء محافل ملی موجود در آن زمان رأی دادند. این انتخابات به اعضاء جدید منجر شد.

س - آیا مؤسسه ولایت امر در آثار حضرت ولی امرالله مجسم است؟
 ج - البته ما نمی‌توانیم بگوییم که ولایت امرالله، به عنوان یک مؤسسه در جریان، در آثار حضرت ولی امرالله موجود است. درست همانطور که مسند و منصب مرکز میثاق به صورت مؤسسه‌ای جاری و موجود با ما نیست، اما ما برای کسب هدایت به آثار حضرت عبدالبهاء مراجعه می‌کنیم، همانطور که برای کسب هدایتی که حضرت ولی امرالله درباره مقصود، محتوای کلام و مفاهیم ضمنی نفوسی که زمام امور امرالله را قبل از ایشان در ید اقدار داشتند، عنایت فرموده‌اند، به آثار ایشان، به عنوان مبین آیات‌الله، مراجعه می‌کنیم.

س - فکر می‌کنم حضرت عبدالبهاء دو شق متفاوت را برای جانشینی خود عنایت فرمودند، یعنی یک بیت‌العدل اعظم با ولی امر و یک بیت‌العدل اعظم بدون ایشان تا هیکل مبارک بعد از حضرت مولی‌الوری محفوظ بمانند. فکر می‌کنید حضرت عبدالبهاء می‌دانستند برای حضرت ولی امرالله در طی دوران ولایت ایشان چه اتفاقی می‌افتد؟
 ج - همانطور که می‌دانید حضرت ولی امرالله در توفیق دور بهائی می‌فرمایند، "خصوصیات و صفات بشری با فضائل و کمالات الهی در نفس مقدّس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متحد گشته است."^{۱۶۳} بدیهی است که امکان ندارد در هیچ بحثی کسی بتواند "فضائل و کمالات الهی" را از حقیقت باطنی حضرت عبدالبهاء جدا کند. در نتیجه، با توجه به این، فکر می‌کنم، کاملاً می‌توان اطمینان داشت که حضرت عبدالبهاء، در اعماق باطن خویش، از وقایع آینده مطلع بودند.

و اما در مورد سؤال مربوط به استفاده از دو شق برای بیت‌العدل آینده، با توجه به آنچه که برای اغصان رخ داد، که همه آنها در ایام حیات عنصری حضرت ولی امرالله نقض عهد نمودند، با نظر شما موافقم که هدف حضرت عبدالبهاء حفظ حضرت شوقی افندی بوده است. در طی دوران قیادت حضرت ولی امرالله، هفت تن از اغصان، همه از نوادگان حضرت عبدالبهاء، وجود داشتند: دو تن از آنها برادران هیکل مبارک و پنج تن دیگر خاله‌زادگان ایشان بودند.^{۱۶۴}

¹⁶³ دور بهائی، ص ۶۱

¹⁶⁴ توضیح مترجم: این هفت تن عبارت بودند از حسین و ریاض، برادران حضرت ولی امرالله؛ حسن و منیب، فرزندان روحا خانم، حرم میرزا جلال، پسر سلطان‌الشهداء؛ روحی، سهیل و فواد، فرزندان طوبی خانم، حرم میرزا محسن افغان (پسر میرزا سید حسن افغان کبیر)

اولین اشاره حضرت ولی امرالله به "ولایة امر در مستقبل ایام"^{۱۶۵} را می توان در توفیق دور بهائی یافت. در آن زمان هر هفت غصن معاصر در قید حیات و ظاهراً مؤمن و در ظلّ میثاق بودند. هیکل مبارک در مکتوبی به تاریخ نوامبر ۱۹۴۸ نیز به یکی از احبّاء به ولایة آینده امر اشاره فرمودند.^{۱۶۶} در آن زمان بعضی از اغصان هنوز در ظلّ امر بودند. حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز ۱۰۵ بدیع خطاب به احبّای شرق، یعنی حدود هشت سال قبل از صعود هیکل اطهر، مناجاتی صادر فرمودند که در آن از حضرت بهاءالله ملتمسانه می خواهند که نفوسی که از ظلّ امر خارج شده اند، تقلیب قلب شوند، به جبران مافات موفّق گردند و به ظلّ امر مبارک رجوع نمایند.^{۱۶۷} همانطور که مشاهده می کنید ایشان همچنان امیدوار بودند که بعضی از اغصان در کمال صداقت از اعمال گذشته خود توبه نمایند - احتمالی که هرگز به حقیقت نپیوست. همانطور که البتّه همه می دانید، خود حضرت ولی امرالله هیچ فرزندی نداشتند و بنابراین، به دلیل اوضاع و شرایط موجود، با توجّه به شرایط پیش بینی شده در الواح مبارکه و صایا، قادر به منصوب کردن احدی برای وصایت ایشان به عنوان ولیّ امر نبودند.

¹⁶⁵ دور بهائی، ص ۸۹

¹⁶⁶ انوار هدایت، شماره ۱۰۴۷

¹⁶⁷ توضیح مترجم: بیان مبارک چنین است: "... فتنه مستکبرین و خادعین و منحرفین و منفصلین از جامعه پیروان امرت را تقلیب نما و به تلافی مافات عنهم موفّق دار..." (مجموعه مناجات حضرت ولی امرالله، طبع ۱۳۳ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری، صفحه ۳۰)

فصل سه

۳- قانون اساسی بیت‌العدل اعظم

در هجدهم اکتبر ۱۹۲۷، حضرت ولی امرالله در اشاره به قانون اساسی و نظامنامه محفل روحانی ملی، خطاب به آن محفل ملی مرقوم فرمودند، نمی‌توانید تصور نمایید که طبع و انتشار آن برای نفوسی که در اقلیم شرقیه در کمال صبر و بردباری و تحمل مشقات مشغول خدمت هستند، چقدر موجب آرامش و آسایش خاطر است و چقدر هادی و راهنمای آنها است... نمی‌توانید تجسم نمایید که در تمهید سبیل برای شرح و بسط بدایت قانون اساسی جامعه جهانی بهائی که موجد اساس و بنیانی ابدی خواهد شد که بنای مقدّس و معزز اولین بیت‌عدل عمومی در نهایت استحکام بر آن مبنا ساخته شده و رشد خواهد کرد، چه مساعدت و معاونت عظیمی می‌نماید.^{۱۶۸}

در مکتوبی در همین زمینه، خطاب به بهائیان ایران، حضرت ولی امرالله به نیاز محفل روحانی ملی ایران به برخورداری از قانون اساسی خود اشاره فرمودند و خاطر نشان ساختند که قانون اساسی محافل ملی عبارت از ناموس اکبر امر مقدّس الهی و قانون اساسی بیت‌العدل اعظم عبارت از ناموس اعظم است.^{۱۶۹}

در سال ۱۹۳۴، حضرت ولی امرالله موقع صدور تویق دور بهائی، یک مرتبه دیگر به قانون اساسی آینده معهد اعلاّی امر مبارک اشاره فرمودند.

وقتی بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد، توانست اولین نقشه تبلیغ و تحکیم خود را در آوریل سال ۱۹۶۴ شروع نماید، که نقشه نه‌ساله بود. یکی از اهداف نقشه مزبور، که به عنوان هدف مرکز جهانی تعیین شد، تهیّه پیش‌نویس قانون اساسی حاکم بر عملکرد بیت‌العدل اعظم، و نیز امور جامعه جهانی بهائی بود. با توجه به وظایف و مسئولیت‌های رو به تزاید بیت‌العدل اعظم، و تمرکز بسیار دقیقی که برای تهیّه و تنظیم چنین سند مهمّ حیاتی لازم بود، تقریباً نه سال در این اولین نقشه طول کشید تا این طرح به نتیجه واصل شد.

در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۲، این پیام خطاب به کلیّه محافل روحانی ملی صادر شد: "یاران عزیز... با قلبی طافح از شکرانه و سرور به سراسر عالم بهائی بشارت می‌دهیم که با تدوین قانون اساسی بیت‌العدل اعظم قدمی بسیار

¹⁶⁸ ترجمه - تویق ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷ خطاب به محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان آمریکا، مندرج در صفحه ۱۴۳ *Bahá'í Administration*

¹⁶⁹ توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به مکتوب ۱۹ شهرالعلمه ۹۱ بدیع (مندرج در صص ۱۳۵-۱۳۲ تویقات مبارکه، ج ۳، طبع ۱۳۰ بدیع توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران) است که می‌فرمایند، "این عبد از قبل در نامه عمومی و ابلاغیه خصوصی و همچنین بتوسط زائرین و مسافرن متابعا تأکید نموده و یاران را متذکر داشته که اولین وظیفه محفل ملی وضع نظامنامه امری و تدوین قانون اساسی جامعه مطابق دستور محفل ملی بهائیان امریک است. نصّ این نظامنامه باید بکمال دقت من دون تغییر و تبدیل ترجمه گردد. زیرا آنچه در آن منصوص از اصول اداری و مبادی اساسی جامعه بهائیان است. این قانون ناموس اکبر است و نظامنامه بیت‌عدل عمومی که مهیم بر عموم محافل ملیّه است، ناموس اعظم."

مؤثر در بسط مأموریت رکن اعلاى جامعه جهانی بهائی برداشته شد. در یوم میثاق، پس از تقدیم مراتب حمد و ثنا و ادعیة خاضعانه به آستان سه عتبة علیا در بهجی و حیفا، اعضای این هیأت در اطاق شوری، مجاور بیت حضرت مولی‌الوری حاضر و اقدام به امضاء و مهور ساختن این وثیقه گرانبها نمودند که در آثار مبارکه حضرت ولیّ محبوب امرالله پیش‌بینی شده و به قانون اعظم امر حضرت بهاءالله موسوم گردیده بود. اطمینان کامل داریم که این توفیق بیش از پیش پیوند مرکز جهانی با جوامع ملی و محلی در سراسر جهان را مستحکم ساخته با ظهور قوای جدید مورث ازدیاد اطمینان و اشتیاق شدید خادمان شجعی خواهد گشت که در کرم الهی به جدّ و جهدی تمام به خدمت قائم و ورود جامعه انسانی را در ظلّ رایت عهد و میثاق جلیش آملند.^{۱۷۰}

قانون اساسی بیت‌العدل اعظم به عنوان سندی جداگانه در ۱۴ صفحه انتشار یافت.^{۱۷۱} همچنین در جلد پانزدهم عالم بهائی، صفحات ۵۶۴-۵۵۵ درج گردید. این سند دارای دو بخش است: "بیان‌نامه" شامل ۵ صفحه و "نظام‌نامه" شامل ۹ صفحه.^{۱۷۲} بیان‌نامه دارای مقدمه‌ای است که نقل قول از بندهای آغازین "لوح شیخ نجفی" نازل از قلم حضرت بهاءالله است که حضرت ولی امرالله آن را به عنوان "آخرین لوح منیع نازل از یراعة حضرت بهاءالله" توصیف فرموده‌اند.^{۱۷۳}

من این مقدمه را که مشتمل بر عین کلام حضرت بهاءالله است، به طور کامل در اینجا نقل می‌کنم، "بسم‌الله الفرد الواحد المقتدر العليم الحكيم النور الساطع من افق سماء العطاء والصلاة المشرقة من مطلع ارادةالله مالک ملکوت الاسماء على الواسطة الكبرى والقلم الأعلى الذى جعله الله مطلع اسمائه الحسنی و مشرق صفاته العلیا و به اشرق نور التوحید من افق العالم و حکم التفرد بین الأمم الذین اقبلوا بوجوه نورا الى الأفق الأعلى و اعترفوا بما نطق به لسان البیان فی ملکوت العرفان الملك و الملكوت و العظمة و الجبروت لله المقتدر العزيز القیاض."^{۱۷۴}

این نکته حائز اهمیت است که حضرت بهاءالله در این بیان مبارک، به "اشرق نور التوحید من افق العالم و حکم التفرد بین الأمم" اشاره می‌فرمایند. همچنین، در آخرین جمله اشاره به این که "ملک و ملکوت" به خداوند تعلق دارد، وقتی که کلام یوحنا لاهوتی در مکاشفاتش را که قبلاً نقل کردم که وعده می‌دهد زمینی جدید و آسمانی جدید ظاهر خواهد شد، به خاطر می‌آوریم، حائز اهمیت است. تردیدی نیست که مقصود از

¹⁷⁰ ارکان نظم بدیع، طبع ثانی، ۱۵۱ بدیع، کانادا، ص ۳۱۹

¹⁷¹ توضیح مترجم: متن فارسی آن به طور مستقل در ۲۵ صفحه انتشار یافت. در ضمن در ارکان نظم بدیع، صفحات ۳۲۰ تا ۳۳۶ مندرج است.

¹⁷² در فارسی به ترتیب ۷ صفحه و ۱۸ صفحه

¹⁷³ توضیح مترجم: این مطلب از صفحه ۲۱۹ گاد پاسز بای نقل شده، اما در ترجمه فارسی قرن بدیع (ص ۴۳۹)، لغت "آخرین" نیامده و صرفاً اینگونه ترجمه

شده است، "از جمله توقیعات منیعه و اسفار رشيقة صادره از سماء مشیت الهیه است..."

¹⁷⁴ لوح شیخ نجفی، طبع ۱۱۹ بدیع، ص ۲

"رزمین" مدنیت زمینی و دنیوی است که امر حضرت الهی مقدر است تأسیس نماید، و "ملکوت" که حضرت بهاءالله در این بیان به آن اشاره می‌فرمایند، یقیناً آسمان ظهور جدید است.

بعد از این بیان مقدماتی متین و قویم، نازل از یراعة حضرت بهاءالله، که به عنوان بیان آغازین ناموس اعظم بسیار مناسب است، بیت‌العدل اعظم مسرت و امتنان خود را در این جمله بیان می‌فرمایند، "با قلبی طافح از سرور و امتنان شهادت می‌دهیم بر وفور رحمت الهیه و کمال عدالت ربانیه و تحقّق نبوات قدیمه حضرت احدیه".

بند بعدی در ۱۷ سطر است که نکاتی که اکنون ذکر می‌شود در نهایت صراحت و متانت در آن ذکر شده است:

۱- مقام حضرت بهاءالله، با القاب و نعوتی که حضرت ولی امرالله در صفحات ۴-۹۳ گاد پاسز بای، هیکل مبارک را توصیف فرموده‌اند، تعریف شده است، مانند: "منشأ عدل، بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم، منبع الهام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم، داور کردگار، و شارع امر پروردگار، مؤلف قلوب و محیی امم." ۱۷۵

۲- نکته بعدی اشاره به میثاق حضرت بهاءالله و عهد و پیمانی است که بعد از صعود هیکل مبارک در هدایت قوای منبعته از ظهور حضرت بهاءالله در سراسر دو عصر رسولی و تکوین امر مبارک، نقشی حیاتی ایفا کرد.

۳- بعد، بیت‌العدل اعظم به طور اخص به عنوان یکی از دو وصی حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در ظل همان میثاق ذکر شده و مسئولیتی که برای "حفظ وحدت" جامعه پیروان امر مبارک و "مصونیت تعالیمش از تصرف و انحراف و تصلب و انجماد" به آن تفویض شده، تصریح گردیده است. این وظائف را حضرت ولی امرالله در توفیق "دور بهائی" تصریح فرموده‌اند. ۱۷۶

بند بعدی از لوح مبارک، نازل در عگا، موسوم به "لوح مقصود" استخراج شده است. این لوح مبارک را حضرت ولی امرالله به عنوان یکی از الواحی توصیف فرموده‌اند که در اواخر ایام حیات عنصری هیکل مبارک از یراعة حضرت بهاءالله نازل شده و شامل "اصول و مبادی سامیه این امر اعظم" ۱۷۷ می‌باشد. این بیان

¹⁷⁵ قرن بدیع، ص ۲۰۷ (توضیح مترجم: ترجمه موارد فوق با ترجمه مذکور در قانون اساسی اندکی تفاوت دارد. موارد فوق اینگونه در قرن بدیع ترجمه شده است: "منشأ عدل اتم اقوم، بانی نظم جهان آرای الهی، مُبدع و مبشر مدنیت سرمدی الآثار یزدانی، قاضی القضاة، شارع اعظم و منجی امم، متحد کننده ابناء بشر.")

¹⁷⁶ دور بهائی، ص ۸۱

¹⁷⁷ قرن بدیع، ص ۴۳۲

مبارک فوق العاده به موضوع مربوط است زیرا "مقصود اصلی و هدف اساسی از دین الله و مذهب الله" ^{۱۷۸} را تعریف می کند. هدف مزبور را حضرت بهاء الله "حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم" ^{۱۷۹} ذکر فرموده اند. هیکل مبارک در همان بیان امر مبارک، و من فکر می کنم، نظم بدیع جهان آرای خود را به عنوان "راه مستقیم و اسّ محکم متین" توصیف می فرمایند که "آنچه بر این اساس گذاشته شود، حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزند."

بند بعدی، بیانی از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء است که حیطة مسئولیت بیت العدل اعظم در آن تعریف شده است، یعنی تصمیم گیری در مورد "هر مسئله غیر منصوصه" در کتاب اقدس راجع به آن است، و نیز هیأتی که "مرجع کل" است.

بند بعد به وضوح آنچه را که "مرجع واجب الإطاعة و اسّ اساس بیت العدل اعظم محسوب" تعیین می کند که عبارتند از آیات منزله حضرت بهاء الله ... تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولی امر الله " که دو مبین آثار منزله الهیه اند. این جمله به وضوح تصریح می کند که بعد از حضرت عبدالبهاء، حضرت شوقی افندی "یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه" هستند. این جمله این نکته را نیز مورد تأیید و تأکید قرار می دهد که بیت العدل اعظم از هر گونه تبیین آیات و آثار الهیه خودداری می کند.

آخرین جمله این بند فوق العاده مهم است، زیرا قاطعانه اظهار می دارد، "مرجعیت و حاکمیت مطلقه و قاطعیت این نصوص مبارک ثابت و لن یتغیر خواهد بود تا زمانی که به اراده الهیه مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم، زمام امر و حکم در قبضة قدرت او قرار گیرد."

بند بعدی، صعود حضرت ولی امر الله بدون این که هیکل مبارک فردی را به وصایت خود منصوب فرموده باشند، به خاطر می آورد. با توجه به این شرایط و اوضاع و احوال، بیت العدل اعظم اعلام می دارد که "ریاست امر الله" را به عهده دارد و "معهد اعلا"ی آن است.

بنابراین، تمشیت امور حضرات ایادی امر الله، تأمین استمرار مسئولیت صیانت و تبلیغ در آتیه ایام، وصول و صرف حقوق الله به بیت العدل اعظم راجع می گردد.

فکر می کنم در اینجا توضیحی در مورد تقدیم حقوق الله و دریافت آن، مناسب باشد. همانطور که می دانید حکم حقوق الله در بند ۹۷ کتاب اقدس، از قلم حضرت بهاء الله، نازل شده است. حضرت بهاء الله در این آیه، تصریح می فرمایند که حقوق به خداوند تعلق دارد و باید به او تقدیم شود. در هیچ موضعی از کتاب اقدس یا سایر الواح مبارک، حضرت بهاء الله به وضوح تصریح نمی فرمایند که بعد از صعود هیکل مبارک چه نفسی

¹⁷⁸ توضیح مترجم: این عبارت در ترجمه بیان مبارک حضرت بهاء الله که توسط حضرت ولی امر الله صورت گرفته، مشاهده می شود، اما در تطبیق آن با عین بیان مبارک به این ترتیب ملاحظه نمی گردد، لذا برای بیان مقصود جناب نخجوانی اقدام به ترجمه آن شد.

¹⁷⁹ لوح مقصود، طبع قاهره، ص ۱۳

باید حقوق الله را دریافت نماید. اما، بدیهی بود نفسی که به عنوان وصی حضرت بهاء الله صریحاً تعیین شده بود، یعنی حضرت عبدالبهاء، که مرکز میثاق بودند و جمیع بهائیان باید به ایشان توجه می نمودند، بدون ادنی تردیدی، دریافت کننده چنین پرداخت‌هایی بودند. حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا تعیین می فرمایند که این وجه تقدیمی "راجع به ولی امر است."^{۱۸۰} این بدان جهت بود که حضرت ولی امر الله عبارت از نهادی بودند که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء کلیه نفوس باید به ایشان توجه می کردند.

در تبعیت از این الگو، بیت العدل اعظم، به عنوان وصی و جانشین حضرت شوقی افندی و نیز حضرت عبدالبهاء و حضرت بهاء الله، دریافتند که، طبق روح و هدف این صندوق، همانطور که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بالصرّاحه و به وضوح تشریح شده، یعنی "در نشر نجات الله و ارتفاع کلمه الله و اعمال خیریه و منافع عمومیّه صرف گردد"^{۱۸۱}، استنباط منطقی و صحیح آن است که بیت العدل اعظم مرکزی است که باید آن را دریافت و هزینه نماید. با توجه به این اوضاع و شرایط، این کلام حضرت بهاء الله اهمیتی بیشتر می یابد که، "قاعدہ‌ای از برای حقوق الله معین و مقرر. بعد از ایجاد بیت العدل، حکم آن طبق اراده الهی ظاهر و باهر گردد."^{۱۸۲}

تا کنون شش بند اول متن قانون اساسی را مورد بحث قرار داده‌ایم. بعد از این شش بند، پنج بخش قرار دارد که به عنوان "وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم" توصیف شده است. در اینجا باید توضیح دهیم که بیت العدل اعظم به دارالتحقیق خود مأموریت دادند که کلیه موارد مذکور در اصل آثار مبارکه حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله در خصوص بیت العدل اعظم، وظائف و اختیارات آن را جمع آوری و تقدیم معهد اعلی نماید. بسیاری از این آثار مبارکه قبلاً به انگلیسی ترجمه شده یا، مانند آثار حضرت ولی امر الله، در اصل به زبان انگلیسی موجود است. اما، میزان زیادی از آنها می بایستی به انگلیسی ترجمه و برای ملاحظه در اختیار بیت العدل اعظم قرار می گرفت. مندرجات این پنج بخش، بدون استثناء، مبتنی بر همین آثار مبارکه است. امیدوارم در آینده نه چندان دور، محققین و فضلالی امر مبارک بتوانند وظائف و اختیاراتی را که در این پنج بخش فهرست وار ذکر شده، در آثار مبارکه حضرت بهاء الله بیابند و ریشه آنها را پیدا کنند و توضیحات و تبیینات حضرت عبدالبهاء حضرت ولی امر الله در مورد آنها را مورد مطالعه دقیق قرار دهند.

¹⁸⁰ ایام تسعه، ص ۴۷۱

¹⁸¹ همان، ص ۴۷۲

¹⁸² ترجمه - متن انگلیسی آن در صفحه ۵۰۸ و ۵۲۲ جلد اول *Compilation of Compilations* درج شده است. مأخذ دوم در مکتوب ۲ مارس

۱۹۷۲ خطاب به حضرات ابدی امر الله مقیم ارض اقدس مندرج است - م

در حوصله این سخنرانی نیست که فهرستی از مراجعی را ذکر کنم که منشأ و منبع هر یک از وظائف معهد اعلی را، که در این پنج بخش ذکر شده، نشان می‌دهد. اما، به هر بخش به طور جداگانه اشاره خواهم کرد، نظر خودم را در مورد هر وجهی که ممکن است به توضیحاتی نیاز داشته باشد، بیان خواهم کرد.

بخش اول: "حفاظت نصوص مقدسه است و صیانتشان از تصرف و تحریف؛ تجزیه و تفکیک و تنظیم و تنسیق و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه است و مدافعه و محافظه امر حضرت احدیت و استخلاصش از قیود مقهوریت و مظلومیت." بدیهی است که حفاظت نصوص مقدسه اولین وظیفه ریاست امرالله است. به این علت است که حضرت ولی امرالله دارالآثار بین‌المللی را بنا کردند، و بعد بیت‌العدل اعظم برای تأمین آخرین تسهیلات و تجهیزات علمی موجود برای حفظ اوراق، اسناد و مصنوعات دستی، منضماتی را به بنای مزبور افزودند. عبارت "صیانت از تصرف و تحریف" که در این رابطه به کار رفته، به لزوم حفظ و صیانت آثار مقدسه از هر گونه آسیب عنصری، و نیز حفظ تقدس آثار مبارکه و حراست از اصالت آنها اشاره دارد.

وظیفه تجزیه و تفکیک و تنظیم و تنسیق و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه البته همان کاری است که هم‌اکنون دارالتحقیق مشغول انجام دادن آن از طرف معهد اعلی و برای معهد اعلی است. این وظائف در بنای فعلی حول قوس که احباء به نام مرکز مطالعه نصوص و الواح می‌شناسند انجام می‌شود.

وظیفه مدافعه و محافظه امر الهی، بدیهی است که در کلام حضرت بهاءالله مندمج است که در کتاب اقدس [بند ۵۲] رجال بیت‌العدل را مخاطب قرار می‌دهند، "یا رجال‌العدل کونوا رعاة أغنام‌الله فی مملکتہ و احفظوهم عن الذئاب ... كما تحفظون ابنائکم." این بخش با بیان مسئولیت استخلاص امر مبارک از قیود مقهوریت و مظلومیت "که به معهد اعلی محول شده و دیروز مورد بحث قرار دادیم، خاتمه می‌یابد. این استخلاص زمانی حاصل می‌شود که اولیاء مذهبی در کشوری احکام و اصول امر مبارک را جدا و مجزاً از دیانت رسمی تثبیت شده آن کشور تلقی و اعلام کنند. همانطور که می‌دانید، در سراسر عالم محافل روحانی ملی، و جامعه بین‌المللی بهائی که مقر آن در نیویورک است - تماماً تحت هدایت بیت‌العدل اعظم - در حفظ و صیانت جامعه بهائی ایران، از قصد و نیت دولت ایران، برای انعدام و نابودی امر الهی، اعم از اصل و فرع آن، در کشور وطنی حضرت بهاءالله، که خود حکومت به آن اعتراف نموده، اقداماتی انجام داده‌اند. البته امید می‌رود که این مجهودات سرانجام به استخلاص و رهایی جامعه بهائی ایران از چنگال دشمن سنتی‌اش، که از زمان تولدش در شانزده دهه پیش تا کنون، طالب اختناق و خفقان آن بوده و در این راه سعی و فیر مبذول داشته، منتهی گردد.

بخش دوم: کلّ این قسمت به وظائف بیت‌العدل اعظم در سه زمینهٔ اعلان امرالله، و اتّساع و استحکام آن مربوط می‌شود. اجرای جزئی و اولیّیهٔ پیش‌بینی‌های این بخش را می‌توان از طریق انتشار "تلخیص و تدوین حدود واحکام کتاب مستطاب اقدس"^{۱۸۳}، و متعاقباً ترجمهٔ کلّ متن کتاب اقدس به زبان انگلیسی، همراه با توضیحات و تشریحات مفصّل، انتشار نصوصی از حضرت بهاءالله، حضرت اعلی، حضرت عبدالبهاء که تازه ترجمه شده، و به طور اخصّ انتشار کتابی با عنوان "اعلان امر حضرت بهاءالله"^{۱۸۴} و دو نامهٔ سرگشاده خطاب به اهل عالم و رهبران مذهبی است.

در این بخش، اشاره به تحسین اخلاق و ترویج خصائل روحانی که مابه‌الامتیاز حیات فردی و اجتماعی بهائی باید باشد، به بهترین وجه در تأکید بر اهمیّت مؤسّسات تبلیغی، حلقه‌های مطالعه، جلسات دعا، کلاس‌های اطفال و تقسیم هر یک از جبهه‌های داخلی به مجموعه‌های هم‌جوار، که در نقشهٔ فعلی به آن پرداخته شده، تمثّل و تجسّم یافته است. و اما در مورد آخرین قسمت این بخش، در خصوص تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و ترقّی و اصلاح عالم؛ پیشتاز و پیشگام این اهداف فعلاً، در سطح بین‌المللی، دفاتر جامعهٔ بین‌المللی بهائی ما در نیویورک، ژنو و پایتخت‌های منتخب در اروپا هستند.

بخش سوم: بخش بعدی به مسئولیت‌های حیاتی بیت‌العدل اعظم به عنوان عالی‌ترین هیئت تقنینیهٔ امرالله، و نیز مؤسّسه‌ای که همه برای حلّ مسائلی که موجب اختلاف در میان احباب شده و روشن شدن مسائل مبهمه، اختصاص دارد. همانطور که قبلاً بحث کرده‌ایم، این وظائف در آثار مبارکهٔ حضرت بهاءالله و پیش‌بینی‌های الواح مبارکهٔ وصایای حضرت عبدالبهاء مندرج است.

قسمت بعدی این بخش با وظیفهٔ احاله شده به بیت‌العدل اعظم برای حفظ حقوق شخصی و تأمین ابتکار و آزادی افراد شروع می‌شود. این، راه را برای افراد باز می‌کند که در صورتی که احساس کنند که حقوق اساسی آنها با تصمیمات تشکیلات، در سطوح محلی و ملی در هر کشوری، تضییع شده، به بیت‌العدل اعظم متوسّل شوند، تقاضای استیناف دهند، تا آنچه را که موجب نارضایتی و شکایت شده جبران نماید.

جملهٔ آخر در این قسمت به تحکیم ممالک و تعمیر بلاد مربوط می‌شود. این وظائف را زمانی بیت‌العدل اعظم به طور مؤثر می‌تواند انجام دهد که طلیعهٔ نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله دمیده باشد، امر

¹⁸³ توضیح مترجم: نسخهٔ انگلیسی این کتاب در سال ۱۹۷۳ انتشار یافت. ترجمهٔ فارسی آن در سال ۱۹۸۵ توسط لجنةٔ امور احیای ایرانی - آمریکایی، از لجنات زیر نظر محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متّحده، منتشر شد.

¹⁸⁴ توضیح مترجم: نام کامل این کتاب "اعلان امر حضرت بهاءالله به سلاطین و رؤسای عالم" (The Proclamation of Baha'u'llah to the kings and leaders of the world) است که در سال ۱۹۶۷ در مرکز جهانی انتشار یافت. این کتاب مشتمل بر ترجمهٔ قسمت‌هایی از سورةالملوک، و الواح حضرت بهاءالله خطاب به سلاطین و رؤسای مذهبی است.

مبارک در سراسر جهان مورد توجه و تصدیق قرار گرفته باشد، و بیت‌العدل اعظم، به عنوان عالی‌ترین نهاد نظم مزبور، در میان ملل و امم عالم به رسمیت شناخته شده باشد.

بخش چهارم: بخش چهارم عبارت از اعلام وظیفه بیت‌العدل اعظم برای ترویج و تنفیذ احکام و مبادی امرالله که به مرور زمان و تدریجاً عمل به موجب آنها الزامی می‌گردد (مانند آنچه که در مورد حکم حقوق‌الله و حدود و احکام مربوط به صلوة و صیام رخ داد)، و صیانت و تعمیم حسن اخلاق است که به بیان حضرت ولی امرالله "از مقتضیات آن صدق و صفا و محبت و وفا و امانت و دیانت و انصاف و عدالت و پاک‌ی و طهارت است باید در جمیع شئون و احوال مابه‌الامتیاز حیات جامعه و صفت ممیّزه هر فرد بهائی مستظّل در ظلّ کلمه ربّانی قرار گیرد." ۱۸۵

این بخش شامل توسعه مرکز روحانی و اداری امر بهائی در ارض اقدس است. موارد بسیار بدیهی توسعه مرکز جهانی که در چهار دهه گذشته در ارض اقدس صورت گرفته عبارتند از تأسیس دارالتبلیغ بین‌المللی متعاقب انتصاب هیأت‌های مشاورین قاره‌ای، و نیز افزایش مساعدین اعضای هیأت معاونت، ارتفاع ابنیه جدید حول قوس، اتساع حدائق بهجی، ساختمان طبقات حول مقام حضرت اعلی، تأسیس دو محل جدید استقرار زائرین در بهجی و حیفا.

نقش بسیار جالبی در این بخش به عنوان وظیفه بیت‌العدل اعظم گنجانده شده است؛ و آن اتخاذ تدابیری است که هیچیک از تشکیلات امری از مقامات مخصوصه خود تخطی ننماید یا از اعمال حقوق و مزایای خویش غفلت نورزد. این وظیفه بیت‌العدل اعظم مستلزم مراقبت و نیز مداخله مناسب و بجا در زمانی است که به مصالح حیاتی امر مبارک اعتنایی نشده باشد. قسمت آخر این بخش به صندوق‌ها و اموال و املاک امریه اختصاص دارد، و آن وظیفه‌ای است که نیازی به شرح و بسط ندارد.

بخش پنجم: آخرین بخش به قوا و اختیارات قضایی بیت‌العدل اعظم برای قضاوت در مناقشات، فیصله اختلافات، تنفیذ تصمیمات، و اعمال مجازات‌ها و بالاخره به عنوان حدّ اعلای وظایف، جمع‌بندی مسئولیت‌های قضایی بیت‌العدل اعظم با این عبارات جالب است که "ترویج و صیانت عدل الهی است که یگانه ضامن امن و امان و استقرار حکومت نظم و قانون در عالم امکان است." این به پنج بخشی که رؤوس وظایف و اختیارات بیت‌العدل اعظم را بر می‌شمارد، پایان می‌دهد.

اختیارات تشریحی که در بالا تصریح شد به طور دائم به بیت العدل اعظم اعطاء شده است. اما، هیچیک از شرایط بیت العدل اعظم را از اعطاء اختیارات و مسئولیت‌های اجرایی و قضایی، که هم‌اکنون خود بیت العدل اعظم انجام می‌دهد، به تشکیلاتی که قرار است در سطح بین‌المللی تشکیل شود، منع نمی‌کند.

بندی که بعد از آن می‌آید نقل بیانی از حضرت ولی امرالله از "دور بهائی" است. در این بند، سه عنوان به اعضاء بیت العدل اعظم داده شده است، یعنی، "رجال العدل"، "اهل البهاء الذین ذکرهم فی کتاب الأسماء" و "وکلاء الله" که "مطالع الأمر" هستند. عنوان "رجال العدل" از بند ۵۲ کتاب اقدس گرفته شده است.^{۱۸۶} عنوان "اهل البهاء الذین ذکرهم فی کتاب الأسماء" از لوح کرمل گرفته شده است.^{۱۸۷} عنوان "وکلاء الله" که "مطالع الأمر" هستند از لوح مبارک حضرت بهاء الله معروف به لوح بشارات گرفته شده است. فقره مزبور در "بشارت سیزدهم" آمده است. حضرت بهاء الله در همین بشارت سیزدهم می‌فرمایند که، "امور سیاسیة کلّ راجع است به بیت العدل." و نیز در همین فقره از لوح بشارات است که حضرت بهاء الله می‌فرمایند، "مرّبی عالم عدل است، چه که دارای دو رکن است، مجازات و مکافات." و بالاخره در همین بخش از لوح مزبور حضرت بهاء الله می‌فرمایند که اعضاء بیت العدل "ملهمند به الهامات غیبی الهی".^{۱۸۸}

و اما در مورد عنوان امناء بیت العدل اعظم، که در لوح کرمل نازل شده، بسیاری از دوستان سؤال کرده‌اند که "کتاب الأسماء"، که این امناء در آنجا ذکر شده‌اند، چیست. لوحی از قلم حضرت اعلی نازل شده که به "کتاب الأسماء" معروف است، اما چنین اشاره‌ای در آن مشاهده نمی‌شود. من استنباط خودم را برای شما بیان می‌کنم. لغت "اسماء" را حضرت ولی امرالله، با توجه به متن، گاهی به Names و زمانی به Titles ترجمه فرموده‌اند. ترجمه اول، به معنی "نامها"، در عباراتی مانند "اسمائہ الحسنی" ^{۱۸۹} بر اسماء و صفات الهی و ربّانی دلالت دارد. اما به معنی دوم، یعنی "لقاب"، به عناوین و مدح و تمجیدی دلالت دارد که، به عنوان نشانه تحسین یا رتبه، به فردی اعطاء می‌گردد. در آثار بهائی ما القابی چون "مرکز میثاق"، "ولی امرالله"، "ایادی امرالله"، "بیوت عدل"، "امناء رحمن"، "فارسان حضرت بهاء الله" و غیره را مشاهده می‌کنیم. به این ترتیب،

¹⁸⁶ توضیح مترجم: توضیح آن در یادداشت شماره ۸۰ از منضمات کتاب اقدس آمده است.

¹⁸⁷ توضیح مترجم: این موضوع در توفیق ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ آمده است که حضرت ولی امرالله، بعد از ذکر تأثیرات روحانیّه مراقد مقدسه حضرت ورقه مبارکه علیا و مادر و برادرشان، و ارتفاع مشرق‌الاذکار ارض اقدس و تأسیس تشکیلات امریه اداری در آن شطر، که حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده‌اند، که هماهنگ با اصول حاکم بر دو مؤسسه ولایت امر و بیت العدل اعظم فعالیت خواهند داشت، می‌فرمایند، "در آن زمان، و فقط در آن زمان، نبوت خطیری که سطور اخیر لوح مبارک کرمل را مضمی ساخته تحقّق خواهد یافت که، «سوف تجری سفینه الله علیک و يظهر اهل البهاء الذین ذکرهم فی کتاب الأسماء.»" (لوح کرمل را می‌توانید در صفحات ۹۷۶-۹۷۷ جلد ثانی ریح مختوم، صفحه ۱۸ منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، زیارت کنید.)

¹⁸⁸ مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۱۲۲

¹⁸⁹ مترجم: این عبارت فقط در لوح سلطان ایران (در صفحه ۲۰۰ الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض) مشاهده شد.

"کتاب اسماء" می‌تواند کتاب عرفانی و مرموز الهی باشد که در آن، عناوین و مدح و تمجید اعطائی به وزرایش، و نیز مروّجین، حامیان، و / یا مدافعین امرش، اعم از افراد یا گروه‌ها اعطاء گردد.

و اما در مورد نقل بیان مبارک از "دور بهائی"^{۱۹۰} که با این کلمات آغاز می‌شود، "در تمشیت امور اداری..."، سه نکته مهم را حضرت ولی امرالله در این بیان مبارک ذکر فرموده‌اند. نکته اول آن که، اعضاء بیت‌العدل اعظم در ایفای وظائف خود باید در نهایت تضرع و ابتهال به حکم وجدان خود عمل نمایند، نه آن که تحت تأثیر احساسات یا اعتقادات کسانی قرار گیرند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم آنها را انتخاب می‌نمایند، و به این وسیله به وضوح دلالت می‌فرمایند که آنها در مقابل خداوند مسئولند نه در مقابل کسانی که آنها را انتخاب نموده‌اند. این نفی صریح یکی از ویژگی‌های اساسی نظام دموکراتیک است. کلیه نظام‌های دموکراسی نمایندگان را در مقابل انتخاب کنندگان مسئول قرار می‌دهد. به این علت است که در حکومت‌هایی که به طریق دموکراسی اداره می‌شوند، برای آن که معلوم شود آراء عمومی در مورد موضوع مورد نظر چیست، به رفراندوم پناه می‌برند.

نکته دوم این است که آنها باید خود را با شرایط حاکم بر جامعه آشنا سازند. این وظیفه در مقابل نفی رفراندوم‌ها موازنه ایجاد می‌کند، و شرطی است که در نظام اداری بهائی وارد شده تا سلب اختیار از توده انتخاب کننده را جبران نماید. بدیهی است که اعضاء بیت‌العدل اعظم به طور انفرادی موظفند نسبت به احساسات و عقاید عمومی جامعه هوشیار و بیدار باشند، و از لحاظ تشکیلاتی به نهادهای وفادار و هم‌فکر مانند مشاورین متکی باشند و روند تفکر و احساسات در میان اعضاء عادی جامعه را با آنها در میان بگذارند.

سومین نکته نقل بیانی از آثار حضرت بهاءالله است که اطمینان می‌دهند، *أنه یلهمهم ما یشاء*.^{۱۹۱} در دنباله این بیان مبارک، برداشت حضرت ولی امرالله ذکر شده که نفوس منتخبه - و من در این بیان بر واژه "منتخبه" تأکید می‌نمایم - از *هدایت الهیه که قوه حیات و بالمآل کافل صیانت شریعت‌الله است* برخوردار می‌گردند.

همانطور که جمیع شما می‌دانید، حضرت ولی امرالله را حضرت عبدالبهاء به عنوان رئیس و عضو بیت‌العدل اعظم منصوب فرمودند. ایشان عضو منتخب معهد اعلی نبودند. حضرت ولی امرالله، به عنوان مبین آیات‌الله به ما اطمینان می‌دهند که اعضاء منتخب از هدایت موعود الهی برخوردارند.

¹⁹⁰ توضیح مترجم: عبارت نقل شده از توفیق مبارک در صفحه ۹۲ ترجمه فارسی "دور بهائی" مندرج است. اما ترجمه عبارات با آنچه که در ترجمه قانون اساسی بیت‌العدل اعظم آمده اندکی تفاوت دارد.

¹⁹¹ ورق هفتم از کلمات فردوسی، مجموعه اشراقات، ص ۱۲۳

آخرین بند بیان‌نامه ذکر تاریخی است که اعضاء بیت‌العدل اعظم برای اولین مرتبه طبق شرایط مذکور در الواح مبارکه و صایا و در جواب به صلاهی حضرات ایادی امرالله، که حضرت ولی امرالله آنها را "حرّاس اعظم جامعه جنینی جهانی حضرت بهاءالله" توصیف فرمودند، انتخاب شدند.

این بند همچنین دو عنوانی را که حضرت ولی امرالله برای بیت‌العدل اعظم تعیین فرمودند، یعنی *اکلیل جلیل*^{۱۹۲} "تشکیلات اداری امر حضرت بهاءالله و" *اصل و طلیعه نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی*^{۱۹۳} نقل می‌کند. بعد از این بند، فضایی وجود دارد که اسامی نه نفری که در یوم ۲۶ نوامبر ۱۹۷۲، یعنی یوم میثاق عضویت معهد اعلی را داشتند به ترتیب حروف الفبا^{۱۹۴} ذکر شده و امضاء نموده‌اند. آخرین بند تاریخ تنظیم و امضاء سند که در مدینه حیفاً امضاء شد. آخرین ویژگی این سند مهر بیت‌العدل اعظم است.^{۱۹۵} به ضمیمه بیان‌نامه سندی ۹ صفحه‌ای^{۱۹۶} است که حاوی نظامنامه قانون اساسی است. بعد از مقدمه نظامنامه، یازده ماده ذکر شده که عبارتند از:

- ۱- عضویت در جامعه بهائی
- ۲- محافل روحانیه محلّیه
- ۳- محافل روحانیه ملّیه
- ۴- وظائف اعضاء محافل روحانیه
- ۵- بیت‌العدل اعظم (که دارای شش بند است)
- ۶- انتخابات بهائی
- ۷- حقّ تجدیدنظر
- ۸- استیناف
- ۹- هیئت‌های مشاورین
- ۱۰- هیئت‌های معاونت
- ۱۱- تعدیل و اصلاح

در مورد بعضی از ماده‌ها، که به مواضع عمومی مربوط می‌شود، مانند عضویت در جامعه، محافل روحانی محلّی و ملّی و وظائف آنها، و روش‌های انتخابات بهائی و استیناف بحثی نخواهم داشت، زیرا اینها موضوع دانش عمومی است و افراد بهائی در جمیع نقاط آنها را تجربه می‌کنند. اظهاراتم را به موادی محدود می‌کنم که مستقیماً به کار و حیطة اختیارات بیت‌العدل اعظم مربوط می‌شود.

¹⁹² توضیح مترجم: این عنوان در صفحه ۶۰ ظهور عدل الهی مشاهده می‌شود.

¹⁹³ توضیح مترجم: این عبارت نیز در ظهور عدل الهی آمده اما در ترجمه فارسی (ص ۴۳) اینگونه آورده شده است، "هسته مرکزی و ناشر و مبشر آن."

¹⁹⁴ توضیح مترجم: مقصود به ترتیب حروف الفبای انگلیسی است که در ترجمه فارسی نیز همان ترتیب انگلیسی رعایت شده است.

¹⁹⁵ که ترجمه فارسی فاقد آن می‌باشد - م

¹⁹⁶ در فارسی ۱۸ صفحه‌ای است - م

ابتدا به مقدمه مختصر نظام نامه می پردازیم که نظم اداری را که در این زمان در عالم بهائی عمل می کند، به اختصار و به طور کامل تعریف می کند. بند اول به بیت العدل اعظم به عنوان "معهد اعلامی نظم اداری" اشاره دارد. در مقدمه آمده است که این نظم دارای دو بخش است: (۱) شوراهای انتخابی در سطوح محلی، ملی و بین المللی که از هر سه قوه و اختیار، یعنی تشریح، تنفیذ و قضاوت برخوردارند، و (۲) آحاد احباء که برای وظایف مخصوصه صیانت و ترویج امرالله منصوب می گردند.

بند دوم رابطه نظم اداری با نظم جهان آرا را تعریف می کند که اولی اصل و نمونه دومی است. این نظم اداری اینگونه توصیف شده که به مشیت الهی به وجود آمده و در حرکت است و دارای نشو و نمای ذاتی و حرکت جوهریه می باشد. این توسعه با تأسیس مؤسسات و دوائر فرعی و نیز با تزیید و تنوع فعالیت های امریه - که مقصود از کل آن ترقی و اصلاح عالم می باشد - صورت می گیرد.

همانطور که قبلاً ذکر شد، ما باید از چهار ماده اول بگذریم و به ماده پنجم پردازیم که دارای ۶ بند است. مقدمه این ماده اظهار می دارد که اعضاء این هیأت را "نه نفر از رجال" تشکیل می دهند که از جامعه جهانی بهائی انتخاب می شوند. این اعضاء توسط اعضاء کلیه محافل روحانی ملی در سراسر عالم انتخاب می شوند. هر فرد بهائی بزرگسال ذکور در سراسر جهان، که از موقعیت مطلوب امری برخوردار باشد می تواند انتخاب شود. البته برای بهائیان این نکته معلوم است که، همانطور که در کتاب اقدس (بند ۳۰) ذکر شده، تعداد اعضاء می تواند در آینده از نه نفر تجاوز نماید، "ان آزداد لا بأس".

همانطور که همه می دانید، سؤالی که غالباً مطرح می شود این است که چرا اعضاء معهد اعلی منحصر به رجال است. با تجربه ای که من دارم خردمندانه ترین جوابی که می توان به این سؤال داد، نقل بیان حضرت عبدالبهاء است که می فرمایند، "و اما بیت العدل بنصوص قاطعة فی شریعة الله اختص بالرجال حکمة من عند الله و سیظهر هذه الحکمة کظهور الشمس فی راتعة النهار".^{۱۹۷} این بیان حضرت مولی الوری راه را به روی هر گونه حدس و بحثی مسدود می کند. فکر می کنم مقصود حضرت عبدالبهاء این است که نه عالم انسانی به مرحله بلوغ نائل شده و نه جامعه بهائی به آن مرحله واصل گردیده است. در چنین مرحله ای، جهانی که به سرعت در حال تکامل و ترقی است، به عصر قضاوت خردمندانه و بصیرت معقول خواهد رسید و در آن موقع کاملاً روشن و واضح خواهد شد که چرا حضرت بهاء الله این شرط را در کتاب احکام خویش قرار داده اند.

همانطور که قبلاً گفتم این ماده دارای شش بند است، و بیشتر بندها به بندهای فرعی تقسیم شده اند. اولین بند دارای نه بند فرعی از الف تا ط است. نکات مهم در این بندهای فرعی عبارتند از:

¹⁹⁷ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۷۷ (فقره ۳۸)

۱- انتخابات بیت‌العدل اعظم هر پنج سال یک بار صورت می‌گیرد مگر این که در این باره بیت‌العدل اعظم قرار دیگری دهد. اعضاء منتخبه تا زمانی که قائم‌مقامان آنان انتخاب نشده و اولین جلسه خود را تشکیل نداده باشند، به عضویت باقی خواهند بود.

۲- وظیفه اصلی انجمن شور روحانی بین‌المللی انتخاب اعضاء بیت‌العدل اعظم و مشورت در مسائل مربوط به امر بهائی در سراسر عالم و ایصال نظریات و پیشنهادهائی جهت ملاحظه بیت‌العدل اعظم خواهد بود.

۳- هرگاه بیت‌العدل اعظم در موقع انتخابات تشخیص دهد که تشکیل انجمن شور روحانی بین‌المللی غیرعملی و یا مخالف حکمت است، درباره طرز اجرای انتخابات تصمیم خواهد گرفت. در این مورد، همانطور که همه می‌دانید، برای اولین مرتبه از زمان تشکیل بیت‌العدل اعظم، با توجه به ناامنی رایج در کشور و خطرات عظیمی که مسافرت‌های بین‌المللی را در ماه آوریل ۲۰۰۳ تهدید می‌کرد، انعقاد انجمن شور روحانی بین‌المللی غیرعملی و خارج از حکمت تشخیص داده شد و بنابراین، بیت‌العدل اعظم تصمیم گرفتند که انجمن شور روحانی را تشکیل ندهند و اعضاء محافل روحانی ملی را هدایت کردند که آراء خود را با پست ارسال دارند.

۴- اگر یکی از اعضاء محفل روحانی ملی که قبلاً رأی خویش را با پست ارسال داشته، در فاصله بین ابداء رأی و تاریخ شمارش آراء از عضویت محفل روحانی ملی خارج شده باشد، رأی ارسالی او معتبر خواهد بود، مگر آن که در آن فاصله جانشین او انتخاب و رأی عضو جدید به حیفا رسیده باشد.

۵- اگر به علت تساوی آراء انتخاب اعضاء بیت‌العدل اعظم در تصویت اول تکمیل نگردد، باید بین نفوسی که آراء مساوی دارند، یک بار یا بیشتر اخذ رأی شود تا تمام اعضاء بیت‌العدل اعظم انتخاب گردند و در این انتخابات اضافی انتخاب کنندگان عبارت از اعضاء محافل ملی‌های خواهند بود که زمان اخذ رأی عضو محفل باشند.

بند دوم به خالی ماندن محل عضویت بیت‌العدل اعظم مربوط می‌شود. چهار احتمال پیش‌بینی شده است: (۱) فوت یکی از اعضاء؛ (۲) اخراج عضو بیت‌العدل در صورتی که گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود؛ (۳) معاف کردن عضوی از اعضاء در صورتی که بیت‌العدل اعظم تشخیص دهد او قادر به ایفاء وظائف محوله نیست؛ (۴) کناره‌گیری عضو بیت‌العدل از عضویت با تصویب بیت‌العدل اعظم. همانطور که همه می‌دانید، موارد اول و چهارم در گذشته رخ داده، اما موارد دوم و سوم هنوز اتفاق نیفتاده است، و امیدوار باشیم که هرگز موردی برای اجرای این دو پیش نیاید.

بند سوم به انتخابات تکمیلی مربوط می‌شود. اگر بین دو انجمن شور روحانی بین‌المللی، محلی در عضویت بیت‌العدل اعظم خالی بماند، همان اعضاء محافل ملیّه‌ای که در وقت انتخابات تکمیلی سمت عضویت محافل را دارند، به این انتخاب خواهند پرداخت. اگر خالی بودن محلّ در تاریخی باشد که به تشخیص بیت‌العدل اعظم خیلی نزدیک به تاریخ تشکیل عاڈی انجمن شور روحانی بین‌المللی باشد، به انتخابات تکمیلی مبادرت نخواهد شد. در چنین مواردی بیت‌العدل اعظم در طیّ مدّت کوتاه مورد بحث، فرضاً، با هشت نفر عضو عمل خواهد کرد.

بند چهارم به خطّ مشی برای تشکیل اوّلین جلسهٔ بیت‌العدل اعظم بعد از انتخابات مربوط می‌شود و به وضوح توضیح می‌دهد که دارای هیأت عامله نیست و لذا به ترتیبی که خود بیت‌العدل اعظم تصمیم بگیرد اداره خواهد شد. همه می‌دانند که در این زمان از تکامل امر بیت‌العدل اعظم، ریاست جلسه را اعضاء، به ترتیب حروف الفبا، بر مبنای هفتگی، به عهده خواهند گرفت.

این بند به حدّ نصاب کمتر از کلّ اعضاء برای امور مشخصهٔ معینه نیز می‌پردازد. در چنین حالتی اعضاء می‌توانند از مرخصی سالانه، یا زمانی که مایلند خود تعیین نمایند، استفاده کنند بدون آن که در کار روزمرهٔ معهد اعلی مانعی به وجود آورند. این مانع از آن نیست که بیت‌العدل اعظم با اعضاء غایب با تلفن یا به صورت دیگر تماس بگیرد تا نظر آنها را در مورد مواضع مورد نظر بداند.

دو بند آخر به امضاء مکاتیب مرقومه توسط بیت‌العدل اعظم به انگلیسی یا فارسی و لزوم تمهیر با مهر مخصوص معهد اعلی و نیز این نکته که خود بیت‌العدل اعظم برای ثبت و ضبط مصوّبات خود هر زمان ترتیباتی را که مقتضی داند اتخاذ خواهد نمود، مربوط است.

بخش بعدی که در کار بیت‌العدل اعظم بی‌ظنیر می‌باشد، مادهٔ هفتم با عنوان "حقّ تجدید نظر" است. این ماده دو بخش دارد. بخش اوّل توسعهٔ دامنهٔ مادهٔ مشابهی در کلیهٔ قوانین اساسی ملی است که به ریاست امرالله امکان می‌دهد که تصمیمات متّخذه یا اقدامات انجام شده توسط مؤسسات تابعهٔ نظم اداری را تعدیل یا نسخ نماید. بخش دوم احتمال اهمال محفلی روحانی، اعمّ از ملی یا محلی، را در اقدام و اخذ تصمیم در موردی که بنا به تشخیص بیت‌العدل اعظم برای مصالح امرالله جنبهٔ حیاتی دارد پیش‌بینی می‌کند که در این صورت بیت‌العدل اعظم به آن محفل دستور می‌دهد به اقدام خاصّ در این مورد اقدام کند. در چنین مواردی بیت‌العدل اعظم این حقّ را به خود می‌دهد که مستقیماً و رأساً مبادرت به اقدام نماید.

حال به سه مادهٔ آخر نظامنامه، یعنی مادهٔ نهم: هیأت‌های مشاورین؛ مادهٔ دهم: هیأت‌های معاونت و مادهٔ یازدهم: تعدیل و اصلاح می‌پردازیم. مادهٔ نهم به بیت‌العدل امکان می‌دهد بهائینی را که می‌توان وظائف

صیانت و ترویج امرالله را، که طبق الواح مبارکه وصایا به عهده حضرات ایادی امرالله بوده، به آنها سپرد منصوب نماید. هر مشاور انتظار می‌رود که در منطقه‌ای که سکونت دارد به ایفای وظائف خود پردازد. مدت زمان خدمت توسط بیت‌العدل اعظم تعیین می‌گردد. همانطور که می‌دانید این مدت زمان فعلاً پنج سال است. این ماده همچنین توضیح می‌دهد که رتبه و مقام و وظائف مشاور، او را از عضویت در تشکیلات محلی یا ملی معاف می‌دارد. اگر او به عضویت بیت‌العدل اعظم انتخاب شود، بدیهی است که باید از مقام خود به عنوان مشاور کناره‌گیری نماید.

ماده دهم وظائف اعضاء هیئت معاونت را تعیین می‌کند که به عنوان نماینده، مساعد و مستشار مشاورین عمل می‌کنند. به هر عضو هیأت معاونت منطقه خاصی اختصاص می‌یابد تا در آن به خدمت پردازد. عضو هیئت معاونت، بر خلاف مشاور، می‌تواند به عضویت تشکیلات اداری انتخاب شود. اگر انتخاب شود، باید تصمیم بگیرد که در مقام معاون باقی بماند یا عضویت تشکیل انتخابی را بپذیرد. همچنین، اگر به عضویت بیت‌العدل اعظم انتخاب شود خود به خود از مقام خویش به عنوان معاونت کناره‌گیری می‌کند. همانطور که همه می‌دانید فعلاً دوران خدمت اعضاء هیأت معاونت نیز پنج سال است.

مضافاً، همانطور که حضرت ولی امرالله بیان فرموده‌اند، دو هیأت معاونت داریم. یکی برای صیانت و دیگری برای ترویج امرالله. تعداد هیأت‌های معاونت برای هر قاره توسط بیت‌العدل اعظم تعیین می‌گردد. مشاورین به نوبه خود این تعداد را در سراسر منطقه مسئولیت خود، منطبق با نیاز هر منطقه‌ای، تقسیم می‌کنند. آخرین ماده توضیح می‌دهد که کلیه اصلاحات در قانون اساسی در صورتی امکانپذیر است که کل اعضاء بیت‌العدل اعظم حاضر باشند. قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، در شکل فعلی خود، هنوز مورد تعدیل و اصلاح واقع نشده است. اما، دو تصمیم مهم، که بر هیأت‌های مشاورین و هیأت‌های معاونت تأثیر گذاشته، قبلاً توسط بیت‌العدل اعظم اتخاذ شده که به مرور زمان، بلاتردید، به عنوان اصلاح و تعدیل، وارد قانون اساسی خواهد شد. یکی تأسیس دارالتبلیغ بین‌المللی در ارض اقدس و دیگری اعطاء اجازه به اعضاء هیأت معاونت برای انتصاب مساعدین است. این شرایط در قانون اساسی فعلی مشاهده نمی‌شود زیرا بعد از تدوین قانون اساسی در نوامبر ۱۹۷۲ اتخاذ گردید.

سؤالات مربوط به این سخنرانی

س - آیا سه وظیفه بیت‌العدل اعظم، یعنی تشریح، تنفیذ و قضاوت در آثار مبارکه ذکر شده است؟
ج - حضرت ولی امرالله در توفیق تولد مدنیت جهانی (نظم جهانی بهائی، ص ۱۶۵) تشکیلات اصلیه حکومت جهانی بهائی را به عنوان "هیأت مقننه"، "هیأت مجریه" و "محکمه جهانی" توصیف می‌فرمایند.
در بیانیه‌ای که در کلیه مجلدات عالم بهائی در زمان حیات عنصری حضرت ولی امرالله تحت عنوان "روش اداره محفل روحانی محلی" انتشار می‌یافت، ما اشاره به سه قوه جداگانه هر محفل روحانی را مشاهده می‌کنیم. فی‌المثل در صفحه ۲۹۷ جلد ۱۲ (آخرین جلدی که در زمان حیات عنصری حضرت ولی امرالله انتشار یافت) بیانیه مورد بحث را مشاهده می‌کنیم.

س - آیا بیت‌العدل اعظم مظاهر ظهور آتی را تصدیق خواهد کرد؟
ج - من در آثار مبارکه نکته‌ای را در این خصوص مشاهده نکرده‌ام. اما، وقتی زائری همین نکته را از حضرت ولی امرالله سؤال کرد، ایشان فرمودند که محققاً بیت‌العدل اعظم مظهر ظهور جدید خداوند را تصدیق خواهد کرد و او را به جامعه معرفی خواهد نمود. این که آیا آحاد اعضاء جامعه به او اقبال خواهند کرد یا خیر را باید حدس زد و من مایل نیستم وارد این حیطة بشوم.

س - بیت‌العدل اعظم طبق چه معیارهایی طول مدت هر نقشه تبلیغی را تعیین می‌کنند؟
ج - بدیهی است که بیت‌العدل اعظم عوامل گوناگون را مد نظر قرار می‌دهند، مانند نقاط قوت و ضعف جامعه بهائی، روند توسعه عالم، و امکانات آینده که همگام با پیشرفت امرالله به سوی سرنوشت خود حاصل می‌شود.

س - آنطور که در قانون اساسی ذکر شده، تفاوت دقیق بین توضیح و تبیین چیست؟ ما چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که، وقتی معارف خود را افزایش می‌دهیم، مشغول تبیین آثار مبارکه نیستیم؟
ج - همانطور که می‌دانید حضرت ولی امرالله در دوران زعامت خود، دو هدف اصلی حیاتی داشتند: تأسیس بیت‌العدل اعظم و اجرای سیستماتیک محتوای الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء. ایشان از موهبتی برخوردار بودند که مقصود حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را می‌دانستند. من فکر می‌کنم که، مسلماً، ایشان در توفیق "دور بهائی" تبیین را با این بیان مبارک آشکارا تعریف می‌کنند، "مقام تفسیر و تبیین آیات و کلمات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء منحصرأ به ولی امرالله عنایت شده..."^{۱۹۸} این موهبتی است که به حضرت ولی امرالله

و قبل از ایشان به حضرت عبدالبهاء اعطاء شده، زیرا هر دو نفر ایشان قادر به بیان این نکته بودند که ماهیت و گسترهٔ بینش مندمج در امر مقدس الهی چیست.

و اما در مورد توضیح، ما قبلاً مشاهده کرده‌ایم که حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء اسرار و رموزی را در خود نهفته دارد که بعد از تشکیل بیت‌العدل اعظم تدریجاً مکشوف خواهد شد. پیام‌های بیت‌العدل اعظم را که در مورد ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم صادر شده و در مجموعه پیام‌های معهد اعلیٰ موجود است، می‌توان به عنوان توضیح و تشریح تلقی کرد. مورد دیگر می‌تواند اشارهٔ مذکور در الواح مبارکهٔ وصایا و سایر بیانات مبارکه در خصوص محکمهٔ جهانی باشد. حضرت ولی امرالله در یکی از توابع خود خطاب به محفل روحانی ملّی آمریکا می‌فرمایند، "و اما دربارهٔ نکتهٔ مطروحه در مکتوب منشی مربوط به ماهیت و گسترهٔ محکمهٔ جهانی، این و مواضع مشابه آن توسط بیت‌العدل اعظم، که طبق هدایات صریحهٔ حضرت مولی‌الوری، مرجع کلّ امور مهمهٔ اساسیه است، توضیح و تشریح خواهد شد." ۱۹۹

سؤالاتی چند است که به طور عادی در مورد چنین محکمهٔ جهانی به ذهن متبادر می‌شود. انتخاب یا انتصاب آن توسط چه کسی صورت می‌گیرد؟ آیا دورهٔ خدمت اعضاء آن محدود است؟ آیا زنان نیز علاوه بر مردان می‌توانند به عضویت آن انتخاب شوند؟ رابطهٔ آن با بیت‌العدل اعظم چگونه خواهد بود؟ اینها موضوعاتی مبهم و فعلاً بلاجواب هستند و الواح وصایا صریحاً ذکر کرده است که "جمیع مسائل مشکله" ۲۰۰ و نیز "در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه" ۲۰۱ با وضع قوانین توسط بیت‌العدل اعظم حلّ و فصل خواهد شد.

در مورد حلقه‌های مطالعه یا دوره‌های تزئید معارف و توضیحات و تشریحاتی که شرکت‌کنندگان بیان می‌کنند، باید گفت که این وضعیت کاملاً متفاوت است. در چنین مباحثاتی ما نه تنها مجازیم که استنباط خود از آثار مبارکه را بیان کنیم، بلکه تشویق می‌شویم که چنین کنیم. ۲۰۲ آنچه که در امر مبارک برای فرد یا گروهی از افراد ممنوع شده، بیان تعبیرات شخصی و ادعای وثوق و صحت این اظهارات و تلاش برای ترویج چنین عقایدی در میان احباء است. استفاده از استعدادهای فکری و ذهنی خود در تلاش برای درک آثار مبارکه یک فعالیت سالم است.

س - در مقایسه با سایر تشکیلاتی که عضو آن بوده‌اید، چه تفاوتی را در مشاورات بیت‌العدل اعظم احساس می‌کردید؟

199 ترجمه - توفیق ۹ آوریل ۱۹۲۳ مندرج در صفحه ۴۷ *Bahá'í Administration*

200 ایام تسعه، ص ۴۷۱

201 ایام تسعه، ص ۴۷۷

202 توضیح مترجم: احتمال دارد جناب نخجوانی ناظر به این بیان حضرت ولی امرالله باشند که می‌فرمایند، "مادامی که شخص صریحاً بگوید که آنچه اظهار می‌دارد نظریات خصوصی اوست نباید آزادی او را در اظهار عقیدهٔ شخصی محدود نمود. در حقیقت این قبیل توضیحات اغلب مفید واقع می‌شود و بدان وسیله بهتر می‌توان به تعالیم الهی پی برد. خداوند به انسان قوهٔ عاقله عطا فرموده که از آن استفاده شود، نه آن که عاطل و باطل ماند." (نظامات بهائی ص ۳۲)

ج - یادم نمی‌آید قبلاً کسی این نکته را از من سؤال کرده باشد. قبلاً آیه‌ای را از کتاب اقدس (بند ۳۰) نقل کردم که در آن حضرت بهاء‌الله طرز تلقی و نگرش اعضاء محافل روحانی محلّی را بیان می‌فرمایند. همانطور که به خاطر دارید، حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "یرون کآنهم یدخلون محضرالله العلیّ الاعلیّ و یرون من لایری." وقوف بر حضور جمال مبارک در محلّ تشکیل محافل روحانی، و نیز محلّ انعقاد جلسات بیت‌العدل اعظم وظیفه‌ای روحانی است که بر عهده اعضاء منتخب گذاشته شده است. اما این نکته صحیح است که ورود به محلّ تشکیل بیت‌العدل اعظم و برخورداری از افتخار شرکت در مشاورات آن، عضو معهد را قادر می‌سازد که با حدّت بیشتری از حضور روح شارع امر مبارک آگاه باشد. چقدر عالی خواهد بود وقتی که تعداد فزاینده‌ای از محافل روحانی محلّی و ملی به آن درجه از آگاهی روحانی برسند که اعضاء را قادر سازد از نصایح و وصایای حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدسش تبعیت نمایند. وقتی که در چنین جوّی مشاورات صورت می‌گیرد، تأییدات الهیّه و هدایات سماویّه یقیناً طائف حول مذاکرات اعضاء و اقدامات محفل خواهد بود. حضرت عبداله‌بهاء در یکی از الواح مبارک، بعد از بر شمردن وظائف روحانی اعضاء شوراهای مشورتی، می‌فرمایند، "در این خصوص و اجرای این شروط چون همت نمایند، تأیید روح‌القدس رسد و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانیه گردد و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود."^{۲۰۳}

س - آیا بیت‌العدل اعظم، علاوه بر آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله، به کتاب بیان نیز مراجعه می‌کند؟

ج - همانطور که می‌دانید یکی از ابنیه حول قوس بنای مرکز مطالعه نصوص و الواح است. دفاتر کار دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم در این بنا قرار دارد. تخصّص دارالتحقیق این است که متونی را که مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به موضوعی مربوط می‌شود که بیت‌العدل احساس می‌کند برای پرداختن به امر تشریح یا موضوعی مانند آن نیاز دارد، برای بیت‌العدل فراهم می‌آورد. دارالتحقیق همچنین گزیده‌هایی از آثار ادیان گذشته، از جمله دیانت بابی، را که ممکن است ایجاب نماید، به بیت‌العدل تقدیم می‌کند.

همانطور که همه می‌دانید، کار بیت‌العدل اعظم ممکن است به موضوعی نیز مربوط شود که دارای خصیصه علمی یا غیرمذهبی هستند و مستلزم برخورداری از دانش در زمینه‌های گوناگون است. چنین داده‌ها و اطلاعاتی معمولاً و رای حیطة فعالیت دارالتحقیق است و به مؤسسه دیگری احاله می‌شود که در سالهای آینده، بنای آن حول قوس ساخته خواهد شد. به علت این نیاز است که بیت‌العدل اعظم در پیام ۳۱ اوت ۱۹۸۷ خطاب به عالم بهائی مسئولیت‌های فوری و آتی کتابخانه بین‌المللی بهائی را اینگونه توصیف فرمودند، "این کتابخانه مخزن مرکزی کلّیه کتب و آثاری است که درباره دیانت بهائی منتشر گردیده و منبع اساسی اطلاعات را جهت

²⁰³ مکاتیب عبداله‌بهاء، ج ۳، ص ۵۰۸

استفاده مشروعات مرکز جهانی در کلیه موضوع امری واحوال عالم انسانی تشکیل می دهد. نطاق وظائف این مشروع عظیم در طی عقود آتیه اتساع یابد و به عنوان مرکزی فعال در تمامی زمینه های علمی خدمت نموده و بدین ترتیب به هسته مرکزی معاهد عظیمه جهت اکتشافات و تحقیقات علمی مبدل خواهد گردید. " کتابخانه بین المللی بهائی در حال حاضر در مرکز مطالعه نصوص و الواح قرار دارد، اما در آینده دارای بنای مستقل جداگانه ای درست در مقابل بنای دارالآثار بین المللی خواهد بود.

با در نظر داشتن مطلب فوق، می توانیم بیت العدل اعظم را در مرکز ابنیه حول قوس مجسم نماییم. در سمت چپ آن، مرکز مطالعه نصوص و الواح قرار دارد که اطلاعات مربوط به آثار دینی و مذهبی را فراهم می آورد. در سمت راست آن مؤسسه ای قرار دارد که اطلاعات و دانش مربوط به زمینه های علمی و غیرمذهبی را تأمین می کند. به این ترتیب، ما بر فراز کوه خداوند اتحاد علم و دین را مشاهده می کنیم که در خدمت معهد اعلای امر مبارک است.

س - آیا هیأت های مشاورین با مؤسسه ایادی امرالله متفاوت است؟

ج - بنا به مندرجات الواح مبارکه وصایا، ایادی امرالله توسط ولی امرالله منصوب می گردند. در مورد مدت زمان خدمت آنها، حضرت عبدالبهاء توضیحی نداده اند و لذا کسانی که به این مقام منصوب می گردند در بقیه ایام عمر خود در این سمت باقی می مانند، همانطور که در مورد ایادی امرالله که حضرت بهاءالله منصوب فرمودند صادق بود. مشاورین را، همانطور که می دانید، بیت العدل اعظم برای یک دوره پنج ساله منصوب می فرمایند.

بعلاوه، ایادی امرالله، همانطور که مشاهده کرده ایم، می بایستی نه نفر را از میان خود انتخاب کنند تا در مورد جانشین حضرت ولی امرالله رأی دهند. چنین اختیاری به مؤسسه مشاورین اعطاء نشده است.

وجه تمایز سوم این است که، طبق محتوای الواح مبارکه وصایا، ایادی امرالله دارای آن اختیار هستند که اگر کسی با حضرت ولی امرالله مخالفت کرد، او را طرد کنند، حتی اگر آن نفس در زمره ایادی امرالله باشد. این پیش بینی الواح وصایا را حضرات ایادی، وقتی که میسن ریمی مدعی ولایت امرالله شد، به مورد اجرا گذاشتند. چنین اختیار طرد روحانی به مؤسسه مشاورین اعطاء نشده است.

س - جلسات بیت العدل اعظم در چه فواصل زمانی تشکیل می شود؟ چرا تصمیمات بیت العدل اعظم ثبت می شود؟

ج - در حال حاضر بیت العدل اعظم هفته ای سه روز تشکیل جلسه می دهد، که با توجه به دستور جلسه، تمام روز طول می کشد. در این مورد هیچ نوشته یا اثری موجود نیست، لذا این برنامه ممکن است در آینده تغییر کند. بدیهی است کلیه تصمیمات بیت العدل اعظم باید مستند شده ثبت گردد. روش ثبت چنین تصمیماتی البته ممکن است در طول زمان تغییر نماید.

س - در مورد محلّ خالی در عضویت بیت‌العدل اعظم، "گناهی که در حقّ عموم ضرری حاصل شود" چه عملی می‌تواند باشد؟

ج - البتّه این عبارت از الواح مبارکه و صایا گرفته شده و به عهدهٔ بیت‌العدل اعظم است که تعیین نماید آیا سوء رفتار یا حرکت ناشایست یکی از اعضاء از آن و خامتی برخوردار است که مضرّ به مصالح امرالله باشد یا خیر. طبیعتاً هر قضیه جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و، تا آنجا که من می‌دانم، بیت‌العدل اعظم هیچ تعریف خاصی در این مورد بیان نکرده‌اند.

س - بیت‌العدل اعظم دارای هیأت عامله نیست. مقصود از "هیأت عامله" در این مورد چیست؟

ج - این اصطلاح با توجّه به نظامنامهٔ محافل روحانی ملی و محلّی به کار رفته و مقصود از آن به وضوح هیأت عاملهٔ معمول هیأت‌های مشورتی بهائی است، یعنی رئیس، نایب رئیس، منشی و امین صندوق. بیت‌العدل اعظم دارای رئیس نیست و مسئولیت ریاست را اعضاء بر مبنای هفتگی به ترتیب حروف الفبا به عهده می‌گیرند. کار منشی و امین صندوق آنقدر وسیع و پیچیده است که دوائر و بخش‌های مخصوص برای ایفای وظائف مربوط به این امور تأسیس شده است. این دوائر تحت نظر کمیته‌های سیاست‌گذاری متشکل از اعضاء بیت‌العدل که کار این دوائر را هدایت و بر آن نظارت می‌کنند، فعالیت دارند. باید در این رابطه خاطر نشان کرد که کلیهٔ مواضعی که در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم تصریح نشده به طور عادی موارد جزئی است و بیت‌العدل اعظم می‌تواند، در صورت اقتضاء، هر از گاهی آنها را تغییر دهد.

س - مفهوم "عصمت" را چگونه باید درک کرد؟

ج - حضرت بهاءالله در لوح مبارک اشراقات می‌فرمایند که عصمت دارای "مقامات شتی"^{۲۰۴} است. حضرت عبدالبهاء در کتاب مذاوضات (فصل "مه" صفحه ۱۲۹) توضیح می‌فرمایند که دو نوع عصمت وجود دارد، "ذاتیّه" و "صفتیه". نوع ذاتی عبارت از قوای متمایزهٔ مظهر ظهور الهی است و به احدی چنین امتیازی داده نشده است. عصمت صفتیه به نفوسی اعطاء می‌شود که لزوماً از نور الهی برخوردار نیستند اما نور مزبور را به طور غیرمستقیم از منبع و منشأ آن دریافت می‌دارند. حضرت عبدالبهاء در مطلب مزبور می‌فرمایند که چنین نفوسی "واسطهٔ فیض بین حقّ و خلق" هستند. ایشان در ادامهٔ کلام می‌فرمایند، "اگر حقّ آنان را از خطا حفظ نفرماید، خطای آنان سبب گردد که کلّ نفوس مؤمنه به خطا افتند و بکلی اساس دین الهی به هم خورد و این لایق و سزاوار حضرت احدیت نه."

²⁰⁴ مجموعه اشراقات، ص ۵۸

حضرت عبدالبهاء در همان فصل از کتاب مفاوضات دو نمونه از کسانی را که دارای عصمت صفاتی هستند ذکر می‌فرمایند. در مورد امر بهائی، ایشان به بیت‌العدل اعظم اشاره می‌فرمایند که تصمیماتش "در تحت عصمت و حمایت حق است." مثال دیگری که حضرت عبدالبهاء ذکر می‌فرمایند مربوط به دور مسیحی است و اشاره به حضرت مسیح است که منشأ "امر الهی و برخوردار از عصمت کبری بود و حواریونش در ظل او بودند که حضرتش فیض مخصوصش را نصیب آنها فرموده بود. در این رابطه توجه به این نکته جالب توجه است که حواریون حضرت مسیح و ائمه دیانت اسلام در ادوار خود در صقع واحدی ذکر شده‌اند.²⁰⁵

این نکته شایان توجه است که اختیارات اعطائی به حواریون حضرت مسیح، آنچنان که در عهد جدید ذکر شده، در عبارات زیر که حضرتش خطاب به حواریون فرمود، بیان شده است، "هر آینه به شما می‌گویم آنچه بر زمین بندید در آسمان بسته شده باشد و آنچه بر زمین گشائید در آسمان گشوده شده باشد."²⁰⁶

تصور می‌کنم بسیاری راه‌های دیگر برای درک عصمت در امر مبارک وجود دارد اما آنچه که من برای شما بیان کردم استنباط ساده و نارسای من از این موضوع است. فکر می‌کنم در آتیه ایام، این موضوع بسیار مهم را محققین امرالله به طور کامل‌تر مورد بررسی قرار خواهند داد و احتمالاً خود بیت‌العدل اعظم، در صورتی که اقتضای آن را احساس نماید، به شرح و توضیح آن خواهد پرداخت.

²⁰⁵ فصل "یا" از مفاوضات (توضیح مترجم: به نظر می‌رسد اشاره جناب نخجوانی به موضوع مذکور در صفحه ۴۵ مفاوضات باشد که می‌فرمایند، "در هر دوری اوصیا و اصفیا دوازده نفر بودند. در ایام حضرت یعقوب دوازده پسر بودند و در ایام حضرت موسی دوازده نقیب و رؤسای اسباط بودند و در ایام حضرت مسیح دوازده حواری بودند و در ایام حضرت محمد دوازده امام بودند.)

²⁰⁶ انجیل متی، باب ۱۸، آیه ۱۸

فصل چهارم

۴- نظم اداری بهائی در مقابل نظام‌های

مذهبی و غیرمذهبی

به این فکر بودم که ما باید بحث خودمان را به ذکر بعضی از بیانات حضرت بهاءالله درباره تازگی و طراوت ظهور مبارک شروع کنیم. منتخباتی چند برای مقصود ما کفایت می‌کند. فی‌المثل این بیان را زیارت می‌کنیم "از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی به امر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا ... به این کلمات عالیات طیور افنده را پرواز جدید آموخت... گیتی به انوار تیر ظهور منور ... حال اکثر اهل بلاد مستعدند از برای اصغاء کلمه علیا که بعث و حشر کلّ به آن منوط و معلق".^{۲۰۷}

حضرت عبدالبهاء به این کلام والد خود می‌افزایند، "در هر ظهوری که اشراق صبح هدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود ... در این دور بدیع ... اساس دین‌الله و موضوع شریعت‌الله ... اعلان وحدت عالم انسان است".^{۲۰۸}

در متون اصلی آثار مبارکه، لغتی که غالباً برای دلالت بر تازگی و بی‌مثلی امر مبارک و پیام جدید و شگفت‌انگیز آن به کار می‌رود "بدیع" است. فی‌المثل عنوانی که به تقویم جدید بهائی داده شده، تقویم "بدیع" است. ما همچنین می‌بینیم که حضرت بهاءالله به جوان ۱۷ ساله‌ای که حامل لوح مبارک خطاب به سلطان ایران بود، لقب "بدیع" را اعطاء فرمودند. هیکل مبارک در اشاره به "بدیع"، و گویی معنای این لقب را توضیح و تشریح می‌فرمایند، در یکی از الواح مبارک مرقوم فرمودند که در او "روح قدرت و اقتدار دمیده شد".^{۲۰۹} حضرت ولی امرالله این لغت را، با توجه به متن، به صورت‌های مختلف به انگلیسی ترجمه کرده‌اند. معادل‌هایی که هیکل مبارک برای "بدیع" در انگلیسی آورده‌اند عبارتند از new, wondrous, wonderful, marvelous, incomparable و peerless. فی‌المثل عبارت New World Order را برای "نظم بدیع جهان‌آرا" آورده‌اند.

اگر نگاهی گذرا به به‌عنوانی که در صحف و کتب ادوار گذشته در تعریف مقام حضرت بهاءالله و بی‌مثلی یوم ایشان ذکر شده بیندازیم، مفید خواهد بود. مثلاً، اشعیا نبی ایشان را به عنوان "عجیب" و "شاهزاده صلح" توصیف می‌کند.^{۲۱۰} حجّی نبی به ایشان به عنوان "مقصود امم و محبوب عالم" اشاره می‌کند.^{۲۱۱} حزقیال

²⁰⁷ لوح دنیا مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۶، ۲۹۱

²⁰⁸ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۵

²⁰⁹ قرن بدیع، ص ۴۰۱

²¹⁰ توضیح مترجم: این عنوان در آیه ۶ از باب نهم کتاب اشعیا ذکر شده است.

نبی ایشان را با این جمله می‌ستاید: "ربّ که بر تمامی ارض سلطنت خواهد نمود."^{۲۱۲} حضرت زرتشت نبوت می‌فرماید که نفس موعود "بساط صلح و سلام بگستراند."^{۲۱۳} حضرت مسیح در مناجات خداوند گار^{۲۱۴}، دعا می‌کند که "ملکوت" خداوند بیاید و به یوم ظهور او به عنوان زمان "معاد"^{۲۱۵} اشاره می‌فرماید. اقدم حواریون حضرت مسیح، یعنی پطرس، به یوم ظهور آن حضرت به عنوان "اوقات استراحت"^{۲۱۶} و "زمان معاد همه چیز"^{۲۱۷} اشاره دارد. یوحنا لاهوتی از ظهور آن حضرت و نیز شریعت آن حضرت به عنوان "آسمان جدید و زمین جدید"^{۲۱۸} یاد می‌کند. حضرت محمد از یوم ظهور حضرت بهاء‌الله به عنوان زمانی که "اشرت الأرض بنور ربّها"^{۲۱۹} و "تری الأرض غیر الأرض" توصیف می‌فرماید.

حضرت بهاء‌الله بنفسه المبارک به یوم ظهور خود اشاره کرده و می‌فرماید "بهاری است که آن را خزان از پی نباشد."^{۲۲۰} و "یوم... لن یعقبه اللیل"^{۲۲۱} و "بمثابه بصر است از برای قرون و اعصار."^{۲۲۲} هیکل مبارک مدینه طهران را که محل تولد ایشان است به "ام‌العالم"^{۲۲۳} و نیز "مطلع فرح العالمین"^{۲۲۴} ملقب فرموده‌اند.^{۲۲۵} ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند، "تالله الحق انّ الأمر عظیم عظیم. هذه کلمة کَررناها فی اکثر الألواح لعلّ یتنبّه بها العباد."^{۲۲۶} و نیز در بیانی دیگر نازل، "ید قدرت الهیه این امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار

²¹¹ توضیح مترجم: این مأخوذ از آیه ۷ از باب دوم کتاب حجّی نبی است.

²¹² توضیح مترجم: این آیه مأخوذ از کتاب زکریا نبی است و در باب ۱۴ آیه ۹ مذکور است.

²¹³ توضیح مترجم: این بیان در سینا ۲۹ کرده ۱۰ از قول حضرت زرتشت آمده است، "ای اهورا پیروان آفرینش تاب و توانایی بخش از راستی (اشا) و پاک منشی اقتداری برانگیز که از نیروی آن صلح و آسایش برقرار گردد. آری ای مزدا من دریافتم که خود آن را توانی برانگیخت." (نقل از صفحه ۱۵ جزوه "طلوع شاه بهرام ورجاوند، تألیف فریبرز روزبهیان، طبع ۱۲۷ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری)

²¹⁴ توضیح مترجم: این دعا در انجیل متی باب ۶، آیات ۱۳-۹ مندرج است که می‌فرماید، "... ملکوت تو بیاید اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود..."

²¹⁵ توضیح مترجم: اشاره به جواب حضرت مسیح به حواریون است که در باب ۲۷ انجیل متی، آیه ۲۷ مندرج است که فرمود، "شما که مرا متابعت نموده‌اید در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند شما نیز به دوازده کرسی نشسته بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود."

²¹⁶ توضیح مترجم: این کلام از کتاب "اعمال رسولان" مندرج در عهد جدید، باب ۳، آیه ۲۰ اخذ شده است که می‌گوید، "... تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد."

²¹⁷ توضیح مترجم: این کلام از آیه ۲۱ باب سوم کتاب اعمال رسولان اخذ شده است که می‌فرماید، "... تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدّس خود از آن اخبار نمود."

²¹⁸ توضیح مترجم: این فقره از آیه اول از باب ۲۱ مکاشفات یوحنا گرفته شده است.

²¹⁹ قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۶۹ - م

²²⁰ منقول در قرن بدیع، ص ۲۱۵ - م

²²¹ آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۲۸۸

²²² ظهور عدل الهی، ص ۱۶۳

²²³ آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۸۷ ("قل یا ارض الطّاء ... یا ام‌العالم و مطلع النور بین الامم...")

²²⁴ کتاب اقدس، بند ۹۱

²²⁵ موارد نقل شده فوق عمده در قرن بدیع، صفحات ۲۱۵-۲۰۹ مندرج است.

فرموده که طوفان انقلابات عالم کون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر بنیاد آن را متزلزل نسازد.^{۲۲۷} و در بیانی دیگر نازل، "سوف ... یبعث بارادته خلقاً ما اطلع بهم أحداً الا نفسه المهیمن القیوم."^{۲۲۸} بیانات حضرت عبدالبهاء نیز در این موضوع مهم به همان درجه مؤکد و محکم است. ایشان می‌فرمایند، "انوار رحمت الهی اقوام و ملل را احاطه نموده است و جمیع آفاق به ضیاء او روشن و منیر"^{۲۲۹} و نیز می‌فرماید، "قرن‌ها بگذرد و دهرها به سر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید."^{۲۳۰} و در بیانی دیگر نازل، "بتدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد. این بدایت اثبات است و آغاز ظهور آیات بینات."^{۲۳۱}

حضرت ولی امرالله با القابی چون "منشأ عدل اتم اقوم"، "منادی وحدت انسان"^{۲۳۲}، "محرک عالم" به مدح و ثنای حضرت بهاءالله می‌پردازند.^{۲۳۳}

در مقابل این دیدگاه گسترده در مورد عظمت، وسعت و بی‌مثیلی دوری که حضرت بهاءالله تأسیس فرمودند، ما باید با اذهان محدود خود به نظمی بدیع و شگفت‌انگیز نگاه کنیم که میراث حضرت بهاءالله به عالم انسانی است. ما باید به خاطر بیاوریم که عهد و میثاق حضرت بهاءالله در اولین جمله کتاب عهدی ذکر شده است. حضرت ولی امرالله با اشاره به این جمله تأکید می‌فرمایند که حضرت بهاءالله "میراث مرغوب لا عدل له" را به "وراث" خود عنایت فرمود.^{۲۳۴} این نکته حائز اهمیت است که ما متوجه باشیم که وراثت حضرت بهاءالله هستیم و "میراثی" که هیکل مبارک برای ما به ارث گذاشته‌اند، میثاق آن حضرت است.

نظم اداری و لید آن میثاق است، ثمره میثاق الهی برای این یوم است. عهد و میثاق بهائی بی‌مثیل بود و حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند که این "من خصائص هذا الكور الأعظم" است که "لم یسبغه عهد مثله فی الأکوار المقدسة."^{۲۳۵}

²²⁶ نار و نور، بخش سوم، ص ۲ / ظهور عدل الهی، ص ۱۶۰

²²⁷ نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۲۵ دور بهائی

²²⁸ سورة الهیکل، کتاب مبین، ص ۵

²²⁹ نقل ترجمه از صفحه ۲۸ دور بهائی

²³⁰ دور بهائی، ص ۲۷

²³¹ دور بهائی، ص ۲۸

²³² توضیح مترجم: این مطلب عیناً از قرن بدیع نقل شد، اما ترجمه دقیق آن از متن انگلیسی "منادی بلوغ کل نوع بشر" است.

²³³ قرن بدیع، ص ۲۰۷

²³⁴ توضیح مترجم: مطلب مورد اشاره جناب نخجوانی در صفحه ۶۴۲ قرن بدیع (ص ۳۱۴ گاد پاسز بای) ذکر شده است. نکته مهم این است که حضرت ولی امرالله از لغت bequeathed (یعنی به ارث گذاشتن) استفاده کرده‌اند، اما در متن فارسی "عنایت فرمود" آورده شده است. لذا اشاره جناب نخجوانی به وراثت ناظر به واژه مورد استفاده حضرت ولی امرالله در متن انگلیسی است.

²³⁵ قرن بدیع، ص ۴۷۲

حضرت بهاء الله در اعلام خصیصهٔ بدیع و بی نظیر این نظم در کتاب مستطاب اقدس (بند ۱۸۱) این آیه مبارکه را نازل فرموده‌اند، *قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع ما شهدت عین الابداع شبهه*.^{۲۳۶}

از کلیه ادیان زنده در جهان، دو آئین مسیحی و اسلام هستند که پیروانشان آرزوی فتح قلوب کلیه انسانها و ترویج دیانت خود را در جان و دل می‌پرورند تا دیانت مسلط در سراسر کرهٔ ارض شوند. آنها دارای نظام مبسوط و دقیقی برای امر تبلیغ در اکثر کشورهای جهان سوم هستند. این فعالیت، فی‌المثل، ساختن مدارس و بیمارستانهایی که فقط به روی کسانی که آمادهٔ تغییر عقیدهٔ مذهبی خود باشند مفتوح است، اعطاء سخاوتمندانه کمک هزینه‌ها برای تحصیلات عالی خارج از کشور، توزیع رایگان کتب و نشریات، و ساختن معابد و پرستشگاه‌ها مانند کلیساها و مساجد را شامل می‌شود.

در دهه‌های اخیر، آئین بودائی موفق شده، بخصوص در غرب، تعدادی را به سوی خود جذب نماید، اما نه تنها فعالیت‌های خود را که هدف آن برقراری نظام وحدت بخش جهانی است، ستیزه‌جویانه پیش نبرده، بلکه همچنان به صورت فلسفه‌ای متین و آرام باقی مانده که تطهیر اخلاقی و ذهنی خود، اولویت مورد توجه آن است. به نظر من به علت مشاهدات مذکور در بالا است که حضرت ولی امرالله مقایسهٔ نظام بهائی وحدت و اتحاد جهانی را تنها با سازمان‌های مذهبی که ما در دو آئین مسیحی و اسلام مشاهده می‌کنیم محدود می‌فرمایند. من به مقایسهٔ نظم اداری امر مبارک با نظام‌های اداری که آئین‌های مسیحی و اسلام برقرار کرده‌اند می‌پردازم. حضرت ولی امرالله در تویق مارس ۱۹۳۰ خطاب به احبای الهی در سراسر مغرب‌زمین، از آنها دعوت می‌کنند که سؤالات زیر را مد نظر قرار دهند: "نظم حضرت بهاءالله که بر حسب ظاهر شبیه به مؤسسات موجودهٔ اسلام و مسیحیت است، چگونه و در کجا با آنها تفاوت دارد؟ آیا دو مؤسسهٔ توأمان ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم و مؤسسات ایادی امرالله و محافل روحانی ملی و محلی و مشرق‌الذکار از همان گونه مؤسسات موجود و مربوط به دستگاه عریض و طویل پاپ و خلفای اسلامی نیستند که نام‌های دیگری گرفته باشند؟ آیا چه دستگاهی موجود است که مؤسسات بهائی را که از بعضی از جهات با مؤسسات مخلوق آباء کلیسا و خلفای اسلامی شبیه است، بتواند چنان محافظت نماید که مانند آنها اساسش از هم نپاشد و وحدتش شکسته نشود و نفوذش زائل نگردد؟ آیا چگونه می‌توان گفت که تشکیلات بهائی به همان سرنوشت تشکیلات پیروان حضرت مسیح و حضرت محمد دچار نخواهد شد؟"^{۲۳۶}

حضرت ولی امرالله ذهن وقاد خود را متوجه نقاط ضعف دور مسیحی نموده می‌فرمایند، "شک و تردیدی نیست که علت اصلی این که وحدت کلیسای مسیح بکلی از هم پاشید و نفوذش بمرور ایام کاهش

^{۲۳۶} نظم جهانی بهائی، ص ۲۴

یافت آن بود که بنیانی که آباء کلیسا بعد از وفات حواری اوّل بنا نمودند ابداً مبتنی بر دستور صریح حضرت مسیح نبود و دستگاه کلیسا سندیت و کیفیتش به اشارات غیرمستقیمی مربوط می‌شد که با توجهاتی چند از بعضی از گفته‌های مبهم و مختصر حضرت مسیح و منقول در انجیل اقتباس شده بود و می‌توان گفت که حتی یکی از رسومی که امروز در کلیسا متداول است و یکی از عادات و تقالیدی که آباء مسیحی به آن تفصیل تصریح کرده و به آن دقت معمولش می‌دارند و یکی از آن سخت‌گیری‌هایی که به عنوان مناسک دینی بر مسیحیان ساده‌دل تحمیل می‌کنند، هیچیک از آنها سرچشمه‌اش به حضرت مسیح نمی‌رسد و از کلمات مؤثقیس مقتبس نمی‌گردد و حتی یکی از آنها را حضرت مسیح برقرار نکرده و به کسی این اختیار را تفویض نفرموده که کلماتش را تفسیر نماید و بر آنچه که حضرتش تشریح نموده بیفزاید.^{۲۳۷}

حضرت ولی امرالله در اظهار نظر در خصوص نقائص ذاتی در نظام اداری دور اسلام چنین می‌فرمایند، "اما شریعت اسلام هرچند از لحاظ تشکیلات دینی از دین مسیح کامل‌تر و مقررّاتش مشخص‌تر است، اما در مورد جانشینی حضرت رسول هیچ نوشته، سند مکتوب یا دستور قاطعی که راهنمای پیروان و مروّجان امر حضرت محمد باشد در دست نیست. هرچند که هزار و سیصد سال است که آیات قرآنی و احکام مربوط به نماز و روزه و ازدواج و طلاق و ارث و حجّ بدون تغییر اجراء می‌شود ولی اینها هیچ یک راجع به جانشینی حضرت رسول هدایتی نمی‌نماید و عدم هدایت در این مورد بوده است که این همه فرقه‌بندی‌ها و اختلافات و تضادّهای را که سبب تجزّی اسلام و سلب اعتبارش شده به بار آورده است."^{۲۳۸}

حضرت ولی امرالله در تلخیص و جمع‌بندی افکار خود در این خصوص، می‌نویسند، "نظم اداری ... نظر به اصل و مبدأ و کیفیت و عظمتش در تاریخ ادیان عالم فرید و بی‌مثیل و عدیل است و به یقین مبین می‌توان گفت که در هیچ‌یک از کتب و صحف مقدّسه و ادوار ماضیه... هیچگونه حکم محکم و دستور قاطع مبرمی که بتواند با این اساس عظیم برابری نماید موجود نیست. وضع اصول اداری و انشاء تأسیسات بدیعه منیعه و تفویض حقّ تبیین آیات به ولیّ امرالله، آئین الهی را در این ظهور اعظم، به نحوی که در ظهورات گذشته سابقه و نظیر نداشته، از تحزّب و انشعاب و تجزّی و انشقاق حفظ خواهد نمود."^{۲۳۹}

این بیانات حضرت ولی امرالله اسلحه و ابزارهایی است که ما می‌توانیم با آن به اعلام امر مبارک و دفاع از مصالح آن پردازیم. ایشان در کلامی دیگر می‌فرمایند، "پیروان حضرت بهاءالله بر خلاف مسیحیان و مسلمانان و دیگران در هر جا که بر خدمت امرش قائمند، جمیع احکام و قوانین و اصول و راهنمایی‌ها و مؤسّساتی را که برای اجراء و اتمام وظائفشان لازم است با زبانی گویا و صریح در مقابل خویش حاضر و آماده

²³⁷ نظم جهانی بهائی، ص ۲۶

²³⁸ نظم جهانی بهائی، ص ۲۸

²³⁹ قرن بدیع، ص ۶۶۲

دارند و می‌توانند در مورد تشکیلات بهائی و همچنین درباره مسئله جانشینی حضرت بهاء‌الله که در دو مؤسسه توأمان بیت‌العدل اعظم و ولایت امرالله حل شده، در آثار مقدسه خویش شواهدی قاطع عرضه بدارند که احدی را مجال انکار نماند. اینجا است که امتیاز ذاتی امر بهائی نمایان می‌گردد. اینجا است که اصل قوت و حدت امر بهائی را در بر می‌گیرد. اینجا است که صحت و اعتبار دعوی ظهور بهائی به اثبات می‌رسد؛ ظهوری که هدفش انهدام یا تخفیف ظهورات سابقه نیست، بلکه قصدش ایجاد ارتباط و اتحاد و تحقق ادیان پیشین است.^{۲۴۰} حضرت ربّ اعلی حقیقتی بنیادی را در بیان فارسی تشریح می‌فرماید، "سبیل هدایت از روی حبّ و رأفت بوده نه شدت و سطوت. هذا سنة الله من قبل و من بعد."^{۲۴۱}

متأسفانه تاریخ ادیان سالفه مشحون از انواع اعمال فشاری است که مورد استفاده رهبران مذهبی و نیز حکامی بوده که تحت نفوذ آنها بودند. دلیل اصلی این بود که نه عهد و میثاق خاصی وجود داشت و نه مرجع منصوص و مرکز امری تا آحاد مؤمنین را بر صراط مستقیم حفظ نماید.

نتیجه دیگر ناشی از عدم عهد و میثاق مکتوب و مستند در ادوار سالفه این بود که رهبران مذهبی به تحریر و ترویج تعابیر و تفاسیر فردی روی می‌آوردند. غالباً چنین تعابیر و تفاسیری با هم در تناقض بودند و به فرقه‌گرایی، اختلافات مذهبی و حتی جنگ و جدال در میان صفوف پیروان یک دین منجر می‌شد.

ویژگی متمایز ظهور حضرت بهاء‌الله عبارت از "میراث" طلعت اطهر برای ما، که وراثت ایشان هستیم، میثاق آن حضرت است. حضرت عبدالبهاء، سرالله، مرکز این میثاق است و دو نهاد فرعی از آن نشأت گرفته که عبارتند از ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم. این دو وجود، در عین حال که حول مرکز میثاق طائف و در مدار اطراف او سائزند، همانطور که در الواح مبارکه وصایا به وضوح تصریح شده، الهام خود را مستقیماً از حضرت بهاء‌الله و حضرت اعلی دریافت می‌دارند.

شاید بتوانیم اینگونه استنتاج نمایم که "وحی" مانند آسمان است که ظهور دو مظهر ظهور الهی یا دو شمس حقیقت، در این دور، که مورد اصلی آن حضرت بهاء‌الله هستند، مبین این آسمان باشد. هر آسمانی دارای زمینی است. زمین وحی الهی عبارت از عالم "خلق" یا جامعه حامیان و پیروان آن است.

بین دو عالم "وحی" و "خلق"، عالم "الهام" قرار دارد. در این دور، اولین و متعالی‌ترین مظهر "الهام"، حضرت عبدالبهاء، "قمر" دور مقدس الهی، و حقیقت "من طاف حوله الأسماء" هستند.^{۲۴۲}

اقماری که حول این "قمر" در حرکتند عبارت از ولایت امر و بیت‌العدل اعظم می‌باشند. این دو وجود، در حالی که حول این قمر در حال گردشند، الهام خود را، همانطور که هم‌اکنون گفتیم، بنا به شهادت حضرت

²⁴⁰ نظم جهانی بهائی، ص ۲۸

²⁴¹ منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۵۲

²⁴² دور بهائی، ص ۶۰ (توضیح مترجم: عنوان "من طاف حوله الأسماء" در لوح ارض با از قلم جمال مبارک در وصف حضرت عبدالبهاء آمده است.)

مولی‌الوری در الواح مبارکه و صایا، مستقیماً از حضرت بهاء‌الله و حضرت اعلی دریافت می‌دارند. ما بالاخره توانستیم به خود جرأت بدهیم که از موارد فوق استنباط نماییم که عالم واسطه، یعنی "الهام" که بین آسمان و زمین قرار گرفته، عبارت از عالمی است "ما بینهما" که بارها در آثار مبارکه حضرت باب تکرار شده است. حال، باید افکار خود را به اشکال حکومت غیرمذهبی متوجه سازیم که در حال حاضر در عالم برقرار است. وجوه تشابه و تفاوتی را که بین آنها و نظم اداری بهائی وجود دارد، نشان خواهیم داد. خوشبختانه، حضرت ولی امرالله به طور جامع در این خصوص مرقوم فرموده‌اند. ایشان در "دور بهائی" به سه نوع حکومت متداول اشاره می‌فرمایند که در آثار ارسطو به آن اشاره شده، یعنی دموکراسی، حکومت اشرافی و حکومت مطلقه. ایشان در ادامه کلام نشان می‌دهند که در کجا عناصر سالم و مفید این اشکال حکومتی حفظ شده و کجا عیوب اصلیه و فطریه آنها کنار گذاشته شده است.

ایشان می‌فرمایند، "هرچند این نظم اداری نوظهور دارای مزایا و عناصری است که در سه حکومت عرفی مذکور نیز موجود ولیکن به هیچ وجه مطابق هیچ یک از آن حکومت نبوده، از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و میرا است. این نظم اداری حقایق سلیمه‌ای را که بدون شک در هر یک از انظمه مذکور موجود است، به یکدیگر التیام و ارتباط می‌دهد، بدون آن که حقایق خدادادی را که آن نظم جهان‌آراء مبتنی بر آن است، ضایع و مهمل سازد و این امری است که هرگز انظمه فانیه بشری به اجرای آن موفق نگشته است."^{۲۴۳}

حضرت ولی امرالله در بیان نظر خود درباره خصیصه بی‌مثیل نظم اداری، بینش دیگری را به ما ارزانی می‌دارند، "این نظم بدیع ... با هیچیک از وجوه حکومت مختلفه اعم از دموکراسی و یا حکومت مطلقه و اشرافی نه از لحاظ ترکیب و نه از جهت اجرا و عمل مشابَهت ندارد و ... قدرت موروثی ولی مقدس امرالله و حق تبیین آیات که منحصرأ به آن مقام منصوص مفوض گشته و ارجاع وظائف و اختیارات وسیعه به بیت‌العدل اعظم الهی واضع احکام و شرایع غیرمنصوصه و برائت آن مجمع عظیم از هر گونه مسؤولیت در قبال ملت و عدم الزامش در اتباع نظرات و عقاید منتخبین خویش و وجود مقررات مخصوصه جهت اجرای انتخابات عمومی و آزاد از طرف کافه پیروان آئین یزدانی در تعیین مرجع تشریح کلاً از شوون و خصائصی است که به نظم اداری حضرت بهاء‌الله اختصاص داشته و آن را از انظمه موجوده بشریه منفصل و ممتاز می‌سازد."^{۲۴۴}

در نظر گرفتن تعریف اصطلاحات مربوط به این سه شکل حکومت متداول غیرمذهبی، آنگونه که ارسطو تعیین کرده، می‌تواند مفید باشد. "دموکراسی" عبارت از حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم است. "حکومت اشرافی یا اریستوکراسی" عبارت از حکومت توسط معدودی منتخب است، که با توجه به

²⁴³ دور بهائی، ص ۹۱

²⁴⁴ قرن بدیع، ص ۶۶۳

امتیازات فوق‌العاده بالائی که دارند، مستقل از آراء و عقاید مردم عمل می‌کنند. "حکومت مطلقه یا اتوکراسی" عبارت از حکومت توسط یک شخص یا یک نهاد است، که قضاوت او مبتنی بر اختیارات یا کنترل دیگران نیست. به این ترتیب، دامنه حیطه اختیارات اشکال سه‌گانه حکومت از کلیه مردم گرفته، تا معدودی منتخب، و بالاخره یک وجود واحد گسترده است.

آنچه که برای بررسی باقی می‌ماند شناسایی کردن آن ویژگی‌های نظم اداری است که در سه شکل حکومت غیرمذهبی وجود دارد و از لحاظ خصیصه، سالم تلقی می‌شود، و آن جوهری که ناقص و معیوب محسوب شده و لهذا در نظام بهائی ادغام نشده است.

بحث‌های مرتبط با این موضوع را که در زمان قیادت حضرت ولی امرالله جریان داشت و نحوه شناسایی این ویژگی‌ها توسط فضلاء و محققین بهائی را به خاطر می‌آورم. "حکومت مطلقه"، در شکل الهی خود، در مؤسسه ولایت امرالله مشاهده می‌شد. "حکومت اشرافی" با مؤسسه ایادی امرالله یکسان تلقی می‌گردید. "دموکراسی" به اعضاء انتخابی بیت‌العدل اعظم ارتباط داده می‌شد.

اما، بعد از صعود حضرت ولی امرالله و معلوم شدن این نکته که ولایت امرالله دیگر به عنوان مؤسسه‌ای در جریان، در کنار ما وجود نخواهد داشت، و مضافاً وقتی که بیت‌العدل اعظم به این نتیجه رسید که نمی‌تواند نسبت به انتصاب ایادی امرالله اقدام کند یا امکانات انتصاب آنها را فراهم آورد، روشن شد که این عناصر نظم اداری، که در زمان زعامت حضرت ولی امرالله وجود داشت، بعد از صعود هیکل مبارک امکان جایگزینی نخواهد داشت.

به عبارت دیگر درست همانطور که مبادی نظم اداری، که در زمان قیادت حضرت عبدالبهاء موقت بود، همینطور طرح نظم اداری، آنچنان که در زمان زعامت حضرت ولی امرالله جریان داشت، قابل اجرا نبود.

وقتی که حضرت ولی امرالله توفیق "دور بهائی" را صادر فرمودند، به طور اخص معلوم شد که هیکل مبارک قبل از بیان مضامین مورد نظرشان در مورد تفاوت‌های بین نظم اداری و اشکال سه‌گانه حکومت غیرمذهبی، صریحاً بیان فرموده بودند که قصد ایشان توضیح "نظریه‌ای" است که نظم اداری بر آن مبتنی است.^{۲۴۵} بنابراین، جمیع ما، در پیش‌بینی آینده‌ای که نظم اداری هسته و الگوی نظم جهانی حضرت بهاءالله خواهد شد، می‌بایستی به اصول اساسی حاکم بر مؤسسات اصلی موجود نظم اداری ناظر باشیم.

فی‌المثل، حضرت ولی امرالله در "دور بهائی" به وضوح خاطر نشان می‌سازند که اساسی که نظم اداری بر پایه آن استوار شده، دال بر "مشابهِت آن به ترتیبات دیمقراطی در اداره امور است."^{۲۴۶} وقتی کسی الواح

²⁴⁵ دور بهائی، ص ۹۰: "اینک کلمه‌ای چند در خصوص اساسی که این نظم اداری مبتنی بر آن است و اصلی که برای تمثیت امور مؤسسات مهمه آن لازم است باید بیان گردد."

²⁴⁶ دور بهائی، ص ۹۴

وصایای حضرت عبدالبهاء را در خصوص دامنه اختیارات ولی امرالله مطالعه می‌کند، به راحتی متوجه می‌شود که، در ارتباطش با ایادی امرالله که منصوب می‌کند و می‌تواند به صلاحدید خود آنها را معزول سازد، و نیز در مورد اعضاء منتخب بیت‌العدل اعظم که باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امرالله داشته باشند،^{۲۴۷} چه اختیارات قطعی و مسلمی به ایشان اعطاء شده است. این اقدام به اطاعت، طبق الواح مبارکه وصایا، کلیه احباء را شامل می‌شود، و مسلماً، همانطور که در الواح وصایا تصریح شده است، "جميع اغصان و افنان و ایادی امرالله" باید از تصمیمات و هدایات حضرت ولی امرالله کمال تمکین و اطاعت را داشته باشند.^{۲۴۸} طبق شرایط مذکور در الواح وصایا، ولی امرالله از این اختیار نیز برخوردار شده است که عضو بیت‌العدل اعظم را که، بنا به تشخیص او، گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود،^{۲۴۹} می‌تواند اخراج نماید. مطمئناً چنین طرح و برنامه‌ای تعیین کننده آن خصوصیات نظم اداری بهائی است که به سوی اقدامات دموکراتیک گرایش ندارد، بلکه شدیداً متمایل به روش‌های حکومت مطلقه در اداره امور امریه است. همچنین باید به خاطر بیاوریم که حضرت ولی امرالله در توفیق "دور بهائی" اظهار داشتند که اگرچه حضرت عبدالبهاء مقام مظهریت نداشتند، اما دارای "فضائل و کمالات الهی" بودند.^{۲۵۰} در پرتو این بیان مبارک، و در مواجهه با فقدان عنصری ولی امر در نظم اداری، آیا نمی‌توانیم این جرأت را به خود داده بپذیریم که حضرت عبدالبهاء یقیناً دو مرحله در توسعه نظم اداری بعد از خود را پیش‌بینی فرمودند: یکی، مرحله‌ای موقت، که حضرت ولی امرالله ریاست امر مبارک را به عهده داشتند و عنصر حکومت مطلقه خصیصه مسلط بر آن بود، و دیگری، جهت امتداد به آتیه ایام، که بیت‌العدل اعظم معهد اعلاهی امر مبارک باشد، و عنصر دموکراسی خصیصه جاری و حاکم بر آن گردد؟

حال نظم اداری بهائی را در مقابل حکومت‌های غیرمذهبی قرار دهیم. فی‌المثل، انتخاب اعضاء بیت‌العدل اعظم، و نیز اعضاء محافل روحانیه، در هر دو سطح محلی و ملی (اگرچه بدون تعیین نامزدهای انتخاباتی و فعالیت‌های مربوطه است) از خصیصه کاملاً دموکراتیک برخوردار می‌باشد. همچنین، روش مشورت بهائی، (اگرچه از لحاظ هماهنگی و متانت به مراتب عالی‌تر و بالاتر از مباحثات پارلمانی است که ما در شوراهای قانونگذاری جهان ملاحظه می‌کنیم) یکی دیگر از ویژگی‌های دموکراتیک است که در نظام اداری بهائی وارد شده است. سومین ویژگی دموکراتیک عبارت از میزان خودمختاری است که در سطوح ملی و محلی به شوراهای انتخابی داده شده است. این عنصر تمرکززدایی در امور اداری است، که به نحوی فزاینده

²⁴⁷ ایام تسعه، ص ۴۶۷

²⁴⁸ ایام تسعه، ص ۴۶۷

²⁴⁹ ایام تسعه، ص ۴۷۱

²⁵⁰ دور بهائی، ص ۶۱

در بسیاری از کشورهای دموکراتیک جهان به کار برده می‌شود و برای آن ارج قائل می‌شوند. تفاوت مشهود این است که تحت نظام بهائی افراد منتخب در مقابل کسانی که آنها را انتخاب می‌کنند مسئول نیستند. مسئولیتی اخلاقی و روحانی برای کار و فعالیت نفوس انتخاب شده تعیین شده و بنابراین آنها مسئولیتی وجدانی در مقابل خداوند، و فقط در مقابل خداوند دارند و این موضوع در تعالیم امر مبارک مقرر و مؤکد شده است.

و اما در مورد حکومت اشرافی؛ نشانی از مشابهت در آن عبارت از مؤسسه مشاورین در دو سطح بین‌المللی و قاره‌ای، و نیز اعضاء هیأت معاونت و مساعدین آنها در مناطق محدود جغرافیایی است. اما، این افراد انتصابی دارای اختیارات تصمیم‌گیری نیستند و وظیفه آنها، در تحلیلی نهائی، بر خلاف نظام اشرافی که برای گروه‌های کوچک برگزیده اختیارات و امتیازات خاصی قائل می‌شود، صرفاً دارای ماهیت مشورتی است. مشابهتی واضح در این واقعیت وجود دارد که اختیارات تصمیم‌گیری در نظم اداری در ید معدودی افراد منتخب - یعنی اعضاء محافل روحانی محلی و ملی و البته معهد اعلی - قرار دارد که هیچ‌یک از آنها در مقابل انتخاب‌کنندگان خویش مسئول نیستند. اما عدم مشابهت آن این است که اعضاء منتخب شوراهاى مزبور از طبقه اشراف نیستند، و این مقام و منصب را به عنوان حق موروثی و ولادت به دست نمی‌آورند. در نظم اداری، آنها به علت خط‌مشی دموکراتیک انتخابات بهائی به مقام مرجعیت و اختیارات مزبور نائل می‌گردند.

و نهایتاً به حکومت مطلقه می‌رسیم. مشابهت فیما بین آنها، آنچنان که در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم به وضوح تصریح شده این است: "منشأ بیت‌العدل اعظم و سلطه و اختیار و وظائف و دائره اقداماتش کل منبعث از آیات منزله حضرت بهاءالله است. این آیات باهرات با تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولی امرالله که بعد از حضرت عبداله‌بهاء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه‌اند، کل مجموعاً مرجع واجب‌الإطاعه و اس اساس بیت‌العدل اعظم محسوب. مرجعیت و حاکمیت مطلقه و قاطعیت این نصوص مبارک که ثابت و لن یتغیر خواهد بود تا زمانی که به اراده الهیه مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد." به این ترتیب خصیصه حاکمیت مطلقه نظم اداری عبارت از مرجعیت الهیه است که در آثار مقدسه شارع امر مبارک و دو مبین آیات الهیه مندرج می‌باشد. عدم مشابهت در این نکته نهفته است که زمینه نامحدود تشریح احکام تکمیلی در مواضع فرعی احکام نازله حضرت بهاءالله، تنفیذ این حدود و احکام در بُعد جهانی، و تشریح در مواضعی که بالصرّاحه در آثار مقدسه و تبیینات موثقه مذکور نه وجود دارد. این مسئولیت‌ها توسط بیت‌العدل اعظم انجام خواهد شد، که مرجع عالی تشریح در ممالک متحده جهانی بهائی است.

مایلم صحبت‌های خودم را با این بیان قاطع اطمینان‌بخش حضرت ولی امرالله خاتمه دهم، که در نگاهی به آینده، موقعی که نظم اداری حضرت بهاءالله رشد و توسعه می‌یابد تا با معضلات مدنیته دائماً در حال تکامل و پیشرفت روبرو شود، می‌فرمایند، "این نظم بدیع چون از عیوب فطریه مسلمة انظمه مذکوره مطلقاً عاری و میرا

است، هر قدر فروعش امتداد یابد و دامنه‌اش وسعت گیرد، به مرور اعصار و دهور به حکومت استبداد و تسلط اعیان و شرور ناطقین و خطّبا که عاقبت کلیّه تأسیسات سیاسی ناقصه بشری است، منجر نگردد و از فساد آنان مصون ماند.²⁵¹

سه لغت خود کامگی، گروه‌سالاری، و عوام‌فریبی²⁵² مستلزم توضیحاتی است. خود کامگی: عبارت از حکومت‌گرایی دیکتاتوری یا تهاجمی است که حکمران ظالم و ستمگر در رأس آن است.

گروه‌سالاری: حکومتی که زمام آن در دست گروهی کوچک از حکام خودخواه و فاسد باشد. عوام‌فریبی: عبارت از حکومتی است که رهبران سیاسی منفعت‌طلب سیاسی که وعده‌های فریبکارانه و کذب به گروه انتخاب‌کنندگان می‌دهند و با تعصبات و غفلت و نادانی مردم تقویت می‌گردند.

حضرت ولیّ امرالله، مبین آیات که ملهم به الهامات الهی هستند، به ما اطمینان می‌دهند که مفساد هیچیک از اشکال مضرّه حکومت که در بالا ذکر شد، هرگز به نظم اداری بهائی که خداوند مقدر و مقرر فرموده و منشأ قوه محرکه‌اش ذات الهی است، مهاجم نخواهد شد و آن را به فساد نخواهد کشید، مانع از رشد و بلوغش برای رسیدن به نظم بدیع نخواهد گردید، و آن را از ثمرات جنیه نهائی‌اش که وصول به ممالک متّحده بهائی در آتیه ایام است، باز نخواهد داشت.

توقیع زیبا و شگفت‌انگیزی در سال ۱۹۲۹ از قلم حضرت ولیّ محبوب امرالله خطاب به احبای ایران شرف صدور یافت. حرکت‌های ایذائی دردناک و تزییقات تأثرانگیز در مهد امرالله واقع شده بود و حضرت ولیّ امرالله در این توقیع مبارک احبای ایران را به صبر و بردباری و تمسک تامّ به ذیل امر مقدّس الهی دعوت فرموده تأکید می‌فرماید که خداوند مراقب است و ید غیبی‌اش در کار. در میقات معین فضلائی منصف و عاری از تعصب، گو این که بهائی نباشند، به دفاع از امر مبارک قیام خواهند کرد و احقاق حقوق حقّه پیروان امر مبارک را خواهند نمود.

حضرت ولیّ امرالله به تعلیم داده‌اند که چگونه امر مبارک را ابلاغ و ویژگی‌های متمایز نظم بدیع جهان‌آرایش را به دنیای خارج اعلام نمائیم. جوانان بهائی، مانند محققین و فضلائی جدی امر مبارک، باید بتوانند، به طریقی حکیمانه، علوّ و کمال نظام بهائی نظم جهان‌آراء را به نحوی به اساتید روشنفکر و عاری از تعصب، و دانشجویانی که مشتاقانه در تحرّی حقیقت ساعی و جاهدند ابلاغ نمایند که ابداً این تأثیر را به جای

²⁵¹ دور بهائی، ص ۹۵

²⁵² سه لغتی که در اصل انگلیسی توسط جناب نخجوانی استفاده شده به ترتیب عبارتند از demagogy و oligarchy, despotism

نگذارند که قصد دارند نظر مساعد آنها را نسبت به امر مبارک جلب کنند. زیرا از میان چنین نفوس فاضل، دانشگاهیان و متفکرین بی طرف و بی تعصبی است که رهبران شهیم و شجاع اندیشه قیام خواهند کرد تا به نحوی منصفانه و بی طرفانه به دفاع از امر مبارک پردازند، و حق وجود و حضورش در ایران و در سایر ممالکی را که پیروان امر مبارک تحت ایداء و آزار قرار دارند، مورد تأیید و تأکید قرار دهند.

عالم اکنون در حال عبور از دوران الحاد و بی دینی است. طولی نخواهد کشید که تدریجاً از مادی گرایی اعراض خواهد کرد و نیاز به دین را مورد تصدیق و تأیید قرار خواهد داد. البته، ما بهائیان در ایجاد این آگاهی - که نهایتاً و مطمئناً به روحانی شدن توده‌ها و مآلاً به پذیرش قاطعانه و صمیمانه اعتبار و حقیقت امر جمال مبارک منجر خواهد شد - نقشی عظیم باید ایفا کنیم. آنچه که من رؤس آن را به نحو کلی و اجمال بیان می‌کنم مبتنی بر استنباط و برداشت من از تعالیم مبارک در این خصوص است.

ما جوانان بهائی، باید خود را برای این پیشرفت‌ها و تحولات هیجان‌انگیز آماده کنیم، و از حضرت بهاء‌الله التجاء و استدعا نمائیم ما را در درگاهش قبول فرماید و از ما به عنوان ابزاری جهت تحقق هدف و مقصود خود استفاده فرماید. اگر ما احساس ناچیزی و بی‌ارزشی نماییم، اهمیتی ندارد. در واقع باید اینگونه باشد. به حضرتش اعتماد نمائیم و در کمال اطمینان و خوش‌بینی با آینده مواجه گردیم.

سؤالات مربوط به این سخنرانی

س - از ما بهائیان خواسته می‌شود با انجمن‌ها و دولت‌هایی که با دیدگاه امر مبارک هماهنگ هستند همکاری کنیم. ما بدون آن که با احزاب سیاسی مرتبط شویم و تحت تأثیر سیاست‌های آنها به فساد بگراییم، چگونه می‌توانیم به موجب خواسته مزبور عمل کنیم؟

ج - تعالیم مبارکه به وضوح دال بر آن هستند که ما باید با جمیع طبقات جامعه مرتبط باشیم و این شامل رهبران مذهبی، شخصیت‌های سیاسی، رهبران اندیشه، و آحاد نفوس عادی جامعه می‌شود. اگر کوچک‌ترین شکی درباره احزاب سیاسی داشته باشیم، باید با محفل روحانی ملی خود مشورت کنیم. نکته مهم این است که باید شهامت و عزم جزم داشته باشیم که با مردم در جمیع سطوح بیامیزیم. خداوند به ما نشان خواهد داد که چه کسانی مستعد و پذیرا هستند. او یا آنها را به سوی ما خواهد فرستاد یا ما را به سوی آنها رهنمون خواهد شد.

س - معنای "بهاری است که آن را خزان از پی نباشد." و "یوم... من یقبه اللیل" چیست؟

ج - استنباط من این است که این مفاهیم به عهد و میثاق مربوط می‌شود. حضرت بهاء‌الله به ما اطمینان می‌دهند که امر مبارک هرگز در معرض فرقه‌گرایی و تحزب در جامعه، که سایر نظام‌ها دستخوش آن شدند، واقع

نخواهد شد. در تمام دور بهائی، متحد و یکپارچه باقی خواهد ماند. حضرت عبدالبهاء تا آنجا در این مورد به ایضاح مطلب پرداخته‌اند که می‌فرمایند، "محور وحدت عالم انسانی قوهٔ میثاق است و بس."^{۲۵۳}

س - در بشارت پنجم، حضرت بهاءالله به شکل جمهوری حکومت اشاره می‌فرمایند که نفع آن به عموم راجع است، اما در عین حال عظمت سلطنت را مورد تمجید قرار می‌دهند. ایشان نهایتاً می‌فرمایند که این دو شکل باید در هم ادغام شوند. مقصود چیست؟

ج - حضرت بهاءالله در لوح دنیا می‌فرمایند، "آنچه در لندره امت انگلیز به آن متمسک خوب به نظر می‌آید؛ چه که به نور سلطنت و مشورت امت هر دو مزین است."^{۲۵۴} فکر می‌کنم حضرت بهاءالله به حکومت سلطنتی مشروطه به عنوان نظام ملی حکومت قابل قبول اشاره دارند.

س - چگونه می‌توانیم نقش و وظیفهٔ معهد اعلاى امر مبارک را برای غیربهائیان توضیح دهیم؟
ج - پیشنهاد می‌کنم وقتی امر مبارک را برای متحرّیان توضیح می‌دهیم از اصطلاح "مصون از خطا" با مسامحه و سرسری استفاده نکنیم. ما باید به بیت‌العدل اعظم به عنوان شورای عالی انتخابی جامعهٔ بهائی که ریاست امرالله را نیز به عهده دارد اشاره کنیم.

²⁵³ قرن بدیع، ص ۴۷۲

²⁵⁴ دریای دانش، ص ۹۵

فصل پنج

۵- نقش جامعه بهائی آمریکا در

ظهور نظم جهان آرای حضرت بهاءالله

در بحث از نقش غرب یا نقش آمریکا در کمک به شکل گیری آینده امر مبارک، لازم است بر مبنای اصطلاحات دقیق جغرافیایی که در آثار مبارکه به کار رفته است، وجه تمایز قائل شویم. فی المثل بارها صرفاً واژه "غرب" به کار رفته است. در سایر مواقع "قارات آمریکا" یا "نیمکره غربی" استفاده شده است. البته اشاراتی نیز به "آمریکای شمالی" شده که مقصود از آن ایالات متحده و کانادا بوده است. و بالاخره لغت "آمریکا" به تنهایی به کار برده شده، که غالباً مقصود از آن ایالات متحده آمریکا بوده است.

حضرت ربّ اعلی در همان ابتدای ظهور مبارک، اولین کتاب خود موسوم به قیوم الأسماء را نازل فرمودند و در این کتاب *اهل المغرب* را مخاطب قرار داده از آنها خواستند که جهت نصرت امرالله از دیار و بلاد خود خارج شوند و در دیانت واحد الهی چون برادران یکدیگر گردند.^{۲۵۵}

تا آنجا که ما می توانیم تعیین کنیم، اولین اشاره در آثار مبارکه نازل از قلم حضرت بهاءالله، در مورد نقشی که جمهوری های نیمکره غربی باید ایفا نمایند، در کتاب اقدس نازل شده که در طی آن "ملوک امریقا و رؤساء الجمهور فیها" (بند ۸۸) را مخاطب قرار داده اند. این فقره از کتاب اقدس شامل یک بند کامل و دارای هفت جمله است. کل فقره مزبور چنین است، "اسمعوا ما تغنّ به الورقاء علی غصن البقاء انه لا اله الا أنا الباقی الغفور الکریم. زینوا هیکل الملک بطراز العدل و التقی و رأسه یا کلیل ذکر ربکم فاطر السماء کذلک یا مرکم مطلع الأسماء من لدن علیم حکیم. قد ظهر الموعود فی هذا المقام المحمود الذی به ابتسم ثعر الوجود من الغیب و الشهود. اغتتموا یوم الله انّ لقائه خیر لکم عمّا تطلع الشمس علیها ان أنتم من العارفين. یا معشر الامراء اسمعوا ما ارتفع من مطلع الکبریاء انه لا اله الا أنا الناطق العلیم. اجبروا الکسیر بأیدی العدل و کسروا الصّحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم الامر حکیم."

پنج جمله اول که با عبارت "ان أنتم من العارفين" به پایان می رسد، به عدالت، تقوای الهی، و لزوم ذکر خداوند و ظهور موعود مربوط می شود. دو جمله آخر مقدم به خطاب "یا معشر الامراء" است و می فرماید، "اسمعوا ما ارتفع من مطلع الکبریاء انه لا اله الا أنا الناطق العلیم. اجبروا الکسیر بأیدی العدل و کسروا الصّحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم الامر حکیم."

²⁵⁵ قرن بدیع ص ۵۰۱ (توضیح مترجم: جناب نخجوانی ترجمه قسمت هایی از بیان مبارک را نقل کرده اند. کل بیان مبارک، آنگونه که در قرن بدیع نقل شده، از این قرار است، "یا اهل المغرب اخرجوا من ديارکم لنصر الله ... فاصبحوا فی دین الله الواحد اخواناً علی خطّ السواء")

وقتی که در ایران بودم و در کلاس‌هایی که فضیلائی امر مبارک در مورد کتاب اقدس اداره می‌کردند شرکت می‌کردم، توضیحی که در مورد این فقره از کتاب اقدس به ما می‌دادند این بود که پنج جمله اول خطاب به امرا و حکام قاره آمریکا است، اما دو جمله آخر که با عبارت "یا معشر الامراء" شروع می‌شود خطاب به جمیع امراء و حکام ارض است.

در ژوئن ۱۹۴۷ حضرت ولی امرالله در تویعی خطاب به جامعه بهائی آمریکا برای اولین بار ترجمه این بخش از کتاب اقدس را عنایت فرمودند. در آن موقع بود که معلوم شد برداشت حضرت ولی امرالله با درک و استنباط فضیلائی ما تفاوت داشت، چه که در این ترجمه معلوم شد که مقصود از "ملوک امریقا" و "معشر الامراء" یکی است و به گروه واحدی از امراء و حکام اشاره دارد.

تکرار می‌کنم که اهمیت این ترجمه حضرت ولی امرالله در تبیین آن است، که هدایت مندرج در دو جمله آخر، مأموریتی نبود که به کلیه رؤساء و امرای ارض احاله شده باشد، بلکه بیان اراده الهی است که به طور اخص رسالتی را برای امراء در نیمکره غربی تعیین کرده است. من دو جمله آخر را یک مرتبه دیگر برای شما می‌خوانم تا نشان دهم که آنها، نه تنها از نقطه نظر امری، بلکه از لحاظ وقایع در اوضاع سیاسی در صحنه جهانی نیز، چقدر اهمیت دارند.

کلام مبارک این است: "یا معشر الامراء اسمعوا ما ارتفع من مطلع الکبریاء انه لا اله الا انا الناطق العليم. اجبروا الکسیر بأیدی العدل و کسروا الصّحیح الظّالم بسیاط اوامر ربکم الامر الحکیم."

همانطور که ملاحظه می‌کنید، حضرت بهاءالله امرای نیمکره غربی را مأمور فرموده‌اند که به تصحیح آنچه که شکسته است و شکستن و خرد کردن ظالم بپردازند. "شکسته" به نظر من در وهله اولی اشاره به استخوان‌های شکسته جوامع بهائی است که تحت حکومت‌های جابر و ظالم در شرق، و بخصوص ایران زندگی می‌کنند. این کلام البته، به طور اعم، به کلیه افتادگان و مظلومین و اقلیت‌های مورد ظلم و ستم در سراسر عالم نیز اشاره دارد.

مأموریتی که حضرت بهاءالله داده‌اند به همینجا ختم نمی‌شود، زیرا رؤسای آمریکا مأموریت دارند که "کسروا الصّحیح الظّالم". این بیان کلمات مکنونه حضرت بهاءالله را به خاطر می‌آورد که فرمودند، "ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که قسم یاد نموده‌ام از ظلم احدی نگذرم و این عهدی است که در لوح محفوظ محتوم داشتم و به خاتم عزّ مختوم.^{۲۵۶} اگرچه این مسئولیتی است که، در وهله اولی، وظیفه معین و مشخصی می‌باشد که حضرت بهاءالله مستقیماً بر عهده رؤسا و امراء که زمام قدرت و اختیار را در نیمکره غربی به عهده دارند، گذاشته‌اند، اما این بدان معنی نیست که سایر حکام در جهان از اقدام به برقراری عدالت

²⁵⁶ کلمات مکنونه فارسی، شماره ۶۴

غفلت خواهند کرد. این صرفاً دال بر آن است که حیّ قدیر از رؤسا و امرای نیمکره غربی انتظار دارد که در خطّ مقدّم جبهه‌ای باشند که به مظلومین کمک می‌کند، از اقدام به هرگونه ظلم و ستمی خودداری نمایند، و ظالمین را مجازات کنند.

این نکته جالب است که لحن کلام حضرت بهاءالله خطاب به رؤسا و حکام قاره آمریکا، اگرچه از موضع اقتدار و مرجعیت است، اما با لحن کلام ایشان در الواح نازله خطاب به سایر رؤسا و سلاطین ارض متفاوت می‌باشد. در الواح مزبور می‌توان بیان سرزنش آمیز و ملامت‌بار، و حتی گاهی هشدار دهنده نسبت به مجازات‌های خداوند را تشخیص داد.

بیان مهیمن دیگر نازل از قلم حضرت بهاءالله در نبوت ایشان در خصوص استیلا و حاکمیت ظهور ایشان است که به وسیله کسانی که از امر مبارک در غرب دفاع می‌کنند حاصل خواهد شد، *أنه أشرق من جهة الشرق و ظهر فی الغرب آثاره. تفکروا فیه یا قوم و لاتکونوا کالذین غفلوا إذ جائتهم الذکری من لدن عزیز حمید.*^{۲۵۷}

همچنین گفته می‌شود که حضرت بهاءالله فرموده‌اند، "شمس حقیقت اگر از افق غرب اشراق نموده بود ... واضح و معلوم می‌شد که اهل غرب چگونه امرالله را استقبال می‌نمودند."^{۲۵۸}

حضرت عبدالبهاء در بیانی در همین موضوع می‌فرمایند، "همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع شده که نور الهی از شرق به غرب تابیده ولی در غرب سطوع شدید یافته. امر حضرت مسیح روحی فداه از شرق ظاهر شد، چون پرتو نورانی بر غرب انداخت، نور ملکوت در غرب انتشار بیشتر نمود." "عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاءالله غرب شرق می‌شود، ابر رحمت پروردگار می‌بارد، جمیع قلوب سبز و خرم می‌شود."^{۲۵۹}

حضرت ولی امرالله در شرح و بسط بیشتر در مورد همین موضوع، اروپا را به عنوان "صحنه اعظم فتوحات پیروان حضرت مسیح" و همچنین محلی که "فتوحات مشعشع و درخشانی صورت گرفته که به عصر ذهبی اسلام منتهی گشته" توصیف فرموده‌اند.^{۲۶۰}

در اینجا باید خاطر نشان نمود که در دو آئین مسیحی و اسلام یقیناً عهد و میثاقی وجود دارد، اما همانطور که در بیانات حضرت ولی امرالله مشاهده می‌کنیم، این پیمان‌ها مانند آنچه که ما در امر حضرت بهاءالله می‌یابیم، محکم و غیر قابل بحث نبودند. بنابراین، این نکته شایان توجه است که به پولس قدیس، که

²⁵⁷ لوح اقدس، کتاب مبین، ص ۱۴۱

²⁵⁸ قرن بدیع، ص ۵۰۲

²⁵⁹ قرن بدیع، ص ۵۰۲ / حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷ (توضیح مترجم: دو جمله اخیر در این بیان مبارک، در واقع در انگلیسی به گونه‌ای دیگر آمده

است: "غرب شرق می‌شود و انوار هدایت الهی را ساطع می‌نماید." اما، ظاهراً بیان دیگری جایگزین شده است.)

²⁶⁰ حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۳

روابطی مشتتج و نامطبوع با پطرس مقدس - وصی و جانشین حقیقی حضرت مسیح - داشت، توانائی لازم اعطاء شد که در انتشار امر حضرت مسیح در خاک اروپا نقشی عظیم ایفا کند. همچنین در اسلام، شاخه سنی امر الهی - و نه فرقه شیعه که به حکم مشروع و قانونی وصایت متمسک است - توانست موجب طلوع عصر ذهبی اسلام در قاره اروپا شود. به این ترتیب، مشاهده می کنیم که همانطور که در ادوار گذشته، عهد و میثاق مبهم و بی ثبات بود، به نظر می رسد خداوند به نفوسی که شرایط آنها را نپذیرفتند و حتی - مانند پولس قدیس در آئین مسیحی و رهبران سنی در اسلام - آن را ریشخند کردند اجازه داد که، برای مدت معینی، راه را، در سایه رایت امر مقدس الهی، به سوی فتوحات نمایان و مظفریت های فراوان ادامه دهند و پیش ببرند.

ما باید به خاطر آوریم که در زمان حیات عنصری حضرت بهاء الله، غرب به روی نور امر الهی مفتوح نشد. یک سال بعد از صعود هیکل مبارک، در سپتامبر ۱۸۹۳ نقطه عطف در تاریخ امر مبارک در نیمکره غربی را مشاهده می کنیم، که برای اولین مرتبه امر مبارک در شیکاگو در پارلمان جهانی ادیان علناً ذکر شد. طولی نکشید که بعد از این واقعه، اولین موج مؤمنین جدید در ظل امر الهی وارد شدند، و در دسامبر ۱۸۹۸، اولین گروه زائرین آمریکایی به دیدار از ارض اقدس و روضه مبارکه شتافتند و در بیت حضرت عبدالبهاء از آنها به عنوان میهمان پذیرایی شد. تردیدی نیست که یکی از اهداف اساسی دوران قیادت حضرت مولی الوری دیدار از آمریکای شمالی، تشویق پیروان امر والد بزرگوارشان و عمیق ساختن آنها در امر مبارک و نهادن حجر زاویه مشرق الاذکاری بود که امالمعابد غرب شد.

در طی جنگ جهانی اول، در سالهای ۱۹۱۷-۱۹۱۶، و زمانی که حضرت ولی امرالله تصدیق می فرمایند که تحت تأثیر و کسب الهام از خطاب مهیمن حضرت بهاء الله به ملوک و رؤسای امریکا، حضرت عبدالبهاء الواح نقشه های تبلیغی را، خطاب به دو جامعه بهائی ایالات متحده و کانادا صادر فرمودند. حضرت ولی امرالله این الواح را منشور تبلیغ امر مبارک در سراسر جهان نام گذاشتند.^{۲۶۱} این الواح آنچه را که حضرت ولی امرالله "فضیلت روحانی" می خوانند به جامعه بهائی آمریکا اعطاء کرده است.^{۲۶۲}

²⁶¹ توضیح مترجم: احتمالاً اشاره جناب نخجوانی به توفیق رضوان ۱۱۲ بدیع است که در آن می فرمایند، "دعای قلبی و مستمر این عبد آن است که افراد این جامعه کاملاً متحد و زنده و عالمگیر که به وسیله سه عامل یکی نزول لوح کرمل، از یراعه مقدس حضرت بهاء الله و دیگری صدور الواح مبارکه وصایا و سومی فرمان تبلیغی صادره از کلک مطهر مرکز عهد و میثاق الهی حیات و نشئه جدید یافته اند، در اثر این سه رقا منشور که سه قوه عظیم را به حرکت شدید آورده است، روز به روز قوی تر و مقتدرتر گردیده و آن به آن مظفرتر گردند. این سه قوه عظیمه یکی علت ظهور و تکامل مؤسسات امریه در ارض اقدس، مرکز اداری امرالله و دوتای دیگر وسیله تبلیغ و استقرار نظم اداری امرالله در سایر نقاط عالم می باشد."

²⁶² توضیح مترجم: اشاره به بیانات حضرت ولی امرالله در توفیق "آمریکا و صلح اعظم" است که می فرمایند، "کیست که شک و تردید کند که حضرت عبدالبهاء با صدور الواح ملکوتی یعنی فرامین تبلیغی که در اواخر حیاتش نازل فرمود، علنی ساخت که چه فضیلت روحانی به جامعه بهائی آمریکا اعطاء فرموده تا کل بر آن تکیه کرده تفوق روحانی خویش را در سرنوشت بلندشان به کف آورند؟" (منتخبی از تویعات حضرت ولی امرالله به همراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۴۴) و نیز در همان توفیق می فرمایند، "مقصد حضرت عبدالبهاء آن بود که با اعمال و اجرائات مشخصه نمونه اش تقدّم روحانی مخصوصی را بر جامعه آمریکا که نخستین جامعه نوزاد در بلاد غرب و برای بهائیان آن کشور مقدر شده بود عطا فرماید." (ص ۵۸) در توفیق ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ نیز در مورد

کلام حضرت عبدالبهاء دربارهٔ جامعهٔ بهائی آمریکا و دستاوردهای آتی آن براستی بسیار تأثیرگذار و جاذب است، "ملاحظه نمائید که حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است...^{۲۶۳} حال، موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته...^{۲۶۴} همچنین موفقیت شما حال معلوم نه...^{۲۶۵} این نداء الهی چون از خطهٔ امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیهٔ جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازهٔ بزرگواریشان جهانگیر گردد."^{۲۶۶} این است سرنوشت جلیل و جمیل آتی آن.

در بخش اخیر دوران قیادت حضرت مولی‌الوری، هیکل مبارک توانستند اولین اثمار فتوحات نمایان حاصله توسط جامعهٔ بهائی آمریکا را مشاهده نمایند. توفیقاتی مانند تأسیس اولین بیت روحانیت^{۲۶۷} شیکاگو، تشکیل انجمن مطبوعات بهائی^{۲۶۸}، تأسیس جمعیت اخوت گرین ایگر^{۲۶۹}، انتشار "نجم باختر"، تسجیل اتحادیهٔ معبد بهائی متعاقب انعقاد اولین انجمن شور روحانی ملی و تشکیل هیأت اجرائی مشرق‌الاذکار.^{۲۷۰} این تحولات تماماً دستاوردهایی در زمینهٔ اداری خدمات امری بود. در جبههٔ تبلیغ، حضرت عبدالبهاء توانستند شاهد قیام به خدمت اعضاء جامعهٔ بهائی آمریکا به عنوان مهاجر یا مبلغ سیار باشند که به آلاسکا، و نیز اروپا، فرانسه، بریتانیای کبیر، و آلمان و علاوه بر آن به ممالک بالتیک، شبه جزیرهٔ بالکان و اسکانندیناوی عزیزت نمودند. وقتی که فعالیت‌های تبلیغی از قارهٔ اروپا فراتر رفت و به ممالک هند غربی، آمریکای لاتین، آفریقای جنوبی، چین، ژاپن، هندوستان و جزیرهٔ تاهیتی، قارهٔ استرالیا، و تا منتهی الیه جنوبی به تاسمانیا و نیوزیلند رسید، هیکل مبارک بسیار مسرور شدند. همانطور که می‌دانید، وقتی که حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند نور امر والد بزرگوارشان به سی و پنج کشور از ممالک عالم رسیده بود. بعضی از این کشورها توسط احبای شرق، اما عمدهٔ توسط احبای ایالات متحده مفتوح شده بود.

امریکا اشاره می‌فرمایند که، "جامعه ای که به موهبت اولویت روحانیه‌ای سرافراز است که از جانب مُبدع الواح جاوید که منشور نقشهٔ کلی حضرت عبدالبهاء، مرکز میثاق حضرت بهاءالله است، به آن عنایت گشته است." (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۴۹)

²⁶³ مکاتیب ۳، ص ۲۹

²⁶⁴ مکاتیب ۳، ص ۲۰

²⁶⁵ همان

²⁶⁶ همان، ص ۲۱

²⁶⁷ House of Spirituality (توضیح مترجم: در قرن بدیع این عبارت "محفل روحانی" (ص ۷۰۰) ترجمه شده است. در ترجمه توفیق "امریکا و صلح اعظم" (منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله به همراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۵۵) "بیت روحانی" آمده است.)

²⁶⁸ Bahá'í Publishing Society - به ترجمه توفیق "امریکا و صلح اعظم" در مأخذ فوق (ص ۵۵) توجه کنید - م

²⁶⁹ Green Acre Fellowship - (همان مأخذ)

²⁷⁰ کلیه موارد در همان صفحه ۵۵ مأخذ فوق ذکر شده است - م

با آغاز عصر تکوین امر مبارک، که با صعود حضرت عبدالبهاء واقع گردید، حضرت ولی امرالله می‌بایستی نظم اداری را منطبق با رؤوس کلی و اجمالی که در الواح مبارکه و صایای حضرت عبدالبهاء آمده بود، بنیان نهند. هیکل مبارک از جوامع غرب و شرق دعوت کردند که محافل روحانی محلی خود را بر شالوده‌ای محکم تشکیل دهند و در موقع مقتضی محافل روحانی ملی را تأسیس نمایند.

حضرت ولی امرالله، توجه خاص خود را بر جوامع بهائی ایالات متحده و کانادا، که در آن زمان شامل یک جبهه داخلی واحد می‌شد، متمرکز ساختند و هدایات صریح و اساسی در مورد اصول نظم اداری حاکم بر فعالیت‌های امری به آنها عنایت فرمودند. هیکل مبارک بعد از آن که احبای آمریکا را اخلاف روحانی مطالع الانوار خواندند^{۲۷۱}، خلوص و تعلق خاطر آنها به امر مبارک را مورد ستایش قرار دادند و آنها را تشویق و ترغیب فرمودند که، با زندگی ایثارگرانه‌ای چون شهداء، بر اثر اقدام قهرمانان عصر رسولی حرکت کنند. بعد از آن، طولی نکشید که حضرت ولی امرالله جامعه بهائی آمریکا را مهد نظم اداری خواندند.^{۲۷۲}

مدت کوتاهی بعد، حضرت ولی امرالله توضیح دادند که، به علت مفاسد واضح و علنی که در زندگی مردم امریکا بی حد و حصر است، خداوند آن کشور را برگزیده تا اینچنین متمایز باشد. مفاسدی که ایشان برشمردند، و در تضاد تام با فضائل و کمالات بنیان نظم اداری الهی بود، عبارتند از: (۱) استغراق در دریای مادیات؛ (۲) گرفتار یکی از موحش‌ترین و قدیم‌ترین تعصبات جنسیه؛ (۳) قربانی "مکاید سیاسی و افعال سنیة سخیفه و عدم انضباط در اصول و مبادی اخلاقیه"^{۲۷۳}

قبل از آن که ایالات متحده مهد نظم اداری شود، خود ایران قبلاً به نام مهد امرالله تسمیه شده بود. به همان دلایل تقابل مفاسد و فضائل، حضرت ولی امرالله در نگاهی به ایران قرن نوزدهم، مهد امرالله را به عنوان "قومی که در عداد یکی از اقوام متأخر و غیرمهدب عصر خود محسوب" توصیف فرمودند و آنها را مردمی دانستند که "در اعماق غفلت و دوری از حق و حقیقت مستغرق بوده، چندان که در آن اوان در بین اقوام و ملل معاصر، مشابه و مماثلی در جهان متمدن نداشته است."^{۲۷۴} از میان چنین مردمی، ظهور حضرت بهاءالله توانست

²⁷¹ توضیح مترجم: این بیان مبارک را می‌توان در حصن حصین شریعت‌الله ("جامعه‌ای که اعضایش اخلاف روحانی مطالع انوار عصر رسولی الهی بوده...") ص ۴۱، قرن بدیع، ص ۵۰۶ ("این نفوس زکیه، حارسان حصن حصین و رافعان علم مبین که فی الحقیقه اعقاب روحانی مطالع انوار عصر رسولی این دور مقدس محسوب...") و ظهور عدل الهی (ص ۱۵) ("جامعه متشکل بهائی، ناظران و مروّجان امر اقدس ابهی در قاره آمریکا، اعقاب روحانی مطالع انوار عصر رسولی...") مشاهده کرد.

²⁷² توضیح مترجم: این موضوع در توفیق ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ موسوم به ظهور عدل الهی (ص ۴۱) آمده است، "کشوری که مهد نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله قرار گرفته..."

²⁷³ ظهور عدل الهی، ص ۴۳-۴۲

²⁷⁴ ظهور عدل الهی، ص ۴۰ و ۳۹

قهرمانان، شهداء و نفوس مقدّسه‌ای را تربیت کند و برانگیزد که همیشه مایهٔ فخر و مباهات این دور مبارک خواهند بود.

مدّت شانزده سال و اندی، حضرت ولی امرالله به طور مداوم و مستمرّ محفل روحانی ملی آمریکا را در امور جزئی و کلی هدایت فرمودند، تا آنها را به ایجاد چنین ساختار کاملی، آنچنان که در الواح مبارکه وصایا مطرح شده، قادر سازند. همانطور که در بحث پیشین دیدیم، حضرت ولی امرالله این سند اخیر را منشور مدنیت جهانی آینده^{۲۷۵} تسمیه فرموده‌اند. سند مزبور قبلاً با عنوان معمولی منشوری برای تأسیس نظم اداری شناخته می‌شد، زیرا این نظم به نظم بدیع جهان آرا منجر می‌گردید، که آن نیز به نوبهٔ خود نهایتاً موجب مدنیت جهانی بهائی خواهد شد.

این شانزده سنه، سالهای دشواری برای حضرت ولی امرالله بود. در غرب ناقضین میثاق مانند احمد سهراب، به علت تمرکز بر مواضع اداری، و ندیده گرفتن شرایط و پیش‌بینی‌های الواح نقشه‌های تبلیغی، به هیکل مبارک مهاجم بودند. آنها نه می‌توانستند ببینند که حضرت ولی امرالله چه کاری انجام می‌دهند، و نه می‌توانستند آن را ارج نهند. هیکل مبارک در کمال بردباری مشغول ایجاد نظم اداری و تشکیلات آن بودند، تا آنها را به عنوان ابزارهایی جهت اجرای سیستماتیک دیدگاه حضرت عبدالبهاء به کار ببرند. هیکل مبارک مجبور بودند برای یاران توضیح دهند که نظم اداری نوآوری و ابتکاری نبود که بر بهائیان عالم تحمیل شود، بلکه به محض این که به میزان معقولی از کارایی می‌رسید، نهادهای آن برای پیشبرد اهدافی که در آثار مبارکه برای آنها در نظر گرفته شده بود، به کار می‌رفت.

بعد از شانزده سالی که در بالا به آن اشاره شد، حضرت ولی امرالله به احبای آمریکا فرمودند که اکنون آمادگی دارند تا اولین مرحلهٔ اجرای منشوری که حضرت عبدالبهاء خلق کرده بودند، و حضرت ولی امرالله آن را منشوری برای تبلیغ امرالله در سراسر عالم توصیف فرمودند، یعنی الواح نقشه‌های تبلیغی را شروع کنند. اولین مرحله عبارت از نقشهٔ هفت‌سالهٔ جامعهٔ بهائی آمریکای شمالی بود. اهداف اصلی این نقشه، که از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۴ طول کشید، عبارت بود از: (۱) اکمال و اتمام نمای بیرونی مشرق‌الاذکار ویلمت؛ (۲) تشکیل محفل روحانی در هر ایالت و استان آمریکای شمالی و در آلاسکا؛ (۳) تأسیس مرکزی در هر یک از جمهوری‌های آمریکای لاتین و دریای کارائیب.

²⁷⁵ توضیح مترجم: در توفیق ۵ ژوئن ۱۹۴۷، حضرت ولی امرالله کتاب اقدس را به این نام خوانده‌اند: "این است خطاب رنّان شارع اکرم در آن منشور عظیم مدنیت مستقبل عالم: "یا ملوک امریقا..." (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۳) در مقدمه بیت‌العدل اعظم بر کتاب اقدس (ص ۷) نیز آمده است، "کتاب اقدس منشور مدنیتی است عالم‌گیر که تأسیسش هدف غائی ظهور آن حضرت محسوب." اما احتمالاً اشاره جناب نخجوانی به بیان حضرت ولی امرالله در قرن بدیع باید باشد که می‌فرمایند، "الواح مقدّسهٔ وصایا کاشف کیفیت تأسیس نظم بدیع و منشور مدنیت آتیهٔ جهانی که از بعضی جهات و اصول متمم کتاب مستطاب اقدس محسوب..." (ص ۶۶۵)

این نقشه اولین فعالیت گسترده سازمان یافته جامعه‌ای بهائی برای توسعه و تحکیم امرالله در منطقه جغرافیایی مورد نظر بود. همانطور که هم‌اکنون گفتیم، این در عین حال مسلماً اولین نقشه سیستماتیک تبلیغی احبای آمریکا تحت شرایط و هدایات الواح نقشه‌های تبلیغی بود.

مجموعه‌ای که اخیراً تحت عنوان "این لحظه خطر" ^{۲۷۶} انتشار یافته، حاوی پیام‌های حضرت ولی امرالله از ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۶ خطاب به احبای آمریکای شمالی است. نیمی از کتاب مزبور، یعنی متجاوز از ۸۰ صفحه، حاوی پیام‌های حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آمریکای شمالی در طی دوران اولین نقشه هفت‌ساله است. هیکل مبارک هادی اقدام آنها در تحقق اهدافشان بودند و آنها را تشویق می‌کردند که علیرغم توان عددی محدود و مشکلات و نگرانی‌هایی که با آن مواجه می‌شدند، هر چند به سختی به پیشرفتشان ادامه دهند، و فداکاری آنها را تمجید و خلوص و وفایشان را تحسین می‌کردند و استقامت و ایثاری را که در سبیل محبت جمال مبارک از خود به منصفه ظهور می‌رساندند مورد مدح و ستایش قرار می‌دادند.

اولین نقشه تبلیغی تاریخی عالم بهائی در سال ۱۹۴۴، درست قبل از صدمین سال اظهار امر حضرت ربّ اعلی در شیراز خاتمه یافت، و همانطور که البته می‌دانید، با افتتاح قرن دوم دور بهائی هم‌زمان گردید. حضرت ولی امرالله چون به بیست و سه سال اول عصر تکوین امر مبارک نظر انداختند، به این نتیجه رسیدند که عهد اول این عصر به پایان رسیده است. جامعه بهائی آمریکا عالم بهائی را به نهادن اساس و بنیاد نظم اداری هدایت کرده و از تشکیلات نظم مزبور برای شروع اولین نقشه تبلیغ و تحکیم در تاریخ امر مبارک استفاده کرده بود. انتصارات و فتوحات آنها در زمینه‌های اداری و نیز تبلیغی خدمات امری بود. حضرت ولی امرالله از آنها راضی بودند و به آنها مباحث می‌کردند و تشکیلات و نقشه‌های تبلیغی آنها را به عنوان الگو به تمام عالم بهائی عرضه کردند تا مشابه آنها را ایجاد نمایند. احبای آمریکا واقعاً گوی ظفر را از میدان ربوده بودند.

عالم بهائی اینک آماده بود که وارد عهد دوم عصر تکوینش گردد. این عهد ثانی، شاهد شروع دومین نقشه پنج‌ساله احبای آمریکا بود که سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ را تحت پوشش قرار می‌داد. در عین حال، حضرت ولی امرالله از کلیه محافل روحانی ملی دیگر دعوت کردند که، مبتنی بر شرایط خاص ملی خود، و با استفاده از تجارب جامعه بهائی آمریکا، نقشه‌های تبلیغی تنظیم و اجرا نمایند.

بیان نکاتی از تفکراتی را که در موضوع "عهدها" در آثار حضرت ولی امرالله مشاهده می‌شود، خالی از فایده نخواهد بود. هیکل مبارک دو رشته یا دو طرح کلی از عهدها را در نظر مجسم ساخته تنظیم و ترسیم

²⁷⁶ This Decisive Hour - توضیح مترجم: مجموعه تواقیع حضرت ولی امرالله خطاب به آمریکا در نشر اول به Messages to America موسوم بود. بیت‌العدل اعظم در ۱۷ مه ۲۰۰۱ عنوان جدید برای نشر مجموعه تواقیع مزبور را تصویب فرمودند و آن را "مناسب و توصیف کننده" ذکر کردند. عنوان کامل آن این است: این لحظه خطر: پیام‌های حضرت ولی امرالله به بهائیان آمریکای شمالی ۱۹۴۶-۱۹۳۲

فرمودند: یکی از آنها به تکامل عصر تکوین و دیگری به اجرای مندرجات الواح نقشه‌های تبلیغی مربوط می‌شد.

و اما عصر تکوین؛ عهد اوّل آن در سال ۱۹۲۱ شروع شد و در سال ۱۹۴۴ پایان یافت. حضرت ولی امرالله بعدها مرقوم فرمودند که عهد دوم در سال ۱۹۶۳، با اختتام نقشه ده‌ساله، خاتمه خواهد یافت. تحت هدایات بیت‌العدل اعظم، دو عهد دیگر سپری شد و اکنون ما عهد پنجم عصر تکوین را می‌گذرانیم.

و اما در مورد طرح کلی دوم، یعنی اجرای الواح نقشه‌های تبلیغی؛ حضرت ولی امرالله خاطر نشان ساختند که اوّلین عهد آن در سال ۱۹۳۷، با شروع اوّلین نقشه هفت‌ساله آمریکا شروع شد و در سال ۱۹۶۳، با اختتام نقشه ده‌ساله هیکل مبارک، خاتمه می‌یافت. اکنون ما در عهد دوم الواح نقشه‌های تبلیغی هستیم، و بیت‌العدل اعظم تعیین خواهند کرد که این عهد دوم چه زمانی خاتمه خواهد یافت.

به این ترتیب، حضرت ولی امرالله تدریجاً کل عالم بهائی را برای سالگرد عظیم سال ۱۹۵۳ آماده می‌ساختند، که همانطور که همه می‌دانید، در این سال اهداف بیست و هفت گانه جهاد کبیر جهانی که جهان را تکان می‌داد، اعلام فرمودند. حضرت ولی امرالله در این نقشه ده‌ساله تصدیق فرمودند که بخش عمده اهداف را به جامعه بهائی آمریکا اختصاص داده‌اند.

در طی سی و شش سال ولایت امرالله، هیکل مبارک در پیام‌های بی حدّ و حصر، جامعه بهائی آمریکا را با عباراتی از این قبیل ستودند:

- "باسلان مسلّم آئینی اجلّ و اعزّاز توصیف که مورد غبطه یارانند" (حصن حصین، ص ۱۵۷)
- "مدافعان نظمی عظیم" (همان، ص ۱۵۷)
- "جامعه‌ای که به موهبت اولوئیت روحانیه سرافراز است." (همان، ص ۱۴۹)
- "جامعه‌ای که دارای نعمت فراوان و برکت روحانی است." (همان، ص ۵۳)
- "احبّای منورالفکر، و قوی‌القلب و شجاع امریکا." (همان، ص ۸۶)
- "مجریان فرمان صادر از قلم حضرت عبدالبهاء." (همان ص ۷۶)
- "مشعل داران مدنیّت جهانی" (همان، ص ۳۸)
- "جامعه عزیز محبوب ... مشمول عنایات موفور و صاحب عزمی راسخ... " (همان، ص ۶۳)
- "سگان برگزیده و سعید و مدافعان شجاع و قوی‌دل اعظم حصن حصین امرالله." (همان، ص ۱۰۹)
- "جامعه شجاع بهائی آمریکا" (همان، ص ۳)
- "علمداران سپاه مظفر ربّ الجنود." (همان، ص ۱۴۴)

در نبوّات مربوط به سهم آتی غرب، و به طور اخصّ احبّای آمریکا، در استخلاص و مظفّریّت امر الهی در محلّ ولادتش، تأکید خاصی وجود دارد. حضرت ولی امرالله مرقوم فرمودند، «استخلاص موعود» جامعه بهائی ایران، همانطور که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرمودند، ابتدا باید با مساعی و مجهودات برادرانشان در آمریکا «تحقق یابد».^{۲۷۷} ایشان همچنین این بیانات را از حضرت مولی‌الوری نقل می‌کنند، «عنقریب برادران شما از اروپا و آمریکا به ایران سفر خواهند کرد و به نحوی بی‌سابقه به ترویج و توسعه فنون و صنایع خواهند پرداخت. آنها به تأسیس معاهد مدنیت حقیقیه، ترویج و توسعه زراعت و تجارت، و مساعدت به انتشار تعلیم و تربیت مبادرت خواهند کرد... لابد بر این است که آنها خواهند آمد؛ تردیدی نیست که آنها خطه ایران را محسود امم و ملل عالم و مورد مدح و ستایش آنها خواهند ساخت.»^{۲۷۸} و غیر از ایران، حضرت ولی امرالله اشتیاق قلبی حضرت عبدالبهاء را به خاطر می‌آورند که ایالات متّحده موفق خواهد شد رسمیت جهانی امر مبارک را حاصل نماید.^{۲۷۹}

از کلک حضرت عبدالبهاء در اشاره به نیمکره غربی چنین صادر شده است، «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار.»^{۲۸۰} ایشان همچنین مرقوم فرمودند، «در امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهت نمایان و آینده آن اقلیم بس روشن و تابان؛ چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ربود.»^{۲۸۱}

لطفاً توجه داشته باشید که تقدّم روحانی که در این بیان به آن اشاره شده نه تنها به ایالات متّحده، بلکه به سگان کلّ قاره مزبور مربوط می‌شود.

در مورد ملت آمریکا به طور اخصّ، این بیان را از حضرت عبدالبهاء زیارت می‌کنیم، «امید است که این ملت آزاد و عظیم اولین ملت و جمعیتی باشد که اساس اتّفاق و آشتی بین‌المللی را بنیان نهد و وحدت نوع انسان را اعلان نماید، پرچم صلح عمومی برافرازد...»^{۲۸۲} حضرت ولی امرالله مکرراً توجه ما را به مشابهت

²⁷⁷ ترجمه - توفیق ۳۱ اکتبر ۱۹۲۶، مندرج در صفحه ۱۱۷ *Bahá'í Administration*

²⁷⁸ ترجمه - توفیق ۱۲ فوریه ۱۹۲۹، مأخذ فوق، ص ۱۷۳

²⁷⁹ توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به بیان حضرت ولی امرالله در توفیق سوم ژوئن ۱۹۲۵ مندرج در صفحه ۸۸ مأخذ فوق است که می‌فرمایند، «کلام آخر آن که، غرب و بالاخصّ جمهوری بزرگ دنیای جدید که ربع قرن پیش، رایت سمحای امر مبارک حضرت بهاءالله در کمال استحکام و متانت در آن سرزمین منصوب گردید، بدانند که اکنون مسئولیت حصول رسمیت جهانی امر مبارک و تحقّق اعظم آمال حضرت بهاءالله بر شانه‌های آنها نهاده شده است.» (ترجمه)

²⁸⁰ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۳۷ / توفیق «امریکا و صلح اعظم»، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله به‌مراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۴۱

²⁸¹ نقل ترجمه خطابه ۶ مه ۱۹۱۲ از صفحه ۱۷۴ ظهور عدل الهی

²⁸² نقل ترجمه خطابه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ از صفحه ۵۰۳ قرن بدیع. همین مطلب در کتاب ظهور عدل الهی با اندک تفاوتی، توسط همان مترجم، این چنین ترجمه شده است: «امید است ملت امریک اولین ملت و جمعیتی باشد که اساس اتّفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید، پرچم صلح برافرازد...»

نزدیک وقایعی که ایالات آمریکا را در فدراسیون واحدی به هم پیوست با آنچه که هم اکنون طبق نقشهٔ عظیم الهی در صحنهٔ جهانی در حال وقوع می‌باشد تا اجزاء پراکنده‌ای را که جهان منقسم و مشتت فعلی به آن مبتلا شده ائتلاف و اتحاد بخشد و آن را به صورت "یک واحد کامل ثابت غیر قابل تقسیمی در آورد که بتواند نقشهٔ حضرتش را برای انباء نوع انسان مجری سازد،" ^{۲۸۳} جلب فرمودند.

حضرت عبدالبهاء تا آنجا پیش رفتند که یکی از مقامات ارشد را که در خدمت دولت فدرال ایالات متحده آمریکا بود و از ایشان در مورد بهترین طریقی که می‌تواند مروج مصالح و منافع دولت و مردمش باشد سؤال کرد، اینگونه هدایت فرمودند، "چنانچه در خیر امریکا سعی می‌نمایی باید خیرخواه عموم ملل و ممالک باشی و چون عالم را وطن خویش شماری باید بکوشی که اصل حکومت فدرالی به نحوی که در حکومت امریکه معمول است در میان عموم ملل و اقوام رواج یابد." ^{۲۸۴}

در این بیان حضرت عبدالبهاء دو نکتهٔ اساسی وجود دارد: (۱) این که ساختار حکومت فدرال، آنگونه که در ایالات متحده آمریکا به وجود آمده و عمل می‌شود، و به ایالات کشور فدراتیو خودمختاری داده می‌شود، طبق برآورد حضرت عبدالبهاء، نظامی قابل قبول برای سازمان جهان است، و (۲) بهترین راه برای ترویج مصالح یک جزء آن است که آن جزء رفاه و سعادت کل را در نظر بگیرد و رعایت نماید.

این نکتهٔ دوم را ما در بیان حضرت ولی امرالله مشاهده می‌کنیم که با تفصیل بیشتر و کامل تر مورد شرح و وصف قرار گرفته است، "پیروان دیانت بهائی ... نظر به این که نوع بشر را جامعه‌ای واحد می‌دانند و مصالح حیاتی آن را عمیقاً محترم می‌شمارند، بدون تردید هرگونه نفع خصوصی را خواه شخصی یا ناحیه‌ای و ملی باشد تابع منافع کلیه هیئت جامعهٔ انسانی دانسته و بخوبی آگاهند در دنیائی که همهٔ مردم و ملل استقلال داشته باشند صرفه و صلاح هر قسمتی از آن با حفظ منافع تمامی آن جامعه بهتر به دست می‌آید و دیگر این که هرگاه منافع عمومی هیئت جامعه به طور کلی منظور نگردد، هیچیک از ارکان جامعه فایده و سود بادوام عاید نخواهد داشت." ^{۲۸۵}

مسئلاً با توجه به این اصل وابستگی اجتناب‌ناپذیر متقابل ممالک و امم است که حضرت ولی امرالله در مورد سرنوشت آمریکا مرقوم فرمودند، "جهان در جنبش و تلاطم است و حوادث و وقایع ناگوار بسرعت وحشت‌انگیزی در ظهور و بروز؛ تندباد هواجس نفسانیه شدید و طیش اغراض و مآرب شیطانیه بس وخیم و سقیم و دنیای جدید بی‌خبر از این داء عقیم در گرداب مهالک و مخاطر مستغرق ... جمهوری عظیم غرب خود را به نحو انحصار و متزایدی داخل این معرکه و عصیان و وارد این ولوله و طغیان مشاهده می‌نماید ... دنیای

²⁸³ قد ظهر يوم الميعاد، ص ۲۴۴

²⁸⁴ نظم جهانی بهائی، ص ۵۱ - ترجمه‌ای کاملاً متفاوت در صفحه ۱۷۸ ظهور عدل الهی و نیز صفحه ۳۰۴ بهاء الله و عصر جدید موجود است.

²⁸⁵ بیانیه حضرت ولی امرالله خطاب به کمیتهٔ سازمان ملل در امور فلسطین، ۱۹۴۷، ترجمه ع بشیرالهی، طبع ۱۳۲ بدیع، مؤسسهٔ ملی مطبوعات امری، ص ۱۲

حاضر يوماً فیوماً فشرده‌تر شده و مردم آن علی‌الظاهر نسبت به یکدیگر نزدیک‌تر و بیش از پیش در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند. خطهٔ امریک خواه ناخواه با وضع جدید مواجه و خود را ملزم و موظف می‌شمارد که وارد میدان و دست به‌گریبان گردد. این تماس و مجاورت که بدین نحو تحقق یافته وی را بر آن می‌دارد که صرف نظر از عواطف انسان‌دوستی و وظایف و مسئولیت‌های جدیدی به منظور حفظ امنیّت ملی خویش بر عهده گیرد؛ هرچند ممکن است این فکر در انظار مستغرب و با اوضاع و احوال مباین و مغایر ملاحظه گردد، ولی یگانه راه امید و وسیلهٔ نجات و استخلاص از خطرات متزایدۀ متهاجمه همانا آن است که امریک خود را به نحو اتم و اعلیٰ با افکار و احساسات بین‌المللی آشنا و با مصالح عمومیّه بشریّه که دست قدرت الهی و مشیّت بالغهٔ رحمانی برای عالم انسانی مقدر فرموده شریک و سهیم سازد.²⁸⁶ اگرچه این بیانات حضرت ولی محبوب امرالله در دسامبر ۱۹۳۸، یعنی ۶۶ سال قبل، نوشته شده، اما به نظر می‌رسد که همین هفته پیش از قلم مبارک صادر شده باشد. شکی نیست که آنها اساساً پیشگویانه هستند.

ملخص کلام آن که، مشاهده می‌کنیم که حضرت بهاءالله مقدر فرموده‌اند که جامعهٔ بهائی آمریکا، نه تنها مهد نظم اداری، بلکه آغاز کنندهٔ نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله و مسلماً عصر ذهبی امر مبارک باشد.²⁸⁷ به عبارت دیگر، باید عامل اصلی و اساسی گردد که مقدر است جامعه‌ای را تأسیس نماید که رشد کرده به ممالک متّحدهٔ بهائی آینده تبدیل خواهد شد.

در بررسی آیندهٔ نزدیک و دور این جامعهٔ محبوب، منتخب الهی با آینده‌ای فوق‌العاده نویدبخش، کاری بهتر از آن نمی‌توان نمود که با نقل بیانات حضرت ولی امرالله به سخنان امروز خود خاتمه دهم: "در این سنین [که در پیش است] جهان بشریّت آستن حوادث عظیمه و بلاای عقیمهٔ سقیمه‌ای است که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلابات و وقایع هائله‌ای است که صفحات تاریخ نظیر آن را درج نموده است؛ خطرات و آفات هر چند صائل و مهیب و هبوب عواصف امتحان هر قدر پر وحشت و شدید و سیل جارف بلایات هر مقدار مدهش و ویل، هرگز نباید اشعهٔ فروزان ایمان را در قلوب دوستان افسرده نماید و اعین و ابصار را متنوع و تصمیماتشان را متزلزل و مقطوع سازد. تهدیدات و تضییقات به هر میزان پردغدغه و آشوب و مخاطر و مهالک به هر درجه مقاوم و مهاجم، هرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق احبای الهی نسبت به آئین

²⁸⁶ ظهور عدل الهی، ص ۱۷۷

²⁸⁷ احتمالاً جناب نخجوانی ناظر به این بیان حضرت ولی امرالله هستند که در توفیق "امریکا و صلح اعظم" می‌فرمایند، "شکی نیست که مورّخین صاحب قلم آینده ... بهتر از هر یک از پیروانش در نسل حاضر قادر خواهند بود که ... از نیروی ذاتی امر الهی سخن گویند که دست تقدیر مرکز اداری‌اش را از مهد امرالله به سواحل قارهٔ امریکا در قلب این کشور افکنده و مصدر و مرکز مؤسسات سریع‌الانتشار و دائم‌التزایدش گشته است ... بر آنان است که بسنجند که هر یک از آن قهرمانان سازندهٔ نظم جهانی حضرت بهاءالله که در کمونش بشارت استقرار عصر زرین عالم انسانی مکنون است، چه سهمی داشته‌اند." (منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله به‌مراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۳۹)

رحمانی بکاهد و آنان را از طریقی که به جان و دل اختیار نموده و به اهتمام تمام در پی آن پویانند، منحرف سازد... یاران الهی و حامیان شریعت ربّانی باید بدون آن که ادنی خللی در عزم و اراده آنان راه یابد و یا در کمترین لحظه وظیفه خطیر و متعالی خویش را به دست فراموشی و نسیان سپارند، این لطیفه دقیق را هر قدر اوضاع و حوادث عالم تیره و شدید گردد و زوابع افتتان ارکان وجود را متزلزل سازد، از خاطر محو نمایند که تقارن چنین بحران و تحوّل عظیم که عالم وجود را مندهش و مرتعش نموده با علوّ و امتناع امرالله و سموّ و اعتلاء کلمه الله و اقتطاف اثمار رسالتی که از جانب حیّ قدیر به رافعان امر الهی اعطاء شده، بنفسه لنفسه منبعث از مشیت نافذ رحمانی و حکمت بالغه سبحانی و اراده غالبه محیطه یزدانی است؛ اراده و مشیتی که در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار سرنوشت امرالله همچین مقدّرات جامعه بشریه را توأمّاً هدایت و به سرمنزل مقصود و منظور حقیقیّه خویش دلالت می نماید. این صعود و نزول و تألیف و تحلیل وانتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله اش مستمرّ و محسوس، انعکاسی از عالم بالا و جلوه ای از نقشه اعظم اقدس ابهی است؛ نقشه واحد و غیرقابل انفصالی که مبدئش غیب مکنون و مؤسس و موجدش شارع این امر اعزّ اعلی و دایره تصرفاتش بسیط غیرا و مقصد و هدف نهائی اش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافّه انام است." (ظهور عدل الهی، صص ۱۵۲-۱۵۰)

سؤالات مربوط به این سخنرانی

س - لطفاً توصیف حضرت ولی امرالله از جامعه آمریکا را به عنوان "جامعه ای که مورد غبطه دیگرانند" توضیح بفرمایید. لغت محسود و مورد غبطه²⁸⁸ دارای مفاهیم منفی است که می تواند گمراه کننده باشد.

ج - لغت envy در انگلیسی دارای دو معنی است که یکی منفی یا نامطلوب و دیگری مثبت است. در مفهوم منفی به معنای حسادت و رشک است، اما در مفهوم مثبت به معنای آرزو و آرمان است که کسی مشابه دیگری بشود. من معتقدم معنای دوم است که ما باید از جامعه مورد غبطه استنباط نماییم. در فارسی و عربی ما دارای دو واژه متفاوت برای envy هستیم که یکی با مفهوم مثبت و دیگری با مفهوم منفی است.

س - رسالت آمریکا طبق بیانیه خودش عبارت از سرنگون کردن ظالمان و رهائی بخشیدن مظلومان است. آیا این کار را نمی شد به نحوی انجام داد که معاضدت بین المللی را اعتبار بخشد و مورد تأیید قرار دهد؟

²⁸⁸ توضیح مترجم: اصل بیان حضرت ولی امرالله envied community است که می توان "جامعه محسود" یا "جامعه مورد غبطه" ترجمه کرد. در پرسش مطرح شده کلمه envy به معنی غبطه و حسد مورد سؤال قرار گرفته است.

ج - مایل نیستم که وارد اظهار نظر در مورد سناریوی فعلی بین‌المللی شوم. اما، حضرت ولیّ امرالله اطمینان می‌دهند که ملت آمریکا در آتیه ایام "صدای خود را در مجامع عظیمه عالم و محافل متشکله امم مرتفع" خواهد نمود.²⁸⁹ در نظر من، این بیان تلویحاً به معاضدت و حمایت بین‌المللی اشاره دارد.

س - چگونه می‌توانیم به دوستان غیربھائی خود اطمینان دهیم که در آینده هیچ کشوری بیش از آنچه که برای حفظ قلمرو خود نیاز دارد، ارتش و تسلیحات نگه نخواهد داشت. آنچنان که امروز مشاهده می‌شود سپاه و مهمات بیش از اندازه است.

ج - دنیایی که امروز مشاهده می‌کنیم جهانی آشفته و به هم ریخته است، که ناشی از احساس عدم اعتماد، رقابت و سوء ظن در میان ملل است. آن را می‌توان به مرحله پرتلاطم عصر نوجوانی نوع بشر تشبیه کرد. حضرت بهاءالله به ما می‌فرماید که ما در آستانه بلوغ جهان هستیم، اما هنوز وارد آن مرحله نشده‌ایم. ما با عینک امروز به جهان نگاه می‌کنیم، اما حضرت بهاءالله می‌توانستند آینده را مشاهده نمایند. ایشان می‌دانستند که همانطور که درخت به مرحله بلوغ و ثمربخشی می‌رسد، جهان نیز خواهد رسید. خداوند این درخت را غرس کرد، و حضرت بهاءالله، مظهر ظهور کلی برای این یوم، از این درخت مراقبت می‌کند. دیدگاه ایشان نسبت به آینده دور خوش‌بینانه است نه بدبینانه. ایشان می‌توانستند ملاحظه نمایند که آینده نزدیک تیره و تاریک است و در آثار مبارکه خود آن را بیان فرموده‌اند، اما آینده دور درخشان است، زیرا ایشان می‌توانستند مدیته را مشاهده کنند که دائماً در حال تکامل و در حال پیشرفت است - از ذهنیت قبیله‌ای به ارزش‌های دولت - شهر، تا فرهنگ ملیت‌گرایی، و بالاخره به نحوی اجتناب‌ناپذیر به مفهومی از شهروندی جهانی می‌رسد که به حکومت جهانی، صلح جهانی و مدیته جهانی منجر خواهد شد.

²⁸⁹ ظهور عدل الهی، ص ۱۸۶

فصل شش

۶- تکامل نظم اداری بهائی

روح و شکل آن (امراء و علماء)

همانطور که همه می‌دانید، عصر تکوین امر مبارک حضرت بهاءالله در نوامبر ۱۹۲۱، با صعود مولای محبوب اهل بهاء، حضرت عبدالبهاء، و زیارت الواح مبارکه وصایا آغاز شد. مدت هفتاد و هفت سال، یعنی از ۱۸۴۴ تا ۱۹۲۱، امر حضرت بهاءالله، نه تنها در سرزمین محلّ ولادتش تثبیت گردید، بلکه موفق به توسعه فعالیت و اتساع ابعاد فعالیت‌هایش در سی و پنج کشور از ممالک عالم گردید.

چنین توفیق قابل توجهی، علیرغم فقدان نظام سازمان یافته و سیستماتیک برای هماهنگی و برانگیختن فعالیت‌های یاران، تحقق یافت. علیرغم ایذاء و آزار، تبعید و شهادت حضرت اعلی، و متعاقب آن، مسجونیت، سرگونی‌های مکرر و نظارت و مراقبت شدید زندگی شخصی شارع معظم امر مبارک و مرکز میثاق امر اعظم، به یمن معرفت الهی و نبوغ اداری قائدین و زعمای امر مبارک، امر الهی از این امواج فشار و اختناق و سرکوبی بقا یافت و قد برافراشت.

با هدایات تفصیلی که طلعات مقدسه به حروف حیّ، حواریون حضرت بهاءالله^{۲۹۰}، حواریون حضرت عبدالبهاء^{۲۹۱}، ایادی امرالله و سایر مبلغین و مروّجین برجسته امر مبارک عنایت فرمودند، جامعه بهائی نه تنها

²⁹⁰ توضیح مترجم: مقصود از حواریون حضرت بهاءالله نوزده نفسی هستند که به این عنوان تسمیه شده‌اند و نام و عکس آنها در صفحات ۱۰۸-۱۰۹ جلد چهارم عالم بهائی مندرج است. اسامی آنها به این شرح است: ۱- جناب میرزا موسی کلیم؛ ۲- جناب میرزا بزرگ نیشابوری ملقب به بدیع؛ ۳- جناب سید حسن اصفهانی ملقب به سلطان الشهداء؛ ۴- جناب ملا ابوالحسن امین؛ ۵- جناب میرزا ابوالفضائل گلپایگانی؛ ۶- جناب میرزا علی محمد وراق؛ ۷- جناب میرزا محمود فروغی ملقب به قائد جیش عرمرم؛ ۸- جناب حاجی ملا علی اکبر شه میرزادی معروف به حاجی آخوند ایادی امرالله؛ ۹- جناب آقا محمد قاننی ملقب به نبیل اکبر، ایادی امرالله؛ ۱۰- جناب حاجی میرزا محمدتقی افغان بانی مشرق‌الاذکار عشق‌آباد ملقب به وکیل‌الحق؛ ۱۱- جناب حاجی میرزا محمدتقی ابهری، ملقب به ابن ابهر، ایادی امرالله؛ ۱۲- جناب ملا محمد زرنندی ملقب به نبیل اعظم؛ ۱۳- جناب شیخ کاظم قزوینی ملقب به سمندر؛ ۱۴- جناب میرزا محمد مصطفی بغدادی؛ ۱۵- جناب میرزا حسین اصفهانی ملقب به مشکین قلم؛ ۱۶- جناب حاجی میرزا حسن ادیب طالقانی، ایادی امرالله؛ ۱۷- جناب شیخ محمدعلی قاننی؛ ۱۸- جناب ملا زین‌العابدین نجف‌آبادی ملقب به زین‌المقرئین؛ ۱۹- جناب میرزا محمد علی ابن اصدق ملقب به شهید بن شهید، ایادی امرالله (جناب هوشنگ گهرریز کتابی تحت همین عنوان در شرح احوال این ۱۹ نفر مرقوم داشته که در سال ۱۹۹۴ توسط انتشارات مرآت انتشار یافته است).

²⁹¹ توضیح مترجم: مقصود از حواریون حضرت عبدالبهاء نوزده نفسی هستند که به این عنوان تسمیه شده‌اند و اسامی و عکس آنها در صفحات ۱۱۸-۱۱۹ جلد چهارم عالم بهائی مندرج است. اسامی آنها به این شرح است: ۱- دکتر جان ابنز اسلمنت؛ ۲- جناب تورتون چیس، اول من آمن آمریکا؛ ۳- جناب هاوارد مک‌نات؛ ۴- خانم سارا فارمر، بانی گرین ایکر؛ ۵- جناب هیولیت دریفوس بارنی؛ ۶- خانم لیلیان کیس، معلم مدرسه تربیت در طهران؛ ۷- جناب رابرت ترنر، اولین بهائی سیاهپوست در آمریکا؛ ۸- کنسول شوارتس؛ ۹- جناب ویلیام راندال؛ ۱۰- خانم لو آگسینگر؛ ۱۱- جناب جوزف هنان؛ ۱۲- جناب تاجر؛ ۱۳- جناب گرین لیف؛ ۱۴- خانم بریتینگهام؛ ۱۵- خانم روزنبرگ؛ ۱۶- خانم هلن گودال؛ ۱۷- جناب آرتور داج؛ ۱۸- جناب ویلیام هر؛ ۱۹- دکتر آوگر، مهاجر بهائی جزایر پاسیفیک

توانست از تفرّق و تحزّب محفوظ و مصون ماند، بلکه متفرّعات آن همچنان به توسعه و پیشرفت ادامه داد. حضرت ولی امرالله آنچه را که به عنوان "بارقه‌های ضعیف اولیه"^{۲۹۲} و "تابشیر اولیه"^{۲۹۳} توصیف می‌فرمایند و در عصر رسولی امر بهائی در پیش‌بینی نظم اداری آینده رخ داد، در دو طغری از توقیعات مبارکه برای ما تلخیص فرموده‌اند.

عبارات مسطور در توابع مزبور این است، "در الواح حضرت بهاءالله که در آن اساس بیت عدل بین‌المللی و بیوت عدل محلی صریحاً معین و مقرر گشته است، در مؤسسه‌ای ایدای امرالله که بدو حضرت بهاءالله تأسیس و سپس حضرت عبدالبهاء آن را به وجود آوردند، در اساس محافل روحانی محلی و ملی که حتی قبل از صعود حضرت عبدالبهاء در مرحله جنینی خود به ایفای وظیفه مشغول بودند، در اختیاراتی که شارع آئین ما و مرکز میثاق در الواح خود به این محافل عنایت فرموده‌اند، در اساس صندوق خیریه محلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص حضرت عبدالبهاء خطاب به پاره‌ای از محافل روحانی در ایران بوده است. در آیات کتاب مستطاب اقدس که در آن تلویحاً به اساس ولایت امر اخبار گشته، درباره اصل توارث و تقدّم ولد ارشد که در جمیع شرایع گذشته معمول بوده است و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود آن را تأیید می‌فرمایند، در جمیع این موارد آثار و علائم اولیه این نظم اداری و جریان آن مشهود است که حضرت عبدالبهاء آن را بعداً در الواح وصایای خویش اعلام و برقرار فرمودند."^{۲۹۴}

فقره دوم این بیانات مبارکه است، "باید متذکر گردید که تابشیر اولیه این نظم ابداع اتقن و شواهد طلوع و سطوع این مقصد اتم در ایام مبارک حضرت عبدالبهاء و حتی در سنین قبل از صعود جمال اقدس ابهی جلّ ذکره و ثنائیه آغاز و تمهیدات لازمه پیش از حلول عصر تکوین از طرف آن دو طلعت نورا جهت حصول این مقصد اعزّ اسنی اتخاذ شده بود؛ از جمله تعیین وانتصاب بعضی از مؤمنین و پیروان مقدم شریعه‌الله در اقلیم جلیل ایران به مقام ایدای امرالله از طرف حضرت بهاءالله و تشکیل محافل شور در مراکز مهمّه بهائی در شرق و غرب به امر مبارک حضرت عبدالبهاء و همچنین انتخاب "هیئت معبد بهائی" در ایالات متحده امریکه و تأسیس صندوق‌های خیریه محلی برای تأمین خدمات و مجهودات امریه و ابتیاع اراضی به منظور وقف در مصالح عمومی و رفع احتیاجات آتیه آن و ایجاد مؤسسه نشریات جهت طبع و اشاعه آثار و ارتفاع اولین مشرق‌الاذکار بهائی در عالم و بنای مقام مقدّس اعلی در صفا جبل کرم و انشاء مسافرخانه برای پذیرائی مبلّغین سیار و زائرین اعتبار مقدّسه - این اقدامات و مشروعات را می‌توان فی‌الحقیقه طلیعه و مبشر مؤسّساتی دانست که

²⁹² دور بهائی، ص ۸۰ (توضیح مترجم: در متن فارسی، ترجمه دو عبارت انگلیسی در هم ادغام شده و به صورت "آثار و علائم اولیه" آورده شده است).

²⁹³ قرن بدیع، ص ۶۶۸

²⁹⁴ دور بهائی، ص ۷۹

می‌بایستی پس از انقضای عصر رسولی در دورهٔ تکوین این امر اعظم به کمال نظم و اتقان تأسیس و با جلوه و شکوه بدیع در سراسر جهان به نحو مؤید برپا گردد.^{۲۹۵}

همانطور که متوجه هستید گزیدهٔ دوم چند مورد تکراری دارد، اما حاوی موارد اضافی نیز هست. برای توضیح روش اساسی که این هیأت‌های مشورتی در ایام قیادت حضرت عبدالبهاء، که برای اولین مرتبه تشکیل شدند، چگونه عمل می‌کردند، مثالی را برای شما ذکر می‌کنم.

محفلی روحانی محلی طهران که در سال ۱۸۹۷ تشکیل شد، اولین محفل در تمام کشور بود. چون اعضاء دارای نظامنامه نبودند، تصمیم گرفتند که مهری داشته باشند که به نه قسمت تقسیم شده بود. وقتی که محفل تشکیل می‌شد، و بعد از اتخاذ تصمیم، منشی می‌بایستی پیش‌نویس نامه را در جلسه تهیه کند و برای اعضاء بخواند. هر یک از اعضاء یک قسمت از مهر را با خود داشت، و وقتی که نامه به تصویب می‌رسید هر یک از اعضاء قسمت خودش از مهر را می‌گذاشت تا نه قسمت با هم ترکیب شود و قالب مخصوص حاصل شود و این امکان فراهم آید که بتوان نامهٔ تصویب شده را مهر کرد. بدیهی است در پایان جلسه هر یک از اعضاء در حالی که قسمت خودش از مهر را در جیب داشت به خانه می‌رفت.

همچنین، در ایالات متحده اولین محفل روحانی محلی کشور در شیکاگو تأسیس شد و چون عنوان بیت‌العدل شیکاگو را برای خود برگزید، حضرت عبدالبهاء نیز آن را همینگونه خطاب فرمودند.^{۲۹۶} اما، بعدها ایشان هدایت فرمودند که عنوان محفل روحانی محلی مناسب‌تر است.

تحت هدایت حضرت ولی امرالله، عنقای نظام اداری بهائی از میان خاکسترهای این پیشگامان و متقدمین تشکیلات امر مبارک برخاست.^{۲۹۷} حتی بعد از انتشار الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، ماهها، و در بعضی موارد سالها طول کشید تا حضرت ولی امرالله به طور کامل برای یاران در ممالک شرق و غرب، که تعداد کافی احباء سکونت داشتند، شرایط اساسی را برای تشکیل محافل روحانی محلی بر مبنای صحیح قانونی توضیح دهند، آنها را هدایت نمایند که چگونه متعاقباً و کلای خود را، بر مبنای متناسب انتخاب نمایند تا

^{۲۹۵} قرن بدیع، ص ۶۶۸

^{۲۹۶} توضیح مترجم: دو مورد در آثار حضرت ولی امرالله مشاهده شده که به این نکته اشاره شده است. در توفیق ۱۷ فوریه ۱۹۲۹ موسوم به نظم جهان‌آرای الهی می‌فرمایند، "حضرت عبدالبهاء ... در لوحی خطاب به اعضاء اولین محفل روحانی شیکاگو یعنی اولین هیأت منتخبه بهائی در آمریکا، آن محفل را بیت‌العدل شهر شیکاگو مخاطب ساخته‌اند." (نظم جهانی بهائی، ص ۱۱) و در توفیق "آمریکا و صلح اعظم" نیز اشارتی موجود، "اولین بیت روحانی شیکاگو که حضرت عبدالبهاء آن را به نام "بیت‌العدل" آن مدینه تسمیه فرمودند." (منتخباتی از توفیعات حضرت ولی امرالله به‌مراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۵۵)

^{۲۹۷} توضیح مترجم: phoenix - ققنوس را گویند. حضرت ولی امرالله در کلمات مکتوبه فارسی "ای عنقای بقا"، این لغت را در معنای عنقا آورده‌اند. و اما، ققنوس و آنچه که جناب نخجوانی در جملهٔ فوق آورده‌اند، در این شرح فرهنگ معین کاملاً روشن می‌شود: "ققنوس مرغی است بغایت خوش‌رنگ و خوش‌آواز. گویند هزار سال عمر کند و چون هزار سال بگذرد و عمرش به آخر آید، هیزم بسیار جمع سازد و بر بالای آن نشیند و سرودن آغاز کند و مست گردد و بال و پر هم زند چنانکه آتشی از بال او بجهد و در هیزم افتد و خود با هیزم بسوزد و از خاکسترش بیضه‌ای پدید آید و او را جفت نباشد و گویند موسیقی را بشر از آواز او دریافته." ملاحظه می‌گردد که ققنوس جوان از میان خاکستر ققنوس پیر به وجود آید و پرواز آغاز نماید.

انجمن‌های شور ملی تشکیل شود، و بالاخره آنها را راهنمایی نمایند که محافل روحانی ملی خود را تشکیل دهند که می‌بایست به عنوان ارکان نگهدارنده قبه عمل کنند؛ این قبه همان بیت‌العدل اعظم بود که مدتهای مدید انتظارش می‌رفت.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، حضرت ولی امرالله در آثار خود، به ساختار اداری، که بهائیان را به برپا کردن آن هدایت می‌کردند، به عنوان *Baha'i Administration* اشاره کرده‌اند. هیکل مبارک در توابع فارسی خود خطاب به احبای شرق، از اصطلاحی معادل آن استفاده کردند. بعد از سیزده سال ایشان اصطلاح صحیح، یعنی نظم اداری بهائی (*Baha'i Administrative Order*) را برای نظام اداری که تازه، طبق رهنمودهای اعطائی ایشان شروع به کار کرده بود، به کار بردند.

در سالهای اولیه ولایت حضرت شوقی افندی، ساختار اداری که در حال ایجاد بود و اندک اندک پدیدار می‌شد، از لحاظ خصیصه و ابعاد محدود و کوچک بود، و لذا، عنوان ساده توصیفی *Baha'i Administration* کاملاً مناسب و کافی بود. اما، غیر از این، باید این نکته را مد نظر داشت که حضرت ولی امرالله اساساً شخصیت متواضع و فروتنی داشتند. فی‌المثل، وقتی که بلافاصله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، الواح مبارکه وصایا را ترجمه فرمودند، برای هر دو کلمه *guardian* (ولی امر) و *branch* (غصن)، هر جا که به ایشان اشاره داشت، از حروف کوچک استفاده می‌کردند. اما، سیزده سال بعد، وقتی که در تویع "دور بهائی" از الواح مبارکه وصایا نقل قول فرمودند، هر دو کلمه مزبور را با استفاده از حروف بزرگ نوشتند: *Guardian* و *Branch*.

ایشان کاملاً احساس کرده بودند که مقام ایشان به عنوان ولی امر الهی تا آن زمان به سهولت بیشتر درک و پذیرفته می‌شد.

همه ما با آن بیان معروف در کتاب اقدس که رسماً ظهور و بروز نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله را اعلام می‌دارد، آشنا هستیم. با توجه به اهمیت این آیه، مایلیم آن را مجدداً نقل کنیم: "قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ماشهت عین الإبداع شبهه." (بند ۱۸۱)

تا آن روز در سال ۱۹۳۴ که حضرت ولی امرالله این آیه مهم و کلیدی در ام‌الکتاب حضرت بهاءالله را ترجمه فرمودند، عموم احبباء را تصور بر این بود که هدف از این آیه آن است که آیات کتاب اقدس از ترتیب خاص و بی‌نظیری برخوردار است که با ترتیب آیات کتاب بیان یا سایر کتب مقدسه ادوار سالفه تفاوت دارد. در بیان نیز آیه‌ای است که به نظم حضرت بهاءالله اشاره دارد. این آیه قرینه نیز به همان صورت تلقی می‌شد، به عبارت دیگر، به این معنی که کتاب اقدس، بر خلاف بیان، قطع و شکل خاص خود را خواهد داشت.

وقتی در سال ۱۹۵۷ به زیارت اعتاب مقدّسه رفته بودم، در موقعیتی، حضرت ولی امرالله این آیه از کتاب اقدس را نقل فرمودند. چون بعد از زیارت این آیه، هیکل مبارک مکث فرمودند، من فرصتی یافتم که حضور مبارک عرض کنم محققین امرالله در ایران معنای این آیه را بکلی اشتباه برداشت کرده‌اند و در کلاس‌هایی که من شرکت کرده‌ام، این برداشت نادرست به محصلین آموزش داده می‌شود. و افزودم، "اگر عالم بهائی فاقد ولی امرالله بود، حالا در کجا واقع شده بود؟" حضرت ولی امرالله در جواب سخنان من لبخندی زده فرمودند، "نیکلا دریافت، اما احباء در نیافتند." همانطور که می‌دانید، نیکلا مستشرق فرانسوی بود، و اگرچه نه بابی بود و نه بهائی، حضرت باب را تمجید و تحسین می‌کرد و بیان فارسی و بیان عربی را به زبان فرانسه ترجمه کرد.

وقتی کسی توابع حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی و فارسی را که در دوران زعامت ایشان صادر شده زیارت می‌کند، مشاهده این نکته چندان دشوار نیست که ایشان دو هدف مدّ نظر داشتند. هدف اول این که در نظر ایشان روشن بود که بیت‌العدل اعظم، یعنی آخرین واحد بنای نظم اداری، مانند قبه، اکلیل، نقطه اوج ساختمان بود، و هیکل مبارک این نکته را در آثار خویش منعکس می‌ساختند. این قبه نمی‌توانست بدون ارکان و ستون‌های نگهدارنده آن در هوا معلق بماند. این ارکان جز محافل روحانی ملّی نبودند. حتی نه محفل هم کفایت می‌کرد، اما مسلماً هرچه بیشتر بهتر. اما، این محافل ملّی می‌بایستی بر شالوده محکم محافل روحانی محلی استوار باشد، که باید بر مبنایی محکم و سالم ایجاد می‌شد. در مارس ۱۹۲۳ هیکل مبارک فرمودند، "تأسیس بیت‌العدل اعظم تنها منوط به وجود این محافل محلی و ملّی است که متحداً و جدّاً و منظماً در سراسر عالم بهائی به خدمت قیام نمایند."^{۲۹۸}

هدف ثانی که بر آن تمرکز داشتند استفاده از این تشکیلات اداری برای ترویج امر تبلیغ به طور یکپارچه و سیستماتیک بود. برای این فعالیت جهانی هیچ منشوری مناسب‌تر از الواح نقشه تبلیغی حضرت مولی‌الوری وجود نداشت. بنابراین ایشان مایل بودند مشاهده کنند که هر محفل ملّی نه تنها در حال اجرای اهداف نقشه تبلیغ و تحکیم در محدوده حوزه تحت اشرافش است، بلکه هدف غائی عبارت از ایجاد پل‌هایی بین این محافل ملّی بود.

اندکی اگر از موضوع اصلی بحث خود دور شویم مفید خواهد بود. وقتی که بهائیان بریتانیا در سال ۱۹۵۱ نقشه شش‌ساله خود را به پایان رساندند، حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملّی بریتانیا اطلاع دادند که قصد دارند بلافاصله نقشه‌ای دوساله را آغاز کنند که هدف آن در وهله اولی استقرار مهاجرین و ترویج امر تبلیغ در آفریقای شرقی و غربی بود. ایشان همچنین از محافل روحانی ملّی ایالات متّحده، ایران، مصر و

²⁹⁸ نظامات بهائی، ص ۹۹-۱۰۰

هندوستان دعوت کردند که در این طرح با محفل روحانی ملی بریتانیا همکاری نمایند. در پیام هیکل مبارک که آغاز مرحله دوساله معاضدت میان محافل روحانی ملی را اعلام می کرد، مرحله بعدی مساعی معاضدتی در میان کلیه محافل روحانی ملی عالم پیش بینی شده بود. این به وضوح دلالت بر طرح و آغاز جهاد دهساله هیکل مبارک داشت. ایشان در ادامه فرمودند که چنین تعهداتی مقدمه نقشه های تبلیغی و مهاجرتی آینده خواهد بود که توسط بیت العدل اعظم طرح و هدایت خواهد شد.

بیت العدل اعظم در یکی از پیام های اولیه خود در ۹ مارس ۱۹۶۵ که در خصوص انتخاب آن معهد اعلی اظهار نظر کردند، می فرمایند، "حضرت ولی امرالله نقشه های صریح، روشن و تفصیلی به عالم بهائی عنایت فرمودند بودند که دوره تا رضوان ۱۹۶۳، یعنی تا پایان جهاد روحانی دهساله را در بر می گرفت. از آن زمان به بعد، برای جلوگیری از مواجهه امر مبارک با مخاطرات، وجود هدایت الهی بیشتری ضرورت داشت. این دومین دلیل مبرم برای دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم بود. اشارات حضرت ولی امرالله در توابع مبارک به این نکته که نقشه های دیگری بعد از نقشه دهساله تحت هدایت بیت العدل اعظم ارائه خواهد گردید، مقتضی و مناسب بودن زمان را تأیید می کند. یکی از این اشارات عبارات زیر است که از توفیق مبارک مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ خطاب به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا استخراج شده است؛ توفیق مزبور در مورد نقشه دوساله محفل ملی مزبور است که بلافاصله مقدم بر جهاد کبیر اکبر روحانی دهساله بود. «آغاز مشروعات عهد آتیه عصر تکوین امر مبارک، که در حیطة و محدوده خود جمیع محافل ملّیه فعال در سراسر عالم بهائی را در بر می گیرد، بر حصول توفیق در این نقشه، که از نظر ابعاد بی سابقه، از لحاظ خصوصیات عدیم النظیر، و از لحاظ امکانات و استعداد روحانی وسیع است، باید مبتنی باشد؛ مشروعاتی که فی نفسه عبارت از مقدمه ای بر شروع نقشه های جهانی است که در مراحل آینده عصر تکوین، بیت العدل اعظم بدان مبادرت خواهد ورزید که نماینده وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود.» (ترجمه) ^{۲۹۹}

حضرت ولی امرالله پیام مشابهی خطاب به محفل ملی ایالات متحده ارسال داشتند. در آن زمان من در طهران و عضو محفل ملی ایران بودم. من بهت و حیرتی که این پیام به وجود آورد به خاطر می آورم. این بدان علت نبود که انتخابات بیت العدل اعظم اینقدر نزدیک می شد، بلکه بدان علت بود که هیئت مزبور که اساساً هیأتی تشریحی بود می بایست امور تبلیغی آینده را طراح و هدایت نماید - نه حضرت ولی امرالله که همیشه با نقشه های تبلیغی مرتبط بودند.

²⁹⁹ نقل ترجمه از صفحه ۳۲ جزوه "گزیده ای از آثار مبارک حضرت بهاء الله ... درباره تأسیس بیت العدل اعظم الهی"

وقتی که حضرات ایادی امرالله در سراسر عالم، که حضرت ولی امرالله تازه آنها را، در اکتبر ۱۹۵۷ به عنوان "حارسان اعظم جامعه جنینی امر حضرت بهاءالله"^{۳۰۰} تسمیه فرموده بودند، در ماه نوامبر همان سال، بعد از صعود هیکل مبارک در ارض اقدس اجتماع نمودند، خیلی زود متوجه شدند که عالم بهائی هیچ چاره‌ای ندارد جز آن که تا سال ۱۹۶۳، که بیت‌العدل اعظم تشکیل خواهد شد، به فعالیت خود تحت هدایت اهداف جهاد ده‌ساله ادامه دهد. حضرت ولی امرالله اواخر ایام حیات عنصری خود، بیش از یک مرتبه، فرمودند که در چنین سالی نبوت دانیال نبی در مورد ۱۳۳۵ روز، همانطور که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده بودند، تحقق خواهد یافت. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "یومئذ یفرح المؤمنون."^{۳۰۱}

همانطور که قبلاً در سخنانم خاطر نشان ساختم، هدف درازمدت امر حضرت بهاءالله صلح اعظم است که موجب مدنیت بهائی خواهد شد که نوع بشر شبه و مثل آن را مشاهده نکرده است. نظم اداری، که امور اداری بهائی مقدمه آن بود، صرفاً مرحله مقدماتی در این فرایند است. این نظم اداری را حضرت ولی امرالله مرحله جنینی که به ظهور نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله منجر خواهد شد، توصیف فرموده‌اند. و این به نوبه خود، به ایجاد ممالک متحد جهانی بهائی منتج خواهد شد که صلح اعظم را تأسیس خواهد کرد و متعاقباً مدنیت جهانی بهائی را به وجود خواهد آورد. اگر جمع‌بندی کنیم، مراحلی که این فرایند از آن عبور می‌کند، عبارتند از: امور اداری بهائی؛ نظم اداری بهائی؛ نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله که به ظهور عصر ذهبی امر مبارک دلالت دارد؛ ممالک متحده جهانی بهائی؛ صلح اعظم و بالاخره تولد مدنیت بدیع موعود.

حضرت ولی امرالله چندین مرتبه توضیح داده‌اند که بین نظم اداری و نظم بدیع جهانی تفاوت وجود دارد. نظم اداری، همانطور که هم‌اکنون گفتیم، مرحله جنینی نظم بدیع جهانی است که باید متولد شود. فقدان نسبت‌های دلپذیر قابل مشاهده در اعضاء مختلف بدن جنین، در نظر ناظری غافل، زشت، ناهماهنگ، و ناقص جلوه می‌کند. اما، در نظر ناظری خردمند و باهوش، عدم انسجام ظاهری صرفاً مرحله‌ای ضروری در پدید آمدن، نه موجودی به ظاهر هولناک و غول‌پیکر، بلکه جنینی فوق‌العاده حساس، مستمرراً در حال تکامل، و طبیعتاً

³⁰⁰ نقل ترجمه از صفحه ۶۸ قرن انوار (توضیح مترجم: این عنوان در توفیق اکتبر ۱۹۵۷ مندرج در "توفیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹"، ص ۲۸۹ ذکر شده اما ترجمه آن اینگونه آورده شده است: "خداًم برگزیده حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است.")

³⁰¹ امر و خلق، ج ۴، ص ۴۸۱ (توضیح مترجم: بشارت دانیال نبی در باب ۱۲ آیه ۱۲ است. در کتاب مفاوضات (ص ۳۴) ذکری گذرا از آن شده است. اما در موارد دیگر از قلم حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله نکاتی در این خصوص در جواب احیاء صادر شده است. فی‌المثل بیانی که قسمتی از آن در بالا نقل شد می‌فرمایند، "و اما ما سألت من الآیة الموجودة فی سفر دانیال «طوبی لمن یری الف و ثلاث مائة و خمسة و ثلاثین» هذا سنة شمسیة لیست بقمریة. لأنّ بذلك التاریخ ینقضی قرن من طلوع شمس الحقیقة و تعالم الله تتمکن فی الأرض حق التمكن و تملأ الأنوار مشارق الأرض و مغاربها یومئذ یفرح المؤمنون." و حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "تغییر اوضاع حاضره در ایران ربطی به بشارت کتاب دانیال و اتمام قرن اول بهائی ندارد. این بشارت راجع و مرتبط به نصرت امرالله و تعمیم اصول شریعة الله در شرق و غرب عالم است. اختصاص به اقلیمی نداشته و ندارد." (امر و خلق، ج ۴، ص ۴۸۲) و حضرت عبدالبهاء در بیانی می‌فرمایند، "هزر و سیصد و سی و پنج سنه مذکورہ بدایتش از یوم هجرت حضرت رسول محمد المصطفی علیه الصلوٰة و السلام است که در آن تاریخ آثار علو و امتناع و سمو و اعتلاء از برای کلمة الله در شرق و غرب حاصل گردد." (مائده آسمانی، ج ۹ ص ۲۲)

در حال رسیدن به مرحله رسیدگی و آمادگی، ملحوظ می‌گردد. وقتی که میقات مقرر فرارسد، و آنچنان که شایسته و بایسته است متولد شود، موجب حظّ بصر خواهد بود - نوزادی جذّاب و گیرا با لبخندی دلربا خواهد بود.

این مقایسه را من به این دلیل انجام می‌دهم که تفاوت بین دو دیدگاه را نشان دهم: یکی چشم‌اندازی مطالعه شده، آگاهانه و با نتیجه‌گیری خردمندانه است؛ دیگری مطالعه نشده، عجولانه و نسنجیده است. متأسفانه باید بگویم که ما اظهار نظرهای زیادی از مقولهٔ دوم از بهائیان پیرامون خودمان می‌شنویم، احبّائی که دارای حسن نیت هستند اما متأسفانه نتوانسته‌اند فرایندهایی را که در جریان هستند درک کنند. موقعی که آنها در عملکرد تشکیلات جنینی ما مسأله و مشکلی، نسنجیدگی و ناپختگی مشاهده می‌کنند، با ناشکیبایی صدای خود را به انتقاد بلند می‌کنند، که اگرچه قصد بدی ندارند، اما می‌تواند غالباً موجب نارضایتی شود یا حتی مخرب و زیانبار باشد.

از آنجا که حضرت عبدالبهاء بر اصول روحانی که باید حاکم بر حیات جامعهٔ بهائی ما و وجه تمایز آن باشد، تأکید می‌فرمایند، بسیاری از بهائیان در غرب این برداشت نادرست را داشته‌اند که سازماندهی با اهداف و مقاصد دیانت بهائی بیگانه بوده است.

تردیدی نیست که اواخر حیات عنصری حضرت عبدالبهاء، یادداشت‌های زائرین که به آن حضرت نسبت داده می‌شد و در میان احبّای ایالات متّحده دست به دست می‌گشت، این تأثیر را به جای گذاشت که امر بهائی دارای هیچ سازمان و تشکیلاتی نیست. وقتی از حضرت عبدالبهاء سؤال شد که آیا چنین اظهار نظری صحیح است، هیکل مبارک قاطعانه آن را ردّ کردند. متأسفانه، این یادداشت‌های زائرین به قوت خود باقی ماند و زمانی که حضرت ولیّ امرالله تدریجاً از احبّاء دعوت کردند که اساس و شالودهٔ محافل محلی خود را بگذارند و برای تأسیس محافل ملی آماده شوند، دریافتند که یک مرتبهٔ دیگر باید صریحاً بیان فرمایند که آنچه در یادداشت‌های زائرین به حضرت عبدالبهاء نسبت داده می‌شود، اساسی ندارد.

هیکل مبارک در فوریه ۱۹۲۹ خطاب به احبّای ایالات متّحده و کانادا مرقوم فرمودند، "درمانده/م که چگونه ذهنیت غربی را توضیح دهم که تمایل دارد، بی‌توجه و کاملاً بی‌اعتناء به متون موجود از آثار مبارکهٔ حضرت عبدالبهاء که در سراسر جهان مورد تصدیق قرار گرفته، بر آنچه که فی‌الحقیقه فقط ترجمهٔ مبهم و غیرموثقی از بیانات شفاهی هیکل مبارک است، به عنوان تنها معیار حقیقت تعالیم بهائی صحّه بگذارد. این عبد از تحریفات تلخ و ناگواری که در گذشتهٔ ایام منتج از عجز و ناتوانی مترجم از درک مقصود حضرت عبدالبهاء، و نیز عدم کفایت او در بیان مستوفای چنین حقایقی بوده که از لسان هیکل مبارک خطاب به او صادر شده، بسیار متأسفم. عمده اشتباهاتی را که مانع درک و فهم احبّاء شده باید به این دو خطایی نسبت داد که در

انتقال نارسا و غیردقیق بیاناتی که فقط تا حدی درک شده رخ داده است. مترجم مکرراً حتی از انتقال مقصود فردی که سؤالاتی مشخص و معین را مطرح کرده، عاجز مانده و به علت عدم درک و بیان صحیح در انتقال جواب حضرت عبدالبهاء، مسئول شرح و تفاسیری است که با روح و مقصود حقیقی امر مبارک بالمره در تناقض و تباین است.^{۳۰۲}

هیكل مبارک در همان تاریخ مرقوم فرمودند، "چون جنبه بین‌المللی امر بهائی با آن متفرعات وسیعش و تنوعات امورش و کثرت تفاوت پیروانش ملاحظه گردد و حملات گوناگونی که این امر نوزاد را از هر جهت احاطه کرده در نظر آید، آنوقت بلاشک اذعان خواهیم کرد که فقط یک نوع سازمان و تشکیلات منظم لازم است که بتواند در بحبوحه طوفان و فشار تمدن رو به زوال کنونی بر حراست و وحدت و اصالت و حفظ مصالح عالیة امرالله توفیق یابد. رد کردن و منکر شدن صحت و اعتبار محافلی که از اماناء منتخبه امر حضرت بهاءالله تشکیل یافته بمنزله مردود شمردن الواح نامحدودی است که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء صادر فرموده و در آن مزایا و وظائف اعضاء محافل را ستوده و عظمت خدمتشان را بیان فرموده و کثرت مشاغلشان را معلوم ساخته و آنان را انداز نموده‌اند که منتظر حملات و لطماتی باشند که از نادانی دوستان و کید دشمنان متوجه آنان خواهد شد."^{۳۰۳}

به یمن این توضیحات، حملاتی که توسط نفوسی مانند روت وایت و احمد سهراب علیه حضرت ولی امرالله صورت گرفت، دفع شد. وضوح توضیحات و تبیینات حضرت ولی امرالله و استقامت و تمسک وفادارانه یاران به مندرجات الواح مبارکه و صایا، به این مناقشه خاتمه داد.

تا اینجا به شکل نظم اداری و ضرورت و اجتناب‌ناپذیری آن پرداختیم. اما اگر شکل و صورت ظاهر به مدد روح از حیات برخوردار نگردد، جسم معطل و جسد مرده باقی ماند. به این علت است که حضرت ولی امرالله از همان آغاز توضیحات خود درباره اصول زیربنایی نظم اداری امر مبارک، مستمراً ضرورت کامل توسعه و پرورش روحی را که باید همیشه در کانون نظم اداری باشد و طریقی را که تشکیلات دعوت شده‌اند که در پیش گیرند روشن سازد، به احباء یادآوری می‌فرمودند.

از قلم مبارک بیاناتی به صورت توصیه صادر می‌شد. فی‌المثل در مارس ۱۹۲۳ مرقوم فرمودند، "اما باید مراقب باشیم - حضرت مولی‌الوری مستمراً از عالم بالا به ما یادآوری می‌فرمایند - مبادا بیش از حد به مواضعی مشغول شویم که از اهمیت ثانویه برخوردار است و مدتی طولانی به اشتغالات ذهنی نسبت به جزئیات امور و فعالیت‌ها توجه نماییم که ما را نسبت به اساسی‌ترین و میرم‌ترین وظایف ما غافل و بی‌توجه سازد، یعنی

³⁰² ترجمه - اصل بیانات مزبور در صفحات ۴-۵ World Order of Baha'u'llah مندرج است که می‌بایستی ترجمه آن در صفحه ۹ نظم جهانی

بهائی باشد، که بکلی حذف شده است.

³⁰³ نظم جهانی بهائی، ص ۱۵

آن که توجه خود را نسبت به تبلیغ امرالله فراموش کنیم، و از ابلاغ پیام نجات بخش الهی به جهانی مستأصل و در مانده غفلت نماییم.^{۳۰۴}

در فوریه ۱۹۲۹ مرقوم فرمودند، " حال لازم است که درباره مقاصد حیات بخش و وظائف مهمه این مؤسسات الهی بیندیشیم؛ مؤسساتی که صفات ممیزه مقدسه و نفوذ جهانگیرش در روح و نشاطی که در عالم برانگیخته و توفیقاتی که به دست آورده بخوبی مشاهده می شود. قبلاً گفته شد که تشکیلات بهائی را باید به منزله آلت و وسیله دانست و نباید آن را بدل و جانشین آئین بهائی شمرد؛ تشکیلات بهائی مانند مجرائی است که در آن نعم و مواهب موعوده حضرت بهاءالله جاری گردد و از انجمادی که مانع ظهور قوای آزادی بخش آئین مقدس بهائی است جلوگیری نماید...^{۳۰۵} یقیناً کسانی که میراثی چنین مرغوب به ایادی آنها سپرده شده باید در کمال تضرع و ابتهاج مراقب باشند مبدا آلت و وسیله جایگزین نفس امر مبارک گردد، مبدا توجه بی دلیل و نامتناسب به جزئیات امور ناشی از امور اداری امر مبارک مانع از بینش و بصیرت مروّجین آن گردد، مبدا تبعیض و جانبداری، جاه طلبی، و دنیادوستی به مرور ایام مانع از سطوع انوار امر مبارک گردد، خلوص و طهارت آن را ملوث سازد و آن را از تأثیر و نفوذ باز دارد و تضعیف نماید. " ما، به عنوان خادمان این امر مبارک باید متوجه مفاسدی که باید از آن اجتناب نمود باشیم، یعنی تبعیض و جانبداری، جاه طلبی و دنیادوستی. هیکل مبارک در دسامبر ۱۹۳۵ خطاب به یکی از آحاد احباء چنین مرقوم فرمودند، " لهدا، امر بهائی، مانند کلیه ادیان الهی دیگر، اساساً از خصیصه ای عرفانی برخوردار است. هدف اصلی آن ارتقاء فرد و جامعه، از طریق کسب فضائل و قوای روحانی است. ابتدا باید روح انسانی را پرورش داد. آنچه که می تواند به بهترین وجه این تربیت را تأمین نماید توسل به ذیل دعا است. احکام الهی و تشکیلات امریه، آنگونه که حضرت بهاءالله ملاحظه می فرمودند، تنها در صورتی می توانند مؤثر باشند که حیات روحانی باطنی ما تکامل یافته و متحوّل شده باشد. والّا دیانت در حدّ سازمان و تشکیلات صرف تنزل و تدنّی خواهد یافت، و به موجودی محروم از روح و جان تبدیل خواهد گردید.^{۳۰۶} ما باید توجه داشته باشیم که چگونه با عدم سعی و تلاش برای متحوّل ساختن حیات باطنی روحانی خود، ممکن است روح امر را از بین ببریم، و باعث شویم که تشکیلات نظم اداری به موجودی بی روح و عاری از حیات تبدیل گردند.

ما این نکته را نیز باید ملاحظه نظر داشته باشیم که بیاناتی از این قبیل که از قلم حضرت ولی امرالله صادر شده با آنچه که حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس فرموده اند هماهنگی کامل دارد، یعنی این که اعضاء بیوت عدل در هنگام انعقاد جلسه باید "یرون کانهم یدخلون محضرالله العلیّ الاعلیّ و یرون من لایری." مضافاً

³⁰⁴ ترجمه - بیان مبارک مندرج در صفحه ۴۲ Baha'i Administration

³⁰⁵ نظم جهانی بهائی، ص ۱۴ - بقیه مطلب در ترجمه فارسی حذف شده، لهذا اقدام به ترجمه گردید - م

³⁰⁶ ترجمه - جلد ثانی Compilation of Compilations صفحات ۲۳۸ و ۴۲۶

حضرت بهاء الله از آنها می‌خواهند که خود را "وكلاء الله لمن على الأرض" ملاحظه نمایند و "یشاوروا فی مصالح العباد لوجه الله كما یشاورون فی امورهم و یختاروا ما هو المختار . كذلك حکم ربکم العزیز الغفار. ایاکم أن تدعواکم ما هو المنصوص فی اللوح. اتقوا الله یا اولی الأنظار." (بند ۳۰)

حضرت بهاء الله، در این آیات فناپذیر کتاب اقدس، نه تنها به اعضاء محافل روحانی توصیه می‌فرماید که عمیقاً روحانی باشند، بلکه باید از خود گذشته، فداکار، نوع دوست و دارای ذهنی جهانی و عمومی باشند. حضرت ولی امرالله در ادامه توضیح می‌فرماید، "باید متوجه بود که مقصد اصلی شریعة الله حکومت جابرانه و استبداد رأی نبوده بلکه اساس آن دوستی و مودت خاضعانه و مشورت آزاد و صمیمانه است"^{۳۰۷} و وظائف روحانی نمایندگان منتخب امرالله را حضرت ولی امرالله در این بیانات مبارکه مطرح فرموده‌اند: "وظائف اعضای محفل امر کردن و تحکیم نبوده بلکه مشورت است و آن هم نه تنها مشورت بین خود، بلکه باید هر چه بیشتر ممکن شود با منتخبین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً خود را بمنزله وسائلی بدانند که برای معرفی امرالله به طور شایسته و مؤثر انتخاب شده‌اند. آنان نباید هرگز چنین تصور نمایند که بمنزله زینت و زیور هیکل امرالله بوده و فطرتاً از حیث استعداد و یا لیاقت بر دیگران تفوق داشته و یگانه مروجین تعالیم و مبادی امرالله می‌باشند. آنها باید با کمال خضوع به وظائف خود قیام کرده با فکری آزاد از هر گونه تقید^{۳۰۸} و از روی نهایت انصاف و وظیفه‌شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تام به منافع و مصالح یاران و امرالله و عالم انسانیت چنان همّتی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و حمایت واقعی و احترام موکلین خود واقع شوند، بلکه باید قدرشناسی و محبت قلبی آنان را نیز جلب نمایند. و باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط‌طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هر گونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند و با کمال تدبّر و حکمت احباء را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظریه خود را با آنها در میان نهند و مشکلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت‌جوئی نمایند و چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص نیت و حسن طویرت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجه و تبّتل نمایند و با صفای قلب و ایمان کامل و شهادت تام ابدای رأی نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند..."^{۳۰۹}

³⁰⁷ نظامات بهائی، ص ۵۲ / پیام بهائی، شماره ۱۸۲، ص ۱۷

³⁰⁸ توضیح مترجم: در نظامات بهائی "فکری روشن" آمده، اما در ترجمه پیام ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم خطاب به محفل ملی آمریکا، این قسمت به

صورت فوق اصلاح شده است. (پیام بهائی، شماره ۱۸۲، ص ۱۷)

³⁰⁹ نظامات بهائی، صفحات ۵۳-۵۴

همانطور که از این بیانات مبارک مستفاد می‌شود، روح و صورت هر دو حائز اهمیت هستند و آنچه که مهم‌تر است، روح محبت، تواضع و خلوص است، که باید در مشاورات و اقدامات کلیه تشکیلات امریه جریان داشته باشد.

تردید نیست این روح باید همچین قوه برانگیزاننده و الهام‌بخش کسانی باشد که، به عنوان مروّجین و حامیان انتصابی امر مبارک، مانند مشاورین، اعضاء هیأت معاونت و مساعدین، از افتخار خدمت برخوردارند. وقتی از حضرت ولی امرالله تقاضا شد اوصاف مؤمن حقیقی را برای توجه محافل روحانیه که عضویت متقاضیان ورود به جامعه بهائی را مدّ نظر قرار می‌دهند، بیان نمایند، یکی از شرایط اساسی که ایشان تصریح فرمودند، "ارتباط نزدیک با روح و شکل تشکیلات کنونی بهائی در تمام عالم"³¹⁰ بود. این یکی از اصول حیاتی اداری امر مبارک است. فرد بخشی سازمند (ارگانیک) از جامعه‌اش است. او نمی‌تواند، و نباید، خود را از فعالیت‌های جامعه منقطع سازد. یکی از وجوه تمایز امر مبارک عبارت از مشارکت اساسی فرد در حیات جامعه است، که به نوبه خود، وقتی که توسعه می‌یابد، تأثیر سالم خود را بر فرد می‌گذارد و ارتقاء روحانی او را سبب می‌گردد. حضرت بهاءالله در کتاب اقدس به ما می‌فرماید که افراد مانند عناصر تشکیل دهنده و اعضاء هیكل بشری هستند. این بدان معنی است که رفاه و آسودگی یک بخش عبارت از رفاه و آسودگی کل است. ناراحتی و رنجوری جزء عبارت از رنجوری و ناراحتی کل است. مضافاً، جامعه می‌تواند به عنوان آزمایشگاهی عمل کند که فرد در آن می‌تواند آرمانها و اصول امر مبارک را که پذیرفته است در اقدامات ملموس و سازنده ظاهر سازد. به این ترتیب، مشارکت در امور جامعه به فرایندی یادگیری برای درک بهتر خواهد بود که چگونه نظریه‌ای را که امر مبارک آموزش داده می‌توان در خدمت در میدان جامعه واقیعت پوشاند. کل این به آن معنی است که ما به عنوان بهائیان مخلص باید از دو حدّ افراط و تفریط اجتناب نماییم» (۱) تمسک به حدود و احکام امر مبارک که قابلیت کاربرد در مورد فرد دارد، به استثناء ارتباط با جامعه و (۲) مشارکت کلی در فعالیت‌های جامعه، به استثنای تبعیت از الگوی حیات بهائی، که بر فرد الزام‌آور است.

بخش آخر سخنان امروز من درباره امراء و علماء است - که آنها که هستند، چگونه مکمل یکدیگرند، و پیوندهای روحانی که آنها را به یکدیگر و به بقیه جامعه ربط می‌دهد، کدامند. بیت‌العدل اعظم در مکتوب ۲۳ آوریل ۱۹۷۲ در ارتباط با این سؤال فرمودند، "جمال قدم جلّ ذکره‌الاعظم در کتاب عهدی می‌فرمایند «طوبی للامراء و العلماء فی البهاء» و حضرت ولی امرالله در توفیق چهارم نوامبر ۱۹۳۱ درباره این بیان می‌فرمایند، «علماء در این کور مقدّس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلّغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند، ولی رتبه اولی را در تبلیغ حایز. مقصود از امراء اعضاء بیت‌العدل محلی و ملی و بین‌المللی است.

³¹⁰ نظامات بهائی، ص ۵

وظایف هر بیک از این نفوس من بعد معین گردد.» "بیت العدل اعظم بعد از نقل بیان حضرت ولی امرالله، چنین فرموده‌اند، "ایادی امرالله، مشاورین و اعضاء هیأت معاونت مشمول تعریفی می‌شوند که حضرت ولی محبوب امرالله از "علماء" فرموده‌اند... پس از صعود حضرت ولی امرالله هنگامی که بیت العدل اعظم مقرر داشت نمی‌تواند جهت امکان تعیین و انتصاب ایادی جدید امرالله قانونی وضع نماید، این قرار ایجاب نمود بیت العدل اعظم مؤسسه جدیدی را به وجود آورد که بتواند اعضای آن را رأساً تعیین و تسمیه نماید و بدین ترتیب دو وظیفه صیانت و ترویج امرالله که به عهده ایادی امرالله است، در مستقبل ایام استمرار یابد و مؤسسه ایادی امرالله را به نحوی تحویل بخشد که بتواند مؤسسه جدیدالولاده را پرورش دهد و تا زمانی که میسر است با آن همکاری و معاضدت صمیمانه نزدیک داشته باشد. همچنین لازم و ضروری بود ترتیبی اتخاذ شود تا به نحوی مؤثر از خدمات بی نظیری که ایادی امرالله انجام می‌دهند حد اکثر استفاده شود..."

بیت العدل اعظم در همان مکتوب از یکی از توقیعات حضرت ولی امرالله نقل می‌کنند. در این توقیع "خطاب به محفل روحانی بهائیان استانبول مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۷، کاتب حضرت ولی امرالله از جانب آن حضرت اصل اقدام و عمل از طریق غلبه آراء در امرالله را تشریح نموده و متذکر شده است در گذشته اشخاصی که خود را اعلم و اجل می‌دانستند مایه تفرقه می‌گردیدند و نفوسی که خود را افضل از کل می‌دانستند، سبب اختلاف گشتند. ولی الحمدلله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علماء و عقلاء را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علماء و افضل فضلاء باشد، میزان نفرمودند و امور را به مراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومی مالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند. بل جمیع محافل مقدسه را در ظل یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظل محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند."

بیت العدل اعظم بعد از نقل مکتوب حضرت ولی امرالله، ذیلاً اینگونه استنتاج می‌فرمایند، "هرچند جمال قدم جل اسمه الاعظم مفاسدی را که ذاتاً در مؤسسات "علماء" در ظهورات سابقه موجود است، برای ابد از شریعت الله محو و زایل فرموده‌اند، ولیکن چنان که حتی از مطالعه صریح و اجمالی پیام مورخ چهارم جون ۱۹۵۷ بر می‌آید، عوامل مفیده موجوده در این مؤسسات را در نظم اداری خویش وارد نموده‌اند، عواملی که برای پیشرفت و تقدّم امرالله حائز ارزش اساسی هستند.

وجود مؤسساتی چنین رفیع الشان که از افرادی تشکیل شده است که وظائفی چنین خطیر به عهده دارند، ولیکن دارای اختیارات تقنینی و اداری و قضائی نیستند و به کلی از وظائف روحانیون ادوار سلف و حق و صلاحیت تبیین و استنباط رسمی آثار الهیه مبرا و فارغند، از شئون مختصه نظم اداری بهائی است که در ادیان گذشته بی نظیر و منیل است. درک و فهم این مفهوم بدیع و فرید البته صعب و دشوار است و تنها در رشد و

تکامل جامعه بهائی و ازدیاد عرفان احبای الهی به اصول نظم اداری، عرفانی که فارغ از تأثیرات حاصله از معتقدات ازمنه ماضیه باشد، رابطه متقابل اتکاء و تعلق "امراء" و "علماء" در شریعة الله و ارزش حد و حصر تعاضد و تأثیرات متقابله آنان در یکدیگر به نحو شایسته‌ای مفهوم و معلوم خواهد گردید.³¹¹

قریب شش سال بعد، سؤالی در رابطه با این موضوع توسط یکی از احباء مطرح شد که مستلزم توضیحات بیشتری در مورد موضوع مورد بحث بود. دارالانشاء در تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۷۸ از طرف بیت‌العدل اعظم این توضیحات را مرقوم داشت، "هیأت مشاورین دارای مسئولیت خاصّ توجه به صیانت و ترویج امرالله در سراسر منطقه قاره‌ای است که شامل تعدادی جوامع ملی بهائی می‌شود. هیأت مزبور در ایفای وظائف مزبور نه به هدایت محافل روحانی می‌پردازد و نه راهنمایی آحاد احباء را به عهده دارد، بلکه از رتبه و مقامی ضروری برخوردار است که آن را قادر می‌سازد اطمینان حاصل نماید که مستمراً در جریان امور قرار می‌گیرد و محافل روحانی به توصیه‌ها و رهنمودهایش توجه کافی مبذول خواهند داشت. اما، جوهر روابط بین تشکیلات بهائی عبارت از مشاوره محبت‌آمیز و منویات یکسان و مشترک برای خدمت به امر الهی است نه موضوع رتبه و مقام. از آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله و بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء و تبیینات حضرت ولی امرالله کاملاً واضح و مشهود است که عملکرد صحیح و مناسب جامعه بشری مستلزم حفظ طبقات و مراتب در میان اعضاء است. یاران باید بدون ادنی رشک و حسدی این موضوع را تصدیق نمایند، و نفوسی که حائز رتبه و مقامی هستند هرگز نباید از موقعیت خود سوء استفاده نمایند یا خود را برتر از دیگران محسوب نمایند.

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، «از جمله اتحاد مقام است و او است سبب قیام امر و ارتفاع آن مابین عباد. برتری و بهتری که به میان آمد، عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت. نفوسی که از بحر بیان رحمن آشامیده‌اند و به افق اعلی ناظرند، باید خود را در یک صُقع و یک مقام مشاهده کنند. اگر این فقره ثابت شود و به حول و قوه الهی محقق گردد، عالم جنت ابهی دیده شود. بلی، انسان عزیز است، چه که در کلّ آیه حق موجود؛ ولیکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائی است کبیر. طوبی از برای نفوسی که به طراز این اتحاد مزینند و من عندالله موفق گشته‌اند...»

در ادامه مکتوب بیت‌العدل اعظم آمده است، "ادب، احترام، متانت، و رعایت مراتب و موقّقت‌های دیگران فضائلی است که در هماهنگی و سعادت هر جامعه‌ای مؤثر است، اما غرور و نخوت و خودبزرگ‌بینی از جمله مهلک‌ترین معاصی هستند.

بیت‌العدل اعظم امیدوارند که کتبه یاران به خاطر داشته باشند که هدف غائی زندگی هر نفسی باید وصول به اعلی مدارج روحانیه باشد، و رضای الهی را کسب کند. مقام روحانی حقیقی هر نفسی عندالله معلوم

³¹¹ نقل ترجمه از ارکان نظم بدیع، نشر ۱۵۱ بدیع، کانادا، صص ۱۷۳-۱۶۹

و مشهود است و با مراتب و مقاماتی که رجال و نساء در بخش‌های گوناگون جامعه کسب می‌کنند، تفاوت دارد. هر نفسی که دیده به هدف وصول به رضای الهی دوخته باشد، در کمال ابتهاج و رضایت تام هر مقام یا مأموریتی که در امر الهی به او محول گردد، می‌پذیرد و از خدمت به ذات الهی در جمیع شرایط قرین انبساط و اهتزاز خواهد شد.^{۳۱۲}

بیت‌العدل اعظم در این مکتوب توضیحی عنایت می‌فرمایند که در فلسفه سازمانی بی‌نظیر است. نکته اول این است که بیت‌العدل سیاستی را که در هر شکلی از اداره امور مذهبی یا غیرمذهبی عموماً معمول می‌گردد، می‌پذیرند، یعنی این که هیچ سازمانی بدون مراتب و مدارج نمی‌تواند به طور مؤثر کار و فعالیت کند. بعد از تصریح این نکته، و مبتنی بر بیان مبارک حضرت بهاء‌الله، بیت‌العدل اعظم در واقع امرا و علمای بهائی را با این عبارات مورد هدایت می‌فرمایند، "نگران نباشید که مقام و رتبه شما توسط کسانی که از لحاظ رتبه و دستاورد مادون شما هستند رعایت نشود یا محترم محسوب نگردد، بلکه اجازه ندهید که این ملاحظات ظاهری در شما غرور ایجاد کند یا شما را فریب دهد که فکر کنید از لحاظ اخلاقی و اصولی بهتر از آنها هستید. مراتب و مدارج حقیقی را فقط خداوند می‌داند و بس و فقط در عالم بعد برای انسان‌ها مکشوف خواهد شد. لذا با نخوت و تکبر با دیگران رفتار نکنید و به دلیل امتیازی موقت که در این جهان به شما داده شده بر دیگران تفوق نجوید." (البته اینها کلام خود بنده است که توصیه‌های بیت‌العدل اعظم را جمع‌بندی کردم). حضرت بهاء‌الله در یکی از الواح خود می‌فرمایند که هر قدر خشیه الهی با خضوع و خشوع در زندگی ما بیشتر باشد، در این عالم و عالم بعد به خداوند تقرب بیشتر خواهیم یافت.

هیچ نظام سازمانی که من می‌شناسم، اعم از مذهبی یا غیرمذهبی، دارای چنین مفاهیم اساسی اخلاقی و روحانی نیست که در ساختارش ادغام شده باشد. همین نگرش است که به جامعه ما و فعالیت‌های اداری ما روح می‌بخشد. مسلماً این یکی از ویژگی‌های بارز نظم اداری بهائی است، نظمی که سازمانی زمینی و ساخته و پرداخته دست بشر نیست، بلکه اساساً نظامی الهی و بقای آن به اراده حق است و مقدر است که کل عالم انسانی را در بر گیرد، متحد سازد و ارتقاء بخشد.

سؤالات مربوط به این سخنرانی

س - یکی از دوستان غیربهائی من گفت که فکر می‌کند منصفانه نیست که فقط بهائیان "مشهور" انتخاب شوند و مرئی بودن آنها در جامعه شاید شکلی پنهان از مبارزه انتخاباتی باشد. نظر شما چیست؟

³¹² ترجمه - پیام ۲۷ مارس ۱۹۷۸ دارالانشاء خطاب به کتبه محافل روحانی ملی، مندرج در صفحه ۳۷۶ Messages 1963-1986

ج - استفاده از کلمه "مشهور" در این زمینه، هم نادرست و هم نامناسب است. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود به اعضاء منتخَب به عنوان نفوسی که از شهرت مطلوب برخوردارند و شهرت آنها مانند رواج مشک در میان مردم منتشر می‌شود، اشاره می‌کند. بعضی از بهائیان ممکن است مشهور باشند، اما از شهرت خوبی برخوردار نباشند. در انتخابات بهائی شما باید تحرّی مدایح و سجایای نمایند که اعضاء جامعه به داشتن آنها معروفند. این صفات همانطور که می‌دانید عبارت است از، "وفاداری بلاشرط، خلوص تامّ و تمام، ذهنی وقاد و تعلیم‌دیده، توانائی مشخص و تجربه کامل"^{۳۱۳} همچنین باید به خاطر داشته باشیم که ما به عنوان انتخاب‌کننده باید در حالتی از تضرّع و تبّتل به ساحت حضرت بهاءالله که ما را هدایت بفرمایند، به انتخاب مبادرت نماییم.

س - حضرت ولی امرالله درباره "اقتصاد الهی"^{۳۱۴} مرقوم می‌فرمایند. ممکن است توضیح دهید که مقصود چیست؟
ج - اگر در فرهنگهای معتبر لغت به جستجوی معنای economy بپردازید، یکی از معانی آن نظام سازماندهی است. فکر می‌کنم در مطلبی که شما اشاره می‌نمایید باید استنباط کنیم که هیکل مبارک از این اصطلاح به معنای "نظم اداری" استفاده کرده‌اند.

س - یکی از موارد اولیه‌ای که، طبق بیان حضرت عبدالبهاء، لازم است که اعضاء محفل به آن متّصف باشند، "خلوص نیت"^{۳۱۵} است. حضرت عبدالبهاء این صفت را قبل از فضائل دیگر ذکر می‌فرمایند. استنباط شما از "خلوص نیت" چیست؟

ج - در کلمات مکتونه فارسی حضرت بهاءالله به "اعمال طاهره مقلّسه" اشاره می‌کنند و بعد می‌فرمایند، "عنقریب صرّافان وجود در پیشگاه حضور معبود جز تقوای خالص نپذیرند و غیر از عمل پاک قبول نمایند"^{۳۱۶} استنباط من از خلوص نیت این است که اقدام به خدمت، اعم از این که در امور اداری باشد یا امر تبلیغ، صرفاً برای جلب رضای جمال مبارک صورت گیرد. فکر می‌کنم خلوص نیت مستلزم آن است که ما تمامی ملاحظات دیگر را کنار بگذاریم، اعم از آن که امور دنیوی خارج از حدود و ثغور امرالله یا مکافات روحانی داخل امر باشد، که به عنوان "در جوار"^{۳۱۷} امر مقلّس الهی به آن اشاره می‌شود. در مورد نکته اخیر فکر می‌کنم

³¹³ ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۸۸ *Baha'i Administration*

³¹⁴ Divine Economy - در صفحه ۳۰۲ کتاب بهاءالله وعصر جدید، عبارت مزبور به "نظام الهی" ترجمه شده و در صفحه ۲۶ و ۳۲ نظم جهانی بهائی، به "نظم جهان‌آرا" و در صفحه ۲۹ "نظم جهان‌آرای الهی" و در صفحه ۸۴ "سیاست الهی" برگردانده شده است.

³¹⁵ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۵۰۴

³¹⁶ ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۶۵-۴۶۴

³¹⁷ Within the precincts - این عبارت ترجمه "بقعه" در کلمات مکتونه فارسی (شماره ۷)، و "جوار" یا "عند" در مناجات‌های مختلف است - م

مقصود حضرت عبدالبهاء از بیان مبارک در مناجات لقا همین باشد، "حَقَّقْنِي بِالْفَنَاءِ فِي فَنَاءِ بَابِ الْوَهْيِيكَ وَ اعْنِي عَلَيَّ الْمَوَاطِبَةَ عَلَيَّ الْإِنْعَادِ فِي رَحْبَةِ رَبِّيَّتِكَ".³¹⁸ اگر ما بخواهیم از خلوص نیت برخوردار شویم باید اطمینان یابیم که ذات اقدسش ما را می بیند و ما را می شناسد. تنها انگیزه ما در فعالیت های امری و اطاعت از اوامر الهی باید این باشد که تقدیم خدمات و اعمال ناچیز و حقیر ما در ساحت اقدسش مقبول واقع شود.

س - در کدام آیه کتاب اقدس، حضرت بهاء الله مؤسسه ولایت امرالله را پیش بینی می فرمایند؟
ج - حضرت ولی امرالله در فوریه ۱۹۲۹ مرقوم فرمودند، "آنچه را که حضرت بهاء الله در کتاب احکامش ذکر فرموده و عمداً فواصلی را در بیان نظم کلی دور بهائی مرعی داشته، مندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء آن فواصل را به یکدیگر متصل ساخته است".³¹⁹ یکی از موارد "ذکر نشده" موضوع دریافت کننده حقوق الله بعد از صعود حضرت بهاء الله است. استنتاج بدیهی البته این بود که هر شخص یا مؤسسه ای که وصی و جانشین حضرت بهاء الله باشد و سمت ریاست امر مبارک را در اختیار بگیرد، دریافت کننده حقوق الله خواهد بود. به این ترتیب حقوق به حضرت عبدالبهاء پرداخت شد و طبق الواح وصایای هیکل مبارک، می بایست بعد از ایشان به حضرت ولی امرالله پرداخت گردد. این یک طریقه پیش بینی مؤسسه ولایت است، که من قبلاً به این نکته اشاره کرده ام. موضع دیگری از کتاب اقدس که کاملاً می تواند اشاره ای تلویحی به ولایت امرالله باشد، در آیه ای است که حضرت بهاء الله می فرمایند، "ارجعوا ما لاعرفتموه من الكتاب الى الفرع المنشعب من هذا الاصل القويم." (بند ۱۷۴) در این آیه است که اختیار تبیین منصوص و موثق به فرع منشعب یا غصن اعطاء شده است و به نظر می رسد که این دومین آیه است که مقام حضرت ولی امرالله، به عنوان مبین منصوص، پیش بینی شده باشد.

³¹⁸ مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء، طبع آلمان، چاپ دوم، ص ۴۸۹ (توضیح مترجم: عبارت "فی رحبه" در انگلیسی به Within the

precincts ترجمه شده است.)

³¹⁹ نظم جهانی بهائی، ص ۸

فصل هفت

ضمیمه: مطالبی که در شش سخنرانی

نقل قول شده است

روز نخست: صلح اصغر و صلح اعظم

ظهور حضرت بهاءالله

آنگونه که در تمثیل خداوندگار باغ به تصویر در آمده است: "شخصی تاکستانی غرس کرد و به باغبانانش سپرده مَدّت مدیدی سفر کرد و در موسم، غلامی نزد باغبانان فرستاد تا از میوه باغ بدو سپارند. اما باغبانان او را زده تهی دست باز گردانیدند. پس غلامی دیگر روانه نموده او را نیز تازیانه زده و بی حرمت کرده تهی دست باز گردانیدند. و باز، سیمی فرستاده او را نیز مجروح ساخته بیرون افکندند. آنگاه صاحب باغ گفت، چکنم؟ پسر حبیب خود را می فرستم. شاید چون او را بینند احترام خواهند نمود. اما چون باغبانان او را دیدند، با خود تفکرکنان گفتند، این وارث می باشد، بیائید او را بکشیم تا میراث از آن ما گردد. در حال، او را از باغ بیرون افکنده کشتند. پس، صاحب باغ بدیشان چه خواهد کرد؟ او خواهد آمد و باغبانان را هلاک کرده، باغ را به دیگران خواهد سپرد. (انجیل لوقا، باب ۲۰، آیات ۱۶-۹)

دو جریان تألیف و تحلیل

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "جریانی مرگب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است. در حالی که هر یک از این دو نیرو با شتابی فزاینده مسیری مخالف با مسیر نیروی دگر را طی می کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی کننده. آن یک، در سیر مداومش تدریجاً سبب ظهور نظامی گردد که نمونه‌ای اعلی برای اداره کرده جهانی است که مسیر و مقصد دنیای آشفته امروز ما است و این یک، در جهت سیر تجزی بخش و مخربش با شدتی روزافزون، هر سد و مانعی را در راه وصول بشر به هدف مقدر در هم می شکند. آن سیر سازنده به آئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعه نظم بدیع جهان آرائی است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد. و بالعکس، این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است، وابسته به مدتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است." (نظم جهانی بهائی، ص ۱۱۱)

و نیز می فرمایند، "هر قدر عالم انسانی در غمرات یأس و انحطاط و نفاق و استیصال بیشتر فرو رود، بانیان دلیر نظم جهان آرای حضرت بهاءالله باید بیشتر در مدارج عالیة شجاعت و علو همت صعود نمایند و خود را از

تأثیرپذیری، تردید، سبات و ترس محفوظ داشته، بر مشکلات آینده فائق آیند و در سبیل خدمت قدم فراتر نهند و به یقین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است، مقارن باشد. " (حصن حصین شریعت الله، ص ۷۵)

سومین فرایند تألیف

حضرت ولی امرالله مرقوم فرمودند، " آیا نمی توان گفت که در این زمان که سایه ها پهن تر می شوند، هر از چندی که برق امیدی بر افق عالم می درخشد، بشارت می دهد که ظلمت دیجوری که بشر را فرا گرفته به نور تبدیل خواهد شد؟ آیا غلط است اگر بگوییم که در این جهان بی ایمان که به افکار مغشوش آلوده است و به شرّ تسلیحات روزافزون دچار و به رقابت های خطرناک و کینه و عداوت گرفتار است، می توان قوایی را مشاهده نمود که آهسته آهسته به پیش می رود و با روح عصر هم آهنگی دارد؟ بعد از جنگ بین الملل اول در بحبوحه شدت یافتن روزافزون فریادهای گوش خراش ناسیونالیزم گرچه جامعه ملل مرحله جنینی را طی می کند و ابرهای طوفان زائی که آن را در بر گرفته هر لحظه ممکن است سازمان مزبور را از توانائی و کارایی ساقط و دستگاهش را مختل سازد، ولیکن جامعه ملل جهت درستی را در پیش گرفته و به مقصد صحیحی توجه دارد ... عقد یک معاهده عمومی مربوط به امنیت جهانی مقصد مرکزی کوشش هایی بوده است که از بدو تأسیس جامعه ملل مبدول گشته ... این اولین بار در تاریخ بشر بود که نظام امنیتی جمعی که حضرت بهاءالله پیش بینی و حضرت عبدالهء به صورت قاطعی اعلام فرموده به مرحله بحث و آزمایش در آمده بود. " (نظم جهانی بهائی، صص ۱۴۶-۱۴۴)

ایشان خاطر نشان می سازند که " چون حضرت بهاءالله به قوه آسمانی " در عالم " روحی جدید دمید ... هر روز عده بیشتری از خردمندان جهان نه تنها " صلح جهانی را " ممکن الحصول می شمارند، بلکه آن را لازم و نتیجه عوامل و قوایی می بینند که امروز در جهان به کار افتاده است. " (نظم جهانی بهائی، ص ۶۷)

صلح اصغر

حضرت بهاءالله سلاطین و امرای ارض را اینگونه مورد خطاب قرار می دهند، لَمَّا نَبَدْتُم الصَّلْحَ الْاَكْبَرِ عَنْ وِرْآئِكُمْ تَمَسَّكُوا بِهَذَا الصَّلْحِ الْاَصْغَرِ لَعَلَّ بِه تَصْلِحُ امُورِكُمْ وَ الْذِّينَ فِي ظَلْمِكُمْ عَلٰی قَدْرِ ... اَنْ اَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ اِذَا لَا تَحْتَاجُونَ بَكْثَرَةَ الْعَسَاكِرِ وَ مَهْمَاتِهِمُ الْاَعْلٰی قَدْرِ تَحْفَظُونَ بِه مَمَالِكِكُمْ وَ بِلْدَانِكُمْ ... اَنْ اَتَّحِدُوا يَا مَعْشَرَ الْمَلُوكِ بِه تَسْكُنُ اُرْيَاحُ الْاِخْتِلَافِ بَيْنِكُمْ وَ تَسْتَرِيحُ الرَّعِيَّةُ وَ مِنْ حَوْلِكُمْ ... اِنْ قَامَ اِحْتٌ مِنْكُمْ عَلٰی الْاٰخِرِ قَوْمُوا عَلَيْهِ. اِنْ هَذَا الْاَعْدَلُ مَبِينٌ. " (لوح ملكه، كتاب مبين، ص ۶۴؛ الواح نازله خطاب به ملوك، ص ۱۳۸) و در لوح

دیگر می‌فرمایند، "لابدّ بر این است مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفروضه در صلح اکبر نمایند... اگر ملکی بر ملکی بر خیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند." (لوح مقصود، ص ۸)

صلح اکبر

جناب نخجوانی توضیح دادند که حضرت بهاءالله د اشاره به سطوح مختلف اتحاد عالم، سه اصطلاح را به کار می‌برند. این سه اصطلاح عبارتند از صلح اصغر، صلح اکبر و صلح اعظم. حضرت ولی امرالله این سه اصطلاح جداگانه را طبق متنی که در آن آمده است، به عنوان Lesser Peace، the Greater Peace یا the Great Peace و بالاخره the Most Great Peace ترجمه فرموده‌اند. هر جا که اشاره صرفاً به کاهش تسلیحات باشد، صلح مورد نظر در حیطة سیاسی و غیره باشد، حضرت ولی امرالله به Lesser Peace ترجمه فرموده‌اند. هر زمان که زمینه وسیع‌تر است و شامل اندیشه اقبال دسته‌جمعی است، حضرت ولی امرالله از اصطلاح Most Great Peace استفاده کرده‌اند. هر زمان که زمینه متن به مرحله‌ای بین این دو اشاره داشته، حضرت ولی امرالله آن را the Greater Peace یا the Great Peace به کار برده‌اند.

صلح اعظم

حضرت ولی امرالله تعریف زیر را عنایت فرموده‌اند، "اما صلح اعظم، به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقّق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد؛ یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل در هم ادغام شده باشند. و چنین صلحی بر هیچ اساسی مرتفع نگردد و هیچ دستگاهی آن را حفظ نتواند، مگر آن که بر پایه احکام و قوانین الهی استوار باشد آن احکام و تعالیم در نظم جهانی بدیعی که به نام مقدّس حضرت بهاءالله منسوب است، مذکور و مکتوب." (نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۰)

حضرت ولی امرالله بیاناتی را که ذیلاً نقل می‌شود و از قلم حضرت بهاءالله خطاب به ملکه ویکتوریا عزّ نزول یافته اشاره به صلح اعظم می‌دانند نه صلح اصغر: "و الّذی جعله الله الدّریاق الأعظم و السّبب الأتمّ لصحّته هو اتّحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة. هذا لا یمكن ابداً الا بطیب حاذق کامل مؤید. لعمری هذا کهو الحقّ و ما بعده الا الضلال المبین... (نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۰ به نقل از کتاب مبین، ص ۶۳)

روز دوم - ولایت امرالله و بیت العدل اعظم

با توجه به نصوص کتاب اقدس و فقرات الواح وصایا

اهمیت الواح مبارکه وصایا

حضرت ولی امرالله کتاب اقدس و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را به عنوان دو گنجینه گرانبھائی ذکر فرموده‌اند " که عناصر بی نظیر مدتیت الهیه را که تأسیسش مقصد اصلی دیانت بهائی است " در بر دارند (نظم جهانی بهائی، ص ۸) و گنجینه عناصر مرکبه آن " حکومت و اقتداری که در آثار بهائی موعود است " هستند. (نظم جهانی بهائی، ص ۲۱). ایشان کتاب اقدس را به عنوان "منشور مدتیت جهانی" ^{۳۲۰} توصیف می‌فرمایند. هیکل مبارک دقیقاً همین عنوان را برای الواح مبارکه وصایا نیز به کار برده‌اند (قرن بدیع، ص ۶۶۵). حضرت ولی امرالله تدریجاً جوامع را تحت پرورش و تربیت گرفتند. هیکل مبارک در اشاره به الواح مبارکه وصایا مرقوم فرمودند، "حدّ اقلّ یک قرن مطالعه و فعالیت واقعی لازم است تا کنوز حکم مودعه مکنونه در این اثر جلیل مکشوف و معلوم گردد،" و " برای برخورداری از درکی واضح‌تر و کامل‌تر از شرایط و دلالات آن، باید به زمان و هدایات بیت‌العدل اعظم اعتماد کنیم." ^{۳۲۱}

پیش‌بینی ولایت امر

حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس مرقوم می‌فرمایند که مرجعیت بعد از ایشان به اغصان ارجاع می‌گردد، "قد رجعت الأوقاف المختصة للخیرات الی الله... لیس لأحد أن يتصرف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الأغصان و من بعدهم الی بیت‌العدل إن تحقق أمره فی البلاد... والأ ترجع الی اهل البهائ الذین لا یتکلمون الا بعد اذنه ولا یحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح." ^{۳۲۲}

توضیح این آیه در یادداشت‌های ۶۶ و ۶۷ منضمات کتاب اقدس اینگونه آمده است، "یادداشت ۶۶ - اغصان (جمع غصن) به معنی شاخه‌ها است. جمال اقدس ابھی سلاله ذکور خود را به این کلمه ملقب فرمودند. اصطلاح اغصان هم در مورد حق تصرف در اوقاف و هم در مورد تعیین وصی بعد از صعود جمال اقدس ابھی و حضرت عبدالبهاء مصداق می‌یابد. جمال مبارک در کتاب عهدی پسر ارشد خویش، غصن اعظم حضرت عبدالبهاء را مرکز عهد و میثاق معین و به زعامت و قیادت امرالله منصوب فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح مبارکه وصایا حفید ارشد خویش، حضرت شوقی افندی، را به ولایت و مرجعیت امر بهائی تعیین

³²⁰ قرن بدیع، ص ۴۲۷ - توضیح مترجم: در متن انگلیسی "منشور مدتیت جهانی آینده" آمده است.

³²¹ ترجمه - توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۶۲ Bahá'í Administration

³²² بند ۴۲

نموده‌اند. لهذا جانشینی اغصان منتخبه و بالتیجه مؤسسه ولایت امرالله و نیز امکان انقطاع در نسل اغصان در ضمن این بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس پیش بینی شده است. صعود حضرت ولی امرالله در سنه ۱۹۵۷ عیناً همان وضعی را به وجود آورد که در این فقره از کتاب مستطاب اقدس به آن اشاره گردیده، یعنی قبل از تشکیل بیت‌العدل اعظم سلالة اغصان به انتها رسید.

"یادداشت ۶۷ - جمال اقدس ابهی امکان انقطاع در سلالة اغصان را قبل از تأسیس بیت‌العدل اعظم پیش بینی نموده و در صورت وقوع چنین وضعی مقرر فرمودند که «الأوقاف المختصة للخیرات ... ترجع الی اهل البهائه». اصطلاح «اهل بهائه» در آثار مبارکه معانی مختلف دارد. در این مورد در وصف آنان چنین آمده است: «الذین لا یتکلمون الا بعد اذنه و لا یحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح». از سنه ۱۹۵۷، بعد از صعود حضرت ولی امرالله، ایادی امرالله^{۳۲۳} تا هنگام تأسیس بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۶۳، امور امر بهائی را اداره می نمودند.

نکته مهم در مورد اغصان مستلزم توضیحاتی است. در آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهائه، بین اغصانی که برای قیادت و زعامت امرالله و تبیین تعالیم و آیات الهی منصوب می شوند و بقیه اغصان که در این مقوله جای نمی گیرند، وجه تمایزی روشن و واضح قائل شده‌اند. در مورد گروه اخیر که کلیه اغصان را در بر می گیرد بیان زیر را که از قلم حضرت بهاءالله در کتاب عهدی نازل شده زیارت می کنیم، "محبت اغصان بر کل لازم و لکن ما قدر الله لهم حقاً فی اموال الناس."^{۳۲۴}

شرایط انتصاب ولی امرالله

حضرت عبدالبهائه در الواح مبارکه وصایا می فرمایند، "باید ولی امرالله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد." الواح وصایا تصریح دارد که، ایادی امرالله از نفس جمعیت خویش نه نفر را انتخاب نمایند و همیشه به خدمات مهمه ولی امرالله مشغول باشند ... و این نه نفر یا بالاتفاق یا به اکثریت آراء باید غصن منتخب را که ولی امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند."^{۳۲۵}

³²³ توضیح مترجم: جمال مبارک بنفسه المبارک صفاتی را که در این آیه کتاب اقدس برای آن گروه از اهل بهاء که به صرف اوقاف خواهند پرداخت ذکر فرموده‌اند، در بیانی دیگر عیناً برای ایادی امرالله ذکر کرده‌اند بقوله تعالی: "الذین لا یتجاوزون عما أنزل الله فی الكتاب و لا یتکلمون الا لما أذن لهم فی المآب اشهد انهم ایادی امره فی الوری... و جالب آن که حتی طرد کردن نفوسی که لایق ورود در ظل امر نیستند نیز (که در الواح وصایا به آن اشاره شده) در همین بیان حضرت بهاءالله به ایادی امرالله واگذار شده است، بقوله تعالی، "هم القائمون لدی بابه و یطردون من لم یکن اهلاً للدخول الی فنامه..." (مائدة آسمانی، ج ۸، ص ۱۳۸)

³²⁴ ادعیه حضرت محبوب، طبع جدید، ص ۳۹۹

³²⁵ ایام تسعه، ص ۴۶۸

هدایت بالاستقلال الهی

حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا می‌فرمایند، "ولی امرالله و بیت‌عدل عمومی که به انتخاب عمومی تأسیس و تشکیل شود، در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ ... است. آنچه قرار دهند من عندالله است. من خالفه و خالفهم فقد خالفالله..."^{۳۲۶}

و نیز می‌فرمایند، "مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع به بیت‌عدل عمومی. بیت‌عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقّق یابد، همان حق و مرادالله است. من تجاوز عنه فهو ممن أحبّ الشقاق و أظهر النفاق و أعرض عن ربّ الميثاق. ولی مراد بیت‌عدل عمومی است که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود، یعنی شرق و غرب احباء که موجودند ... آن اعضاء [بیت‌عدل] در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیرمنصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نصّ است."^{۳۲۷}

دو وصی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء "دو مؤسسه توأمان بیت‌عدل و ولایت امرالله را به عنوان جانشینان خویش معین فرموده‌اند."^{۳۲۸} هیکل مبارک می‌فرمایند، "هرگاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاءالله منتزع شود، اساس این نظم متزلزل ... می‌گردد،" و نیز می‌فرمایند، "چنانچه بیت‌عدل اعظم که اساساً اهمّیتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد نظم بدیع حضرت بهاءالله از جریان باز ماند."^{۳۲۹}

حضرت ولی امرالله این دو مؤسسه را به ارکان یا حامیان ساختار نظم اداری تشبیه می‌کنند. ایشان همچنین بیت‌عدل اعظم را به عنوان "اعلیٰ ذروه نظم اداری امرالله"^{۳۳۰} خوانده و همچنین به آن به عنوان "تاج و هاج و اکلیل جلیل" مؤسّسات اداری امرالله^{۳۳۱} اشاره کرده‌اند.

³²⁶ ایام تسعه، ص ۴۶۷

³²⁷ ایام تسعه، ص ۴۷۷

³²⁸ نظم جهانی بهائی، ص ۲۵

³²⁹ دور بهائی، صص ۸۲ و ۸۳

³³⁰ قرن بدیع، ص ۶۷۳

³³¹ ظهور عدل الهی، ص ۶۰

چرا حضرت ولیّ امرالله وصیت‌نامه نداشتند

بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "به این واقعیت که حضرت شوقی افندی وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشتند، نمی‌توان به عنوان برهانی دالّ بر تخطّی ایشان از امر حضرت بهاءالله استناد نمود - بلکه باید تصدیق نمود که در نفس سکوت ایشان حکمتی مستور و نشانه‌ای دالّ بر هدایت مصون از خطای آن حضرت موجود." ۳۳۲

روز چهارم - نظم اداری بهائی

در مقابل نظام‌های مذهبی و غیرمذهبی

میثاق بی‌مثیل حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی به امر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا ... به این کلمات عالیات طیور افنده را پرواز جدید آموخت ... گیتی به انوار تیر ظهور منور ... حال اکثر اهل بلاد مستعدند از برای اصغاء کلمه علیا که بعث و حشر کلّ به آن منوط و معلق." ۳۳۳

حضرت بهاءالله بنفسه المبارک به یوم ظهور خود اشاره کرده و می‌فرمایند "بهاری است که آن را خزان از پی نباشد." ۳۳۴ و "یوم ... لن یعقبه اللیل" ۳۳۵ و "بمثابه بصر است از برای قرون و اعصار." ۳۳۶
ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند، "تالله الحق انّ الأمر عظیم عظیم. هذه کلمة کورناها فی اکثر الألواح لعلّ یتنبه بها العباد." ۳۳۷ و نیز در بیانی دیگر نازل، "ید قدرت الهیه این امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم کون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر بنیاد آن را متزلزل نسازد." ۳۳۸ و در بیانی دیگر نازل، "سوف ... یبعث بارادته خلقاً ما اطّلع بهم أحداً الاّ نفسه المهیمن القیوم." ۳۳۹

332 ترجمه - پیام ۲۷ مه ۱۹۶۶ با عنوان ولایت امر و بیت‌العدل اعظم مندرج در صفحه ۳۵۳ جلد اول *Compilation of Compilations*

333 لوح دنیا مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۶، ۲۹۱

334 منقول در قرن بدیع، ص ۲۱۵ - م

335 آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۲۸۸

336 ظهور عدل الهی، ص ۱۶۳

337 نار و نور، بخش سوم، ص ۲ / ظهور عدل الهی، ص ۱۶۰

338 نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۲۵ دور بهائی

339 سورة الهیکل، کتاب مبین، ص ۵

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "انوار رحمت الهی اقوام و ملل را احاطه نموده است و جمیع آفاق به ضیاء او روشن و منیر"^{۳۴۰} و نیز می‌فرماید، "قرنها بگذرد و دهرها به سر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید."^{۳۴۱} و در بیانی دیگر نازل، "بتدریج آنچه در هویت دور مقدّس است ظاهر و آشکار گردد. این بدایت اثبات است و آغاز ظهور آیات نبیّات."^{۳۴۲}

حضرت ولی امرالله عهد و میثاق الهی را "میراث مرغوب لا عدل له" می‌دانند که ما از حضرت بهاءالله دریافت داشته‌ایم.

حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند که این "من خصائص هذا الکور الأعظم" است که "لم یسبقه عهد مثله فی الأکوار المقدّسه."^{۳۴۳}

حضرت بهاءالله در کتاب اقدس می‌فرمایند، "قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الّدی ماشهدت عین الإبداع شبهه." (بند ۱۸۱)

مقایسه با دو آئین مسیحی و اسلام

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند، "نظم حضرت بهاءالله که بر حسب ظاهر شبیه به مؤسسات موجوده اسلام و مسیحیت است، چگونه و در کجا با آنها تفاوت دارد؟ آیا دو مؤسسه توأمان ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم و مؤسسات ایادی امرالله و محافل روحانی ملی و محلی و مشرق‌الاذکار از همان گونه مؤسسات موجود و مربوط به دستگاه عریض و طویل پاپ و خلفای اسلامی نیستند که نام‌های دیگری گرفته باشند؟ آیا چه دستگاهی موجود است که مؤسسات بهائی را که از بعضی از جهات با مؤسسات مخلوق آباء کلیسا و خلفای اسلامی شبیه است، بتواند چنان محافظت نماید که مانند آنها اساسش از هم نپاشد و وحدتش شکسته نشود و نفوذش زائل نگردد؟ آیا چگونه می‌توان گفت که تشکیلات بهائی به همان سرنوشت تشکیلات پیروان حضرت مسیح و حضرت محمد دچار نخواهد شد؟"^{۳۴۴}

جواب ایشان این است، "شکّ و تردیدی نیست که علت اصلی این که وحدت کلیسای مسیح بکلی از هم پاشید و نفوذش بمرور ایام کاهش یافت آن بود که بنیانی که آباء کلیسا بعد از وفات حواری اوّل بنا نمودند ابداً مبتنی بر دستور صریح حضرت مسیح نبود و دستگاه کلیسا سندیت و کیفیتش به اشارات غیرمستقیمی

³⁴⁰ نقل ترجمه از صفحه ۲۸ دور بهائی

³⁴¹ دور بهائی، ص ۲۷

³⁴² دور بهائی، ص ۲۸

³⁴³ قرن بدیع، ص ۴۷۲

³⁴⁴ نظم جهانی بهائی، ص ۲۴

مربوط می‌شد که با توجیهاتی چند از بعضی از گفته‌های مبهم و مختصر حضرت مسیح و منقول در انجیل اقتباس شده بود و می‌توان گفت که حتی یکی از رسومی که امروز در کلیسا متداول است و یکی از عادات و تقلیدی که آباء مسیحی به آن تفصیل تصریح کرده و به آن دقت معمولش می‌دارند و یکی از آن سخت‌گیری‌هایی که به عنوان مناسک دینی بر مسیحیان ساده‌دل تحمیل می‌کنند، هیچیک از آنها سرچشمه‌اش به حضرت مسیح نمی‌رسد و از کلمات مؤتلف مکتبس نمی‌گردد و حتی یکی از آنها را حضرت مسیح برقرار نکرده و به کسی این اختیار را تفویض نفرموده که کلماتش را تفسیر نماید و بر آنچه که حضرتش تشریح ننموده بیفزاید.^{۳۴۵}

و نیز در رابطه با دور اسلام می‌فرمایند، "اما شریعت اسلام هرچند از لحاظ تشکیلات دینی از دین مسیح کامل‌تر و مقررراتش مشخص‌تر است، اما در مورد جانشینی حضرت رسول هیچ نوشته، سند مکتوب یا دستور قاطعی که راهنمای پیروان و مروّجان امر حضرت محمد باشد در دست نیست. هرچند که هزار و سیصد سال است که آیات قرآنی و احکام مربوط به نماز و روزه و ازدواج و طلاق و ارث و حج بدون تغییر اجراء می‌شود ولی اینها هیچ یک راجع به جانشینی حضرت رسول هدایتی نمی‌نمایند و عدم هدایت در این مورد بوده است که این همه فرقه‌بندی‌ها و اختلافات و تضادهائی را که سبب تجزّی اسلام و سلب اعتبارش شده به بار آورده است."^{۳۴۶}

هیکل مبارک کلام خود را اینگونه خاتمه می‌دهند، "نظم اداری ... نظر به اصل و مبدأ و کیفیت و عظمتش در تاریخ ادیان عالم فرید و بی‌مثیل و عدیل است و به یقین مبین می‌توان گفت که در هیچ‌یک از کتب و صحف مقدّسه و ادوار ماضیه ... هیچگونه حکم محکم و دستور قاطع مبرمی که بتواند با این اساس عظیم برابری نماید موجود نیست. وضع اصول اداری و انشاء تأسیسات بدیعه منیعه و تفویض حق تبیین آیات به ولیّ امرالله، آئین الهی را در این ظهور اعظم، به نحوی که در ظهورات گذشته سابقه و نظیر نداشته، از تحزّب و انشعاب و تجزّی و انشقاق حفظ خواهد نمود."^{۳۴۷}

وجوه تشابه و تفاوت با اشکال موجود حکومتی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "هرچند این نظم اداری نوظهور دارای مزایا و عناصری است که در سه حکومت عرفی مذکور نیز موجود ولیکن به هیچ وجه مطابق هیچ یک از آن حکومت نبوده، از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و مبرا است. این نظم اداری حقایق سلیمه‌ای را که بدون شک در هر یک از انظمه مذکور

³⁴⁵ نظم جهانی بهائی، ص ۲۶

³⁴⁶ نظم جهانی بهائی، ص ۲۸

³⁴⁷ قرن بدیع، ص ۶۶۲

موجود است، به یکدیگر التیام و ارتباط می‌دهد، بدون آن که حقایق خدادادی را که آن نظم جهان‌آراء مبتنی بر آن است، ضایع و مهمل سازد و این امری است که هرگز انظمه فانیة بشری به اجرای آن موفق نگشته است.^{۳۴۸}

حضرت ولی امرالله بینش دیگری را نیز به ما ارزانی می‌دارند، "این نظم بدیع ... با هیچیک از وجوه حکومت‌های مختلفه اعم از دموکراسی و یا حکومت مطلقه و اشرافی نه از لحاظ ترکیب و نه از جهت اجرا و عمل مشابهت ندارد و ... قدرت موروثی ولی مقدس امرالله و حق تبیین آیات که منحصرأ به آن مقام منصوص مفوض گشته و ارجاع وظائف و اختیارات وسیعه به بیت‌العدل اعظم الهی واضح احکام و شرایع غیرمنصوصه و برائت آن مجمع عظیم از هرگونه مسؤولیت در قبال ملت و عدم الزامش در اتباع نظرات و عقاید منتخبین خویش و وجود مقررات مخصوصه جهة اجرای انتخابات عمومی و آزاد از طرف کافه پیروان آئین یزدانی در تعیین مرجع تشریح کلاً از شئون و خصائصی است که به نظم اداری حضرت بهاءالله اختصاص داشته و آن را از انظمه موجوده بشریه منفصل و ممتاز می‌سازد."^{۳۴۹}

بری بودن از عیوب مسلمة فطریه

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "این نظم بدیع چون از عیوب فطریه مسلمة انظمه مذکوره مطلقاً عاری و میرا است، هر قدر فروعش امتداد یابد و دامنه‌اش وسعت گیرد، به مرور اعصار و دهور به حکومت استبداد و تسلط اعیان و شرور ناطقین و خطبا که عاقبت کلیة تأسیسات سیاسی ناقصه بشری است، منجر نگردد و از فساد آنان مصون ماند."^{۳۵۰}

روز پنجم - نقش جامعه بهائی آمریکا در

ظهور نظم جهانی حضرت بهاءالله

نقش آمریکا

اولین اشاره حضرت بهاءالله در کتاب اقدس جایی است که هیکل مبارک ملوک آمریکا را به طور اخص مخاطب قرار می‌دهند، "ملوک آمریکا و رؤساء الجمهور فیها اسمعوا ما تعرن به الورقاء علی غصن البقاء

³⁴⁸ دور بهائی، ص ۹۱

³⁴⁹ قرن بدیع، ص ۶۶۳

³⁵⁰ دور بهائی، ص ۹۵

أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْبَاقِي الْغَفُورُ الْكَرِيمُ. زَيْنُوا هَيْكَل الْمَلِكِ بَطْرَازِ الْعَدْلِ وَالتَّقَى وَرَأْسَهُ بِإِكْلِيلِ ذِكْرِ رَبِّكُمْ فَاطِرِ السَّمَاءِ كَذَلِكَ يُأْمُرُكُمْ مَطْلِعُ الْأَسْمَاءِ مِنْ لَدُنْ عَلِيمٍ حَكِيمٍ. قَدْ ظَهَرَ الْمَوْعُودُ فِي هَذَا الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ الَّذِي بِهِ ابْتِسِمَ نَعْرُ الْوُجُودِ مِنَ الْغَيْبِ وَ الشَّهُودِ. اغْتَنِمُوا يَوْمَ اللَّهِ إِنَّ لِقَاءَهُ خَيْرٌ لَكُمْ عَمَّا تَطَّلِعُ الشَّمْسُ عَلَيْهَا إِنْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ. يَا مَعْشَرَ الْأَمْرَاءِ اسْمَعُوا مَا ارْتَفَعَ مِنْ مَطْلِعِ الْكِبْرِيَاءِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا النَّاطِقُ الْعَلِيمُ. اجْبُرُوا الْكَسِيرَ بِأَيْدِي الْعَدْلِ وَ كَسِّرُوا الصَّحِيحَ الظَّالِمَ بِسَيَاطِ أَوْامِرِ رَبِّكُمْ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ." (بند ۸۸)

حضرت بهاء الله در کلمات مبارکه مکتونه می فرمایند، "ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که قسم یاد نموده ام از ظلم احدی نگذرم و این عهدی است که در لوح محفوظ محتوم داشتم و به خاتم عزّ مختوم." ۳۵۱

نقش جامعه بهائی آمریکا

بیان مهیمین دیگر نازله از قلم حضرت بهاء الله در نبوت ایشان در خصوص استیلا و حاکمیت ظهور ایشان است که به وسیله کسانی که از امر مبارک در غرب دفاع می کنند حاصل خواهد شد، آنه اشرق من جهة الشرق و ظهر فی الغرب آثاره. تفکروا فیہ یا قوم و لاتکونوا کالذین غفلوا إذ جائتهم الذکری من لدن عزیز حمید." ۳۵۲

حضرت عبدالبهاء در بیانی در همین موضوع می فرمایند، "همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع شده که نور الهی از شرق به غرب تابیده ولی در غرب سطوع شدید یافته. امر حضرت مسیح روحی فداه از شرق ظاهر شد، چون پرتو نورانی بر غرب انداخت، نور ملکوت در غرب انتشار بیشتر نمود." "عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاء الله غرب شرق می شود، ابر رحمت پروردگار می بارد، جمیع قلوب سبز و خرم می شود." ۳۵۳

حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه های تبلیغی می فرمایند، "ملاحظه نمائید که حضرت بهاء الله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلی مقلدّ نموده است و چه موهبتی میسر کرده است... ۳۵۴ حال، موقفیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته... ۳۵۵ همچنین موقفیت شما حال معلوم نه... ۳۵۶ این نداء الهی چون از

351 کلمات مکتونه فارسی، شماره ۶۴

352 لوح اقدس، کتاب مبین، ص ۱۴۱

353 قرن بدیع، ص ۵۰۲ / حصن حصین شریعت الله، ص ۳۷ (توضیح مترجم: دو جمله اخیر در این بیان مبارک، در واقع در انگلیسی به گونه ای دیگر آمده

است: "غرب شرق می شود و انوار هدایت الهی را ساطع می نماید." اما، ظاهراً بیان دیگری جایگزین شده است.)

354 مکاتیب ۳، ص ۲۹

355 مکاتیب ۳، ص ۲۰

356 همان

خطهٔ امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازهٔ بزرگواریشان جهانگیر گردد.^{۳۵۷}

حضرت ولی امرالله در پیام‌های بی حد و حصر، جامعهٔ بهائی آمریکا را با عباراتی از این قبیل ستودند:

- "باسلان مسلم آئینی اجل و اعزاز توصیف که مورد غبطهٔ یاراند" (حصن حصین، ص ۱۵۷)
- "مدافعان نظمی عظیم" (همان، ص ۱۵۷)
- "جامعه‌ای که به موهبت اولوئیت روحانیه سرفراز است." (همان، ص ۱۴۹)
- "جامعه‌ای که دارای نعمت فراوان و برکت روحانی است." (همان، ص ۵۳)
- "احبای منورالفکر، و قوی‌القلب و شجیع امریکا." (همان، ص ۸۶)
- "مجریان فرمان صادر از قلم حضرت عبدالبهاء." (همان ص ۷۶)
- "مشعل داران مدنیّت جهانی" (همان، ص ۳۸)
- "جامعهٔ عزیز محبوب ... مشمول عنایات موفور و صاحب عزمی راسخ..." (همان، ص ۶۳)
- "سگان برگزیده و سعید و مدافعان شجیع و قوی‌دل اعظم حصن حصین امرالله." (همان، ص ۱۰۹)
- "جامعهٔ شجیع بهائی آمریکا" (همان، ص ۳)
- "علمداران سپاه مظفر رب الجنود." (همان، ص ۱۴۴)

نقش جامعهٔ بهائی آمریکا در ایران

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "عنقریب برادران شما از اروپا و امریکا به ایران سفر خواهند کرد و به نحوی بی‌سابقه به ترویج و توسعهٔ فنون و صنایع خواهند پرداخت. آنها به تأسیس معاهد مدنیت حقیقیه، ترویج و توسعهٔ زراعت و تجارت، و مساعدت به انتشار تعلیم و تربیت مبادرت خواهند کرد ... لابد بر این است که آنها خواهند آمد؛ تردیدی نیست که آنها خطهٔ ایران را محسود امم و ملل عالم و مورد مدح و ستایش آنها خواهند ساخت."^{۳۵۸}

سرنوشت قارات آمریکا

از کلک حضرت عبدالبهاء در اشاره به نیمکرهٔ غربی چنین صادر شده است، "قطعهٔ امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار."^{۳۵۹} ایشان همچنین مرقوم فرمودند، "در

³⁵⁷ همان، ص ۲۱

³⁵⁸ ترجمه - توفیق ۱۲ فوریه ۱۹۲۹، مأخذ فوق، ص ۱۷۳

³⁵⁹ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۳۷ / توفیق "امریکا و صلح اعظم"، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله به‌مراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۴۱

امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهت نمایان و آئینده آن اقلیم بس روشن و تابان؛ چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ربود.^{۳۶۰} لطفاً توجه داشته باشید که تقدّم روحانی که در این بیان به آن اشاره شده نه تنها به ایالات متّحده، بلکه به سگان کلّ قاره مزبور مربوط می شود.

ایالات متّحده و اصل فدرالیسم

حضرت عبدالبهاء می فرماید، "امید است ملت امریک اولین ملت و جمعیتی باشد که اساس اتّفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتّحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید؛ پرچم صلح اعظم را برافرازد."^{۳۶۱} حضرت عبدالبهاء به یکی از مقامات دولتی آمریکا، که سؤال کرد چگونه می تواند بهتر به وطنش خدمت کند، اینگونه جواب دادند، "هنگامی به نحو احسن موفق به ابراز خدمت نسبت به کشور مألوف خواهید گردید و در این میدان گوی سبقت از همگنان خواهید ربود که به عنوان عضوی از اعضاء جامعه عالم و فردی از خاندان بزرگ بنی آدم سعی بلیغ مبذول و همت موفور معمول دارید تا اصل وحدت و اتّفاق که بنیان حکومت مؤتلف شما را تشکیل می دهد به همان قرار در بین ملل و نحل عالم استقرار یابد و از ممالک و بلدان موجود اتّحادیه بزرگ جهانی تشکیل شود."^{۳۶۲}

حضرت ولی امرالله اصل فدرالیسم را در بیانیه زیر شرح و بسط می دهند، "پیروان دیانت بهائی ... نظر به این که نوع بشر را جامعه‌ئی واحد می دانند و مصالح حیاتی آن را عمیقاً محترم می شمارند، بدون تردید هرگونه نفع خصوصی را خواه شخصی یا ناحیه‌ئی و ملی باشد تابع منافع کلیه هیئت جامعه انسانی دانسته و بخوبی آگاهند در دنیائی که همه مردم و ملل استقلال داشته باشند صرفه و صلاح هر قسمتی از آن با حفظ منافع تمامی آن جامعه بهتر به دست می آید و دیگر این که هرگاه منافع عمومی هیئت جامعه به طور کلی منظور نگردد، هیچیک از ارکان جامعه فایده و سود بادوام عاید نخواهد داشت."^{۳۶۳}

³⁶⁰ نقل ترجمه خطابه ۶ مه ۱۹۱۲ از صفحه ۱۷۴ ظهور عدل الهی

³⁶¹ ظهور عدل الهی، ص ۱۷۳ (توضیح مترجم: در متن فارسی جمله "و رایت محبت و وداد در قطب امکان مرتفع سازد" اضافه شده که در اصل انگلیسی وجود ندارد.. ضمناً ترجمه‌هایی متفاوت از این بخش از خطابه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء (که اصل فارسی آن در دسترس نیست) در صفحه ۵۰۳ قرن بدیع، طبع کانادا؛ حصن حصین شریعت‌الله ص ۴۳ وجود دارد.)

³⁶² ظهور عدل الهی، ص ۱۷۸ (توضیح مترجم: ترجمه‌های متفاوتی از آن در صفحه ۵۱ نظم بدیع جهانی، ص ۳۰۴ بهاء‌الله و عصر جدید موجود است.)

³⁶³ بیانیه حضرت ولی امرالله خطاب به کمیته سازمان ملل در امور فلسطین، ۱۹۴۷، ترجمه ع بشیرالهی، طبع ۱۳۲ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ص ۱۲

نقش فزاینده آمریکا

حضرت شوقی افندی در شرح و بسط تأثیر رفاه جزء بر رفاه کل می‌فرمایند، "دنای حاضر یوماً فیوماً فشرده‌تر شده و مردم آن علی‌الظاهر نسبت به یکدیگر نزدیکتر و بیش از پیش در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند. خطه آمریکا خواه ناخواه با وضع جدید مواجه و خود را ملزم و موظف می‌شمارد که وارد میدان و دست به گریبان گردد. این تماس و مجاورت که بدین نحو تحقق یافته وی را بر آن می‌دارد که صرف نظر از عواطف انسان‌دوستی و وظایف و مسئولیت‌های جدیدی به منظور حفظ امنیت ملی خویش بر عهده گیرد."^{۳۶۴}

حضرت ولی امرالله به ما اطمینان می‌دهند که آمریکا "صدای خود را در مجامع عظیمه عالم و محافل متشکله امم مرتفع و حجر زاویه صلح عمومی و مؤید جهانی را به دست خویش برقرار سازد و اتحاد و اتفاق بشر و بلوغ و آمادگی آن را در ارتفاع خیمه وحدت انسان و تأسیس مدنیت لاشرقیه و لاغریه در قطب امکان ... چنان که در کتب و زبر قیمه الهیه بشارت داده شده جهد موفور وسیعی مشکور مبذول دارد. در آن هنگام و فقط در آن هنگام است که ملت آمریکا ... قادر خواهد بود مقام رفیعی را که ید قدرت سبحانی برای آن مقدر فرموده ... به عرصه شهود رساند."^{۳۶۵}

نقش بهائیان

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "در این سنین [که در پیش است] جهان بشریت آستان حوادث عظیمه و بلاهای عقیمة سقیمه‌ای است که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلابات و وقایع هائله‌ای است که صفحات تاریخ نظیر آن را درج نموده است؛ خطرات و آفات هر چند صائل و مهیب و هبوب عواصف امتحان هر قدر پر وحشت و شدید و سیل جارف بلایات هر مقدار مدهش و ویبیل، هرگز نباید اشعه فروزان ایمان را در قلوب دوستان افسرده نماید و اعین و ابصار را مقنوع و تصمیماتشان را متزلزل و مقطوع سازد. تهدیدات و تضییقات به هر میزان پردغدغه و آشوب و مخاطر و مهالک به هر درجه مقاوم و مهاجم، هرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق احبای الهی نسبت به آئین رحمانی بکاهد و آنان را از طریقی که به جان و دل اختیار نموده و به اهتمام تمام در پی آن پویانند، منحرف سازد... یاران الهی و حامیان شریعت ربّانی باید بدون آن که ادنی خللی در عزم و اراده آنان راه یابد و یا در کمترین لحظه وظیفه خطیر و متعالی خویش را به دست فراموشی و نسیان سپارند، این لطیفه دقیقه را هر قدر اوضاع و حوادث عالم تیره و شدید گردد و زوابع افتتان ارکان وجود را متزلزل سازد، از خاطر محو نمایند که تقارن چنین بحران و تحوّل عظیم که عالم وجود را مندهش و مرتعش نموده با علو و امتناع امرالله و سمو و اعتلاء کلمه الله و اقتطاف اثمار رسالتی که از جانب حیّ قدیر به رافعان امر

³⁶⁴ ظهور عدل الهی، ص ۱۷۸

³⁶⁵ همان، صفحات ۱۸۷-۱۸۶

الهی اعطاء شده، بنفسه لنفسه منبعث از مشیت نافذة رحمانی و حکمت بالغة سبحانی و ارادة غالبه محیطه یزدانی است؛ اراده و مشیتی که در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار سرنوشت امرالله همچین مقدرات جامعه بشریه را توأمًا هدایت و به سرمنزل مقصود و منظور حقیقیه خویش دلالت می نماید. این صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله اش مستمر و محسوس، انعکاسی از عالم بالا و جلوه ای از نقشه اعظم اقدس ابهی است؛ نقشه واحد و غیرقابل انفصالی که مبدئش غیب مکنون و مؤسس و موجدش شارع این امر اعزّ اعلی و دایرة تصرفاتش بسیط غبرا و مقصد و هدف نهائی اش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه انام است. " (ظهور عدل الهی، صص ۱۵۲-۱۵۰)

روز ششم - تکامل نظم اداری بهائی

روح و شکل آن (امرا و علما)

ضرورت نظم اداری

حضرت ولی امرالله می فرمایند، " چون جنبه بین المللی امر بهائی با آن متفرعات و وسیعش و تنوعات امورش و کثرت تفاوت پیروانش ملاحظه گردد و حملات گوناگونی که این امر نوزاد را از هر جهت احاطه کرده در نظر آید، آنوقت بلاشک اذعان خواهیم کرد که فقط یک نوع سازمان و تشکیلات منظم لازم است که بتواند در بحبوحه طوفان و فشار تمدن رو به زوال کنونی بر حراست و وحدت و اصالت و حفظ مصالح عالیة امرالله توفیق یابد. " ^{۳۶۶}

اهمیت اطاعت

حضرت ولی امرالله می فرمایند، " رد کردن و منکر شدن صحّت و اعتبار محافلی که از امناء منتخبه امر حضرت بهاء الله تشکیل یافته بمنزله مردود شمردن الواح نامحدودی است که حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء صادر فرموده و در آن مزایا و وظائف اعضاء محافل را ستوده و عظمت خدمتشان را بیان فرموده و کثرت مشاغلشان را معلوم ساخته و آنان را انداز نموده اند که منتظر حملات و لطماتی باشند که از نادانی دوستان و کید دشمنان متوجه آنان خواهد شد. " ^{۳۶۷}

³⁶⁶ نظم جهانی بهائی، ص ۱۵

³⁶⁷ نظم جهانی بهائی، ص ۱۵

روح تشکیلات

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۲۳ فرمودند، "اما باید مراقب باشیم - حضرت مولی‌الوری مستمراً از عالم بالا به ما یادآوری می‌فرمایند - مبدا بیش از حد به مواضعی مشغول شویم که از اهمیت ثانویه برخوردار است و مدتی طولانی به اشتغالات ذهنی نسبت به جزئیات امور و فعالیت‌ها توجه نماییم که ما را نسبت به اساسی‌ترین و مبرم‌ترین وظایف ما غافل و بی‌توجه سازد، یعنی آن که توجه خود را نسبت به تبلیغ امرالله فراموش کنیم، و از ابلاغ پیام نجات‌بخش الهی به جهانی مستأصل و در مانده غفلت نماییم."^{۳۶۸}

در فوریه ۱۹۲۹ مرقوم فرمودند، "حال لازم است که درباره مقاصد حیات‌بخش و وظائف مهمه این مؤسسات الهی بیندیشیم؛ مؤسساتی که صفات ممیزه مقدسه و نفوذ جهانگیرش در روح و نشاطی که در عالم برانگیخته و توفیقاتی که به دست آورده بخوبی مشاهده می‌شود. قبلاً گفته شد که تشکیلات بهائی را باید به منزله آلت و وسیله دانست و نباید آن را بدل و جانشین آئین بهائی شمرد؛ تشکیلات بهائی مانند مجرائی است که در آن نعم و مواهب موعوده حضرت بهاءالله جاری گردد و از انجمادی که مانع ظهور قوای آزادی‌بخش آئین مقدس بهائی است جلوگیری نماید...^{۳۶۹} یقیناً کسانی که میراثی چنین مرغوب به ایادی آنها سپرده شده باید در کمال تضرع و ابتهاج مراقب باشند مبدا آلت و وسیله جایگزین نفس امر مبارک گردد، مبدا توجه بی‌دلیل و نامتناسب به جزئیات امور ناشی از امور اداری امر مبارک مانع از بینش و بصیرت مروّجین آن گردد، مبدا تبعیض و جانبداری، جاه‌طلبی، و دنیادوستی به مرور ایام مانع از سطوع انوار امر مبارک گردد، خلوص و طهارت آن را ملوث سازد و آن را از تأثیر و نفوذ باز دارد و تضعیف نماید." ما، به عنوان خادمان این امر مبارک باید متوجه مفاسدی که باید از آن اجتناب نمود باشیم، یعنی تبعیض و جانبداری، جاه‌طلبی و دنیادوستی. هیکل مبارک در دسامبر ۱۹۳۵ خطاب در همین مورد چنین مرقوم فرمودند، "لهذا، امر بهائی، مانند کلیه ادیان الهی دیگر، اساساً از خصیصه‌ای عرفانی برخوردار است. هدف اصلی آن ارتقاء فرد و جامعه، از طریق کسب فضائل و قوای روحانی است. ابتدا باید روح انسانی را پرورش داد. آنچه که می‌تواند به بهترین وجه این تربیت را تأمین نماید توسل به ذیل دعا است. احکام الهی و تشکیلات امریه، آنگونه که حضرت بهاءالله ملاحظه می‌فرمودند، تنها در صورتی می‌توانند مؤثر باشند که حیات روحانی باطنی ما تکامل یافته و متحوّل شده باشد. والاّ دیانت در حدّ سازمان و تشکیلات صرف تنزل و تدنّی خواهد یافت، و به موجودی محروم از روح و جان تبدیل خواهد گردید."^{۳۷۰}

³⁶⁸ ترجمه - بیان مبارک مندرج در صفحه ۴۲ Baha'i Administration

³⁶⁹ نظم جهانی بهائی، ص ۱۴ - بقیه مطلب در ترجمه فارسی حذف شده، لهذا اقدام به ترجمه گردید - م

³⁷⁰ ترجمه - جلد ثانی Compilation of Compilations صفحات ۲۳۸ و ۴۲۶

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس فرموده‌اند که اعضاء بیوت عدل در هنگام انعقاد جلسه باید "یرون کأنهم یدخلون محضرالله العلیّ الاعلیّ و یرون من لایری." مضافاً حضرت بهاء الله از آنها می‌خواهند که خود را "وکلاءالله لمن علی الارض" ملاحظه نمایند و "یشاوروا فی مصالح العباد لوجهالله کما یشاورون فی امورهم و یختاروا ما هو المختار. کذلک حکم ربکم العزیز العفّار. ایاکم أن تدعواکم ما هو المنصوص فی اللوح. اتقوا الله یا اولی الأنظار." (بند ۳۰)

حضرت ولی امرالله در ادامه توضیح می‌فرمایند، "باید متوجه بود که مقصد اصلی شریعه الله حکومت جابرانه و استبداد رأی نبوده بلکه اساس آن دوستی و مودت خاضعانه و مشورت آزاد و صمیمانه است"^{۳۷۱}

وظائف روحانی تشکیلات

وظائف روحانی نمایندگان منتخب امرالله را حضرت ولی امرالله در این بیانات مبارکه مطرح فرموده‌اند: "وظائف اعضای محفل امرکردن و تحکم نبوده بلکه مشورت است و آن هم نه تنها مشورت بین خود، بلکه باید هر چه بیشتر ممکن شود با منتخبین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً خود را بمنزله سائلی بدانند که برای معرفی امرالله به طور شایسته و مؤثر انتخاب شده‌اند. آنان نباید هرگز چنین تصور نمایند که بمنزله زینت و زیور هیکل امرالله بوده و فطرتاً از حیث استعداد و یا لیاقت بر دیگران تفوق داشته و یگانه مروّجین تعالیم و مبادی امرالله می‌باشند. آنها باید با کمال خضوع به وظائف خود قیام کرده با فکری آزاد از هر گونه تقید"^{۳۷۲} و از روی نهایت انصاف و وظیفه‌شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تامّ به منافع و مصالح یاران و امرالله و عالم انسانیت چنان همتی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و حمایت واقعی و احترام موکلین خود واقع شوند، بلکه باید قدرشناسی و محبت قلبی آنان را نیز جلب نمایند. و باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط‌طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هرگونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند و و با کمال تدبّر و حکمت احباء را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظریه خود را با آنها در میان نهند و مشکلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت‌جوئی نمایند و چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص تبت و حسن طویت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجه و تبّتل نمایند و با صفای قلب و ایمان کامل و شهامت تامّ ابدای رأی نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند..."^{۳۷۳}

³⁷¹ نظامات بهائی، ص ۵۲ / پیام بهائی، شماره ۱۸۲، ص ۱۷

³⁷² توضیح مترجم: در نظامات بهائی "فکری روشن" آمده، اما در ترجمه پیام ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت‌العدل اعظم خطاب به محفل ملی آمریکا، این قسمت به صورت فوق اصلاح شده است. (پیام بهائی، شماره ۱۸۲، ص ۱۷)

³⁷³ نظامات بهائی، صفحات ۵۳-۵۴

اهمیت مشارکت فردی

وقتی از حضرت ولی امرالله تقاضا شد اوصاف مؤمن حقیقی را برای توجّه محافل روحانیه که عضویت متقاضیان ورود به جامعه بهائی را مدّ نظر قرار می دهند، بیان نمایند، یکی از شرایط اساسی که ایشان تصریح فرمودند، "ارتباط نزدیک با روح و شکل تشکیلات کنونی بهائی در تمام عالم"^{۳۷۴} بود.

امراء و علماء

جمال قدم جلّ ذکراه اعظم در کتاب عهدی می فرمایند «طوبی للامراء والعلماء فی البهاء» حضرت ولیّ امرالله در تویح چهارم نوامبر ۱۹۳۱ درباره این بیان می فرمایند، «علماء در این کور مقدّس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند، ولی رتبه اولی را در تبلیغ حایز. مقصود از امراء اعضاء بیت العدل محلی و ملی و بین المللی است. وظایف هر یکی از این نفوس من بعد معین گردد.»^{۳۷۵}

مراقبت در مقابل سوء رفتار روحانیون

در سال ۱۹۲۷ در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شد، هیکل مبارک چنین خاطر نشان می فرمایند که در گذشته اشخاصی که خود را اعلم و اجلّ می دانستند مایه تفرقه می گردیدند و نفوسی که خود را افضل از کلّ می دانستند، سبب اختلاف گشتند. ولی الحمدلله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علماء و عقلاء را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علماء و افضل فضلاء باشد، میزان نرمودند و امور را به مراکز مخصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومیه مالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند. بل جمیع محافل مقدّسه را در ظلّ یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظلّ محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند.

بیت العدل اعظم این موضوع را بیشتر توضیح می دهند، "از آثار مبارکه حضرت بهاءالله و بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء و تبیینات حضرت ولی امرالله کاملاً واضح و مشهود است که عملکرد صحیح و مناسب جامعه بشری مستلزم حفظ طبقات و مراتب در میان اعضاء است. یاران باید بدون ادنی رشک و حسدی این موضوع را تصدیق نمایند، و نفوسی که حائز رتبه و مقامی هستند هرگز نباید از موقعیت خود سوء استفاده نمایند یا خود را برتر از دیگران محسوب نمایند."

³⁷⁴ نظامات بهائی، ص ۵

³⁷⁵ ارکان نظم بدیع، ص ۱۶۹

تفاوت بین منصوب شدن و برتری جستن

حضرت بهاء الله می فرمایند، «از جمله اتحاد مقام است و او است سبب قیام امر و ارتفاع آن مابین عباد. برتری و بهتری که به میان آمد، عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت. نفوسی که از بحر بیان رحمن آشامیده اند و به افق اعلی ناظرند، باید خود را در یک صُقع و یک مقام مشاهده کنند. اگر این فقره ثابت شود و به حول و قوه الهی محقق گردد، عالم جنت ابهی دیده شود. بلی، انسان عزیز است، چه که در کل آیه حق موجود؛ ولیکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائی است کبیر. طوبی از برای نفوسی که به طراز این اتحاد مزینند و من عندالله موفق گشته اند...»

در ادامه مکتوب بیت العدل اعظم آمده است، «ادب، احترام، متانت، و رعایت مراتب و موفقیتهای دیگران فضائلی است که در هماهنگی و سعادت هر جامعه ای مؤثر است، اما غرور و نخوت و خودبزرگی بینی از جمله مهلک ترین معاصی هستند.

بیت العدل اعظم امیدوارند که کلیه یاران به خاطر داشته باشند که هدف غائی زندگی هر نفسی باید وصول به اعلی مدارج روحانیه باشد، و رضای الهی را کسب کند. مقام روحانی حقیقی هر نفسی عندالله معلوم و مشهود است و با مراتب و مقاماتی که رجال و نساء در بخش های گوناگون جامعه کسب می کنند، تفاوت دارد. هر نفسی که دیده به هدف وصول به رضای الهی دوخته باشد، در کمال ابتهاج و رضایت تام هر مقام یا مأموریتی که در امر الهی به او محول گردد، می پذیرد و از خدمت به ذات الهی در جمیع شرایط قرین انبساط و اهتزاز خواهد شد.»^{۳۷۶}

³⁷⁶ ترجمه - پیام ۲۷ مارس ۱۹۷۸ دارالانشاء خطاب به کلیه محافل روحانی ملی، مندرج در صفحه ۳۷۶ Messages 1963-1986